

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین
علیهما السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است

جهاد با نفس

نویسنده: شیخ حر عاملی رحمۃ اللہ علیہ

مترجم: علی افراسیابی

مقدمه

به نام خدا

کتاب (جهاد النفس) مجموعه گرانسنگ حدیثی (وسائل الشیعه) در نزد عالمان اخلاق از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و آن پاک نهادان همواره تشنه کامان اخلاق اسلامی و سالکان طریق را به خواندن و عمل کردن به این کتاب شریف سفارش می نموده اند، این امر ما را بر آن داشت تا به ترجمه این کتاب که به حق (زنده کننده دلها) و (شناساننده راه نیکبختی) است همت گماریم .

ویژگیهای این اثر

- 1 - از آنجا که این ترجمه برای استفاده عموم است از ذکر سلسله سند احادیث که مورد اعتنا و توجه خواص است ، خودداری گردیده است .
- 2 - احادیث با دقت فراوان اعراب گذاری و به صورت مسلسل شماره گذاری شده است .
- 3 - احادیث در یک طرف و در طرف مقابل دقیقاً ترجمه هر یک آورده شده به گونه ای که به ندرت ترجمه کلمه ای از حدیثی در صفحه بعد جای گرفته است .
- 4 - هیچ یک از احادیث کتاب حذف یا تقطیع نگردیده است و تنها در یک مورد از ذکر حدیثی که در همان باب از یک معصوم دوبار تکرار گردیده است خودداری شده است .
- 5 - آیاتی که در ضمن احادیث آورده شده با قلمی متمایز مشخص گردیده و نشانی هر آیه در زیر صفحه ذکر شده است .

به امید آنکه این ترجمه مایه روشنی چشم دوستداران اهل بیت علیهم السلام و شناخت بیشتر راه و تصحیح اعمال گردد، پدر و مادر مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

غرض نقشی است که کز ما جای که هستی را نمی بینم بقایی

ماند

مگر صاحبدلی روزی ز رحمت کند در حق درویشان دعایی

قم ، بهار 1380

علی افراسیابی

(ابواب جهاد النفس و ما یناسبه) (بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است).

1 - باب وجوبه

1 - باب وجوب با نفس حدیث :

1 - عن ابی عبد الله عليه السلام : ان النبی صلی الله علیه و آله : بعث سریه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاکبر. فقيل يا رسول الله : ما الجهاد الاکبر؟ قال : جهاد النفس .

ترجمه :

1 - از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عده ای را به جنگ فرستاد، چون از جنگ بازگشتند فرمود: آفرین به گروهی که پیکار کوچکتر را سپری کردند و پیکار بزرگتر بر عهده آنان به جای مانده است ، گفته شد: ای فرستاده خدا پیکار بزرگتر چیست ؟ فرمود پیکار با نفس .

حدیث :

2 - قال ابو عبدالله عليه السلام : احمل نفسک لنفسک فان لم تفعل لم یحملك

غیرک .

ترجمه :

2 - امام صادق عليه السلام فرمود: نفست را به خاطر خودت به زحمت و مشقت بیانداز زیرا اگر چنین نکنی دیگری خودش را برای تو به زحمت نمی افکند.

حدیث :

3 - قال ابو عبدالله عليه السلام لرجل : انک قد جعلت طیب نفسک و بین لک

الداء و عرفت آیه الصحه و دلت علی الداء فانظر کیف قیامک علی نفسک .

ترجمه :

3 - امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: تو طبیب خود هستی و بیماری برای تو روشن و آشکار گردیده است و نشانه تندرستی و سلامت را دانسته ای و بر داروی دردت نیز راهنمایی شده ای ، پس بنگر که چگونه به کار نفس خویش می پردازی .

حدیث :

4 - قال ابو عبدالله علیه السلام لرجل : اجعل قلبک قرینا برا و ولدا و اصلا و اجعل علمک و الدا تتبعه و اجعل نفسک عدوا تجاهده و اجعل مالک عاریه تردها.

ترجمه :

4 - امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: قلبت را (برای خودت) به مثابه همدمی مهربان و به منزله فرزندی که با تو دوستی خالصانه دارد قرار ده و دانشت را همچون پدری که از او پیروی می کنی و نفست را همانند دشمنی که با او به پیکار برخاسته ای و مال و دارایی ات را امانت و عاریتی بدان که آن را (باید به صاحبش) برگردانی .

حدیث :

5 - قال و من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : الشدید من غلب نفسه .

ترجمه :

5 - از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: توانمند کسی است که بر نفس خویش چیره شده باشد.

حدیث :

6 - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من لم یکن له واعظ من قلبه و زاجر من نفسه و لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه .

ترجمه :

6 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که اندرز دهنده ای از درون قلب خود و باز دارنده ای از درون جان خود نداشته باشد و همدمی ارشادگر با او نباشد دشمنش (که همان هوای نفس و شیطان است) برگردن او چیره می گردد.

حدیث :

7 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام فی وصیه النبی صلى الله عليه وآله لعلی قال : یا علی افضل الجهاد من اصبح لایهم بظلم احد.

ترجمه :

7 - از امام صادق عليه السلام و از پدرانش که بر همگی درود باد روایت است که فرمود: در سفارش پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی آمده است که فرمود: ای علی! برترین جهاد آن است که کسی صبح کند در حالی که تصمیم ستم نمودن به احدی را نداشته باشد.

حدیث :

8 - عن الصادق عليه السلام قال : من ملک نفسه اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهی و اذا غضب و اذا رضی حرم الله جسده علی النار.

ترجمه :

8 - از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: کسی که در هنگام فریفته شدن به چیزی و هنگام ترس و زمانی که میل به چیزی پیدا می کند و یا خشمگین و یا خوشنود می گردد مالک نفس خویش باشد (خو را نگاه دارد) خداوند بدن او را بر آتش حرام می گرداند.

حدیث :

9 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : ان رسول الله صلى الله عليه وسلم بعث سريه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر قيل يا رسول الله و ما الجهاد الاكبر؟ فقال جهاد النفس . و قال صلى الله عليه وسلم : ان افضل الجهاد من جاهد نفسه التى بين جنبيه .

ترجمه :

9 - در روایت دیگری از امیرالمؤمنین عليه السلام پس از نقل روایتی شبیه به روایت اول این باب آمده است که : رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: برترین جهاد، جهاد کسی است که با نفس درون خویش مجاهده می کند.

حدیث :

10 - و عنه عليه السلام انه قال : المجاهد من جاهد نفسه .

ترجمه :

10 - و از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت است که فرمود: مجاهد کسی است که با نفس خویش مجاهده و مبارزه کند.

2 - باب الفروض على الجوارح وجوب القيام بها 2 - باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن واجبات حدیث :

11 - عن ابی عبدالله عليه السلام (فی حدیث طویل) قال : ان الله فرض الايمان على جوارح ابن آدم و قسمه عليها و فرقها فيها فليس من جوارحه جارحه الا و قد وکلت من الايمان بغير ما وکلت به اختها - الى ان قال - فاما ما فرض على القلب من الايمان فالأقرار و المعرفة و العقد و الرضا و التسليم بان لا اله الا الله وحده لا شريك له الها و احدا لم يتخذ صاحبه و لا ولدا و ان محمدا عبده و رسوله صلى الله عليه وسلم الاقرار بما جاء من عند الله من نبی او کتاب فذلك ما فرض الله

على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو قول الله عزوجل (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان) و قال الا بذكر الله تطمئن القلوب و قال الذين قالوا امنا بافواههم و لم تومن قلوبهم و قال و ان بتدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض الله على اللسان القول و التعبير عن القلب بما عقد عليه و اقر به قال الله تبارك و تعالى اسمه . و قولوا للناس حسنا و قال قولوا آمنا بالذى انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم واحد و نحن له مسلمون فهذا ما فرض الله على اللسان و هو عمله و فرض على السمع ان يتنزه عن الاستماع الى ما حرم الله و ان يعرض عما لا يحل له مما نهى الله عزوجل عنه و الاصغاء الى ما اسخط الله عزوجل فى ذلك و قد نزل عليكم فى الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفر بها و يستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا فى حديث غيره ثم استثنى موضع النسيان فقال و اما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين و قال فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هذا هم الله و اولئك هم اولوا الالباب و قال تعالى قد افلح المومنون الذين هم فى صلاتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و الذين هم للزكاه فاعلون و قال و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه و قال و اذا مروا باللغو مروا كراما فهذا ما فرض الله على السمع من الايمان ان لا يصغى الى ما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان و فرض على البصر ان لا ينظر الى ما حرم الله عليه و ان يعرض عما نهى الله عنه مما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان فقال تبارك و تعالى : (قل للمومنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم) ان ينظروا الى عوارثهم و ان ينظر المرء الى فرج اخيه و يحفظ فرجه ان ينشر اليه و

قال : (قل للمومنات يغضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن) من ان تنظر احدا
هن الى فرج اختها و تحفظ فرجها من ان ينظر اليها و قال : كل شىء فى القرآن
من حفظ الفرغ فهو من الزنا الا هذه الآيه فانها من النظر ثم نظم ما فرض على
القلب و البصر و اللسان فى آيه اخرى فقال : (و ما كنتم تستترون ان يشهد
عليكم سمعكم و لا ابصاركم و لا جلودكم) يعنى بالجلود الفروج و الافخاذ و قال
: (و لا تقف ما ليس لك به علم ان السمع و البصر و الفؤاد كل اولئك كان عنه
مسوولا) فهذا ما فرض الله على العينين من غض البصر و هو عملهما و هو من
الايمان و فرض على اليدين ان لا يبسط بهما الى ما حرم الله و ان يبسط بهما
الى ما امر الله عزوجل و فرض عليهما من الصدقه و صله الرحم و الجهاد فى
السبيل الله و الطهور للصلوات فقال تعالى : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاه
فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا بروسكم و ارجلكم الى
الكعبين) و قال : (فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم
فشدوا الوثاق فاما منا بعد و اما فداء حتى تضع الحرب اوزارها) فهذا ما فرض الله
على اليدين لان الضرب من علاجهما و فرض على الرجلين ان لايمشى بهما اليه
شىء من معاصى الله و فرض عليهما المشى الى ما يرضى الله عزوجل فقال : (و
لا تمش فى الارض مرحا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولاً) و قال :
(و اقصد فى مشيك و اعرض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير) و
قال فيما شهدت به الايدي و الارجل على انفسها و على اربابها من تضييعها لما
امر الله به و فرضه عليها: (اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد
ارجلهم بما كانوا يكسبون) فهذا ايضا مما فرض الله على اليدين و على الرجلين
و هو عملها و هو من الايمان و فرض على الوجه الجسود له بالليل و النهار فى
مواقيت الصلاه فقال : (يا ايها الذين آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و

افعلوا الخير لعلكم تفلحون) فهذه فريضة جامعه على الوجه و اليدين و الرجلين
و قال فى موضع آخر: (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) الى ان قال :
فمن لقي الله حافظا لجوارحه موفيا كل جارحه من جوارحه ما فرض الله عليها
لقى الله عزوجل مستكملا لايمانه و هو من اهل الجنة و من خان فى شىء منها
او تعدى مما امر الله عزوجل فيها لقي الله ناقص الايمان - الى ان قال : - و بتمام
الايمان دخل المومنون الجنة و بالنقصان دخل المفرطون النار.

ترجمه :

11 - از امام صادق عليه السلام در حدیثی طولانی روایت است که فرمود: خداوند
ایمان را بر تمامی اعضای فرزند آدم واجب ساخت و آن را بر اعضای او تقسیم
و در تمامی آنها پخش نمود. پس هیچ عضوی از اعضای وی نیست جز اینکه
ایمانی بر عهده او نهاده شده که آن ایمان غیر از ایمانی است که بر عهده عضو
دیگر قرار داده شده است . سخن امام عليه السلام ادامه دارد تا آنجا که می فرماید: اما
آن ایمانی که بر قلب واجب گشته ، اقرار نمودن و معرفت یافتن و پیمان بستن و
خوشنودی و تسلیم در برابر اینکه هیچ معبودی جز الله نیست او یگانه است و
شریکی ندارد معبودی یکتا که مصاحب و فرزندی ندارد و اینکه محمد
صلى الله عليه وآله وسلم بنده و فرستاده اوست ، و اقرار نمودن به هر پیامبری با کتابی از جانب
خداوند آمده است و این همان اقرار و معرفتی است که خداوند بر قلب واجب
ساخته است و عمل قلب همین است و گفتار خداوند عزوجل که کافران را
کاذب می شمرد (مگر کسی که به زور و اجبار اظهار کفر نموده در حالی که
دلش به ایمان آرمیده است) ⁽¹⁾ ناظر به همین معنا است .

و فرمود: (هان آگاه باشید که دلها با یاد خدا آرام می گیرد) ⁽²⁾ و فرمود: (ای
پیامبر! اندوهناک مباش از آنانی که دهانشان اظهار ایمان می کند ولی دلهاشان

ایمان نیاورده است) (3) و فرمود: (اگر آنچه را که در درونتان است آشکار یا پنهان کنید می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند) (4) پس این همان اعتراف و معرفتی به منزله سر ایمان است. و خداوند بر زبان، گفتن و اقرار نمودن به ایمانی را که قلب نیکی را بر آن پیمان بسته است را واجب نمود، خداوند تبارک و تعالی گوید: (و به مردمان نیکی را بگویید) (5) و فرمود: (بگویید ایمان آوردیم به آنکه بر ما و شما فرستاده شد و معبود ما و شما یکی است و ما مطیع فرمانبر او هستیم) (6) پس این گفتن و اقرار نمودن همان چیزی است که خداوند بر زبان واجب ساخته است و عمل زبان همین است. و خداوند بر گوش واجب ساخت که از گوش فرا دادن به چیزی که خداوند آن را حرام نموده است دوری کند و از شنیدن آنچه که شنیدنش بر او حلال نیست و مورد نهی خداوند عزوجل است خودداری نماید و به آنچه که شنیدنش خدای را خشمگین می کند گوش مسپارد خدای عزوجل در این باره فرموده است: (و به تحقیق در کتاب بر شما چنین فرستاد که هرگاه شنیدید که به آیات خدا کفر ورزیده می شود و آیات الهی به استهزا گرفته می شود پس با آن کافران منشینید تا اینکه به سخن دیگری پردازند.) (7) سپس موردی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنا نموده و فرمود: (و اگر شیطان فراموش ساخت، پس از یاد آمدنت با چنین گروه ستمکاری منشین) (8) و فرمود: (پس بشارت ده بندگان مرا آنانی که به سخن گوش فرا می دهند و از سخن نیکوتر پیروی می کنند، اینان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت فرموده و اینان همان خردمندانند) (9) و فرمود: (به حقیقت که مومنان رستگاران همانها که در نمازشان فروتن و همواره از گفتار و کردار بیهوده گریزانند و زکات مال خویش را می پردازند) (10) و فرمود: (آنان هرگاه بیهوده ای را بشنوند از آن

دوری می‌گزینند) (11) و فرمود: (و هرگاه بر بیهوده ای گذر کنند از کنار آن کریمانه می‌گذرند) (12) پس این همان ایمانی است که خداوند بر گوش واجب ساخته است که به آنچه که بر او حلال نیست گوش ندهد و عمل گوش همین است و این از ایمان است .

و بر چشم واجب ساخت که به آنچه که خداوند بر او حرام نموده نظر نکند و از دیدن آنچه که دیدنش مورد نهی الهی است خودداری کند و عمل چشم این است و این از ایمان است .

خداوند تبارک و تعالی فرمود: (ای پیامبر! به مومنین بگو که دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورت‌هایشان را حفظ کنند) (13) یعنی دیدگان خود را از دیدن عورت‌های دیگران حفظ کند و به عورت برادر خود نظر نکند و عورت خود را نیز از دید دیگران محفوظ دارد. و فرمود: (به زنان مومن بگو دیدگان خود را از دیدن حرام بر بندند و عورت‌هایشان را حفظ کنند) (14) یعنی دیدگان خود را نگه دارند از اینکه یکی به عورت دیگری نظر کند و عورت خود را از تیررس دید دیگران دور نگه دارد.

راوی گوید: حضرت فرمود: هر جایی که در قرآن کریم سخن از حفظ نمودن عورت آمده است مراد حفظ نمودن عورت از زنا است مگر این آیه که مراد حفظ نمودن از نظر است ، سپس آنچه را که خداوند بر قلب و دیده و زبان واجب نموده در آیه دیگری به رشته کشیده است و فرموده : (نمی‌توانید نهان دارید شهادتی را که گوش‌هایتان و دیدگانتان و پوست‌هایتان بر علیه شما می‌دهند) (15) مراد از جلود (پوستها) در این آیه ، عورتها و رانهاست . و فرمود: (از آنچه که به آن علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از هر یک از گوش و دیده و دل پرسیده می‌شود) (16) این آن چیزی است که خداوند بر چشمان واجب ساخته

که این فرو بستن چشم از حرام ، عمل چشم است و این از ایمان است . و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آدمی با دو دست خود به سوی حرام روی نیاورد و به وسیله آن دو در به جای آوردن دستور الهی بکوشد که خداوند بر آن دو اموری را واجب ساخته است از قبیل پرداخت صدقه و ارتباط با خویشاوندان و جهاد در راه خدا و تهیه و استعمال طهور برای نمازها، پس فرمود: (ای ایمان آورندگان هرگاه برای نماز بپاخواستید رویها و دستهایتان را تا مرفقها بشوید و مسح بر سر بکشید و پایهایتان را تا بر آمدگی روی یا مسح کنید)⁽¹⁷⁾ و فرمود: (پس هرگاه در میدان کار زار با کافران روبرو شدید گردنهایشان را بزنید تا آنگاه که زمین گیرشان سازید آنگاه بندهای اسیرانشان را محکم ببندید پس در برابر آزادی آنان یا منتی بر آنان می نهید و یا فدیة از ایشان می ستانید تا زمانی که جنگ بارهای خود را بر زمین نهد)⁽¹⁸⁾ این آن چیزی است که خداوند بر دو دست واجب نموده زیرا زدن کار دستهاست . و خداوند بر دو پا واجب ساخت که به وسیله آن دو به سوی هیچ یک از معاصی نشتابی و واجب کرد که به سوی آنچه که مورد رضایت الهی است گام برداری پس فرمود: (بر روی زمین خرامان و با تکبر گام برنندار زیرا تو هرگز نمی توانی زمین را بشکافی و در بلندی به کوهها نخواستی رسید)⁽¹⁹⁾ و فرمود: (و در راه رفتنت میانه رو باش و آوازت را فروکش که ناخوش ترین آوازه آواز خران است)⁽²⁰⁾ و درباره شهادت دادن دستها و پاها بر علیه خود و صاحب خود که چگونه دستور الهی و واجبات او را ضایع کرده اند فرمود: (امروز بر دهانهایشان مهر می نهیم و دستان آنها با ما سخن گویند و پایهایشان به آنچه که کسب کرده اند گواهی دهند)⁽²¹⁾ پس آنچه که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر دستها و پاها واجب ساخته و عمل دست و پا همین است و آن از ایمان است . و خداوند

بر چهره واجب ساخت که در شب و روز در هنگامه نماز برای او به خاک افتد پس فرمود: (ای ایمان آورندگان رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار خیر انجام دهید باشد که به رستگاری برسید)⁽²²⁾ اینها که گفته شد واجبات چهره و دستان و پاهاست و خداوند در جای دیگری فرموده است که: (سجده گاهها از آن خداست پس با او کسی دیگری را نخوانید)⁽²³⁾

راوی می گوید: حضرت در ادامه فرمود: پس کسی که خداوند را در حالتی ملاقات کند که اعضای خود را حفظ نموده و به واجبات الهی در مورد هر عضوی از اعضایش وفا کرده خداوند عزوجل را با ایمان کامل ملاقات کرده است و او اهل بهشت است اما کسی که در مورد واجبی از واجبات خیانت کرده یا از دستور الهی سرباز زده خداوند را با ایمان ناقص دیدار خواهد کرد. و بدانید که مومنان، با ایمان کامل به بهشت داخل می شوند و کسانی که در انجام واجبات کوتاهی نموده اند با ایمان ناقص به دوزخ وارد می گردند.

حدیث:

12 - عن الحسن بن هارون قال قال لی ابو عبدالله عليه السلام: ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا قال یسال السمع عما سمع و البصر عما نظر الیه و الفواد عما عقد علیه .

ترجمه:

12 - حسن به هارون گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: اینکه خداوند فرموده است: (همانا از گوش و چشم و دل سوال می شود)⁽²⁴⁾ یعنی از گوش درباره آنچه که شنیده است و از چشم درباره آنچه که دیده است و از دل در مورد ایمانی که بر آن پیمان بسته است پرسیده می شود.

حدیث :

13 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : الایمان لایکون الا بعمل و العمل

منه و لایثبت الایمان الا بعمل .

ترجمه :

13 - امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان نمی باشد مگر همراه با عمل و عمل نیز

برخواسته از ایمان است و ایمان فقط با عمل ثابت می شود.

حدیث :

14 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : من اقر بدین الله فهو مسلم و من

عمل بما امر الله به فهو مومن .

ترجمه :

14 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به دین خداوند اقرار و اعتراف کند

مسلمان است و کسی که به آنچه که خداوند به آن امر نموده است عمل کند

مومن است .

حدیث :

15 - ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث انه قال له : ان حیثمه اخبرنا

انه سالک عن الایمان فقلت : الایمان بالله و التصدیق بکتاب الله و ان لا یعصی

الله فقال : صدق حیثمه .

ترجمه :

15 - ابی بصیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : حیثمه به ما خبر داد

که از شما درباره ایمان پرسیده است و شما پاسخ داده اید که : ایمان عبارت

است از: اعتقاد به خدا و تصدیق نمودن به کتاب خدا و نافرمانی نکردن خدا،

حضرت فرمود: آری حیثمه درست گفته است .

حدیث :

16 - عن جمیل بن دراج قال : سالت ابا عبدالله ع عن الايمان فقال :
شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله ص . قال : قلت : اليس هذا
عمل قال : بلى قلت : فالعمل من الايمان قال : لا يثبت له الايمان الا بالعمل و
العمل منه .

ترجمه :

16 - جمیل بن دراج گوید: از امام صادق ع درباره ایمان پرسیدم
حضرت فرمود: ایمان عبارت است از گواهی داده به اینکه هیچ معبودی جز خدا
نیست و اینکه محمد ص فرستاده اوست . جمیل گوید: عرض کردم : آیا این
گواهی دادن ، عمل شمرده می شود؟ حضرت فرمود: آری ، دوباره عرض کردم
: پس عمل از ایمان است ؟ حضرت فرمود: ایمان جز به وسیله عمل برای
شخص ثابت نمی گردد و عمل نیز برخواسته از ایمان است .

حدیث :

17 - محمد بن علی بن الحسین باسناده الی وصیه امیرالمؤمنین ع لولده
محمد به الحنفیه انه قال : یا بنی لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما تعلم فان الله
قد فرض علی جوارحک کلها فرائض یحتج بها علیک یوم القیامه و یسالک عنها
و ذکرها و وعظها و حذرها و ادبها و لم تبرکها سدی فقال الله عزوجل : (و لا
تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا) و
قال عزوجل : (اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافواهکم ما لیس لکم به علم و
تحسبونه هینا و هو عندالله عظیم) ثم استعبدھا بطاعته فقال عزوجل : (یا ایها
الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون) فهذه
فریضه جامعه واجبه علی الجوارح و قال : (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله

احدا) يعنى بالمساجد الوجه و اليدين و الركبتين و الابها مين و قال عزوجل : (و ما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم و لا ابصاركم و لا جلودكم) يعنى بالجلود الفروج ثم حض كل جارحه من جوارحك بفرض و نص عليها ففرض على السمع ان لا يصغى الى المعاصى فقال عزوجل : (و قد نزل عليكم فى الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفر بها و يستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا فى حديث غيره انكم اذا مثلهم) و قال عزوجل : (و اذا رايت الذين يخوضون فى آياتنا فاعرض عنهم حتى يخوضوا فى حديث غيره) ثم استثنى عزوجل موضع النسيان فقال : (و اما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين) و قال عزوجل : (فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب) و قال عزوجل : (و اذا مروا باللغو مروا كراما) و قال عزوجل على السمع و هو عمله و فرض على البصر ان لا ينظر به الى ما حرم الله عليه فقال عزوجل : (قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم) فحرم ان ينظر احد الى فرج غيره و فرض على اللسان الاقرار و التعبير عن القلب ما عقد عليه فقال عزوجل : (و قولوا آمنة باذى انزل الينا) الآيه و قال عزوجل : (و قولوا للناس حسنا) و فرض على القلب و هو امير الجوارح الذى به يعقل و يفهم و يصدر عن امره و رايه فقال عزوجل : (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان) الآيه و قال عزوجل حين اخبر عن قوم اعطوا الايمان بافواههم و لم تؤمن قلوبهم فقال : (الذين قالوا آمنة بافواههم و لم تؤمن قلوبهم) و قال عزوجل : (الا بذكر الله تطمئن القلوب) و قال عزوجل : (و ان تبدوا ما فى انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء) و يعذب من يشاء و فرض على اليدين ان لاتمدهما الى ما حرم الله عزوجل عليك و ان تستعملها بطاعته فقال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهكم

و ایدیکم الی المرافق و امسحوا بروسکم و ارجلکم الی الکعبین) و قال عزوجل : (فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب) و فرض علی ارجلین ان تفتقلهما فی طاعته و ان لا تمشی بهما مشیه عاص فقال عزوجل : (و لا تمش فی الارض مرحا انک لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا کل ذلک کان سیئه عند ربک مکروها) و قال عزوجل : (الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون) فاخبر الله عنها انها تشهد علی صاحبها یوم القیامه فهذا ما فرض الله علی جوارحک فاتق الله یا بنی و استعملها بطاعته و رضوانه و ایاک ان یراک الله تعالی ذکره عند معصيته او یفقدک عنه طاعته فتکون من الخاسرین و علیک بقراءه القرآن و العمل بما فیه و لزوم فرائضه و شرائعه خلاله و حرامه و امره و نهیه و التهجده به و تلاوته فی لیلک و نهارک فانه عهد من الله تبارک و تعالی الی خلقه فهو واجب علی کل مسلم ان ینظر کل یوم فی عهده و لو خمسین آیه و العم ان درجات الجنه علی عدد آیات القرآن فاذا کان یوم القیامه یقال لقاری القرآن اقرا و ارق فلا یكون فی الجنه بعد النبیین و الصدیقین ارفع درجه منه . (و اوصیه طویلہ احدنا منها موضع الحاجه)

ترجمه :

17 - در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه آمده است حضرت فرمود: ای پسر دلبندم! چیزی را که نمی دانی مگو بلکه هر چیزی را هم که می دانی بر زبان میاور زیرا خداوند بر تمامی اعضای تو اموری را واجب ساخته که بوسیله آنها در روز قیامت بر علیه تو حجت و دلیلی می آورد و از تو درباره آنها می پرسد و آنها را پند و نصیحت نموده و بیم داده و ادب آموخته و رها و نگذارده پس فرموده است : (از آنچه که به علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از گوش و چشم و دل سوال می شود)⁽²⁵⁾ و فرمود: (هنگامی که آن را

با زبانهای خود فرا می‌گرفتید و آنچه را که به آن علم و آگاهی نداشتید یا دهانها تان می‌گفتید و این را سهل می‌شمردید در حالی که در نزد خدا بسی بزرگ است) ⁽²⁶⁾ سپس اعضاء و جوارح را به عبادت و فرمانبرداری خود فرا خوانده و فرموده: (ای ایمان آورندگان رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را بپرستید و عمل خیر انجام دهید امید است که به رستگاری برسید) ⁽²⁷⁾ این پرستش خداوند و انجام خیر فریضه ای است که بر تمامی اعضا واجب گشته است. و فرمود: (سجده گاهها از آن خداست پس همراه با خدا، هیچ کس دیگری را نخوانید) ⁽²⁸⁾ مراد از سجده گاهها، صورت و دو دست و زانوها و دو انگشت بزرگ پا است و فرمود: (و نمی‌توانید شهادتی را که گوشهاتان و دیدگانتان و پوستهایتان بر علیه شما می‌دهند را پنهان سازید) ⁽²⁹⁾ مراد از (پوستها) در این آیه عورتها است. سپس خداوند بر هر عضوی از اعضای تو واجبی را اختصاص داده و بر آن تصریح نموده است پس بر گوش واجب ساخت که به معاصی گوش فرا ندهد پس فرمود: (و محققا خداوند در کتاب بر شما چنین فرستاد که هر گاه بشنوید که به آیات الهی کفر ورزیده می‌شود و آیات خدا به مسخره گرفته می‌شود در اینگونه مجلسی با کافران منشینید تا در سخن دیگری وارد شوند اگر چنین نکنید همانند آنان می‌باشید) ⁽³⁰⁾ و فرمود: (هرگاه دیدی کسانی در مورد آیات ما (به انکار و استهزا) غرق در گفتگو شده اند از آنان دوری کن تا درباره سخنی دیگر به گفتگو بنشینند) ⁽³¹⁾ سپس خداوند عزوجل جایی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنا نموده و فرموده است: (و اگر شیطان فراموشت ساخت پس بعد از یادآوری با چنین گروه ستمکاری منشین) ⁽³²⁾ و فرمود: (پس بشارت دهد بندگان مرا، همان بندگان که سخن را می‌شنوند و از نیکوترین سخن پیروی

می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرد و آنان خردمنداند⁽³³⁾ و فرمود: (مومنان هر گاه به امری بیهوده برخورد کنند کریمانه از کنار آن می گذرند)⁽³⁴⁾ و فرمود: (و هرگاه سخنی بیهوده بشنوند از آن دوری می گزیند).⁽³⁵⁾ پس این همان چیزی است که خداوند بر گوش واجب ساخته و عمل گوش همین است و خداوند بر چشم نیز واجب نموده که به چیزی که بر او حرام ساخته نظر نیفکند پس فرمود: (به مومنان بگو دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورت‌هایشان را حفظ کنند)⁽³⁶⁾ پس حرام نمود که کسی به عورت دیگری نگاه کند. و بر زبان واجب نمود که به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود: (و بگویید ایمان آوردیم به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود: (و بگویید ایمان آوردیم به آنچه که بر ما فرو فرستاده شد)⁽³⁷⁾ و فرمود: (و به مردم نیکویی را بگویید)⁽³⁸⁾ و بر قلب که امیر اعضا است و عضوی است که به وسیله آن تعقل و فهم صورت می گیرد و از امر و رای او نتیجه گیری حاصل می گردد نیز واجب ساخت و فرمود: (کافران دروغگویند مگر کسی که به اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است)⁽³⁹⁾ و در آنجا که خبر از گروهی می دهد که ایمان زبانی دارند نه قلبی فرمود: (آنانکه گفتند ایمان آوردیم در حالی که دل‌هایشان ایمان نیاورده بود)⁽⁴⁰⁾ و فرمود: (آگاه باشید که دلها با یاد خدا آرام می گیرد)⁽⁴¹⁾ و فرمود: (اگر آنچه را که در درون دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند به سبب آن از شما حساب می کشد پس هر که را بخواهد می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند)⁽⁴²⁾ و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آن دو را به سوی آنچه که خداوند بر تو حرام نموده دراز نکنی و دو دست را در راه اطاعت خدا به کارگیری پس فرمود: (ای ایمان آورندگان هر گاه برای نماز بر می خیزید

رویه‌ای‌تان و دست‌های‌تان را تا آرنج‌ها بشوید و به سرهاتان مسح بکشید و پایه‌ای‌تان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید⁽⁴³⁾ و فرمود: (هرگاه در میدان کارزار با کافران روبرو شدید گردن‌های‌تان را بزنید)⁽⁴⁴⁾ و خداوند بر پاها واجب ساخت که آن دو را در راه طاعتش به حرکت درآوری و به وسیله آن دو همچون گام زدن شخص عصیانکار گام بر نداری پس فرمود: (پا تکبر و خرامان بر روی زمین گام بر ندار زیرا هرگز زمین را نمی‌توانی بشکافی و در بلندی به کوه‌ها نخواهی رسید همه اینها زشتش در نزد پروردگارت ناپسند است)⁽⁴⁵⁾ و فرمود: (امروز بر دهان‌های‌تان مهر می‌نهم و دست‌های‌تان با ما سخن می‌گویند و پایه‌های‌تان به آنچه که کسب کرده‌اند گواهی خواهند داد)⁽⁴⁶⁾ پس خداوند خبر داده است که پایه‌ها در روز قیامت بر علیه صاحب خود گواهی خواهند داد. پس اینها که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر اعضای تو واجب ساخته است پس از خدا بترس ای فرزندم و اعضای خود را در راه اطاعت و خوشنودی او به کارگیر و بر حذر باش از اینکه خدای تعالی تو را در حال انجام معصیتش ببیند یا تو را در طاعت خویش نیابد پس در نتیجه از زیانکاران باشی و بر تو باد که به خواندن قرآن بپرداز و به آنچه در قرآن است عمل کنی و واجبات و قوانین و حلال و حرام و امر و نهی آن را لازم شمری و با قرآن به شب زنده داری بپردازی و در شب و روز آن را تلاوت کنی زیرا قرآن عهد و پیمانی است از جانب خدای تبارک و تعالی با بندگانش پس بر هر مسلمانی واجب است که در هر روز نظر به این پیمان الهی بیفکند اگر چه به پنجاه آیه آن و بدان که درجات بهشت به عدد آیات قرآن است پس زمانی که روز قیامت شود به قاری قرآن گفته خواهد شد که بخوان و بالا رو پس در بهشت بعد از پیامبران و صدیقان کسی درجه اش بالاتر از درجه قاری قرآن نیست. (مرحوم شیخ حر عاملی

گوید: این وصیتنامه طولانی است که ما موضع حاجت از آن را انتخاب نمودیم
(.

حدیث :

18 - عن علی بن الحسین علیه السلام : قال لیس لک ان تتکلم بما شئت لان الله
يقول : (و لا تقف ما لیس لک به علم) و لیس لک ان تسمع ما شئت لان الله
عزوجل يقول : (ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسولا)
ترجمه :

18 - از امام سجاد علیه السلام روایت است که فرمود: بر تو روا نیست که هر آنچه
خواهی بگویی زیرا خداوند می فرماید: (از آنچه که به آن علم نداری پیروی
مکن) ⁽⁴⁷⁾ و بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی بشنوی زیرا خدای عزوجل می
فرماید: (همانا گوش و چشم و دل همه مورد پرسش واقع خواهند شد) ⁽⁴⁸⁾

1 جهاد با نفس 3 - باب جمله مما ینبغی القیام به من الحقوق الواجبه و

المندوبه

3 - باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است

حدیث :

19 - عن سید العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام قال :
حق الله الاکبر علیک ان تعبدہ و لا تشرک به شیئا فاذا فعلت ذلك باخلاص جعل
لک علی نفسه ان یکفیک امر الدنیا و الاخره و حق نفسک علیک ان تستعملها
بطاعه الله عزوجل و حق اللسان اکرامه عن الخنا و تعویده الخیر و ترک الفضول
التی لافائده لها و الر بالناس و حسن القول فیهم و حق السمع تنزیهه عن سماع
الغبه و سماع ما لا یحل سماعه و حق البصر ان تغضه عما لا یحل لک و تعتبر
بالنظر به و حق یدیک ان لا تبسطهما الی ما لا یحل لک و حق رجلیک ان
لا تمشی بهما الی ما لا یحل لک فبهما تقف علی الصراط فانظر ان لا تنزل بک
فتردی فی النار و حق بطنک ان لا تجعله و عاء للحرام و با تزید علی الشبع و
حق فرجک علیک ان تحصنه من الزنا و تحفظه من ان ینظر الیه و حق الصلاه ان
تعلم انها و فاده الی الله عزوجل و انت فیها قائم بین یدی الله فاذا علمت ذلك
قمت مقام العبد الذلیل الحقیق الراغب الراهب الراجی الخائف المستکین المتضرع
المعظم لمن کان بین یدیہ بالسکون و الوقار و تقبل علیها بقلبک و تقیمها بحدوده
ها و حقوقها و حق الجح ان تعلم انه وفاده الی ربک و فرار الیه من ذنوبک و فیه
قبول توبتک و قضاء الفرض الذی اوجبه الله علیک و حق الصوم ان تعلم انه
حجاب ضربه الله عزوجل علی لسانک و سمعک و بصرک و بطنک و فرجک
یسترک به من النار فان ترک الصوم خرقت ستر الله علیک و حق الصدقه ان
تعلم انها ذخرك عند ربک و دیعتک التی لاتحتاج الی الاشهاد علیها و کنت بما
تستودعه سرا اوثق منك بما تستودعه علانیه و تعلم انها تدفع عنک البلیا و

الاسقام فى الدنيا و تدفع عنك النار فى الاخره و حق الهدى ان تريد به الله عزوجل و لا تريد خلقه و لا تريد به الا التعرض لرحمته و نجاه روحك يوم تلقاه و حق السلطان ان تعلم انك جعلت له فتنه و انه مبتلى فيك بما جعل الله له عليك من السلطان و ان عليك ان لاتعرض لسخطه فتلقى بيدك الى التهلكه و تكون شريكا له فيما ياتى اليك من سوء و حق سائسك بالعلم التعظيم له و التوقير لمجلسه و حسن الاستماع اليه و الاقبال عليه و ان لا ترفع عليه صوتك و لا تجيب احدا يساله عن شىء حتى يكون هو الذى يجيب و لاتحدث فى مجلسه احدا و لا تغتاب عنده احدا و ان تدفع عنه اذا ذكر عندك بسوء و ان تستر عيوبه و تظهر مناقبه و لا تجالس له عدوا و لاتعادى له وليا فاذا فعلت ذلك شهد لك ملائكه الله بانك قصدته و تعلمت علمه الله جل اسمه لا للناس و اما حق سائسك بالملك فان تطيعه و لا تعصيه الا فيما يسخط الله عزوجل فانه لا طاعه لمخلوق فى معصيه الخالق و اما حق رعيتك بالسلطان فان تعلم انهم صاروا رعيتك لضعفهم و قوتك فيجب ان تعدل فيهم و تكون لهم كالوالد الرحيم و تغفر لهم جهلهم و لاتعاجلهم بالعقوبه و تشكر الله عزوجل على ما آتاك من القوه عليهم و اما حق رعيتك بالعلم فان تعلم ان الله عزوجل انما جعلك قيما عليهم فيما آتاك من العلم و فتح لك من خزائنه فان احسنت فى تعليم الناس و لم تخرق بهم لم تضجر عليهم زادك الله من فضله و ان انت منعت الناس علمك او خرقت بهم عند طلبهم العلم منك كان حقا على الله عزوجل ان يسلبك العلم و بهاءه و يسقط من القلوب محلك و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلنا لك سكنا و انسا فتعلم ان ذلك نعمه من الله عزوجل عليك فتكرمها و ترفق بها و ان كان حقك عليها اوجب فان لها عليك ان ترحمها لانها اسيرك و تطعمها و تكسوها و اذا جهلت عفوت عنها و اما حق مملوكك فان تعلم انه

خلق ربك و ابن ابيك و امك و لحمك و دمك لم تملكه لانك صنعته دون الله و لا خلقت شيئا من جوارحه و لا اخرجت له رزقا و لكن الله عزوجل كفاك ذلك ثم سخره لك و ائتمنك عليه و استودعك اياه ليخفظ لك ما تاتيه من خير اليه فاحسن اليه كما احسن الله اليك و ان كرهته استبدلت به ولم تعذب خلق الله عزوجل و لا قوه الا بالله و اما حق امك ان تعلم انها حملتك حيث لا يحمل احد احدا و اعطتكم من ثمره قلبها ما لا يعطى احد احدا و وقتك بجميع جوارحها و لم تبال ان تجوع و تطعمك و تعطش و تسقيك و تعرى و تكسوك و تضحى و تظلك و تهجر النوم لاجلك و وقتك الحر و البرد لتكون لها و انك لا تطيق شكرها الا بعون الله و توفيقه و اما حق ابيك فان تعلم انه اصلك فانه لولاه لم تكن فمهما رايت من نفسك ما يعجبك فاعلم ان اباك اصل النعمه عليك فيه فاحمد الله و اشكره على قدر ذلك و لا قوه الا بالله و اما حق ولدك فان تعلم انه منك و مضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره و انك مسئول عما وليته من حسن الازب و الدلاله على ربه عزوجل و المعونه على طاعته فاعمل في امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه معاقب على الاساءه اليه و اما حق اخيك فان تعلم انه يدك و عزك و قوتك فلا تتخذ سلاحا على معصيه الله و ال عده للظلم لخلق الله و لا تدع نصرته على عدوه و النصيحه له فان اطاع الله و الا فليكن الله اكرم عليك منه و لا قوه الا بالله و اما حق مولاك المنعم عليك فان تعلم انه انفق فيك ماله و اخرجك من ذل الرق و وحشته الى عز الحريه و انسها فاطلقك من اسر الملكه و فك عنك قيد العبوديه و اخرجك من السجن و ملكك نفسك و فرغك لعباده ربك و تعلم انه اولى الخلق بك في حياتك و موتك و ان نصرته عليك واجبه بنفسك و ما احتاج اليه منك و لا قوه الا بالله و اما حق مولاك الذى انعمت عليه فان تعلم ان الله عزوجل جعل عتقك له وسيله

اليه و حجابا لك من النار و ان ثوابك فى العاجل ميراثه اذا لم يكن له رحم
مكافاه لما انفقت من مالك و فى الاجل الجنه و اما حق ذى المعروف عليك فان
تشكره و تذكر معروفه و تكسبه مقاله الحسنه و تخلص له الدعاء فيما بينك و
بين الله عزوجل فاذا فعلت ذلك كنت قد شكرته سرا و علانيه ثم ان قدرت على
مكافاته يوما كافاته و اما حق المودن ان تعلم انه مذكر لك ربك عزوجل و داع
لك الى خطك و عونك على قضاء فرض الله عزوجل عليك فاشكره على ذلك
شكر المحسن اليك و اما حق امامك فى صلاتك فان تعلم انه تقلد السفاره فيما
بينك و بين ربك عزوجل و تكلم عنك و لم تتكلم عنه و دعا لك و لم تدع له
و كفاك هول المقام بين يدي الله عزوجل فان كان نقص كان به دونك و ان كان
تماما كنت شريكه و لم يكن له عليك فضل فوقى نفسك بنفسه و صلاتك
بصلاته فتشكر له على قدر ذلك و اما حق جليسك فان تلين له جانبك و
تنصفه فى مجاراه اللفظ و لا تقوم من مجلسك الا باذنه و من يجلس اليك يجوز
له القيام عنك بغير اذنك و تنسى زلاته و تحفظ خيراته و لا تسمعه الا خيرا و اما
حق جارك فحفظه غائبا و اكرامه شاهدا و نصرته اذا كان مظلوما و لا تتبع له
عوره فان علمت عليه سوء آسرتة عليه و ان علمت انه يقبل نصيحتك نصحته
فيما بينك و بينه و لا تسلمه عند شديدته و ثقيل عثرته و تغفر ذنبه و تعاشره
معاشره كريمه و لا قوه الا بالله و اما حق الصاحب فان تصحبه بالفضل و
الانصاف و تكرمه كما يكرمك و لا تدعه يسبق الى مكرمه فان سبق كافاته و
توده كما يودك و تزجره عما يهيم به من معصيه الله و كن عليه رحمه و لا تكن
عليه عذابا و لا قوه الا بالله و اما حق الشريك فان غاب كافيته و ان حضر رعيته
و لا تحكم دون حكمه و لا تعمل برايك دون مناظرته و تحفظ عليه ماله و لا تخنه
فيما عز او هان من امره فان يدالله تبارك و تعالى على الشريكين ما لم يتخاونا و

لا قوه الا بالله و اما حق مالك فان لا تاخذه الا من حله و لا تنفقه الا فى وجهه و لا توثر على نفسك من لا يحمذك فاعمل به بطاعه ربك و لا تبخل به فتبوء بالحسره و الندامه مع التبعه و لاقوه الا بالله و اما حق غريمك الذى يطالبك فان كنت موسرا اعطيته و ان كنت معسرا ارضيته بحسن القول و رددته عن نفسك ردا لطيفا و حق الخليل ان لا تغره و لا تغشه و لا تخدعه و تتقى الله فى امره و اما حق الخصم المدعى عليك فان كان ما يدعيه عليك حقا كنت شاهده على نفسك و لم تظلمه و اوفيته حقه و ان كان ما يدعى باطلا رفقت به و لم تات فى امره غير الرفق و لم تسخط ربك فى امره و لاقوه الا بالله و حق خصمك الذى تدعى عليه ان كنت محقا فى دعواك اجملت مقاولته و لم تجحد حقه و ان كنت مبطلا فى دعواك اتقيت الله عزوجل و تبت اليه و تركت ادعوى و حق المستشار ان من يعلم و حق المشير عليك ان لا تتهمه فيما لا يوافقك من رايه و ان وافقك حمدت الله عزوجل و حق المستنصح ان تودى اليه النصيحة و ليكن مذهبك الرحمه له و الرفق و حق الناصح ان تلين له جناحك و تصغى اليه بسمعك فان اتى بالصواب حمدك الله عزوجل و ان لم يوافق رحمته و لم تتهمه و علمت انه اخطا و لم تواخذه بذلك الا ان يكون مستحقا للتهمه فلا تعبأ بشىء من امره على حال و لاقوه الا بالله و حق الكبير توقيره لسنه و اجلاله اتقدمه فى الاسلام قبلك و ترك مقابله عند الخصام و لا تسبقه الى طريق و لا تتقدمه و لا تستجهله و ان جهل عليك احتملته و اكرمته لحق الاسلام و حرمة و حق الصغير رحمته (من نوى) تعليمه و العفو عنه و الستر عليه و الرفق به و المعونه له و حق السائل اعطاؤه على قدر حاجته و حق المسئول ان اعطى فاقبل منه بالشكر و المعرفه بفضله و ان منع فاقبل عذره و حق من سرک الله تعالى ان تحمد الله عزوجل اولا ثم تشكره و حق من اساء اليك ان تعفو عنه و ان علمت ان العفو يضر انتصرت

قال الله تعالى : (و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما عليهم من سبيل) و حق اهل ملتک اضمار السلامه و الرحمه لهم و الرفق بمسيئهم و تالفهم و استصلاحهم و شکر محسنهم و کف الاذی عن مسيئهم و تحب لهم ما تحب لنفسک و تکره لهم ما تکره لنفسک و ان تكون شیوخهم بمنزله ابيک و شبابهم بمنزله اخوتک و عجائزهم بمنزل امک و الصغار منهم بمنزله اولادک و حق الذمه ان تقبل منهم ما قبل الله عزوجل منهم و لاتظلمهم ما وفوا الله عزوجل بعهدہ .

ترجمه :

19 - از امام سجاد عليه السلام روایت است که فرمود: حق خدای بزرگ بر تو این است که تنها او را پرستش کنی و چیزی را شریک او به شمار نیاوری پس هرگاه از روی اخلاص و صفای باطن چنین کنی خدای سبحان بر خود لازم می داند که امر دنیا و آخرت را کفایت کند. و حق نفست بر تو این است که آن را در راه فرمانبرداری از خدای عزوجل به کار واداری . و حق زبان این است که او را بزرگتر و شریف تر از آن بدانی که ناسزا گوید و او را به خیر و ترک سخنان زائد و بی فائد و نیکی به مردم و گفتار نیک درباره مردم عادت دهی و حق گوش آن است که او را از شنیدن غیبت و هر آنچه شنیدنش جایز نیست ، پاک سازی . و حق چشم آن است که آن را از دیدن هر آنچه دیدنش بر تو حرام است بر بندی و از راه نظر با دیدگانت عبرت گیری . و حق دستانت این است که آنها را به سوی چیزی که بر تو حلال نیست نگشایی . و حق پایهایت آن است که به وسیله آنها به سوی چیزی که بر تو روا نیست گام بر نداری پس تو با این دو پا بر (صراط) می ایستی پس بنگر تا نلغزی و در آتش فرو نیفتی . و حق شکم بر تو این است که آن را ظرف و جایگاه حرام قرار ندهی و اضافه بر سیری نخوری . و حق عورت تو بر تو این است که آن را از زنا نگه داری و

از اینکه کسی به آن نظر افکند آن را حفظ کنی و حق نماز این است که بدانی نماز ورود بر خدای عزوجل است و تو در نماز در پیشگاه او ایستاده ای پس اگر این را (از صمیم جان) دریابی ایستادنت در برابر او ایستادن بنده ای خوار و کوچک و آرزومند و ترسان و امیدوار و بیمناک و بی چیز و زار خواهد بود و (در این حال) خداوندی را که در برابرش با آرامش و وقار ایستاده ای بزرگ می شمری و با (تمامی) قلبت به نماز روی می آوری و حقوق و حدود آن را به پای می داری. و حق حج این است که بدانی حج واردشدگان بر پروردگار و گریختن از گناهانت به سوی خدایت است و در حج توبه ات پذیرفته است.

و با به جای آوردن حج یکی از واجباتی را که خداوند بر تو واجب ساخته است ادا نموده ای. و حق روزه آن است که بدانی روزه حجابی است که خداوند عزوجل بر زبان و گوش و چشم و شکم و فرج تو نهاده است که با این حجاب تو را از گزند آتش دوزخ می پوشاند پس اگر روزه را ترک کنی گویی پوششی را که خدا بر تو گذارده است پاره کرده ای. و حق صدقه این است که بدانی که صدقه ذخیره توست که در نزد پروردگارت می نهی و ودیعه و امانتی است که به او سپرده ای. امانتی که نیازی به شاهد طلبیدن برای آن نداری و در ودیعه گذاردن آن در پنهانی اعتماد و اطمینان بیشتری داری تا اینکه آن را آشکارا به ودیعت گذاری و باید بدانی که صدقه بلاها و دردها را در دنیا و آتش دوزخ را در آخرت از تو دفع می کند. و حق قربانی آن است که در قربانی نمودن آن تنها رضای خدای عزوجل را قصد کنی نه مردمان را و از آن جز در مسیر رحمت الهی قرار گرفتن و رهایی روح را در روز ملاقات پروردگار قصد نکنی. و حق سلطان این است که بدانی که تو مایه آزمایش و امتحان او قرار داده شده ای و او نیز به خاطر سلطنتی که بر تو یافته گرفتار توست و نباید در معرض

خشم او قرارگیری و با دست خود به هلاکت بیفتی و در نتیجه با او در بدی رساندن به خودت شریک شوی . و حق آن کس که در علم تو را راهبری نموده این است که او را بزرگ شماری و جایگاه نشستنش را نیک سامان دهی و خوب به سخنانش گوش فرا دهی و رو به او داشته باشی و صدایت را بلندتر از صدای او نکنی و به کسی که از او پرسش می کنی پاسخ نگویی تا خود او پاسخش را دهد، در مجلس درس او با کسی سخن نگویی و در نزد او غیبت هیچ کس را نکنی ، اگر در نزد تو از بدی اش گویند از او دفاع کنی و عیبهایش را بیوشانی و فضیلت هایش را آشکار سازی و با دشمن او نشست و برخاست نداشته باشی و با دوستدار او دشمنی نکنی پس اگر چنین کنی فرشتگان الهی به نفع تو گواهی دهند که تو خواهان دانشی و علم را به خاطر خدا آموخته ای نه به خاطر مردم . و اما حق کسی که مالک توست این است که دستورهایش را اطاعت کنی و نافرمانیش نکنی مگر در مواردی که باعث خشم خدای عزوجل است زیرا فرمانبرداری از مخلوق در نافرمانی خالق سزاوار نیست . و اما حق زبردستان تو این است که بدانی آنها به خاطر ناتوانی خود و توانایی تو رعیت تو گشته اند پس واجب است که در بین آنان به عدل رفتار کنی و برای آنان چون پدری مهربان باشی و نادانی آنان را ببخشایی و در کیفر نمودن آنان شتاب نکنی و خدای عزوجل را بر قدرت و تسلطی که بر ایشان به تو داده است سپاسگزار باشی . و اما حق آنانکه سرپرستی علمی ایشان را به عهده داری این است که بدانی خدای عزوجل تو را در آموختن دانشی که به تو عطا فرموده متولی و سرپرست آنان قرار داده و از خزانه علم دری بر تو گشوده پس اگر در تعلیم و آموزش آنان نیک بکوشی و برای آنان دروغ نبافی و از (قدر ناشناسی) آنان ملول و دلتنگ نگردی خداوند از فضل خود بر تو زیادتی (از علم و ایمان

(را عطا می فرماید و اما اگر دانشت را از مردمان دریغ داشتی یا آنگاه که خواهان دانش تو هستند با دروغ بافی آنان را متحیر و سرگردان سازی بر خدای عزوجل سزاوار است که دانش و درخشندگی آن را از تو بگیرد و جایگاهت را در دلها بی اعتبار سازد. و اما حق همسرت این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آسایش و آرامش تو قرار داده و او نعمتی از جانب خدای عزوجل برای توست پس او را گرمی بداری و با او مدارا کنی اگر چه حقی که تو بر او داری بسی لازم تر است پس بر توست که با او به مهربانی رفتار کنی زیرا او اسیر توست و باید او را اطعام نموده و جامه بپوشانی و هرگاه نادانی نمود مورد بخشش قرارش دهی . و اما حق مملوک تو این است که بدانی او نیز آفریده پروردگار توست و فرزند پدر و مادر تو (یعنی فرزند حضرت آدم و حوا است) و گوشت و خون تو است تو مالکش نیستی به این دلیل که تو او را آفریده باشی نه خدا، و تو هیچ یک از اعضای او را نیافریده ای و روزی او را از دل طبیعت تو بیرون نیاورده ای ولی خداوند عزوجل کار او را به تو واگذاشت سپس او را مسخر تو گرداند و تو را بر او امین قرار داد و او را به امانت نزد تو نهاد تا او آنچه از مال و دارایی که تو به او می دهی برایت نگهداری کند، پس تو نیز به او نیکی کن چنانچه خداوند به تو نیکی نموده است و اگر در نظر تو ناپسند است به جای او مملوک دیگری بگیر و مخلوق خدای عزوجل را عذاب مده و هیچ نیرویی نیست مگر به یاری خدا. و اما حق مادرت این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرد که با آن وضعیت کسی دیگری را حمل نمی کند و به تو از میوه قلب خود چیزی را که هیچ کس به کسی دیگری نمی بخشد عطا کرد و با تمامی اعضای خود تو را نگهداری نمود و باکی نداشت از اینکه تو گرسنه شوی و غذایت دهد و تشنه نشوی و سیرآبت کند و عریان

باشی و تو را ببوشاند و آفتاب بر تو بتابد و او سایه بر تو افکند، و به خاطر تو از خواب کناره گرفت . و تو را از گرما و سرما نگاهداشت تا برای او باشی و تو توانایی سپاسگزاری از او را نداری مگر به کمک و توفیق الهی . و اما حق پدرت این است که بدانی او اصل و ریشه توست زیرا اگر او نبود تو نیز نبودی پس هرگاه در خود چیزی دیدی که مایه خود پسندی تو شد بدان که پدرت در آن صفت اصل و ریشه توست پس خدای را سپاس گو و شکرش را به جای آور که هیچ نیرو و جنبشی نیست مگر به اراده الهی . و اما حق فرزندت این است که بدانی او از توست و در این دنیا خیر و شرش منسوب به توست و تو در برابر ادب نیکوی او و راهنمایی او به سوی خدای عزوجل و یاری او بر اطاعت پروردگار مسئول هستی ، پس در مورد او همانند کسی که می داند بر احسان به فرزند ثواب خواهد برد و بر بدی نمودن به او کیفر خواهد دید عمل کن . و اما حق برادرت این است که بدانی او به منزله دست تو و مایه عزت و قدرت توست بنابراین از او به عنوان اسلحه و وسیله ای برای معصیت خداوند و همچنین (پشتیبان و) ساز و برگ برای ستم به خلق خدا استفاده مکن ، در مقابل دشمنش او را تنها مگذار و از نصیحت نمودن و خیر خواهی او کوتاهی مکن ، و اینها در صورتی است که او مطیع خداوند باشد و گرنه باید خداوند در نزد تو ارجمندتر از او باشد و هیچ جنبش و قدرتی نیست مگر به کمک خداوند، و اما حق آقایی که تو را آزاد کرده این است که بدانی او مالش را در راه تو خرج کرده و تو را از ذلت و وحشت بندگی به عزت و آرامش آزادی رسانده است و از اسیری ملکیت تو را رها نموده و بند بندگی را از تو گشوده و تو را از زندان بیرون آورده و تو را مالک خودت نموده و به تو برای عبادت پروردگارت فراغت بخشیده و باید بدانی که او در زندگی و مرگت سزاوارترین و نزدیکترین

مردمان به توست و یاری رساندن به او بر تو واجب است حال چه خودت به یاریش بشتابی و چه آنچه را که از تو احتیاج دارد در اختیارش قرار دهی و هیچ قدرتی نیست مگر به کمک خداوند. و اما حق بنده ای که تو بر او انعام نموده و آزادش ساخته ای این است که بدانی خداوند عزوجل آزادی او را به دست تو وسیله ای به سوی خودش قرار داده و آن را برای تو مایه حجاب گشتن از آتش دوزخ نموده و ثواب این کار تو در دنیا این است که اگر او خویشاوند نداشته باشد ارث او به خاطر انفاقی که بر او نموده ای به تو می رسد و در آخرت نیز بهشت نصیب خواهد شد. و اما حق کسی که به تو احسان و نیکی نموده این است که او را سپاس گویی و نیکی اش را یاد کنی و گفتار نیکو را در مورد او به گوش دیگران برسانی و بین خود و خدای عزوجل و جلیل برای او خالصانه دعا کنی اگر چنین کنی از او در نهان و آشکار قدردانی کرده ای .

سپس اگر روزی توان عوض دادن و جبران خوبی اش را یافتی چنین کن . و اما حق اذان گو این است که بدانی او پروردگار عزیز و جلیل را به یاد تو می آورد و تو را به سوی بهره ات دعوت می کند و تو را بر انجام فریضه ای که خدای عزوجل بر تو واجب ساخته یاری می کند پس بر این کار از او همانند کسی که به تو نیکی روا داشته قدردانی کن . و اما حق کسی که پیشنماز توست این است که بدانی او سفیر بودن بین تو و پروردگارت را به عهده گرفته و سخنگوی توست و تو از جانب او سخن نمی گویی و دعاگوی توست و تو دعایش نمی کنی و تو را از هول و هراس ایستادن در پیشگاه پروردگارت کفایت کرده است ، اگر نقصی باشد به گردن اوست نه تو و اگر نمازش کامل و تمام باشد تو نیز با او شریک هستی و بر تو برتری ندارد با سیر خود تو را نگاه

داشته و با نماز خود نمازت را حافظ گشته پس باید به اندازه خوبی و خدمتی که به تو دارد قدردان و سپاسگوی وی باشی . و اما حق همنشینت این است که با نرمی پذیرای او باشی و در گفتگو با وی انصاف را رعایت کنی و جز با اجازه او از جایت بر نخیزی و او می تواند بدون اجازه تو برخیزد، لغزشهایش را به فراموشی سپار و خوبیهایش را حفظ کن و جز خوبی را به گوش او مرسان . و اما حق همسایه ات این است که در نبود او حفظش کنی و در هنگام حضور اکرامش نمایی و زمانی که مورد ستم قرار می گیرد به یاری اش بشتابی ، عیب او را پیگیری مکن و اگر دانستی که بدی ای دارد بدی اش را بپوشان و اگر دانستی که نصیحت را می پذیرد بین خود و او نصیحتش کن و هنگام سختی او را وا مگذار و از لغزشش درگذر و گنااهش را ببخش و با او به بزرگواری معاشرت کن و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق همدم و هم صحبت این است که با او به مهربانی و انصاف مصاحبت کنی و چنانکه گرامی ات می دارد گرامی اش داری و او را وا مگذار که در کرم نمودن بر تو پیشی گیرد و اگر پیشی گرفت پاداشش را ده و دوستش بدار چنانکه دوستت می دارد و اگر همت به ارتکاب معصیت خدا گماشت بازش دار و برای او مایه رحمت باش نه عذاب و هیچ نیرو و قدرتی نیست جز به کمک خدا. و اما حق شریک این است که اگر غایب شد کارش را تو انجام ده و اگر حاضر باشد رعایت حالش را کن و بدون نظر او تصمیم مگیر (یا در مقابل حکم او، حکم مده) و بدون مشورت او به رای خود عمل مکن و مالش را نگهداری کن و در کار او چه با ارزشش باشد و چه بی ارزشش خیانت روا مدار زیرا دست خداوند تبارک و تعالی تا زمانی که دو شریک به یکدیگر خیانت نکرده اند بر سر آنان است و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق مال و دارایی ات این است که

آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در جای صحیح خرج نکنی و به کسی که از تو قدردانی نمی کند در صورتی که خود نیاز به مالت داری ندهی و او را بر خویشتن مقدم نداری پس به وسیله دارائی ات به طاعت پروردگارت بپرداز و درباره مالت بخل نورز که اگر چنین کنی با حسرت و پشیمانی قرین شوی بعلاوه اینکه عقوبت آن بر گردن تو می ماند و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی الهی . و اما حق بستانکار تو این است که اگر داری به او پرداخت کنی و اگر در سختی هستی او را با سخن خوش راضی کنی و با لطافت و نرمی از پیش خود برگردانی . و حق شریک در حقوق ملک آن است که او را فریب ندهی و خلاف آنچه در دل داری با او ظاهر نسازی و به او خیانت روا نداری و در مورد او از خدا بترسی . و اما حق طرفی که بر علیه تو ادعایی نموده است این است که اگر ادعای او حق است تو خود نیز باید به نفع او و بر علیه خودت شاهد او باشی و به او ستم نکنی و حق او را به طور کامل به او بدهی و اگر ادعای او باطل است با او مدارا کنی و در مورد او جز مدارا کار دیگری نکنی و پروردگارت را به خشم نیاوری و هیچ نیرویی جز به نیروی الهی نیست . و حق طرفی که ادعایی بر او داری این است که اگر در ادعایت حق با تو باشد در گفتگو با وی آرامش را رعایت کن و حق او را انکار مکن و اگر در ادعایت بر حق نیستی ، از خدای عزوجل بترس و به سوی او توبه کن و دعوا را ترک کن . و حق کسی که با تو مشورت می کند این است که اگر دانستی که او رای نیکویی دارد او را به صواب رهنمون باش و اگر نظر او را نیک ندانستی او را به سوی آنچه که می دانی ارشاد کن . و حق کسی که در مشورت تو راهنمایی می کند این است که او را در نظری که موافق نظر تو نیست متهم نسازی و اگر هم رای تو بود خدای عزوجل را سپاس گویی . و حق کسی که از تو طلب

نصیحت کند این است که اندرزش دهی و باید روش تو مهربانی و مدارای با او باشد. و حق نصیحت کننده تو این است که در برابر او متواضع و نرم باشی و به سخنش گوش فرا دهی اگر سخن صوابی با تو گفت ، خدای عزوجل را سپاس گوی و اگر سخنش موافق صواب نبود با او مهربان باش و او را متهم نساز و او را بر خطایش مواخذه نکن مگر اینکه مستحق تهمت باشد به هر حال به سخنش اعتنا مکن و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی خدا. و حق آنکه بزرگتر است این است که او را به خاطر سنش احترام کنی و او را به خاطر اینکه بر تو در مسلمانی پیشی داشته بزرگ شمری و در هنگام مرافعه و مجادله ، مقابله نمودن با او را ترک نمایی و در راه ، در راه رفتن بر او پیشی نگیری و جلو نیفتی و با او نادانی نکنی و اگر با تو نادانی کرد تحملش کنی و او را به خاطر حق مسلمانی و حرمتش اکرام نمایی . و حق خردسال این است که آن کس که می خواهد آموزشش دهد با او مهر ورزد و از خطایش در گذرد و چشم پوشی کند و با او مدارا کند و یاری اش سازد. و حق سائل این است که به قدر نیازش به او عطا کنی و حق کسی که از او چیزی درخواست نموده ای این است که اگر عطا کرد از او با سپاس و قدردانی بپذیر و اگر خودداری کرد عذرش را پذیرا باش . و حق کسی که به خاطر خدای تعالی تو را شادمان نموده این است که اولاً خدای عزوجل را سپاس گویی و سپس از او تشکر کنی . و حق کسی که به تو بدی نموده این است که از او درگذری و اگر دانستی که عفو نمودن او ضرر دارد از او انتقام بگیر خدای تعالی فرموده : (و کسی که انتقام گیرد بعد از ستمی که بر او شده مسئولیتی ندارد) ⁽⁴⁹⁾ و حق همکیشان تو به طور عموم این است که نسبت به آنان حسن نیت و مهربانی داشته باشی و با خطا کارشان مدارا کنی و او را با مهربانی به خویش متمایل سازی و به راه اصلاح در آوری و از

نیکو کارشان قدردانی کنی و گنه کارشان را آزار ندهی و آنچه را که برای خود دوست داری برای آنان دوست بداری و آنچه را که برای خود ناپسند می شمری برای آنان نیز ناپسند بشمری و پیرمردانشان به منزله پدر تو و جوانانشان به منزله برادرت و پیرزنانشان به منزله مادرت و کودکانشان به منزله فرزندان باشند. و حق اهل ذمه این است که آنچه را که خدای عزوجل از آنان پذیرفته تو نیز از آنان بپذیری و تا زمانی که به عهد و پیمان خود وفا دارند به خاطر خدای عزوجل به آنان ستم روا مداری .

4 - باب استحباب ملازمه الصفات الحمیده و استغمالها و ذکر نبذه منها

4 - باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر

تعدادی از آنها

حدیث :

20 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله خص رسوله صلی الله علیه و آله بمکارم الاخلاق فامتحنوا انفسکم فان کانت فیکم فاحمدوا الله و ارغبوا الیه فیه الزیاده منها فذکرها عشره : الیقین و القناعه و الصبر و الشکر و الحلم و حسن الخلق و السخاء و الغیره و الشجاعه و المروءه .

ترجمه :

20 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بزرگواری های اخلاقی را به رسول خود اختصاص داد پس خود را بیازمایید اگر آن مکارم در وجود شما باشد خدای را سپاس گوئید و در طلب زیادی آنها به سوی خدا زاری کنید. پس عدد آنها را ده عدد ذکر کرده است : یقین و قناعت و صبر و شکر و بردباری و خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مردانگی .

حدیث :

21 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام یا علی اوصیک فی نفسک بخصال فاحفظها ثم قال : اللهم اعنه . اما الاولى فالصدق لایخرجن من فیک کذبہ ابدًا و الثانیه الورع لاتجتزئن علی خیانه ابدًا و الثالثه الخوف من الله کانک تراه و الرابعه کثره البکاء من خشیه الله عزوجل بینی لک بکل دمهه بیت فی الجنه و الخامسه بذل مالک و دمک دون دینک و السادسه الاخذ بسنتی فی صلاتی و صیامی و صدقتی اما الصلاه فالخمسون رکعه و اما الصوم فثلاثه ایام فی کل شهر خمیس فی اوله و اربعاء فی وسطه و خمیس فی آخره و اما الصدقه فجهدک حتی یقال اسرفت و لم تسرف و علیک بصلاه و

اللیل و علیک بصلاه اللیل و علیک بصلاه اللیل و علیک بصلاه الزوال و علیک
بقراءه القرآن علی کل خال و علیک برفع یدیک فی الصلاه و تقلیهما علیک
بالمسواک عند کل صلاه علیک بمحاسن الاخلاق فارکیها علیک بمساوی الاخلاق
فاجتنبها فان لم تفعل فلا تلومن الا نفسک .

ترجمه :

21 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی ،
! تو را درباره خودت به داشتن چند خصلت سفارش می کنم اینها را حفظ کن ،
سپس فرمود: خداوندا او را یاری کن . اما خصلت اول راستگویی است مبدا
هرگز دروغی از دهان تو بیرون آید، دوم پارسایی است مبدا هرگز بر خیانت
نمودن دلیر گردی ، سوم ترس از خداست گوئیا تو او را می بینی ، چهارم زیاد
گریستن از خوف خدای عزوجل که به خاطر هر قطره اشکی خانه ای در بهشت
برایت ساخته می شود، پنجم مال و جانت را در مقابل دینت عطا کنی ، ششم در
نماز و روزه و صدقه به سنت من رفتار کنی اما نماز پنجاه رکعت در هر شبانه
روز و اما روزه سه روز در ماه ، پنجشنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماه
و پنجشنبه آخر هر ماه ، و اما صدقه تا می توانی در پرداخت آن بکوش تا
جایی که گفته شود زیاده روی می کنی و تو زیاده روی مکن . بر تو باد به نماز
شب ، نماز شب و بر تو باد به نماز ظهر اول وقت و بر تو باد به
قرائت قرآن در هر حال و بر تو باد به بالا بردن دستانت در نماز و برگرداندن
دو کف به طریقه دعا و بر تو باد به مسواک زدن در هنگام هر نماز و بر تو باد
به کسب اخلاق نیک و بر تو باد به دوری از اخلاق ناپسند، اگر این اموری را
که بر تو شمردم به جای نیاوری پس جز خودت کسی دیگر را سرزنش مکن .

حدیث :

22 - عن جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلی عليه السلام انه قال : يا علی ثلاث من مكارم الاخلاق فی الدنيا و الآخرة ان تعفو عن ظلمک و تصل من قطعک و تحلم عن جهل علیک .
ترجمه :

22 - امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام روایت کند که در وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام چنین آمده است : ای علی ! سه خصلت است که در دنیا و آخرت از بزرگواری های اخلاقی شمرده می شود: اینکه از کسی که به تو ستم نموده در گذری و با کسی که از تو بریده پیوند برقرار کنی و در برابر کسی که با تو نادانی نموده بردباری به خرج دهی .
حدیث :

23 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : المكارم عشر فان استطعت ان تكون فيك فلتكن فانها تكون في الرجل و لاتكون في ولده و تكون في ولده و لاتكون في ابيه و تكون في العبد و لاتكون في الحر صدق الناس و صدق اللسان و اداء الامانه و صله الرحم و اقرء الضيف و اطعام السائل و المكافاه على الصنائع و التذمم للجار و التذمم للصاحب و راسهن الحياء.
ترجمه :

23 - امام صادق عليه السلام فرمود: بزرگواری های اخلاقی ده چیز است ، پس اگر توانایی آن داری که این اخلاق در تو باشد پس اقدام کن زیرا این مکارم گاه باشد که در مرد هست ولی در فرزندش نیست و گاه در فرزند هست و در پدرش نیست و گاه در بنده هست و در آزاد نیست و آنها عبارتند از: راستی با مردمان و راستگویی زبان و امانتداری و پیوند با خویشان و مهمان دوستی و نیکویی نمودن با او و طعام دادن به سائل و پاداش دادن به خاطر انجام کارها و

خودداری از سرزنش همسایه و همنشین ، و سر همه این بزرگواری ها حیا است .

حدیث :

24 - قال امیر المؤمنین علیه السلام : لانسب الاسلام نسبه لم ینسبه احد قبلی و لاینسبه احد بعدی الا بمثل ذک ان الاسلام هو التسليم و التسليم هو الیقین و الیقین هو التصدیق و التصدیق هو الاقرار و الاقرار هو العمل و العمل هو الاداء ان المومن لم یاخذ دینه عن رایه و لکن اتاه من ربه فاخذبه .

ترجمه :

24 - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: جوهره و اصل اسلام را چنان ترسیم و بیان می کنم و که کسی پیش از من چنین بیان ننموده و پس از من نیز جز به همین گونه ای که می گویم کسی (بهتر از) آن را بیان نخواهد کرد: همانا اسلام همان تصدیق نمودن است و تصدیق ، اقرار و اعتراف آوردن (به عبودیت و حقانیت رسول) است و اقرار همان عمل و کردار است و عمل همان به جای آوردن (و به ظهور رسانیدن) است . به راستی که مومن دین خود را از رای و اندیشه خود بر نمی گیرد بلکه به آنچه که از پروردگارش به او رسیده است تمسک جوید.

حدیث :

25 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : الاسلام : عریان فلباسه الحیاء و زینته الوفاء و مروءته العمل الصالح و عماده الورع و لكل شیء اساس و اساس الاسلام حینا اهل البیت .

ترجمه :

25 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اسلام برهنه است و لباس و پوشش آن حیاست و زیور آن وفا و مردانگی آن کار شایسته نمودن و

پایه و ستون آن پارسایی است و هر چیز بنیاد و ریشه ای دارد و ریشه اسلام دوستی ما اهل بیت است .

حدیث :

26 - عن ابی جعفر الثانی علیه السلام عن ابیه عن جدّه قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله خلق الاسلام فجعل له عرصه و جعل له نورا و جعل له حصنا و جعل له ناصرا فاما عرصته فالقرآن و اما نوره فالجمله و اما حصنه فالمعروف و اما انصاره فانا و اهل بیته و شیعتنا .

ترجمه :

26 - امام جواد علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از جدش روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله : همانا خداوند اسلام را آفرید و برای آن میدان و روشنایی و قلعه استوار و یاری کنندگانی قرار داد اما میدان آن قرآن و روشنایی آن حکمت و قلعه آن احسان است و یاری کنندگان اسلام ، من و اهل بیتم و شیعیان ما می باشیم .

حدیث :

27 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انکم لاتکونون صالحین حتی تعرفوا و لاتعرفون حتی تصدقوا و لاتصدقون حتی تسلّموا ابوابا اربعه لایصلح اولها الا بآخرها .

ترجمه :

27 - امام صادق علیه السلام فرمود: شما نیکوکار نمی باشید مگر اینکه شناخت پیدا کنید و شناخت پیدا نمی کنید مگر اینکه تصدیق کنید و تصدیق نمی کنید مگر اینکه تسلیم شوید و اینها چهار باب است (صلاح ، عرفان ، تصدیق و تسلیم) که اولین آنها به سامان نمی آید مگر به سبب آخرین آنها .

حدیث :

28 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ینبغی للمومن ان یکون فیه ثمان خصال : و قورا عند الهزاهز، صبورا عند البلاء، شکورا عند الرخاء، قانعا بما رزقه الله ، لا یظلم الاعذا، و لایتحامل للاصدقاء، بدنه منه فی تغب و الناس منه فی راحه ، ان العلم خلیل المومن و الحلم و زیره و العقل امیر جنوده و الرفق اخوه و البر والده

ترجمه :

28 - امام صادق علیه السلام فرمود: بر مومن سزاوار است که دارای هشت خصلت باشد، در هنگام فتنه ها با وقار و بردبار باشد، هنگام نزول بلا شکیبیا باشد، در هنگام فراخی و ناز و نعمت شکرگزار باشد، به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد، به دشمنان ستم نکند و به دوستان جفا نکند، بدنش از او در سختی و مردم از او در آرامش باشند، همانا دانش دوست مومن و بردباری وزیر اوست و عقل فرمانده لشکریان او و مدارا برادر او و نیکی پدر اوست .

حدیث :

29 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام الاسلام له ارکان اربعه ، التوکل علی الله و تفویض الامر الی الله و الرضا بقضاء الله و التسلیم لامر الله عزوجل .

ترجمه :

29 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اسلام دارای چهار رکن است : توکل بر خدا و واگذاری کار به خداوند و راضی بودن به قضای الهی و تسلیم بودن در مقابل امر خدای عزوجل .

حدیث :

30 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن الایمان فقال : ان الله عزوجل جعل الایمان علی اربع دعائم : علی الصبر و الیقین و العدل و الجهاد فالصبر من ذلك علی اربع شعب : علی الشوق و الاشفاق و الزهد و الترقیب - الی ان قال - و الیقین علی اربع شعب : تبصره الفطنه و تاویل الحکمه و معرفه العبره و سنه الاولین و العدل علی اربع شعب : علی غامض الفهم و غمر العلم و زهره الحکم و روضه الحلم - الی ان قال : - و الجهاد علی اربع شعب : علی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و الصدق فی المواطن و شنان الفاسقین .

ترجمه :

30 - امام باقر علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ایمان سوال شد و حضرت پاسخ دادند: همانا خداوند عزوجل ایمان را بر چهار پایه نهاد: بر صبر و یقین و عدل و جهاد. اما صبر خود بر چهار شاخه است: بر شوق (به بهشت) و ترس (از جهنم) و بی رغبتی به دنیا و انتظار کشیدن (مرگ) تا آنجا که فرمود: و یقین نیز بر چهار شاخه است: بر بینا شن در زیرکی و بازگرداندن (امور به سوی) حکمت و شناختن عبرت و روش پیشینیان. و عدل نیز بر چهار شاخه است: بر فهم دشوار و فرو رفتن در علم و حکم نیکو و (وارد شدن در) سبزه زار بردباری⁽⁵⁰⁾ تا آنجا که فرمود: و جهاد نیز بر چهار شاخه است: بر امر به معروف و نهی از منکر و صداقت و راستی در مواضع و دشمنی با نابکاران .

حدیث :

31 - عن علی به الحسین علیه السلام قال : المومن من ینصت لیسلم و ینطق لیغنم لایحدث امانته الاصدقاء و لایکنتم شهادته من البعداء و لایعمل شیئا من الخیر زیاء و لایترکه حیاء. ان زکی خاف ما یقولون و یستغفر الله لما لا یعلمون ، لایغره قول من جهله و یخاف احضاء ما عمله .

ترجمه :

31 - امام سجاد علیه السلام فرمود: مومن سکوت می کند تا سالم و سلامت بماند و سخن نگوید تا (از گفتگو با دیگران) غنیمت گیرد و شهادتش را از افراد دور (و آشنا) کتمان نمی کند و هیچ کار خیری را ریاکارانه انجام نمی دهد و هیچ کار خوبی را به خاطر حیا ترک نمی کند، اگر ستوده شود از آنچه که درباره اش می گویند بیمناک است و از خداوند به خاطر آنچه که درباره اش نمی دانند طلب مغفرت می کند، گفتار کسی که نسبت به او جاهل است او را نمی فریبد و از اینکه یکایک عملش حفظ و نگاهداری می شود بیمناک است .

حدیث :

32 - عن هشام به الحكم عن ابی الحسن موسی به جعفر علیه السلام فی حدیث طویل قال یا هشام کان امیر المؤمنین علیه السلام یقول :

ما عبدالله بشیء افضل من العقل و ما تم عقل امری حتی تکون فیه خصال شتی : الکفر و الشر منه مامونان و الرشد و الخیر منه مامولان و فضل ماله مبذول و فضل قوله مکفوف ، نصیبه من الدنیا القوت ، لا یشبع من العلم دهره ، الذل احب الیه مع الله من العز مع غیره و یستقل کثیر المعروف من نفسه و یری الناس کلهم خیرا منه و انه شرهم فی نفسه و هم تمام الامر .

ترجمه :

32 - هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: ای هشام! امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: خداوند به هیچ چیز برتر از عقل پرستش نشده است و عقل کسی تمام و کامل نمی شود مگر اینکه در وی چند خصلت باشد، از کفر و بدی او ایمنی حاصل باشد و امید پایداری در راه راست و خیر از او می رود و زیادی مالش بذل و بخشش می شود و

زیادی گفتارش باز داشته می شود، بهره اش از دنیا همان طعامی است که می خورد، در تمام عمرش از علم سیر نمی شود، ذلتی که در راه خدا باشد از عزتی که در راه غیر خدا باشد نزد او دوست داشتنی تر است و فروتنی در نزد او از بلندپایگی محبوبتر است ، احسان کمی را که دیگران انجام می دهند زیاد می شمرد و احسان زیاد خودش را کم به حساب می آورد و همه مردم را از خود بهتر می بیند و خودش را در نفس خود بدترین مردم می داند و اینها تمام آن خصال است .

حدیث :

33 - و عن عده من اصحابنا رفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن له قوه فی دین و حزم فی لین و ایمان فی یقین و حرص فی فقه و نشاط فی هدی و بر فی استقامه و علم فی حلم و کیس فی رفق و سخاء فی حق و قصد فی غنی و تحمل فی فاقه و عفو فی قدره و طاعه لله فی نصیحه و انتهاء فی شهوه و ورع فی رغبه و حرص فی جهاد و صلاه فی شغل و صبر فی شده و فی الهزاهز و قور و فی المکاره صبور و فی الرخاء شکور و لایغتتاب و لایتکبر و لایقطع الرحم و لیس بواهن و لافظ و لا غلیظ و لا یسبقه بصره و لایفضحه بطنه و لایغلبه فرجه و لا یحسد الناس ، یعیر و لا یعیر و لا یسرف ، ینصر المظلوم و یرحم المسکین ، نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحه ، لا یرغب فی عز الدنیا و لایجزع من ذلها، للناس هم قد اقبلوا علیه و له هم قد شغله ، لایری فی حلمه نقص و لا فی رابه و هن و لا فی دینه ضیاع ، یرشد من استشاره و یساعد من ساعده و یکیع عن الخناء الجهل .

ترجمه :

33 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: مومن دارای توانایی در دینداری و ثبات در نرمی و ایمان در یقین و حرص در دریافت دانش و نشاط در هدایت و نیکی در پایداری و دانش در بردباری و زیرکی در مدارا و سخاوت در مسیر حق و میانه روی در هنگام ثروتمندی و تحمل در زمان نداری و عفو در وقت قدرت و فرمانبرداری خدا در پند و اندرز دادن و باز ایستادن از شهوترانی و پارسایی در هنگام خواهش نفس و حرص در جهاد و نماز در وقت گرفتاری و صبر در سختی است و در فتنه ها با وقار و در دشواری ها صبور و در فراخی شکرگزار است و غیبت و درشتخوری و خشن نیست و چشمش بر او پیشی نمی گیرد (یعنی اینگونه نیست که ابتدا نگاه کند و سپس از نگاه خود پشیمان شود بلکه از آغاز نگاه نمی کند) و شکمش او را رسوا نمی کند و عورتش بر او چیره نمی شود و بر مردم حسد نمی ورزد، سرزنش می شود و سرزنش نمی کند و اهل اسراف نیست ، ستمدیده را یاری می کند و بر بیچاره رحم می آورد، نفس او از او در سختی است و مردم از او در راحتی اند، میل به عزت و ارجمندی دنیا ندارد و از ذلت دنیا بی تابی نمی کند، مردم می کوشند که روی آورند و کوشش او در این است که به کار خود (و تهذیب نفس خود) مشغول باشد، در بردباری اش کمبودی نیست و در رای و نظرش سستی راه ندارد و در دینش زیان و خسارت نباشد، کسی را که از او مشورت خواهد راهنمایی می کند و کسی را که از او درخواست کمک کند کمک می کند و از فحش و نادانی ترسان است .

حدیث :

34 - عن امیر المؤمنین علیه السلام فی حدیث انه قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن صفة المومن . فقال : عشرون خصلة فی المومن فان لم تکن فیه لم یکمل ایمانه . ان

من اخلاق المومنين يا على الحاضرون الصلاه و المسارعون الى الزكاه و
المطعمون للمسكين ، الماسحون لراس اليتيم ، المطهرون الطمارهم ، المتزرون
على اوساطهم ، الذين ان حدثوا لم يكذبوا و ان وعدوا لم يخلفوا و ان اوتمنوا لم
يخونوا و ان تكلموا صدقوا، رهبان الليل ، اسد بالنهار، صائمون النهار قائمون
الليل ، لايوذون جارا و لا يتاذى بهم جار، الذين مشيهم على الارض هون و
خطاهم الى بيوت الارامل و على اثر الجنائز. جعلنا الله و اياكم من المتقين .

ترجمه :

34 - در حدیثی از امیرالمؤمنین ع روایت است که حضرت از رسول خدا
ص در مورد اوصاف مومن سوال کرد و پیامبر اکرم ص فرمود: بیست
خصلت در مومن هست که اگر این خصلتها در او نباشد ایمانش کامل نیست .
ای علی! از اخلاق مومنین این است : به نماز (جماعت) حاضر می شوند و به
پرداخت زکات شتاب کننده اند و مسکین را طعام دهند، دست بر سر یتیم کشند،
جامه های کهنه خویش را پاکیزه می کنند دروغ نمی گویند و اگر وعده دهند به
وعده عمل می کنند و اگر در کاری آنان را امین شمرند خیانت نمی کنند و اگر
سخن گویند راست خواهند گفت ، پارسایان شب و شیران روزاند، روز را به
روزه و شب را به قیام می گذرانند، همسایه را آزار نمی دهند و همسایه ای از
آنان رنجیده خاطر نمی شود، به آرامی بر روی زمین قدم بر می دارند و برای
کمک به زنان بی سرپرست و برای تشییع جنازه ها قدم پیش می گذارند.
خداوند ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد.

حدیث :

35 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان شیعه علی علیه السلام كانوا خمض البطون ، ذبل الشفاء، اهل رافه و علم و حلم ، يعرفون بارهبانیه فاعینوا علی ما اتم علیه بالورع و الاجتهاد.

ترجمه :

35 - امام صادق علیه السلام : همانا شیعیان علی علیه السلام شکمهایشان تهی و لبهایشان خشکیده بود، اهل مهربانی و علم و بردباری بودند، به پارسایی شناخته می شدند پس با پرهیزکاری و تلاش ما را بر شیعه بودنتان یاری کنید.

حدیث :

36 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن حلیم لایجهل ، و ان جهل علیه یحلم ، و لایظلم و ان ظلم غفر و لایبخل و ان بخل علیه صبر.

ترجمه :

36 - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن بردباری است که بردباری اش از روی نادانی نیست و اگر با او از روی نادانی و حماقت رفتار شود او بردباری به خرج می دهد و به کسی ستم نمی کند و اگر به او ستمی شد می بخشاید و بخل نمی ورزد و اگر به او بخل ورزیده شد صبر پیشه می کند.

حدیث :

37 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن من طاب مکسبه و حسنت خلیفته و صحت سریرته و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من کلامه و کفی الناس شره و انصف الناس من نفسه .

ترجمه :

37 - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن کسی است که محل کسب روزی اش پاکیزه و خلق و خوی او نیکوست و درونش بی عیب و نقص است و زیادی

دارایی اش را اتفاق می کند و جلو زیاد سخن گفتن خود را می گیرد و شرش را از مردم باز می دارد و در مورد خودش با مردم به انصاف و عدالت رفتار می کند.

حدیث :

38 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیر المؤمنین علیه السلام ، شیعتنا المتبادلون فی ولایتنا، المتحابون فی مودتنا، المتزاورون فی احیاء امرنا، الذین اذا غضبوا لم یظلموا و ان رضوا لم یسرفوا، برکه علی من جاووا سلم لمن خالطوا.

ترجمه :

38 - امام محمد باقر علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که در سایه ولایت ما به یکدیگر بذل و بخشش می کنند، یکدیگر را در راه دوستی ما دوست می دارند، در زنده نمودن امر ما با یکدیگر دید و بازدید می کنند، آنان زمانی که به خشم آیند ستم نمی کنند و اگر خشنود باشند زیاده روی نمی کنند، آنان مایه برکت برای همسایگانشان و مایه صلح و سلامت معاشران خود هستند.

حدیث :

39 - عن فاطمه بنت الحسین بن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ثلاث خصال من کن فیہ استکمل خصال الایمان : اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم یخرجه الغضب من الحق و اذا قدر لم یتعاط ما لیس له .

ترجمه :

39 - از فاطمه دختر حسین بن علی علیه السلام روایت است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سه خصلت است که کسی که این سه خصلت در او باشد خصلتهای ایمان را به طور کامل داراست : هنگامی که خشنود است خوشنودی

اش او را در باطل داخل نمی کند و هنگامی که خشمگین است خشمش او را از راه حق بیرون نمی برد و هنگامی که قدرت و توانایی دارد آنچه را که از آن نیست به ناحق نمی گیرد.

حدیث :

40 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان لاهل الدین علامات يعرفون بها: صدق الحدیث و اداء الامانه و وفاء العهد و صله الارحام و رحمہ الضعفاء و قله المواقعه للنساء - او قال و قله المواتاه للنساء - و بذل المعروف و حسن الجوار و سعه الخلق و اتباع العلم و ما یقرب الی الله - الی ان قال - ان المومن نفسه منه فی شغل و الناس منه فی راحه ، اذا جن علیه اللیل افترش وجهه و سجد لله بمکارم بذنه یناجی الذی خلقه فی فکاک رقبتہ ، الا فهكذا فکونوا.

ترجمه :

40 - امام صادق علیه السلام فرمودند امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا اهل دین نشانه هایی دارند که به آن نشانه ها شناخته می شوند: راستی در گفتار و امانتداری و وفای به پیمان و پیوند با خویشان و مهربانی با ناتوانان و کمی معاشرت و مخالفت با زنان (با اینکه فرمود: کمی جماع با زنان) و بذل احسان و حسن همسایگی و وسعت خلق و پیروی از علم و آنچه که به خدا نزدیک می کند تا اینکه فرمود: همانا مومن نفسش از دست او گرفتار است و مردم از او در راحتی اند، هنگامی که شب بر او می رسد صورتش را بر زمین می گذارد و برای خدا با گرمی ترین اعضای بدن خود به خاک می افتد و با پروردگاری که او را آفریده مناجات می کند که او را از آتش برهاند، آگاه باشید که چنین باشید.

حدیث :

41 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل النبی صلی الله علیه و آله و سلم عن خیار العباد فقال :
الذین اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا بتلوا
صبروا و اذا غضبوا غفروا.

ترجمه :

41 - امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوال شد
که بهترین بندگان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که هرگاه نیکی
کنند شاد می شوند و هنگامی که بدی کنند مغفرت می کنند و هنگامی که به آنان
عطا شود قدردانی می کنند و زمانی که به بلایی دچار شوند صبر پیشه کنند و
هنگامی که خشمگین شوند بیخشانند.

حدیث :

42 - قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : ان خیارکم اولو النهی قیل یا رسول الله : من اولو
النهی ؟ قال : هم اولو الاخلاق الحسنه و الاحلام الرزینه و صلہ الارحام و البرره
بالامهات و الالباء و المتعاهدون للجیران و الیئامی و یطعمون الطعام و یفشون
السلام فی العالم و یصلون و الناس نیام غافلون .

ترجمه :

42 - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بهترین شما خردمندانند. گفته شد: ای رسول خدا
چه کسانی خردمندانند؟ فرمود: آنان صاحبان اخلاق نیکو و عقلهای گرانمایه و
اهل پیوند با خویشاوندان و نیکی به مادران و پدران و رسیدگی کننده به
همسایگان و یتیمان اند و (به مسکینان) طعام می خوراندند و به صورت آشکار
به همگان سلام می کنند و نماز می گذرانند در حالی که مردم در خواب و
غافلند.

حدیث :

43 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان علی بن الحسین علیه السلام يقول : ان المعرفه بکمال دین المسلم ترکه الکلام فیما یعنیه و قله مرأته و حلمه و صبره و حسن خلقه .

ترجمه :

43 - امام صادق علیه السلام می فرماید امام سجاد علیه السلام می فرمود: همانا شناختن اینکه دین مسلمان به کمال رسیده است به چند امر است : ترک سخن نمودنش در امور بیهوده و بی مربوط و کم جدال نمودنش و بردباری اش و شکیبایی اش و خوش خلقی اش .

44 - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من اخلاق المومن الانفاق علی قدر الاقتار و التوسع علی قدر التوسع و انصاف الناس و ابتداوه اياهم بالسلام علیهم .

ترجمه :

44 - امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام فرمود: از اخلاق مومن انفاق نمودن به اندازه نیازمندی و توسعه دادن (به زندگی نیازمندان) به اندازه فراخی (زندگی خود) و رفتار عادلانه با مردم و آغاز نمودن به سلام بر مردم .

حدیث :

45 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : انما المومن من الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی اثم و لا باطل و ان سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و الذی اذا قدر لم تخرجه قدرته الی التعدی الی ما لیس له بحق .

ترجمه :

45 - امام باقر علیه السلام فرمود: مومن کسی است که در هنگام خشنودی ، خوشنودی اش او را در گناه و باطل داخل نکند و اگر به خشم آمد خشمش او

را از گفتن حق بیرون نبرد و در زمانی که قدرت دارد قدرتش او را به تجاوز نمودن به سوی چیزی که حقی در آن ندارد نکشاند.

حدیث :

46 - قال ابو عبدالله عليه السلام : يا مهزم شيعتنا من لا يعدو صوته سمعه و لا شحناوه يديه و لا يمتدح بنا معلنا و لا يجالس لنا عابئا و لا يخاصم لنا قاليا و ان لقي مومنا اكرمه و ان لقي جاهلا هجره - الى ان قال - شيعتنا من لا يهر هرير الكلب و لا يطمع طمع الغراب و لا يسال عدونا و ان مات جوعا.

ترجمه :

46 - امام صادق عليه السلام فرمود: این مهزم! شیعه ما کسی است که صدایش از گوش خودش تجاوز نکند و کینه و دشمنی اش از دستانش تعدی نکند (کینه اش را عملا ابراز و اعمال نکند) و (در زمان تقیه) ما را آشکارا مدح و ثنا نگوید، و در مجالست و همنشینی با ما زبان به عیبجویی نگشاید و یا بی مهری و کینه با ما به مخاصمه و جدال بر نخیزد و اگر با مومنی دیدار کرد او را اکرام کند و اگر با نادانی برخورد نمود از او دوری کند، تا آنجا که فرمود: شیعه ما کسی است که همچون بانگی که سگ از سوز سرما بر می آورد بانگ بزند و حرص و طمعی همچون حرص و طمع کلاغان نداشته باشد و از دشمن ما درخواست و گدایی نکند اگر چه از گرسنگی بمیرد.

حدیث :

47 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال النبی صلى الله عليه وسلم الا اخبرکم باشبهکم بی ؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : احسنکم خلقا و الینکم کنفا و ابرکم بقرابته و اشدکم حبالا خوانه فی دینه و اصبرکم علی الحق و اکظمکم للغیظ و احسنکم عفوا و اشدکم من نفسه انصافا فی الرضا و الغضب .

ترجمه :

47 - امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: آیا به شما در مورد کسی که شبیه ترین شما به من است خبر دهم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! پیامبر فرمود: کسی که اخلاقش نیکوتر و نرمخوتر و نیکی کننده تر به خویشاوندانش باشد و دوستی اش نسبت به برادران دینی از همه بیشتر باشد و صبورترین شما بر حق و فرو خورنده ترین شما خشمش را و نیکوترین شما از نظر عفو و بخشایش باشد و از همه شما در هنگام خوشنودی و خشم انصاف را بیشتر رعایت کند.

حدیث :

48 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال المومن حسن المعونه ، خفيف المئونه ، جيد التدبير لمعيشته و لا يلسع من جحر مرتين .

ترجمه :

48 - امام صادق عليه السلام فرمود: مومن یاری اش نیکو و روزی اش سبک و کم است ، تدبیرش برای زندگی نیکوست و از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نمی شود.

حدیث :

49 - عن الدلهات مولى الرضا عليه السلام قال : سمعت الرضا عليه السلام يقول : لا يكون المومن مومنا حتى يكون فيه ثلاث خصال - الحديث و ذكر فيه - كتمان سره و مداراه الناس و الصبر فى البساء و الضراء.

ترجمه :

49 - دلهاث غلام امام رضا عليه السلام روایت کند که از حضرت شنیدم که می فرموده : مومن مومن نیست مگر اینکه در او سه خصلت باشد سپس حدیث ما

قبل را آورده است و در آن اضافه نموده است : رازش را می پوشاند و با مردمان مدارا می کند و در سختی ها و مشکلات صبر پیشه می سازد.

حدیث :

50 - فی حدیث مرفوع الی النبی ﷺ قال : جاء جبرئیل فقال : یا رسول الله ان الله ارسلنی الیک بهدیه لم یعطها احدا قبلك قال رسول الله ﷺ : ما هی ؟ قال : الصبر و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الرضا و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الزهد و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الاخلاص و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الیقین و احسن منه قلت : و ما هو یا جبرئیل ؟ قال : ان مدرجه ذلك التوکل علی الله عزوجل فقلت : و ما التوکل علی الله ؟ قال : العلم بان المخلوق لا یضر و لا ینفع و لا یعطى و لا یمنع و استعمال الیاس من الخلق فاذا کان العبد كذلك لا یعمل لاحد سوى الله و لم یرج و لم یخف سوى الله و لم یطمع فی احد سوى الله فهذا هو التوکل قلت : یا جبرئیل فما تفسیر الصبر؟ قال : تصبر فی الضراء كما تصبر فی العافیة فلا یشکو حاله عند المخلوق بما یصیبه من البلاء قلت : فما تفسیر القناعه ؟ قال : یقنع بما یصیب من الدنیا یقنع بالقلیل و یشکر الیسیر قلت فما تفسیر الرضا؟ قال الراضی لا یسخط علی سیده اصاب من الدنیا (ام لا یصیب) منها و لا یرضی لنفسه بالیسیر من العمل قلت : یا جبرئیل فما تفسیر الزهد؟ قال : یحب من یحب خالقه و یبغض من یبغض خالقه و یتخرج من حلال الدنیا و لا یلتفت الی حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و یرحم جمیع المسلمین كما یرحم نفسه و یتخرج من حلال الدنیا و لا یلتفت الی حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و یرحم جمیع المسلمین كما یرحم نفسه و یتخرج من الکلام كما یتخرج من المیتة التی قد اشتد ننتها و یتخرج عن حطام الدنیا و زینتها كما یتجنب النار ان یغشاها و ان یقصر امله و

كان بين عينيه اجله قلت ، يا جبرئيل فما تفسير الاخلاص ؟ قال : المخلص الذي الايسال الناس شيئا حتى يجد و اذا وجد رضى و اذا بقى عنده شىء اعطاه فى الله ، فان لم يسال المخلوق فقد اقر الله بالعبوديه و اذا وجد فرضى فهو عن الله راض و الله تبارك و تعالى عنه راض و اذا اعطى الله عزوجل فهو على حد الثقه بربه قلت : فما تفسير اليقين ؟ قال : المومن يعمل لله كانه يراه فان لم يكن يرى الله فان الله يراه و ان يعلم يقينا ان ما اصابه لم يكن ليخطئه و ما اخطاه لم يكن ليصيبه و هذا كله اغصان التوكل و مدرجه الزهد.

ترجمه :

50 - در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که : جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا با هدیه ای نزد تو فرستاده که این چنین هدیه ای به هیچ کس پیش از تو نداده است رسول خدا ﷺ فرمود: آن هدیه چیست ؟ عرض کرد: صبر و نیکوتر از صبر. فرمود: نیکوتر از صبر چیست ؟ عرض کرد: رضا و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از رضا چیست ؟ عرض کرد: زهد و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از زهد چیست ؟ عرض کرد: اخلاص و نیکوتر از آن . فرمود: نیکوتر از اخلاص چیست ؟ عرض کرد: یقین و نیکوتر از یقین . پیامبر می فرماید گفتم : ای جبرئیل ! نیکوتر از یقین چیست ؟ گفت : راه رفتن به آن توکل نمودن بر خدای عزوجل است گفتم : توکل بر خدا چیست ؟ گفت : آگاهی به اینکه ضرر و نفع و عطا و منع هیچ یک به دست مخلوق نیست و نومیدی از مخلوق را در عمل رعایت کند پس هرگاه بنده ای چنین باشد برای هیچ کس غیر از خدا کار نمی کند و امید و بیم ندارد جز از خدا و به هیچ کس جز خدا چشم نمی دوزد پس این معنای توکل است . گفتم : ای جبرئیل ! تفسیر صبر چیست ؟ گفت : در سختی

شکیبایی کند چنانکه در شادی و در تنگدستی شکیبایی کند چنانکه در ثروتمندی و در بلا شکیبایی کند چنانکه در وقت عافیت و تندرستی پس از بلایی که به او رسیده به نزد مخلوق شکوه و شکایت نبرد. گفتم: تفسیر قناعت چیست؟ گفت: به آنچه از دنیا نصیب او گردیده قانع باشد به کم قانع باشد و شکر آن را به جای آورد. گفتم: تفسیر رضا چیست؟

گفت: شخص رضایتمند بر مولای خود خشم نمی گیرد چه به دنیا رسیده باشد چه نرسیده باشد و بر نفس خود به عمل کم خوشنود نیست.

گفتم: ای جبرئیل تفسیر زهد چیست؟ گفت: اینکه دوست بدارد آن کس را که آفریننده اش را دوست دارد و دشمن بدارد آن کس را که آفریننده اش را دشمن می دارد و از حلال دنیا بر خود تنگ بگیرد و به حرام آن توجهی نکند زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش موجب عقابت است و به همه مسلمانان مهربانی کند چنانکه نسبت به خود مهربان است و آنچنانکه از مرداری که بوی گندش زیاد شده است پرهیز می کند از سخن گفتن پرهیزد و همچنانکه از آتشی که او را فرا گیرد دوری می کند از چیزهای پوچ و فانی دنیا و زینت دنیا پرهیز کند و آرزویش را کوتاه کند و اجلش را پیش رو داشته باشد. گفتم: ای جبرئیل! تفسیر اخلاص چیست؟ گفت: مخلص کسی است که هیچ چیز را از مردم درخواست نکند تا خود بیابد و آنگاه که یافت خوشنود باشد و اگر چیزی در نزد او باقی ماند آن را در راه خدا عطا کند پس اگر از مخلوق درخواست نکند به عبودیت خداوند اقرار کرده است. و اگر خواسته خود را یافت و خوشنود بود چنین کسی از خدا خوشنود است و خداوند تبارک و تعالی نیز از او خوشنود است و هنگامی که به خاطر خدای عزوجل عطا می کند چنین کسی در حد اعتماد به پروردگار خویش است.

گفتم : تفسیر یقین چیست ؟ گفت : مومن برای خدا به گونه ای عمل کند
گوئیا او را می بیند که اگر او خدا را نمی بیند خداوند او را می بیند و از روی
یقین و باور بداند که آنچه به او رسیده است ممکن نبود که به او برسد و به خطا
رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده است نمی شد که به او برسد. همه
اینها که گفته شد شاخه های توکل و راه رفتن به سوی زهد است .

5 - باب استحباب التفكير فيما يوجب الاعتبار والعمل 5 - باب استحباب
تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است حدیث :
51 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : نبه بالفكر
قلبك و جاف عن الليل جنبك و اتق الله ربك .

ترجمه :

51 - امام صادق عليه السلام فرمود: امیرالمؤمنین عليه السلام می فرمود: با تفکر نمودن
قلب خود را آگاه کن و شبانگاه پهلوی خود را از بستر خواب دور گردان و
تقوای خداوند که پروردگار توست را پیشه ساز.

حدیث :

52 - عن الحسن الصيقل قال : سألت ابا عبدالله عليه السلام عما يروى الناس (تفكر
ساعه خير من قيام ليله) قلت : كيف يتفكر؟ قال : يمر بالخرابه او بالدار فيقول :
این ساکنوک ؟ این بانوک ؟ ما لک لاتتکلمین ؟

ترجمه :

52 - حسن صیقل گوید: از امام صادق عليه السلام درباره آنچه که مردم روایت
می کنند که : (ساعتی تفکر از قیام یک شب بهتر است) پرسیدم که چگونه باید
تفکر کند؟ فرمود: به ویرانه یا خانه گذر کند و بگوید: کجایند ساکنان تو؟
کجایند سازندگان تو؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی ؟

حدیث :

53 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : افضل العبادہ ادمان التفکر فی اللہ و فی

قدرتہ .

ترجمہ :

53 - امام صادق علیه السلام فرمود، برترین عبادت مداومت نمودن بر تفکر درباره

خداوند و قدرت اوست .

حدیث :

54 - عن معمر بن خلاد قال : سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام يقول : لیس

العبادہ کثرہ الصلاہ و الصوم انما العبادہ التفکر فی امر اللہ عزوجل .

ترجمہ :

54 - معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم کہ می فرمود: عبادت

نماز و روزه زیاد نیست بلکه عبادت تفکر نمودن در کار خدای عزوجل است .

حدیث :

55 - قال ابو عبدالله علیه السلام : التفکر يدعو الی البر و العمل بہ .

ترجمہ :

55 - امام صادق علیه السلام فرمود: تفکر آدمی را بہ سوی نیکی و عمل بہ آن فرا

می خواند.

حدیث :

56 - كتب هارون الرشيد الى ابی الحسن موسى بن جعفر علیه السلام : عظمی و

اوجز. قال : فكتب اليه : ما من شیء تراه عينك الا وفيه موعظه .

ترجمہ :

56 - هارون الرشید به امام موسی بن جعفر علیه السلام نوشت که : مرا موعظه کن و کوتاه سخن گو. راوی گوید: حضرت برای او نوشت : هیچ چیز نیست که چشم تو آن را ببیند جز اینکه در آن موعظه ای نهفته است .
حدیث :

57 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اکثر عباده ابی ذر رحمه الله التفکر و الاعتبار.
ترجمه :

57 - امام صادق علیه السلام فرمود: بیشترین عبادت ابوذر که خدایش رحمت کند تفکر نمودن و عبرت گرفتن بود.
حدیث :

58 - من کتاب ابی عبدالله السیاری صاحب موسی و الرضا علیه السلام قال : سمعته یقول : لیس العباده کثره الصیام و الصلاه و انما العباده الفکر فی الله تعالی .
ترجمه :

58 - از کتاب ابی عبدالله سیاری که مصاحب دو امام موسی کاظم و امام رضا علیه السلام بود روایت است که گوید: از امام معصوم شنیدم که فرمود: عبادت ، زیاد روزه گرفتن و خواندن نماز فراوان نیست بلکه عبادت تفکر نمودن درباره خدای تعالی است .
حدیث :

59 - عن الحسین الصیقل قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : تفکر ساعه خیر من قیام ليله فقال : نعم قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تفکر ساعه خیر من قیام ليله قلت : کیف یتفکر؟ قال : یمر بالدار و الخربه فیقول این بانوک این ساکنوک مالک لاتتکلمین .

ترجمه :

59 - حسین بن صقیل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ساعتی تفکر، از برخواستن و عبادت یک شب با ارزش تر است؟ حضرت فرمود: آری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: ساعتی تفکر نمودن از یک شب قیام نمودن برتر است عرض کردم: چگونه باید تفکر کرد؟ فرمود: باید به خانه و ویرانه گذر کند و بگوید: سازندگان تو و ساکنان تو کجایند؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی؟

6 - باب استحباب التخلق بکمکارم الاخلاق و ذکر جمله منها

6 - باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو

حدیث :

60 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لئحب من کان عاقلا فهما فقیها حلیمما مداریا صبوراً صدوقاً و فیا ان الله عزوجل خص الانبیاء بمکارم الاخلاق فمن کانت فیه فلیحمد الله علی ذلک و من لم تکن فیه فلیتضرع الی الله عزوجل و لیساله ایها قال قلت جعلت فداک و ما هن ؟ قال : هن الورع و القناعه و الصبر و الشکر و الحلم و الحیاء و السخاء و الشجاعه و الغیره و البر و صدق الحدیث و اداء الامانه .

ترجمه :

60 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما کسی را دوست می داریم که خردمند، فهمیده، دارای فهم عمیق در دین، بردبار، مداراکننده، صبور، راستگو و وافادار باشد، خداوند عزوجل اخلاق نیکو را به پیامبران اختصاص داده پس کسی که دارای اخلاق پسندیده است خداوند را بر داشتن آن اخلاق سپاس گوید و کسی که چنین اخلاقی در وجودش نیست باید به درگاه خدای عزوجل تضرع و زاری کند و اخلاق نیکو را از خداوند درخواست کند.
راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم آن اخلاق نیک چیست؟ حضرت فرمود: پارسایی، قناعت، صبر و شکر، بردباری، حیا سخاوت، شجاعت، غیرت، نیکو کاری، راستگویی، امانتداری.

حدیث :

61 - قال رسول الله ﷺ : الا اخبركم بخير رجالكم ؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال : ان خير رجالكم التقى النقى السمح الكفين النقى الطرفين البر بوالديه و لايجلى عياله الى غيره .
ترجمه :

61 - رسول خدا ﷺ فرمود: آیا به شما خبر دهم که بهترین مردان شما چه کسانی هستند؟ گفتیم : آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بهترین مردان شما کسانی هستند که پرهیزکار، پاکیزه ، دارای دستانی بخشنده و با سخاوت ، از طرف پدر و مادر پاکیزه نژاد باشد، نیکی کننده به پدر و مادرش باشد و خانواده اش را مجبور نکند که به دیگری پناه برد.
حدیث :

62 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان الله عزوجل ارتضى لكم الاسلام دينا فاحسنوا صحبتته بالسخاء و حسن الخلق .
ترجمه :

62 - از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: همانا خداوند عزوجل اسلام را به عنوان دین برای شما پسندید پس این دین را با سخاوت و خوش خلقی همراهی و یاری نیکو کنید.
حدیث :

63 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال امير المؤمنين عليه السلام : الايمان اربعة اركان الرضا بقضاء الله و التوكل على الله و تفويض الامر الى الله و التسليم لامر الله .
ترجمه :

63 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ایمان چهار رکن دارد: خوشنودی به قضای الهی و توکل بر خدا و سپردن امر زندگی به خداوند و تسلیم در برابر امر خدا.
حدیث :

64 - عن رجل من بنی هاشم قال اربع من کن فیه کمل اسلامه و ان کان من قرنه الی قدمه خطایا لم ینقضه الصدق و الحیاء و حسن الخلق و الشکر.
ترجمه :

64 - از مردی از بنی هاشم چنین روایت است که فرمود: چهار چیز است که اگر در کسی باشد اسلامش کامل است و اگر چه از سر تا قدمش گناه باشد از قدر و منزلتش کاسته نمی شود: راستی و حیا و خوش خلقی و شکر.
حدیث :

65 - عن حماد بن عثمان قال جاء رجل الی الصادق علیه السلام فقال : یا ابن رسول الله اخبرنی عن مکارم الاخلاق فقال : العفو عن ظلمک و صله من قطعک و اعطاء من حرمک و قول الحق و لو علی نفسک .
ترجمه :

65 - حماد بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! اخلاق نیک را به من خبر ده ، حضرت فرمود: چشم پوشی و گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته و پیوند با کسی که از تو بریده و عطا کردن به کسی که تو را محروم داشته و حق گویی اگر چه بر علیه خودت باشد.
حدیث :

66 - عن جراح المدائنی قال : قال لی ابو عبدالله علیه السلام : الا احثک بمکارم الاخلاق ؟ الصفح عن الناس و مواساه الرجل اخاه فی ماله و ذکر الله کثیرا .
ترجمه :

66 - جراح مدائنی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا جوانمردی ها و خوبی های اخلاقی را برایت بگویم ؟ چشم پوشی و در گذشتن از خطای مردمان و یاری دادن به برادر دینی از نظر مالی و یاد کردن زیاد از خداوند.
حدیث :

67 - عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام انه قال : علیکم بمکارم الاخلاق فان الله عزوجل یحبها و ایاکم و مذام الافعال فان الله عزوجل ینبغضها و علیکم بتلاوه القرآن الی ان قال و علیکم بحسن الخلق فانه ینبغضه درجه الصائم القائم و علیکم بحسن الجوار فان الله جل جلاله امر بذلك و علیکم بالسواک فانه مطهره و سنه حسنه و علیکم بفرائض الله فادوها و علیکم بمحارم الله فاجتنبوها .
ترجمه :

67 - امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به بزرگواری های اخلاقی زیرا خداوند عزوجل اخلاق پسندیده را دوست دارد و از اخلاق نکوهیده پرهیزد زیرا خداوند عزوجل آنها را دشمن می دارد و بر شما باد به تلاوت قرآن ، تا آنجا که فرمود بر شما باد به خوش خلقی زیرا خوش خلقی صاحب خود را به درجه روزه داری که شبها را به عبادت قیام می کند می رساند و بر شما باد به نیکی با همسایگان زیرا خداوند به این امر نموده است و بر شما باد به مسواک زدن زیرا مسواک زدن پاکیزه کننده دهان و سنتی نیکو است و بر شما باد به انجام واجبات الهی و بر شما باد به اجتناب نمودن از حرامهای خداوند.
حدیث :

68 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل وجوها خلقهم من خلقه و ارضه لقتضاء حوائج اخوانهم يرون الحمد مجدا و الله سبحانه يحب مكارم الاخلاق و كان فيما خاطب الله نبيه صلى الله عليه و آله و سلم (انك لعلی خلق عظیم) قال : السخاء و حسن الخلق .

ترجمه :

68 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا برای خداوند بندگان برجسته و شایسته ای وجود دارد که خداوند آنها را همین آفرینش و زمین خود آفریده است و آنان را برای برطرف کردن نیازهای برادران دینی آفریده ، آنان حمد و سپاس را مایه مجد و بزرگی می دانند و خداوند سبحان بزرگواری های اخلاقی را دوست می دارد و در خطاب نمودن به پیامبرش فرموده است : (همانا تو بر اخلاقی بزرگ هستی) ⁽⁵¹⁾ که این اخلاق بزرگ همان سخاوت و خوش خلقی است .

7 - باب وجوب اليقين بالله في الرزق و العمر و النفع و الضر

7 - باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و

نفع ضرر

حدیث :

69 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان امیر المؤمنین علیه السلام یقول : لایجد عبد طعم الایمان حتی یعلم ان ما اصابه لم یکن لیخطئه و ان ما اخطاه لم یکن لیصیبه و ان الضار النافع هو الله عزوجل .

ترجمه :

69 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بداند که آنچه به او رسیده نمی توانست به او نرسد و خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده نمی شد که به او برسد و بداند که زیان رساننده و سوددهنده فقط خدای عزوجل است .

حدیث :

70 - عن صفوان الجمال قال : سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (و اما الجدار فکان لغلामین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما) فقال : اما انه ما کان ذهباً و لافضه و انما کان اربع کلمات لا اله الا الله انا من ایقن بالموت لم یضحک سنه و من ایقن بالحساب لم یفرح قلبه و من ایقن بالتقدر لم یخس الا الله .

ترجمه :

70 - صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی در داستان حضرت خضر علیه السلام پرسیدم که می فرماید: (و اما آن دیوار (که تعمیر نمودم) متعلق به دو کودک یتیم در شهر بود و در زیر آن دیوار گنجی برای آنان

نهفته بود) حضرت فرمود: به راستی که آن گنج طلا و نقره نبود بلکه آن گنج چهار کلمه حکمت بود: هیچ معبودی جز من نیست ، کسی که مرگ را باور داشته باشد در عمر خود نمی خندد، و کسی که حساب را باور داشته باشد دلش شادمان نخواهد بود، و کسی که قضا و قدر الهی را باور کند جز از خدا از هیچ چیز نمی ترسد.

حدیث :

71 - عن ابی عبدالله علیه السلام ان امیر المؤمنین علیه السلام جلس الی حائط مائل یقضى بین الناس فقال بعضهم لا تقعد تحت هذا الحائط فانه معور فقال امیر المؤمنین علیه السلام : حرس امرا اجله فلما قام سقط الحائط و كان امیر المؤمنین علیه السلام مما یفعل هذا و اشباهه و هذا الیقین .

ترجمه :

71 - امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام در زیر دیوار گنجی نشسته بود و در بین مردمان حکم می فرمود، پس برخی از مردم گفتند: در زیر این دیوار منشین که به خاطر رخنه ای که دارد ترسناک است . حضرت فرمود: مرد را اجلس حفظ و نگاهبانی می کند پس از آنجا برخاست و دیوار فرو ریخت . امیر المؤمنین علیه السلام این کار و کارهایی شبیه به این را انجام می داد و این یقین و باور است .

حدیث :

72 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لیس شیء الا و له حد قلت : جعلت فداک فما حد التوکل ؟ قال : الیقین . قلت : فما حد الیقین ؟ قال : ان لا تخاف مع الله شیئا .

ترجمه :

72 - از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه برای آن حدی است روای گوید: عرض کردم فدایت شوم حد توکل چیست؟ فرمود: یقین. عرض کردم: حد یقین چیست؟ فرمود: حد یقین آن است که با وجود خداوند از هیچ چیز نترسی.

حدیث:

73 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال: من صحه یقین المرء المسلم ان لا یرضی الناس بسخط الله و لا یلومهم علی ما لم یوته الله فان الرزق لایسوقه حرص حریص و لا یرده کراهیه کاره و لو ان احدکم فر من رزقه کما یفر من الموت لادرکه رزقه کما یدرکه الموت - ثم قال: - ان الله بعدله و قسطه جعل الروح و الراحة فی الیقین و الرضا جعل الهم و الحزن فی الشک و السخط.

ترجمه:

73 - از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: نشانه سالم بودن یقین شخص مسلمان این است که مردم را با به خشم آوردن خداوند خوشنود نسازد و آنان را بر آنچه که خداوند به آنان عطا نکرده است سرزنش نکند زیرا رزق و روزی را نه حرص حریص به سوی او می کشاند و نه ناخوش داشتن شخص از او باز می دارد و (بدانید که) اگر کسی از شما از روزی خود بگریزد چنانکه از مرگ می گریزد روزی اش او را در می یابد چنانکه مرگ او را در می یابد سپس فرمود: همانا خداوند به عدل و انصاف خود آرامش و راحتی را در یقین و رضا (به داده الهی) قرار داد و اندوه و حزن را در شک و ناخشنودی (از قضای الهی) قرار داد.

حدیث:

74 - عن هشام بن سالم قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العمل القليل الدائم على اليقين افضل عند الله من العمل الكثير على غير يقين .
ترجمه :

74 - هشام بن سالم گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: عمل اندک و بادوام که بر پایه یقین باشد در نزد خداوند از عمل زیاد که بدون یقین باشد برتر است .
حدیث :

75 - عن سعيد بن قيس الهمداني قال نظرت يوما في الحرب الى رجل عليه ثوبان فحركت فرسى فاذا هو امير المؤمنين عليه السلام فقلت يا امير المؤمنين : في مثل هذا الموضع فقال نعم يا سعيد بن قيس انه ليس من عبد الا و له من الله عزوجل حافظ و واقيه معه ملكان يحفظانه من ان يسقط من راس جبل او يقع في بئر فاذا نزل القضاء خليا بينه و بين كل شي ء .
ترجمه :

75 - سعيد بن قيس همدانی گوید: روزی در هنگام جنگ چشمم به مردی افتاد که دو جامه بر داشت (و در هیئت جنگجویان زره بر تن نداشت) اسبم را به سوی او راندم ناگاه دیدم که امیرالمؤمنین عليه السلام است عرض کردم: ای امیرمؤمنان! آیا در مثل چنین مکانی؟! (اینگونه حاضر می شوید) حضرت فرمود: آری ای سعید بن قیس! هیچ بنده ای نیست جز اینکه برای او از جانب خدای عزوجل نگاهبان و نگاهداری هست، همراه با او دو فرشته است که او را از فرو افتادن از کوه یا افتادن در چاه نگهداری می کنند پس زمانی که قضای الهی فرود می آید آن دو فرشته از بین او و هر چیز به کنار می روند.
حدیث :

76 - عن علی بن اسباط قال : سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام يقول : کان فی الكنز الذی قال الله : (و کان تحته کنز لهما) کان فیہ بسم الله الرحمن الرحیم ، عجت لمن ایقن بالموت کیف یفرح ؟ و عجت لمن ایقن بالقدر کیف یحزن ؟
ترجمه :

76 - علی بن اسباط گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: در آن گنجی که خداوند در داستان حضرت خضر و موسی علیه السلام در قرآن از زبان حضرت خضر بیان نمود که (در زیر آن دیوار گنجی بود متعلق به دو کودک یتیم (چنین آمده است: به نام خداوند مهرورز مهربان ، در شگفتم از کسی که مرگ را باور کرده است چگونه شادمانی می کند و در شگفتم از کسی که به قضا و قدر الهی یقین دارد چگونه غمگین می شود.
حدیث :

77 - قیل للرضا علیه السلام انک تتکلم بهذا الکلام و السیف یقطر دما فقال : ان الله و ادیا من ذهب حماه باضعیف خلقه النمل فلو رامه البخاتی لم تصل الیه .
ترجمه :

77 - به امام رضا علیه السلام گفته شد: شما این سخن را می گوئید⁽⁵²⁾ در حالی که از آن شمشیر خون می چکد (یعنی مردم در طلب روزی سخت می کوشند)
حضرت فرمود: برای خداوند وادیی از طلاست که با ضعیف ترین آفریدگانش که مورچه است از آن نگاهبانی می کند که اگر شخص صاحب بخت و اقبال هم آن را طلب کند به آن نخواهد رسید.
حدیث :

78 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : کفی بالاجل حارسا .
ترجمه :

78 - امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: اجل به عنوان نگاهبان برای آدمی بس
است .

8 - باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل

8 - باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن با جهل و

نادانی

حدیث :

79 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل ثم قال له : ادبر فادبر ثم قال : و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الی منک و لا اکملتک الا فیمن احب اما انی ایاک امر و ایاک انهی و ایاک اعاقب و ایاک اثیب .

ترجمه :

79 - امام باقر علیه السلام فرمود: چون خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن گوید، سپس به او فرمود: پیش آی ، پس عقل پیش آمد. سپس فرمود: برگرد، پس او پشت نموده و برگشت ، سپس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را نیافریدم که در نزد من از تو محبوبتر باشد و تو را به صورت کامل قرار نمی دهم مگر در وجود کسی که دوستش دارم . آگاه باش که من تو را امر و نهی می کنم و تو را کیفر و پاداش می دهم .

حدیث :

80 - عن علی علیه السلام قال : هبط جبرئیل علیه السلام علی آدم علیه السلام فقال : یا آدم انی امرت ان اخیرک واحده من ثلاث فاخترها و دع اثنتین فقال له آدم : یا جبرئیل و ما الثلاث فقال : العقل و الحیاء و الدین فقال آدم : انی قد اخترت العقل فقال جبرئیل للحیاء و الدین : انصرفا و دعاه فقالا: یا جبرئیل انا امرنا ان نکون مع العقل حیث کان قال : فشانکما و عرج .

ترجمه :

80 - از علی علیه السلام روایت است که فرمود: جبرئیل علیه السلام بر حضرت آدم علیه السلام فرود آمد و عرض کرد: ای آدم! از جانب خدای به من دستور داده شده که تو را بین یکی از سه چیز مخیر گردانم آن را اختیار کن و آن دو دیگر را واگذار.

پس آدم علیه السلام به او گفت: ای جبرئیل! آن سه چیست؟ جبرئیل علیه السلام گفت: عقل، حیا، دین. آدم علیه السلام فرمود: من عقل را انتخاب می کنم. پس جبرئیل علیه السلام به حیا و دین گفت: برگردید و او را واگذارید، آن دو گفتند: ای جبرئیل! به ما دستور داده شده که همواره هر جا که عقل هست همراه او باشیم. جبرئیل گفت: خودتان می دانید و عروج کرد و به آسمان رفت.

حدیث:

81 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قلت له: ما العقل؟ قال: ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان قال: قلت: فالذی كان فی معاویة؟ قال: تلك النكراء تلك الشیطنه و هی شبيهه بالعقل و لیست بالعقل.

ترجمه:

81 - راوی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عقل چیست؟ فرمود: آنچه که به سبب آن پروردگار مهربان عبادت می شود و به وسیله آن بهشت به دست می آید.

عرض کردم: پس آنچه که در معاویه وجود داشت چه بود؟ فرمود: آن زیرکی و شیطنت بود که به عقل شبیه است و عقل نیست.

حدیث:

82 - عن الحسن بن الجهم قال سمعت الرضا علیه السلام يقول: صدیق کل امری عقله و عدوه جهله.

ترجمه :

82 - حسن بن جهم گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: دوست هر کسی عقل اوست و دشمن هر کس نادانی اوست .

حدیث :

83 - قال ابو عبدالله علیه السلام : من كان عاقلا كان له دين و من كان له دين دخل الجنة .

ترجمه :

83 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که عاقل باشد دین دارد و کسی که دین دارد وارد بهشت خواهد شد.

حدیث :

84 - قال ابو الحسن موسى به جعفر علیه السلام : يا هشام ان الله بشر اهل العقل و الفهم فى كتابه فقال فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب - الى ان قال - يا هشام ان لقمان قال لابنه تواضع للحق تكن اعقل الناس وان الكيس لدى الحق يسير يا بنى ان الدنيا بحر عميق قد غرق فيها عالم كثير فلتكن سفينتك فيها تقوى الله و حشوها الايمان و شراعها التوكل و قيمها العقل و دليلها العلم و سكانها الصبر يا هشام ان لكل شىء دليلا و دليل العقل التفكير و دليل التفكير الصمت و لكل شىء مطيه و مطيه العقل التواضع و كفى بك جهلا ان تركب ما نهيب عنه الى ان قال يا هشام ان الله على الناس حجتين حجه ظاهره و حجه باطنه فاما الظاهره فالرسل و الانبياء و الاثمه و اما الباطنه فالعقول الى ان قال يا هشام كيف يزكو عند الله عملك و انت قد شغلت قلبك عن امر ربك و اطعت هواك على غلبه عقلك يا هشام ان العاقل رضى بالدون من الدنيا مع الحكمه و لم يرض بالدون من الحكمه مع الدنيا

فلذلك ربحت تجارتهم ان العقلاء تركوا فضول الدنيا فكيف الذنوب و ترك الدنيا من الفضل و ترك الذنوب من الفرض يا هشام ان العاقل نظر الى الدنيا و الى اهلها فعلم انها لاتنال الا بالمشقه و نظر الى الاخره فعلم انها لاتنال الا بالمشقه فطلب بالمشقه ابقاهما.

ترجمه :

84 - امام موسى بن جعفر عليه السلام فرمود: ای هشام! خداوند در کتابش عاقلان و فهمیدگان را بشارت داد و فرمود: (پس بشارت ده بندگان مرا، آنان که سخن را می شنوند و از نیکوترین آن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و آنان خردمنداند) ⁽⁵³⁾ ای هشام! لقمان به پسرش گفت: در مقابل حق تواضع و فروتنی کن تا عاقل ترین مردمان باشی و همانا کسی که در برابر حق زیرک باشد کم است. ای پسر من! دنیا دریایی عمیق است که عالمی بسیار در آن غرق گشته اند پس باید در آن دریای ژرف کشتی تو تقوای الهی و دورن آن کشتی ایمان و بادبان آن توکل و متصدی و متولی آن عقل و راهنمای آن دانش و سکان آن شکیبایی می باشد. ای هشام! هر چیزی راهنمایی دارد و راهنمای عقل تفکر است و رهنمای تفکر سکوت است و هر چیزی مرکبی دارد و مرکب عقل تواضع و فروتنی است و برای نادانیت همین بس که بر چیزی سوار شوی که از سوار شدن بر آن نهی شده ای تا آنجا که فرمود: ای هشام! خداوند بر مردمان دو حجت دارد یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی اما حجت ظاهری همان رسولان و پیامبران هستند و اما حجت باطنی عقلهای مردمان است تا آنجا که فرمود: ای هشام! چگونه عمل تو در نزد پروردگارت باز داشته ای و پیرو هوایت که بر عقلت چیره گشته است گردیده ای. ای هشام! همانا خردمند به اندک از دنیا همراه با حکمت باشد خوشنود می گردد و به

اندک از حکمت که همراه با دنیا باشد خوشنود نمی گردد پس به همین خاطر تجارت آنان سودمند است . همانا خردمندان زیادی های دنیا را ترک گفته اند تا چه رسد به گناهان و ترک دنیا ناشی از فضل و برتری است و ترک گناهان واجب است .

ای هشام ! همانا شخص خردمند به دنیا و اهلش می نگرد پس در می یابد که جز با تحمل سختی به دنیا نمی توان رسید و به آخرت می نگرد باز می بیند که جز با تحمل سختی به آن نمی توان رسید پس از بین این دو آن را که باقی تر و ماندگارتر است با مشقت طلب می کند.

حدیث :

85 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : العقل غطاء ستیر و الفضل جمال ظاهر فاستر خلل خلقک بفضلك و قاتل هواک بعقلک تسلّم لک الموده و تظهر لک المحبه .
ترجمه :

85 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: عقل پوششی پوشاننده است و شایستگی زیبایی ای آشکار است پس رخنه هاس طبیعی خودت را با شایستگی ات ببوشان و به کمک عقل خویش با هوان نفست مبارزه کن تا دوستی سالم و خالصانه برایت حاصل و محبت نیز برایت آشکار گردد.

حدیث :

86 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العقل دلیل المومن .

ترجمه :

86 - امام صادق علیه السلام فرمود: عقل راهنمای مومن است .

حدیث :

87 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یا علی لا فقر اشد من الجهل و لامال اعود من العقل .

ترجمه :

87 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : ای علی ! هیچ فقری بدتر از نادانی نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست .

حدیث :

88 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل فقال له : ادبر فادبر فقال : و عزتی و جلالی ما خلقت خلقا هو احب الی منک بک اخذ و بک اعطی و علیک اثیب .

ترجمه :

88 - امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن بگوید سپس به او فرمود: پیش آی ، پس او پیش آمد پس فرمود: برگرد و او پشت نموده و برگشت ، پس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را که در نزد من دوست داشتنی تر از تو باشد نیافریدم ، به سبب تو می گیرم و به سبب تو عطا می کنم و بر اساس تو ثواب و پاداش می دهم .

حدیث :

89 - عن ابی عبدالله علیه السلام : قال خمس من لم یکن فیہ لم یکن فیہ کثیر مستمتع قلت : و ما هی ؟ قال : العقل و الادب و الدین و الجود و حسن الخلق .

ترجمه :

89 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پنج چیز هست که هر کس این پنج چیز در او نیست لذت برخورداری زیادی در وجودش . نخواهد بود.

. راوی می گوید: .عرض کردم : آنها چه هستند؟ حضرت فرمود: عقل و ادب

و دین و بخشش و خوش خلقی .

9 - باب وجوب غلبه العقل علی الشهوه و تخريم العكس

9 - باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

حدیث :

90 - عن الصادق عليه السلام عن آباءه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث المناهى قال : من عرضت له فاحشه او شهوه فاجتنبها مخافه الله عزوجل حرم الله عليه النار و آمنه من الفزع الاكبر و انجز له ما و عده فى كتابه فى قوله تعالى (و لمن خاف مقام ربه جنتان) الا و من عرضت له دنيا و آخره فاختار الدنيا على الاخره لقي الله عزوجل يوم القيامة و ليست له حسنه يتقى بها النار و من اختار الاخره و ترك الدنيا رضى الله عنه و غفر له مساوى عمله .

ترجمه :

90 - از امام صادق عليه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش عليهم السلام و آنان از رسول خدا صلى الله عليه وآله در حدیث مناهى روايت کنند که فرمود: هر کس که گناهی یا امر شهوانی بر او عرضه شود و او از ترس خدای عزوجل از ارتکاب آن خودداری کند خداوند آتش دوزخ را بر او حرام می گرداند و از بی تابى بزرگ روز قیامت او را ایمن می کند و در مورد او به آنچه که در کتابش وعده داده است وفا خواهد کرد خداوند در کتابش فرمود: (و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت باشد) ⁽⁵⁴⁾ آگاه باشید کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند در روز قیامت خدای عزوجل را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به سبب آن از آتش محفوظ بماند ندارد و کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را واگذارد خداوند از او خشنود خواهد شد و بدیهای کردارش را بر او ببخشد.

حدیث :

91 - عن عبدالله بن سنان قال : سألت ابا عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام فقلت : الملائكة افضل ام بنو آدم ؟ فقال : قال امير المؤمنين علي به ابى طالب عليه السلام : ان الله ركب فى الملائكة عقلا بلا شهوه و ركب فى البهائم شهوه بلا عقل و ركب فى بنى آدم كلتيهما فمن غلب عقله شهوته فهو خير من الملائكة و من غلب شهوته عقله فهو شر من البهائم .

ترجمه :

91 - عبدالله بن سنان گوید: از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدم : آیا فرشتگان برترند یا فرزندان آدم ؟ حضرت فرمود: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام فرمود: خداوند در وجود فرشتگان عقل بدون شهوت و در وجود حیوانات شهوت بدون عقل و در وجود انسان هر دو را ترکیب نمود پس کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود از فرشتگان برتر است و کسی که شهوتش بر عقلش غالب آید از حیوانات بدتر خواهد بود.

حدیث :

92 - عن جعفر بن محمد الصادق عن ابیه عن آباءه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : طوبى لمن ترك شهوه حاضره لموعده لم يره .

ترجمه :

92 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و او از پدرانش : روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خوشا به حال کسی که خواهش نفسانی حاضر را به خاطر وعده گاه قیامت که آن را ندیده است ترک کند.

93 - عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : كم من شهوه ساعه اورثت حزنا طويلا .

ترجمه :

93 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چه بسیار خواهش نفسانی لحظه ای که اندوه طولانی و درازی را در پی دارد.

حدیث :

94 - و قال علیه السلام : کم من اكله منعت اكلات .

ترجمه :

94 - و نیز فرمود: چه بسیار یک بار خوردن که آدمی را از خوردن ها باز می دارد.

حدیث :

95 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تعالى : انما اقبل الصلاه لمن تواضع لعظمتی و یکف نفسه عن الشهوات من اجلی و یقطع نهاره بذكری و لا یتعاضم علی خلقی و یطعم الجائع و یکسو العاری و یرحم المصاب و یووی الغریب فذلک یشرق نوره مثل الشمس اجعل له فی الظلمات نورا و فی الجهاله حلما اكلوه بعزتی و استحفظه ملائکتی یدعونی فالبیه و یسألنی فاعطیه فمثل ذلک عندی کمثل جنات عدن لا یسمو ثمرها و لا تتغیر عن حالها.

ترجمه :

95 - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی فرموده است : من نماز را از کسی می پذیرم که در برابر عظمت من فروتنی کند و به خاطر من نفس خود را از شهوات باز دارد و روز خود را به یاد من سپری کند و بر خلق من خودنمایی و بزرگی نکند و گرسنه را طعام دهد و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت زده ترحم آورد و غریب را جای دهد چنین کسی نورش همانند نور خورشید می تابد و من در تاریکی ها نور و در وقت نادانی حلم و بردباری برایش قرار می دهم ، به عزتم او را نگهداری می نمایم و به وسیله فرشتگانم او را حفظ می کنم ،

چنین بندگانی مرا می خوانند و من اجابت می کنم و از من در خواست می کنند
و من عطا می کنم مثل آنان در نزد مانند مثل بهشت جاودان است که میوه
هایش علو و ارتفاع ندارد (اشاره است به تواضع و فروتنی آنان) و دگرگونی
در حالت آن راه ندارد.

10 - باب وجوب الاعتصام بالله

10 - باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی حدیث :

96 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما عبد اقبل قبل ما یحب الله عزوجل اقبل الله قبل ما یحب و من اعتصم بالله عصمه الله و من اقبل الله قبله و عصمه لم یبال لو سقطت السماء علی الارض او كانت نازله نزلت علی اهل الارض فشملتهم بلیه کان فی حزب الله بالتقوی من کل بلیه الیس الله یقول : (ان المتقین فی مقام امین)

ترجمه :

96 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای که به سوی چیزی که خدای عزوجل دوست می دارد روی بیاورد خداوند نیز به سوی چیزی که او دوست می دارد روی می آورد و کسی که چنگ زند خداوند او را حفظ می کند و کسی که خداوند به سوی او روی آورد و او را نگاهداری کند باکی ندارد اگر آسمان بر زمین افتاد یا بلای سختی بر اهل زمین فرود آید و همگی را در برگیرد چنین کسی به سبب پرهیزگاری اش در حزب خدا جای دارد و از هر بلایی در امان است ، آیا خداوند نمی گوید: (همانا پرهیزگاران در مقام امن الهی جای دارند.)

(55)

حدیث :

97 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : او حی الله عزوجل الی داود: ما اعتصم بی عبد من عبادی دون احد من خلقی عرفت ذلک من نیته ثم یکیده السماوات و الارض و من فیهن الا جعلت له المخرج من بینهن و ما اعتصم عبد من عبادی باحد من خلقی عرفت ذلک من نیته الا قطعت اسباب السماوات من یدیه و اسخت الارض من تحته و لم ابال بای واد یهلک .

ترجمه :

97 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی داود علیه السلام وحی فرستاد که : هیچ بنده ای از بندگان من به من چنگ نزده است که این را از نیتش دانسته باشم سپس تمامی آسمانها و زمین و هر که در آنهاست به مکر و کید با او پردازد، جز اینکه راه خروج از کید و مکر آنها را برایش قرار می دهم و هیچ بنده ای از بندگان من به یکی از مخلوق من چنگ نزده است که این را از نیت او دانسته باشم جزء اینکه همه وسیله های آسمانها را از پیش روی او قطع می کنم و زمین را از زیر پای او فرو می برم و باکی ندارم که او در چه دره ای هلاک گردد.

11 - باب وجوب التوکل علی الله و التفویض الیه

11 - باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او حدیث :

98 - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : خرجت حتی انتهیت الی هذا الحائط فاتکات علیه فاذا رجل علیه ثوبان ابیضان ینظر فی تجاه وجهی ثم قال : یا علی بن الحسین ما لی اراک کتیباً حزیناً؟ - الی ان قال - ثم قال : یا علی بن الحسین علیه السلام هل رایت احدا دعا الله فلم یجبهه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا توکل علی الله فلم یکفه ؟ قلت : لا. قال : فهل رایت احدا سال الله قلم یعطه ؟ قلت : لا ثم غاب غنی .

ترجمه :

98 - امام سجاد علیه السلام فرمود: بیرون آمدم تا اینکه به این دیوار رسیدم پس بر آن تکیه زدم ناگاه مردی که دو جامه سفید در برداشت در برابر روی من به من می نگرست . سپس گفت : ای علی به الحسین ! چه شده است مرا که تو را افسرده و غمگین می بینم ؟ تا آنجا که گفت : علی بن الحسین ! آیا کسی را دیده ای که خدای را بخواند و خدا او را اجابت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که بر خدا توکل کند و خدا او را کفایت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که از خدا درخواست کند و خداوند به او عطا نکند؟ گفتم : نه . سپس از جلو چشمان من غائب شد.

حدیث :

99 - ابی عبدالله علیه السلام قال : ان العنی و العز یجولان فاذا ظفرا بموضع التوکل

اوطنا.

ترجمه :

99 - امام صادق علیه السلام فرمود: ثروتمندی و عزت سیر و گردش می کنند پس هرگاه به موضع توکل دست یافتند در همانجا اقامت می گزینند.

حدیث :

100 - عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : سألته عن قول الله عزوجل : (و من یتوکل علی الله فهو حسبه) فقال : التوکل کل علی الله درجات منها ان تتوکل علی الله فی امورک کلها فما فعل بک کنت عنه راضیا تعلم انه لایالوک خیرا و فضلا و تعلم ان الحکم فی ذلک له فتوکل علی الله بتفویض ذلک الیه و ثق به فیها و فی غیرها .

ترجمه :

100 - راوی گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید:

(و کسی که بر خدا توکل کند پس خدا او را بس است) ⁽⁵⁶⁾ حضرت فرمود: توکل نمودن بر خدا دارای درجاتی است یکی از آنها این است که در تمامی کارهایت بر خدا توکل کنی پس هر چه خداوند با تو کند از او خوشنودی زیرا می دانی که او در رساندن خیر و فضل بر تو کوتاهی نمی کند و می دانی که حکم در تمامی امور از آن اوست پس با سپردن تمامی کارهایت به خداوند بر او توکل کن و در همه امور به او اعتماد کن .

حدیث :

101 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اعطی ثلاثا لم یمنع ثلاثا: من اعطی ادعاء اعطی الاجابه و من اعطی الشکر اعطی الزیاده و من اعطی التوکل اعطی الکفایه ثم قال : اتلوت کتابه الله عزوجل ؟ (و من یتوکل علی الله فهو حسبه) و قال : (لئن شکرتم لازیدنکم) و قال : (ادعونی استجب لکم) .

ترجمه :

101 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سه چیز به او داده شده از سه چیز بی بهره نمانده است: کسی که به او دعا عطا شده اجابت هم به او عطا گردیده و کسی که به او شکر داده شده و زیادت هم به او بخشیده شده و کسی که توکل به او عطا گردیده کفایت هم به او عطا شده . سپس فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را تلاوت کرده ای؟ (و کسی که بر خدا توکل کند پس خداوند او را پس است) (57)

(اشاره به فقره سوم) و (اگر شکر کنید بر شما زیادتی می بخشیم) (58) (اشاره به فقره دوم) و (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم) (59) (اشاره به فقره اول).

12 - باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله

12 - باب عدم جواز امید و آرزو داشتن به غیر خدا حدیث :

102 - عن ابی عبدالله علیه السلام : انه قرا فی بعض الكتب ان الله تبارک و تعالی يقول : و عزتی و جلالی و مجدی و ارتفاعی علی عرشی لا قطعن کل مومل من الناس غیری بالیاس و لاکسونه ثوب المذله عند الناس و لانحینه من قربی و لابعده من فضلی . ایومل غیری فی الشدائد و الشدائد بیدی و یرجو غیری و یرقرع بالفکر باب غیری و بیدی مفاتیح الابواب و هی مغلقة و بابی مفتوح لمن دعانی ؟ فمن ذا الذی املنی لنائبه فقطعته دونها؟ و من الذی رجانی لعظیمه فقطعت رجاءه منی ؟ جعلت آمال عبادی عندی محفوظه فلم یرضوا بحفظی و ملات سماواتی ممن لا یمل من تسبیحی و امرتهم ان لا یغلقوا الابواب بینی و بین عبادی فلم ینفقوا بقولی الم یعلم من طرفته نائبه من نوائبی انه لا یملک کشفها احد غیری الا من بعد اذنی ؟ فما لی اراه لاهیا عنی ؟ اعطیته بجودی ما لم یسالنی ثم انتزعتہ عنه فلم یسالنی رده و سال غیری . افترانی ابدا بالعطاء قبل المساله ثم اسال فلا اجیب سائلی ؟ ابخیل انا فیبخلنی عبدی ؟ او لیس الجود و الکریم لی ؟ او لیس العفو و الرحمه بیدی ؟ او لیس انا محل الامال ؟ فمن یقطعها دونی ؟ افلا یخشی الموملون انن یوملوا غیری ؟ فلو ان اهل سماواتی و اهل ارضی املوا جمیعا ثم اعطیت کل واحد منهم مثل ما امل الجمیع ما انتقص من ملکی عضو ذره و کیف ینقص ملک انا قیمه ؟ فیا بوسا للقانطین من رحمتی و یا بوسا لمن عصانی و لم یراقبنی .

ترجمه :

102 - از امام صادق علیه السلام روایت است که حضرت در برخی از کتابها چنین خوانده است که خدای تبارک و تعالی می فرماید: سوگند به عزت و جلالم و

بزرگواری ام و بلندی من بر عرشم که آرزوی هر که را چشم آرزویش به مردم است با نومید نمودنش قطع می کنم و در نزد مردمان جامه ذلت بر او می پوشانم و او را از نزدیکی خودم به کنار می زنم و از فضل خود او را دور می کنم . آیا در سختی ها چشم آرزویش به غیر من دوخته می شود در حالی که سختی ها به دست من است و آیا به غیر من امید دارد و با فکر خود در غیر مرا می گوید در حالی که کلید درهای بسته به دست من است و درگاه من به روی هر که مرا بخواند باز است ؟ پس کیست که در حادثه ای چشم آرزویش به من دوخته بوده و من او را از آرزویش جدا کرده ام ؟ و کیست آنکه در بلای سختی به من امید بسته و من امیدش را از خود بریده ام ؟ من آرزوهای بندگانم را در نزد خود نگه داشته ام و آنان به نگهداری من راضی نیستند و آسمانهایم را از فرشتگانی که تسبیح من خسته نمی شوند پر کرده ام و به آنان امر کرده ام که درهای بین من و بندگانم را نبندند با این وجود بندگانم به گفتار من اعتماد نمی کنند.

آیا کسی که مصیبتی از از مصائب من بر او وارد شده نمی داند که هیچ کس غیر من نمی تواند آن را بر طرف کند مگر بعد از اینکه من اجازه دهم ؟ پس چه شده است که او را می بینم که از من غافل گشته است ؟ با جود و بخشش خودم چیزی را که از من درخواست نکرده است به او عطا کرده ام سپس آن را از او گرفته ام پس او بازگشت آن را از من نخواست و از غیر من آن را درخواست می کند، آیا در مورد من می پنداری که منی که پیش از درخواست عطا می کنم اگر از من درخواست شود سائل خود را اجابت نمی کنم ؟ آیا من بخیل هستم که بنده ام مرا بخیل پندارد؟ آیا جود و کرم از آن من نیست ؟ آیا عفو و رحمت به دست من نیست ؟ آیا من محل (برآورده شدن)

آرزوها نیستیم؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا من محل (برآورده شدن) آرزوها نیستیم؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا آرزو کنندگان از اینکه به غیر من چشم آرزو بسته اند نمی ترسند؟ پس اگر همه اهل آسمانها و زمین من آرزو کنند و من آرزوی همه را برآورده سازم از ملک من به اندازه ذره ای کم نمی شود و چگونه ملکی که من متولی و متصدی آن هستم کم می شود؟ پس ای تیره بختی باد بر نومیدان از رحمت من و ای تیره بختی باد بر کسی که مرا عصیان کند و مراقبت من نباشد.

حدیث :

103 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون) قال : هو قول الرجل لو لا فلان لهلکت و لو لا فلان ما اصبت کذا و کذا و لو لا فلان لضاع عیالی الاتری انه قد جعل لله شریکا فی ملکه یرزقه و یدفع عنه قلت : فیقول ما ذا؟ یقول : لو لا ان من الله علی بفلان لهلکت قال : نعم لا باس بهذا او نحوه .

ترجمه :

103 - از امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای عزوجل (و اکثر آنان به خداوند ایمان نمی آورند جز اینکه مشرکند) ⁽⁶⁰⁾ روایت است که فرمود: مشرک بودن مومن به این است که مردی بگوید: اگر فلانی نبود من هلاک می شدم و اگر فلانی نبود به چنین و چنان نمی رسیدم و اگر فلانی نبود خانواده ام تلف می شد. آیا در این سخنان نمی نگری که برای خداوند شریک قرار داده است شریکی که به او روزی می دهد و از او دفع بلا می کند روای می گوید: عرض کردم : پس چه بگوید؟ آیا بگوید: اگر خداوند به واسطه فلانی بر من منت نمی

نهاد هلاک می شدم؟ حضرت فرمود: آری باکی نیست اگر اینگونه یا شبیه آن
را بگوید.

13 - باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما یزجو و یخاف

13 - باب وجوب جمع بین خوف و رجا و عمل کردن برای آنچه

که به آن امید یا بیم از آن دارد

حدیث :

104 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما کان فی وصیه لقمان ؟ قال :

کان فیها الاعاجیب و کان اعجب ما کان فیها ان قال لابنه : خف الله خیفه لو جئته ببر الثقلین لعذبک و ارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلین لرحمک : ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : کان ابی یقول : لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نو خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا.

ترجمه :

104 - راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در وصیت لقمان به

فرزندش چه جملاتی هست؟ حضرت فرمود: در آن جمله های عجیبی است و از همه عجیب تر آن است که ایشان به فرزندش سفارش کرده: از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبتت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری بر تو رحم آورد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود:

هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر با آن و آن به این سنجیده شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد.

حدیث :

105 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : قوم يعملون بالمعاصی و یقولون : نرجو ، فلا یزالون کذلک حتی یاتیهم الموت فقال : هؤلاء قوم یترجحون فی الامانی کذبوا الیسوا براجین من رجا شیئا طلبه و من حاف من شیء هرب منه .
ترجمه :

105 - راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : گروهی هستند که گناه می کنند و می گویند: امید (به بخشش الهی) داریم ، پس اینان پیوسته چنین اند تا اینکه مرگ به سراغشان می آید. حضرت فرمود: اینها گروهی هستند که به آرزوها گرایش دارند، دروغ می گویند، امیدوار به رحمت الهی نیستند زیرا کسی که به چیزی امید دارد آن را طلب می کند و کسی که از چیزی بیم دارد از آن می گریزد.
حدیث :

106 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان ابی یقول : انه لیس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران نور خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا.
ترجمه :

106 - امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر این با آن و آن با این سنجیده شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد.
حدیث :

107 - ابا عبدالله علیه السلام یقول : لایکون المومن مومنا حتی یکون خائفا راجیا و لایکون خائفا راجیا حتی یکون عاملا لما یخاف و یرجو.
ترجمه :

107 - امام صادق عليه السلام می فرمود: مومن مومن نیست مگر اینکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نمی باشد مگر اینکه آنچه را که از آن می ترسد و آنچه را که به آن امید دارد در عمل رعایت کند.

حدیث :

108 - عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : كان فيما اوصى به لقمان لابنه ان قال يا بين خف الله خوفا لو جئته ببر الثقلين خفت ان يعذبك الله و ارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلين رجوت ان يغفر الله لك .

ترجمه :

108 - امام صادق عليه السلام فرمود: در وصیت لقمان به پسرش آمده است که : ای پسرکم ! از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری عقوبتت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری تو را شامل مغفرت خود گرداند.

حدیث :

109 - قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : ارج الله رجاء لايجرئك على معصيه و خف الله خوفا لا يويسك من رحمته .

ترجمه :

109 - امام صادق عليه السلام فرمود: به خداوند امیدوار باش امیدی که تو را بر انجام معصیتش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش بیمی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند.

حدیث :

110 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : في خطبه له : يدعى بزعمه انه يرجو الله ، كذب و العظیم ، ما له لا يتبين رجاءه في عمله ؟ و كل راج عرف رجاءه في

عمله الا رجاء الله فانه مدخول و كل خوف محقق الا خوف الله فانه معلول ،
برجو الله فى الكبير و يرجو العباد فى الصغير، فيعطى العبد ما لا يعطى الرب ، فما
بال الله جل ثناوه يقصر به عما يصنع لعباده ؟ اتخاف ان تكون فى رجائك له
كاذبا او يكون لا يراه للرجاء موضعا؟ و كذلك ان هو خاف عبدا من عبیده اعطاه
من خوفه ما لا يعطى ربه فجعل خوفه من العباد نقدا و خوفه من خالقه ضمارا و
وعدا.

ترجمه :

110 - امیرالمؤمنین عليه السلام در خطبه ای فرمود: کسی به گمان خود ادعا دارد
که به خداوند امید دارد، سوگند به خدای بزرگ که دروغ می گوید. او را چه
شده که امیدواری اش در عملش آشکار نیست؟! هر امید دارنده ای اثر امیدش
در عملش پیداست مگر امیدی که مردم به خدای تعالی دارند که این امید دارای
عیب و ناخالص است ، و هر ترسی (ترس) مسلم و ثابت است مگر ترس از
خدا که این ترس (در بیشتر مردم) ناقص و بیمار است ، در کار بزرگ (آخرت
) به خدا امید دارد و در کار کوچک (دنیا) به بندگان خدا امیدوار است ، پس با
بنده خدا به گونه ای رفتار می کند که با خداوند چنین رفتاری ندارد، پس
چگونه است شان خداوند جل ثنائه که در حق او نسبت به آنچه که با بندگان
رفتار می شود کوتاهی می گردد؟ آیا می ترسی که در امیدواریت به خدا
دروغگو باشی یا اینکه او را شایسته امیدواری نمی بینی ؟ همچنین اگر از بنده
ای بترسد چنان از او می ترسد که از پروردگارش به این اندازه نمی ترسد. پس
ترس از بندگان را نقد و ترس از آفریننده اش را به منزله وامی که امید برگشت
آن نیست و وعده ای که به آن عمل نشود می پندارند.

14 - باب وجوب الخوف من الله

14 - باب وجوب ترس از خدا حدیث :

111 - عن حمزه بن حمران قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان مما حفظ من خطب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم انه قال : ايها الناس ان لكم معالم فانتھوا الى معالمكم و ان لكم نھايه فانتھوا الى نھايتمكم . الا ان المومن يعمل بين مخالفتين : بين اجل قد مضى لا يدري ما الله صانع فيه ؟ و بين اجل قد بقى لا يدري ما الله قاض فيه فليأخذ العبد المومن من نفسه لنفسه و من دنياه لآخريته و في الشبيهه قبل الكبر و في الحياه قبل الممات فو الذي نفس محمد بيده ما بعد الدنيا من مستعتب و ما بعدها من دار الا الجنه او النار .

ترجمه :

111 - حمزه بن حمران گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: بخشی از خطبه های رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم که حفظ شده است این است که حضرت فرمود: ای مردم! همانا برای شما نشانه هایی است پس از آن نشانه ها باخبر شوید و همانا برای شما نهایت و پایانی است پس آنجا باز ایستید (یا پس آن نهایت را بشناسید و از آن آگاه باشید)، آگاه باشید که مومن بین دو ترس عمل می کند: یکی بین زمانی که سپری شده است و او نمی داند که خداوند درباره زمان گذشته با او چه می کند و دیگری بین زمانی که باقی مانده است و او نمی داند که خداوند چه حکمی در آن روا می دارد پس باید بنده مومن از نفس خود برای خود و از دنیای خود برای آخرتش (توشه) گیرد و در جوانی پیش از پیری و در زندگانی پیش از مرگ (زاد و توشه فراهم کند)، پس سوگند به آن کسی که جان محمد صلى الله عليه وآله وسلم در دست اوست بعد از این دنیا باز گشتنی نیست و خانه ای جز بهشت یا دوزخ پس از این وجود ندارد.

حدیث :

112 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : المومن بین مخافتین ذنب قد مضی لایدری ما صنع الله فیہ و عمر قد بقی لایدری ما یکتسب فیہ من المہالک فلا یصبح الا خائفا و لا یصلحہ الا الخوف .

ترجمه :

112 - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن همواره بین دو ترس گرفتار است : یکی گناهی که گذشته است و او نمی داند که خداوند در مورد آن گناه با او چه می کند و دیگری عمری که مانده است و او نمی داند که چه چیزی از مهالک را در آن کسب می کند پس مومن صبح نمی کند مگر با حالت خوف و جز خوف نیز او را اصلاح نخواهد کرد.

حدیث :

113 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و لمن خاف مقام ربہ جنتان) قال : من علم ان الله یراہ و یسمع ما یقول و یعلم ما یعملہ من خیر او شر فیحجزہ ذلک عن القبیح من الاعمال فذلک الذی خاف مقام ربہ و نہی النفس عن الهوی .

ترجمه :

113 - در مورد قول خدای عزوجل (و برای آن کس که از مقام و مرتبه الهی ترسان است دو بهشت خواهد بود) ⁽⁶¹⁾ امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بداند خداوند او را می بیند و سخن او را می شنود و اعمال خیر و شر او را می داند این آگاهی او را از ارتکاب اعمال زشت باز می دارد پس وی همان کسی است که از مقام پروردگارش ترسان است و نفس خود را از پیروی خواهش نفسانی از داشته است .

حدیث :

114 - عن الهیثم بن واقد قال : سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : من خاف الله

اخاف الله منه كل شیء و من لم يخف الله اخافه الله من كل شیء .

ترجمه :

114 - هیثم بن واقد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که

خدا ترس باشد خداوند خوف و هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از

خدا نترسد خداوند او را از همه چیز می ترساند.

حدیث :

115 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام فی وصیه النبی صلى الله عليه وآله لعلی

عليه السلام مثله و زاد: یا علی ثلاث منجیات خوف الله فی السر و العلانیه و القصد فی

الغنی و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط.

ترجمه :

115 - از امام صادق عليه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش علیه السلام شبیه

حدیث گذشته در ضمن وصایای پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام روایت شده

است با اضافه ای که عبارت است از: ای علی! سه چیز نجات بخش است :

ترس از خداوند در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی ، و

سخن عادلانه در هنگام خوشنودی و خشم .

حدیث :

116 - قال ابو عبد الله عليه السلام : یا اسحاق خف الله کانک تراه و ان کنت لا تراه

فانه یراک و ان کنت تری انه لایراک فقد کفرت و ان کنت تعلم انه یراک ثم

برزت له بالمعصیه فقد جهلته من اهون الناظرین علیک .

ترجمه :

116 - امام صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق! از خدا چنان بترس که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او به طور حتم تو را می بیند، و اگر معتقدی که او تو را نمی بیند پس کافر گشته ای و اگر می دانی که تو را می بیند ولی با این وجود باز آشکارا معصیتش را مرتکب می شوی پس او را حقیرترین و سبک ترین بیننده بر خود انگاشته ای .

حدیث :

117 - قال ابو عبدالله علیه السلام : من عرف الله خاف الله و من خاف الله سخت

نفسه عن الدنيا.

ترجمه :

117 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا را بشناسد ترس او در دلش می

افتد و هر که از خدا ترسان باشد نفسش از دنیا طلبی باز می ماند.

حدیث :

118 - قال ابو عبدالله علیه السلام ان من العباده شده الخوف من الله عزوجل يقول

الله عزوجل : (انما يخشى الله من عباده العلماء) و قال جل ثناوه : (فلا تخشوا

الناس و اخشون) و قال تبارك و تعالى (و من يتق الله يجعل له مخرجا) قال : و

قال ابو عبدالله علیه السلام : ان حب الشرف و الذكر لا يكونان في قلب الخائف الراهب .

ترجمه :

118 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا ترس شدید از خدای عزوجل از

عبادت شمرده می شود، خدای عزوجل گوید: (به راستی که از بندگان خدا تنها

دانشمندان از خدا خوف و خشیت دارند) ⁽⁶²⁾ و همچنین می گوید: (از مردمان

نترسید و از من بیم داشته باشید) ⁽⁶³⁾ و نیز می گوید: (هر که تقوای الهی را پیشه

کند خداوند برای او راه خروج (از دشواریها را) قرار می دهد) ⁽⁶⁴⁾ - راوی

گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا حب و دوستی بلند پایگی و فخر در قلب
شخص ترسان بیمناک راه ندارد.

حدیث :

119 - عن محمد به علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم : راس الحکمه مخافه الله عزوجل .

ترجمه :

119 - امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از سخنان پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلم این است که فرمود: ترس از خدای عزوجل سر حکمت
و دانایی است .

حدیث :

120 - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من خلا بذنب فراقب الله تعالى فيه
و استحيا من الحفظه غفر الله عزوجل له جميع ذنوبه و ان كانت مثل ذنوب الثقلين

ترجمه :

120 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در پنهانی مرتکب گناهی شود پس
از خدای تعالی بترسد و از فرشتگان نگهبان و ثبت کننده اعمال شرم کند
خداوند عزوجل تمامی گناهانش را می بخشد اگر چه به اندازه گناهان جن و
انس باشد.

حدیث :

121 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : الخائف من لم تدع له الرهبه
لسانا ينطق به .

ترجمه :

121 - راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ترسان کسی است که ترس برای او زبانی که با آن سخن گوید وانگذاشته است .
حدیث :

122 - عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث قال : و اما المنجیات فخوف الله فی السر و العلانیه و القصد فی الغنی و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط .
ترجمه :

122 - امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: و اما چیزهایی که مایه نجات و رستگاری اند: ترس از خدا در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی و عادلانه رفتار نمودن در هنگام خوشنودی و خشم .
حدیث :

123 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان قوما اصابوا ذنوبا فخافوا منها و اشفقوا فجاءهم قوم آخرون فقالوا: ما لکم ؟ فقالوا: انا اصبنا ذنوبا فخفنا منها و اشفقنا فقالوا لهم : نحن نحملها عنکم فقال الله تعالی : یخافون تجترءون علی ؟ فانزل الله علیهم العذاب .
ترجمه :

123 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گروهی مرتکب گناهانی شدند سپس از گناه خویش ترسیدند و بیمناک شدند پس از آن گروهی دیگر بر آنان وارد شدند و گفتند: شما را چه شده است که چنین بیمناکید؟ گفتند: ما مرتکب گناهانی شدیم و از گناه خویش ترسانیم . گفتند: ما گناه شما را از شما بر می داریم و به دوش می گیریم . پس خدای تعالی فرمود: آیا می ترسند که شما بر من دلیر گردید؟! پس عذاب را بر آنان فرستاد.
حدیث :

124 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : ان المومن لا يصيح الا خائفا و ان كان محسنا و لا يمسي الا خائفا و ان كان محسنا لانه بين امرين بين وقت قد مضى لا يدري ما الله صانع به و بين اجل قد اقترب لا يدري ما يصيبه من الهلكات الا و قولوا خيرا تعرفوا به و اعملوا به تكونوا من اهله صلوا ارحامكم و ان قطعوكم و اعدوا بالفضل على من حرمكم و ادوا الامانه الى من ائتمنكم و اوفوا بعهد من عاهدتم و اذا حكمتهم فاعدلوا.

ترجمه :

124 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: مومن صبح نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد و شب نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد زیرا او همواره بین دو چیز است : بین زمانی که سپری شده و او نمی داند که خدا با او چه می کند و بین مرگی که نزدیک است و نمی داند که چه خطراتی (پس از مرگ) متوجه او می شود، آگاه باشید و سخن خیر گوئید تا به خیر گویی شناخته شوید و کردار نیکو داشته باشید تا از اهل خیر شوید، با خویشاوندانتان پیوند برقرار کنید اگر چه آنان از شما ببرند، با کسی که شما را محروم ساخته با فضل و بزرگواری رفتار کنید و درباره کسی که شما را امین شمرده امانتدار باشید و به پیمان کسی که با شما پیمان بسته پایبند باشید و هرگاه حکم می کنید عادلانه قضاوت کنید.

15 - باب استحباب كثره البكا من خشية الله

15 - باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا حدیث :

125 - عن الصادق عن آبائه عن النبي ﷺ في حديث المناهي قال : و من ذرفت عيناه من خشيه الله كان له بكل قطره قطرت من دموعه قصر في الجنه مكلل بالدر و الجوهر فيه ما لا عين رات و لا اذن سمعت و لا خطر على قلب بشر .

ترجمه :

125 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که مشتمل بر ذکر امور مورد نهی است روایت فرمود: و کسی که اشک چشمانش از ترس خدا روان گردد در برابر هر قطره از قطرات اشکش قصری در بهشت نصیبش می گردد که با در و گوهر پوشانده شده است و در آن چیزهایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده .

حدیث :

126 - عن ابي عبدالله الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : كان فيما وعظ الله به عيسى ابن مريم عليه السلام ان قال : يا عيسى انا ربك و رب آباءك الاولين - الى ان قال - يا عيسى بن البكر البتول ابك على نفسك بكاء من قد ودع الاهل قلى الدنيا و تركها لاهلها و صارت رغبته فيما عند الله .

ترجمه :

126 - امام صادق عليه السلام فرمود: در رازگویی خداوند با عیسی بن مریم عليه السلام آمده است که فرمود: ای عیسی! من پروردگار تو و پروردگار پیشینیان تو ام . ای عیسی! ای فرزند آن بانویی که باکره بود و میل و حاجتش را از مردان

بریده بود، بر نفس خود گریان باش چونان کسی که با خانواده خود در حال وداع است و بی مهری دنیا را در دل دارد و آن را برای اهل دنیا واگذارده است و میل و رغبتش تنها به چیزی است که در نزد خداست .

حدیث :

127 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح علیه السلام عبد الغفار و انما سمی

نوحا لانه کان ینوح علی نفسه .

ترجمه :

127 - امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالغفار بود ولی

چون بسیار بر نفس خود نوحه و زاری داشت نوح نامیده شد.

حدیث :

128 - ابی عبدالله علیه السلام قال : اسم نوح عبدالملک و انما سمی نوحا لانه بکی

خمسائنه سنه .

ترجمه :

128 - امام صادق علیه السلام فرمود: نام نوح علیه السلام عبدالملک بود ولی چون

پانصد سال را به نوحه و زاری گذراند نوح نامیده شد.

حدیث :

129 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح عبد الاعلی و انما سمی

نوحا لانه بکی خمسائنه عام .

ترجمه :

129 - امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالاعلی بود ولی

چون پانصد سال را به نوحه و زاری گذراند نوح نامیده شد. (65)

حدیث :

130 - عن ابی جعفر عاشق قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لیس شیء الا اوله شیء یدله الا الله فانه لا یعدله شیء و لا اله الا الله لا یعدله شیء و دمه من خوف الله فانه لیس لها مثقال فان سالت علی وجهه لم یرهقه قتر و لاذله بعدها ایدا.

ترجمه :

130 - امام باقر عاشق از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند: هیچ چیزی نیست جز اینکه معادلی دارد مگر خداوند که هیچ چیز معادل او نیست ، و هیچ سخنی معادل و برابر لا اله الا الله نیست ، و اشکی که از خوف خدا ریخته شود هم وزنی ندارد پس اگر بر چهره شخص جاری گردد پس از آن هرگز آن روی را گرفتگی و تیرگی فرا نمی گیرد.

حدیث :

131 - عن جعفر بن محمد عن ابیه عاشق قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله طوبی لصوره نظر الله الیها تبکی علی ذنب من خشیه الله لم یطلع علی ذلک الذنب غیره .

ترجمه :

131 - امام صادق عاشق از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال چهره ای که خداوند به او نظر دارد، آن چهره ای که بر گناهی که هیچکس جز خدا بر آن اطلاعی ندارد از خوف خدا می گیرد.

حدیث :

132 - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کل عین باکیه یوم القیامه الا ثلاثه اعین : عین بکت من خشیه الله و عین غضت عن محارم الله و عین باتت ساهره فی سبیل الله .

ترجمه :

132 - رسول خدا ﷺ فرمود: هر چشمی که در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : چشمی که از خوف خدا بگرید و چشمی که (از دیدن) حرامهای الهی فرو بسته شود و چشمی که در راه خدا شب زنده داری کند.

حدیث :

133 - عن الرضا عليه السلام قال : كان فيما ناجى الله به موسى عليه السلام : انه ما تقرب الى المتقربون بمثل البكاء من خشيتي و ما تعبد لي المتعبدون بمثل الورع عن محارمي و لاتزين لي المتزينون بمثل الزهد في الدنيا عما يهم الغنى عنه . فقال موسى : يا اكرم الاكرمين فما اثبتهم على ذلك ؟ فقال : يا موسى اما المتقربون لي بالبكاء من خشيتي فهم في الرفيق الاعلى لا يشركهم فيه احد و اما المتعبدون لي بالورع عن محارمي فاني افتش الناس عن اعمالهم و لا فتشهم حياء منهم و اما المتزينون لي بالزهد في الدنيا فاني ابيحهم الجنه بحذافيرها يتبوءون منها حيث يشاءون .

ترجمه :

133 - امام رضا عليه السلام فرمود: در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی عليه السلام چنین آمده است : کسانی که به من نزدیک گشته اند به واسطه هیچ عملی همانند گریستن از خوف من به من نزدیک نشده اند و آنانکه طوق بندگی مرا در گردن دارند به واسطه هیچ عملی همانند باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی نموده اند و آنانکه خود را آراسته اند به واسطه هیچ عملی همانند پیشه نمودن زهد و بی رغبتی نسبت به آنچه که بی نیازی از آن در دنیا مورد اهمیت است ، خود را برای من نیاراسته اند. حضرت موسی عليه السلام عرض کرد: ای گرامی ترین گرامیان ! چه چیزی آنان را در این راه ثابت قدم و پابرجا

نموده؟ خداوند فرمود: ای موسی! اما آنانکه به واسطه گریستن از خوف من به من نزدیک گشته اند آنان در مرتبه همجواری با رفیق اعلی (معشوق و دوست برتر) هستند و هیچکس در این مقام با آنان شریک نیست و اما آنانکه به واسطه باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی نموده اند من در قیامت از آن شرم دارم که در مورد اعمالشان کنجکاوی و دقت به خرج دهم در حالی که اعمال همه مردمان را به دقت و ارسی خواهم کرد و اما آنانکه خود را به واسطه بی رغبتی به دنیا برایم آراسته اند تمامی بهشت را برای آنان مباح و روا می سازم که در هر جای بهشت خواستند جای گیرند.

حدیث:

134 - قال الصادق عليه السلام: ان الرجل لیکون بینه و بین الجنه اکثر مما بین الثری الی العرش لکثره ذنوبه فما هو الا ان یتکی من خشیه الله عزوجل ندما علیها حتی یتصیر بینه و بینها اقرب من جفنه الی مقلته .

ترجمه:

134 - امام صادق عليه السلام فرمود: به درستی که (گاه باشد) بین آدمی و بهشت به خاطر گناهان زیادش فاصله ای بیش از فاصله زمین تا عرش باشد پس چنین کسی را چاره ای نیست جز اینکه از خوف خدای عزوجل بگریزد و بر گناهان خویش اشک ندامت بریزد تا فاصله او و بهشت نزدیکتر از فاصله پلک چشم تا مردمک چشم شود.

حدیث:

135 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال: ما من شیء الا و له کیل وزن الا الدموع فان القطره تطفی بحارا من نار فاذا اغرورقت العین بمائها لم یرهق وجهه قتر و لا ذله فاذا فاضت حرمها الله علی النار و لو ان باکیا بکی فی امه لرحموا.

ترجمه :

135 - امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمانۀ و وزنی دارد مگر اشکها زیرا یک قطره اشک دریاهایی از آتش را خاموش می کند پس هرگاه چشم پر آب شد و در اشک خود غرق گشت چنین چهره ای را کدورت و تیرگی فرا نمی گیرد و هرگاه اشک آن جاری شود خداوند آن دیده را بر آتش حرام می گرداند و اگر در بین یک امت یک نفر (با اخلاص و از خوف خدا) بگرید آن امت همگی مورد رحمت الهی واقع می شوند.

حدیث :

136 - عن ابی عبدالله عليه السلام نحوه و زاد فی اوله : ما من عین الا و هی باکیه یوم القیامه الا علینا بکت من خوف الله و ما اغرورقت عین بمائها من خشیه الله عزوجل الا حرم الله سائر جسده علی النار.

ترجمه :

136 - از امام صادق عليه السلام مانند حیث گذشته روایت شده است با این تفاوت که در آغاز آن آمده است : هیچ چشمی نیست مگر اینکه در روز قیامت گریان است به جز چشمی که از خوف خدا گریسته است و هیچ چشمی از خوف خدای عزوجل پر آب نشده است مگر اینکه خداوند سایر بدن او را بر آتش حرام می گرداند.

حدیث :

137 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : ما من قطره احب الی الله عزوجل من قطره دموع فی سواد اللیل مخافه من الله لایراد بها غیره .

ترجمه :

137 - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند عزوجل دوست داشتنی تر و محبوب تر از قطره اشک هایی که در تاریکی شب و از خوف خدا با اخلاص کامل ریخته می شود نیست .

حدیث :

138 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کل عین باکیه یوم القیامه الا ثلاثه عین غضت عن محارم الله و عین سهرت فی طاعه الله و عین بکت فی جوف اللیل من خشیه الله .

ترجمه :

138 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : یکی چشمی که از دیدن آنچه خداوند دیدنش را بر او حرام نموده فرو بسته شود و دیگری چشمی که در طاعت خدا بیدار بماند و دیگری چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.

حدیث :

139 - قال ابو عبدالله علیه السلام اوحی الله الی موسی علیه السلام ان عبادی لم یتقربوا الی بشیء احب الی من ثلاث خصال قال موسی : یا رب و ما هی ؟ قال : یا موسی ! الزهد فی الدنیا و الورع عن معاصی و البکاء من خشیتی قال موسی یا رب فما لمن صنع ذاك؟ فاوحی الله الیه یا موسی اما الزاهدون فی الدنیا ففی الجنة و اما البکاءون من خشیتی ففی الرفیع الاعلی لا یشارکهم فیہ احد و اما الورعون عن معاصی فانی افتش الناس و لا افتشهم .

ترجمه :

139 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد که بندگان من به سوی من تقرب نمی یابند به چیزی که در نزد من محبوبتر باشد از

سه خصلت ، حضرت موسی عليه السلام عرض کرد: ای پروردگار من آن سه چیست ؟ فرمود: ای موسی ! یکی بی رغبتی به دنیا و دیگری پرهیز از نافرمانی من و دیگری گریستن از خوف من . موسی عرض کرد: ای پروردگار من ! کسی که چنین باشد چه چیزی نصیبش خواهد شد؟ خداوند وحی فرستاد که : ای موسی ! اما بی رغبتان به دنیا در بهشت جای خواهند گرفت و اما آنانکه از خوف من گریانند در مقامی رفیع و برترند که هیچ کس با آنان در آن مقام شریک نیست و اما آنانکه از نافرمانی من پروا دارند من نیز مردمان را سخت بازرسی خواهم کرد ولی در کار آنان موشکافی به خرج نمی دهم .

16 - باب وجوب حسن الظن بالله و تحريم سوء الظن به

16 - باب وجوب حسن ظن به خداوند و ترحیم بدگمانی نسبت به

خدا

حدیث :

140 - عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : احسن الظن بالله فان الله عزوجل

يقول : انا عند ظن عبدی بی ان خیرا فخیرا و ان شرا فشرًا.

ترجمه :

140 - امام رضا علیه السلام فرمود: به خداوند گمان نیکو داشته باش زیرا خداوند

عزوجل گوید: من در نزد گمانی که بنده ام به من دارد حاضریم اگر گمان خیر به

به من دارد پس پاداش خیر می بیند و اگر گمان بد به من دارد پس کیفری بد

در انتظار اوست .

حدیث :

141 - عن ابی الحسن الرضا فی حدیث قال : فاحسن الظن بالله فان

اباعبدالله علیه السلام كان يقول : من حسن ظنه بالله كان الله عند ظنه به و من رضى

بالقليل من الرزق قبل منه اليسير من العمل .

ترجمه :

141 - امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا گمان نیک داشته باش زیرا امام صادق

علیه السلام می فرمود: کسی که به خداوند گمان نیکو داشته باشد خداوند در نزد گمان

او حاضر است و کسی که به روزی کم قانع و خوشنود باشد خداوند نیز عمل کم

را از او می پذیرد.

حدیث :

142 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال علی منبره : و الذی لا اله الا هو ما اعطی مومن قط خیر الدنیا و الاخره الا بحسن ظنه بالله و رجائه له و حسن خلقه و الکف عن اغتیاب المومنین و الذی لا اله الا هو لا یعذب الله مومنا بعد التوبه و الاستغفار الا بسوء ظنه بالله و تقصیر من رجائه له و سوء خلقه و اغتیاب المومنین و الذی لا اله الا هو لا یحسن ظن عبد مومن بالله الا کان الله عند ظن عبده المومن لان الله کریم بیده الخیر یتحیی ان یتکون عبده المومن قد احسن به الظن ثم یتخلف ظنه و رجاء فاحسنوا بالله الظن و ارغبوا الیه .

ترجمه :

142 - امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز منبر فرمود: سوگند به آن خدایی که جز او معبودی نیست به هیچ مومنی هرگز خیر دنیا و آخرت عطا نشده است مگر به خاطر چند خصلت : گمان نیکو به خداوند و امیدواری به عطا و بخشش خدا و خوش خلقی و باز ایستادن از غیبت مومنان و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست خداوند هیچ مومنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به سبب چند خصلت : بدگمانی اش به خداوند و کوتاهی نمودن در امید داشتن به خدا و بد اخلاقی و غیبت نمودن از مومنین و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست هیچ بنده مومنی گمان نیکو به خدا نمی کند مگر اینکه خداوند در نزد گمان نیکوی او حاضر است (و پاداش نیکو به او می دهد) زیرا خداوند بخشنده است و تمامی خیر در دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده مومنش به او گمان نیکوی داشته باشد و آن گمان و امیدواری اش به خطا رود پس به خداوند گمان نیکو داشته باشید و به سوی او میل داشته باشید و زاری کنید.

حدیث :

143 - عن سفیان بن عیینہ قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : حسن الظن بالله ان لا ترجو الا الله و لا تخاف الا ذنبك .

ترجمه :

143 - سفیان بن عیینہ گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند گمان نیکو به خداوند داشتن این است که امید به هیچکس جز او نداشته باشی و از هیچ چیز جز گناهت نترسی .

حدیث :

144 - عن سنان بن طریف قال : سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : ینبغی للمومن ان یخاف الله خوفا کانه مشرف علی النار و یرجوه رجاء کانه من اهل الجنة . ثم قال : ان الله تبارک و تعالی عند ظن عبده به ان خیرا فخیرا و ان شررا فشررا .

ترجمه :

144 - سنان بن طریف گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: بر مومن سزاوار است که چنان از خداوند بترسد که گوئیا نزدیک است که به آتش افکنده شود و چنان به رحمت او امیدوار باشد که گوئیا از اهل بهشت است . سپس فرمود: خداوند تبارک و تعالی در نزد گمان بنده اش به خود حاضر است اگر گمانش به او خیر باشد خداوند هم خیر برایش پیش می آورد و اگر گمانش بد باشد خداوند هم بد برایش پیش می آورد.

حدیث :

145 - محمد به علی بن الحسین علیه السلام باسناده الی وصیه علی علیه السلام لمحمد بن الحنفیه قال : و لا یغلبن علیک سوء الظن بالله عزوجل فانه لن یدع بینک و بین خلیک صلحا.

ترجمه :

145 - امام باقر علیه السلام فرمود: در وصیت علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه آمده است که : مبادا بدگمانی به خداوند عزوجل بر تو غالب شود زیرا این بدگمانی بین تو و دوستت که خداوند است صلح و آشتی باقی نمی گذارد.

حدیث :

146 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان آخر عبد یومر به الی النار فیلتفت فیقول الله جل جلاله : اعجلوه فاذا اتی به قال له : عبدی لم التفت ؟ فیقول : یا رب ما کان ظنی بک هذا فیقول الله جل جلاله : عبدی ما کان ظنک بی ؟ فیقول : یا رب ما کان ظنی بک ان تغفر لی خطیئتی و تدخلنی جنتک قال : فیقول الله جل جلاله : ملائکتی و عزتی و جلالی و آلائی و ارتفاع مکانی ما ظن بی هذا ساعه من حیاته خیرا قط و لو ظن بی ساعه من حیاته خیرا وما روعته بالنار اجیزوا له کذبه و ادخلوه الجنة ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : ما ظن عبد بالله خیرا الا کان له عند ظنه و ما ظن به سوء الا کان الله عند ظنه به و ذلك قول الله عزوجل : (و ذلکم ظنکم الذی ظننتم بربکم ارداکم فاصبحتم من الخاسرین).

ترجمه :

146 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا آخرین بنده ای که در روز قیامت دستور داده می شود که به سوی آتش دوزخ رود به چپ و راست خود می نگرد پس خداوند جل جلاله می فرماید: با شتاب بیاوریدش . پس چون به محضر پروردگار آورده می شود خداوند می فرماید: ای بنده من ! چرا به چپ و

راست خود می نگری ؟ عرض می کند: ای پروردگار من ! من چنین گمانی به تو نداشتم ، خداوند جل و جلاله می فرماید: ای بنده من ! چه گمانی به من داشتی ؟ عرض می کند: ای پروردگار من ! گمان من به تو این بود که از گناهم در می گذری و مرا به بهشت وارد می کنی . خداوند جل جلاله می فرماید: ای فرشتگان من ! سوگند به عزت و بزرگی و نعمتها و بلندی جایگاهم که این بنده در زندگی اش هرگز ساعتی چنین گمان خوبی به من نداشت و اگر در تمام زندگی اش ساعتی چنین گمان خیری به من داشت او را با آتش نمی ترساندم و لرزه بر اندامش نمی افکندم حال که چنین گفت این دروغش را بر او روا دارید و او را به بهشت داخل کنید. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای به خدا خوش گمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمانش حاضر است (و با او به خوبی رفتار می کند) و هیچ بنده ای به خداوند بدگمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمان وی حاضر است (و او را به بدی کیفر می دهد) و این همان معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: (و این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاک شما شد پس از زیانکاران گردیدید)

(66)

حدیث :

147 - عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : قال لی احسن الظن بالله فان الله عزوجل یقول : انا عند ظن عبدي بی فلا یظن بی الا خیرا.

ترجمه :

147 - راوی از امام رضا علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: گمان نیکو به خداوند داشته باش زیرا خدای عزوجل می فرماید: من در نزد گمان بنده ام حاضرم پس بنده ام جز گمان خیر به من نداشته باشد.

حدیث :

148 - عن ابی رثاب قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : يوتى بعبد يوم
القيامة ظالم لنفسه فيقول الله : الم امرک بطاعتی الم انهک عن معصیتی ؟ فيقول :
بلی یا رب و لكن غلبت علی شهوتی فان تعذبنی فبذنبی لم تظلمنی فیامر الله به
الی النار فيقول ما كان هذا ظنی بک فيقول ما كان ظنک بی ؟ قال : كان ظنی
بک احسن الظن فیامر الله به الی الجنة فيقول الله تبارک و تعالی : لقد نفعک
حسن ظنه بی الساعه .
ترجمه :

148 - ابن رثاب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: در روز قیامت
بنده ای که به خویشتن ستم نموده آورده می شود پس خداوند می فرماید: آیا
تو را به طاعت و فرمانبرداری امر نکردم ؟ آیا تو را از نافرمانی ام نهی نکردم
؟ بنده گنهکار گوید: درست است ای پروردگار من ! ولی شهوتم بر من چیره
شد پس اگر مرا کیفر دهی به خاطر گناهی است که مرتکب شده ام و به من
ستم روا نداشته ای . پس خداوند دستور می دهد که او را به سوی آتش برند.
بنده گنهکار می گوید: ای خدای من ! گمان من به تو چنین نبود. خداوند می
فرماید: مگر چه گمانی به من داشتی ؟ می گوید: خدایا من به تو نیکوترین
گمان را داشتم . پس خداوند امر می کند که او را به سوی بهشت برند و می
فرماید: حقا که گمان نیکوی تو به من امروز به تو سود بخشید.

17 - باب استحباب دم النفس و تادیبها و مقتها

17 - باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن

داشتن نفس

حدیث :

149 - عن الحسن بن الجهم قال سمعت اباالحسن عليه السلام يقول : ان رجلا فى بنى اسرائيل عبدالله اربعين سنه ثم قرب قربانا فلم يقبل منه فقال : لنفسه ما اتيت الا منك و ما الذنب الا لك قال : فاوحى الله عزوجل اليه ذمك لنفسك افضل من عبادتك اربعين سنه .

ترجمه :

149 - حسن به جهم گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: مردی از بنی اسرائیل خداوند را چهل سال عبادت کرد سپس قربانی ای به درگاه خدا نمود و قربانی او پذیرفته نشد پس با نفس خود چنین گفت : ای نفس ! آنچه که به من رسیده نیست مگر از جانب تو و گناهی نیست مگر از آن تو. پس خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که : این نکوهشی که از نفس خود نمودی از عبادت چهل ساله ات برتر است .

حدیث :

150 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : يا اسرى الرغبه اقصروا فان المعرج على الدنيا ما لا يروعه منها الا صريف انياب الحدثان ايها الناس تولوا من انفسكم تاديبها و اعدلوا بها عن ضراوه عاداتها.

ترجمه :

150 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: ای اسیران خواهش نفسانی ! میل نفس را کوتاه کنید زیرا کسی را که به دنیا دل بسته است بجز صدای دندانهای حوادث

دنیا چیز دیگری او را نمی ترساند، ای مردم از درون خود عهده دار ادب کردن
نفس های خود شوید و نفس هاتان را از درنده خویی و حریص بودن بر عادات
دنیا بازگردانید.

حدیث :

151 - قال رسول الله ﷺ من مقت نفسه دون مقت الناس آمنه الله من فرع

يوم القيامة .

ترجمه :

151 - رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که به جای اینکه مردم را دشمن

گیرد نفس خود را دشمن دارد خداوند او را از بی تابی روز قیامت ایمن دارد.

18 - باب وجوب طاعة الله

18 - باب وجوب فرمانبرداری از خداوند حدیث :

152 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا تذهب بكم المذاهب فو الله ما شیعتنا الا من اطاع الله عزوجل .

ترجمه :

152 - امام باقر علیه السلام فرمود: راه و روشهای مختلف شما را (از حق) دور نگرداند و با خود نبرد که سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که خدای عزوجل را اطاعت کند.

حدیث :

153 - عن ابی جعفر علیه السلام (فی حدیث) ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال : انه لا یدرک ما عند الله الا بطاعته .

ترجمه :

153 - امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که : حقیقتا آنچه (از نعمتها و رضوان) که در نزد خداوند است جز با طاعت و فرمانبرداری از او به دست نمی آید.

حدیث :

154 - عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال لی : یا جابر ایکنفی من ینتحل التشیع ان یقول بحبنا اهل البیت ؟ فو الله ما شیعتنا الا من اتقی الله و اطاعه و ما کانوا یعرفون یا جابر الا بالتواضع و التخشع و الامانه و کثره ذکر الله و الصوم و الصلاه و البر بالوالدین و التعاهد للجیران من الفقراء و اهل المسکنه و الغارمین و الایتام و صدق الحدیث و تلاوه القرآن و کف الالسن عن الناس الا من خیر و کانوا امناء عشائهم فی الاشیاء - الی ان قال : - احب العباد الی الله

عزوجل الا بالطاعه و ما معنا براءه من النار و لا على الله لاحد من حجه من كان
الله مطيعا فهو لنا ولى و من كان لله عاصيا فهو لنا عدو و ما تنال و لا يتنا الا
بالعمل و الورع .

ترجمه :

154 - جابر از امام باقر عليه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: ای جابر!
آیا کسی که نسبت شیعه بودن را به خود می دهد همین که قائل به دوستی ما
اهل بیت باشد کفایتش می کند؟ سوگند به خدا که شیعه ما نیست مگر کسی که
تقوای الهی را پیشه سازد و خدای را اطاعت کند، و ای جابر! شیعیان ما شناخته
نمی شوند مگر به فروتنی و خشوع و امانتداری و کثرت یاد خدا و روزه و نماز
و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان تنگدست و رسیدگی به ناتوانان
و قرض داران و یتیمان و راستگویی و تلاوت قرآن و نگهداری زبان خود
درباره مردم مگر در خیرگویی و شیعیان باید در همه چیز امین قوم و قبیله خود
باشند تا آنجا که فرمود: دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خدای عزوجل
آناند که پرهیزکارتر و عمل کننده تر به طاعت خدایند. ای جابر! سوگند به خدا
که ما جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری از خداوند عزوجل نمی توانیم به او
نزدیک شویم و جواز رهایی از آتش همراه ما نیست و هیچکس حجت و
برهانی بر علیه خداوند ندارد، هر کس مطیع و فرمانبر خداوند باشد او دوست
ماست و هر کس عصیان خدا را کند دشمن ماست و به ولایت و دوستی ما
کسی نمی رسد مگر به وسیله عمل شایسته و پارسایی .

حدیث :

155 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : فی حدیث و الله ما معنا من الله براءه و
لا بیننا و بین الله قرابه و لا لنا على الله حجه و لا نتقرب الى الله الا بالطاعه فمن

كان منكم مطيعا لله تنفعه و لا يتنا و من كان منكم عاصيا لله لم تنفعه و لا يتنا و
يحكم لا تغتروا و يحكم لا تغتروا.

ترجمه :

155 - امام باقر عليه السلام در حدیثی فرمود: سوگند به خداوند که از جانب
خداوند برای ما جواز رهایی از آتش نیست و بین ما و خداوند خویشاوندی
برقرار نیست و ما حجت و برهانی بر خداوند نداریم و جز به وسیله طاعت و
فرمانبرداری اش به او نزدیک نمی شویم پس هر کدام از شما که مطیع خداوند
باشد ولایت و دوستی ما به او سود می بخشد و هر کدام شما که در برابر
خداوند عصیان کند دوستی ما به او سودی نمی بخشد. وای بر شما مبادا فریب
بخورید، وای بر شما مبادا فریب بخورید.

حدیث :

156 - عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : قال الله جل
جلاله : يا ابن آدم اطعني فيما امرتك و لا تعلمني ما يصلحك .

ترجمه :

156 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلى الله عليه وآله
روایت کنند که فرمود: خداوند جل جلاله فرمود: ای فرزند آدم! در آنچه که به
تو دستور داده ام مرا اطاعت کن و آنچه را که تو را به صلاح می رساند به من
نیاموز (که من خود می دانم که چه چیزی به صلاح توست).

حدیث :

157 - عن ابي عبدالله عليه السلام عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال : قال
الله عزوجل : ايما عبد اطعني لم اكله الی غيری و ايما عبد عصاني و كلته الی
نفسه ثم لم ابال فی ای واد هلك .

ترجمه :

157 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت کنند که فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هر بنده ای که مرا اطاعت کند او را به سوی غیر خود وا نمی گذارم و هر بنده ای که مرا نافرمانی کند او را به سوی خودش وا می گذارم پس از آن دیگر باکی ندارم که در چه راهی به هلاکت برسد.

حدیث :

158 - عن ابی بصیر قال سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (اتقوا الله حق تقاته) قال : يطاع فلا يعصى و يذكر فلا ينسى و يشكر فلا يكفر.

ترجمه :

158 - ابی بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام درباره این گفتار خدا که می فرماید: (تقوای الهی را پیشه کنید حق تقوایش را) ⁽⁶⁷⁾ پرسیدم . حضرت فرمود: (حق تقوا این است که) اطاعت خداوند صورت گیرد و نافرمانی اش نشود، و همواره یاد شود و فراموش نگردد، و شکر او به جای آورده شود و ناسپاسی اش نشود.

حدیث :

159 - عن امیرالمؤمنین عليه السلام انه قال : ان الله جعل الطاعة غنيمه الا كياس عند تفريط العجزه .

ترجمه :

159 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: به راستی که خداوند طاعت خود را در زمانی که ناتوانان در آن کوتاهی می کنند غنیمتی برای زیرکان قرار داد (که زیرکان از طاعت خدا توشه ای برای آخرت غنیمت گیرند).

19 - باب وجوب الصبر على طاعه الله و الصبر عن معصيه

19 - باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در

برابر معصيت خداوند

حديث :

160 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : اذا كان يوم القيامه يقوم عنق من الناس فياتون باب الجنه فيقال : من انتم ؟ فيقولون : نحن اهل الصبر فيقال لهم : على ما صبرتم ؟ فيقولون : كنا نصبر على طاعه الله و نصبر عن معاصى الله فيقول الله عزوجل : صدقوا ادخلوهم الجنه و هو قول الله عزوجل : (انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب).

ترجمه :

160 - امام صادق عليه السلام فرمود: آنگاه که روز قیامت شود جماعتی از مردم بر می خیزند و به در بهشت می آیند به آنان گفته می شود: شما چه کسانی هستید؟ گویند: ما اهل صبر هستیم . به آنان گفته می شود: بر چه چیزی صبر کردید؟

گویند: ما در دنیا بر طاعت و معاصی خداوند صبر می نمودیم . در اینجا خداوند عزوجل گوید: راست می گویند آنان را به بهشت وارد کنید. و این است معنای گفتار خداوند که می فرماید: (پاداش صابران به طور کامل و بدون حساب به آنان داده می شود) ⁽⁶⁸⁾

حديث :

161 - قال اميرالمؤمنين عليه السلام : الصبر صبران : صبر عند المصيبه حسن جميل و احسن من ذلك الصبر عند ما حرم الله عليك و الذكر ذكران : ذكر الله

عزوجل عند المصیبه و افضل من ذلك ذكر الله عند ما حرم الله عليك فيكون
حاجزا.

ترجمه :

161 - امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر در هنگام
مصیبت که این نیکو و زیباست و نیکوتر از آن ، صبر نمودن در هنگام روبرو
شدن با چیزهایی است که خداوند بر تو حرام نموده و یاد خدا نیز بر دو گونه
است : یاد نمودن خداوند عزوجل در هنگام مصیبت و برتر از آن ، یاد خداوند
در هنگام مواجهه با حرام الهی است که این مانع و بازدارنده آتش دوزخ است .

حدیث :

162 - قال ابو جعفر علیه السلام : لما حضرت علی بن الحسین علیه السلام الوفاه ضمنی
الی صدره و قال یا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حنین حضرته الوفاه و بما ذکر
ان اباه اوصاه به یا بنی اصبر علی الحق و ان کان مرا.

ترجمه :

162 - امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا
رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم! تو را به چیزی سفارش
می کنم که پدرم امام حسین علیه السلام در هنگام وفات مرا به آن سفارش فرمود و
فرمود که پدرش علی علیه السلام او را به این وصیت سفارش فرموده است : ای پسر
! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد.

حدیث :

163 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الصبر صبران : صبر علی البلاء حسن جمیل
و افضل الصبرین الورع عن المحارم .

ترجمه :

163 - امام باقر عليه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است: صبر بر بلا که نیکو و زیباست و برترین دو قسم صبر پرهیز نمودن از حرامهای الهی است .
حدیث :

164 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اصبروا علی الدنيا فانما هی ساعه فما مضی منه لاتجد له الما و لاسرورا و ما لم یجی فلا تدری ما هو؟ و انما هی ساعتک التي انت فیها فاصبر فیها علی طاعه الله و اصبر فیها عن معصیه الله .
ترجمه :

164 - امام صادق عليه السلام فرمود، بر دنیا صبر کنید که دنیا ساعتی بیش نیست پس آنچه از دنیا سپری شده برای آن رنجی و سروری نمی یابی (رنج و شادمانی آن تمام شدنی است) و آنچه نیامده است نمی دانی چیست؟ دنیا همان ساعتی است که تو در آن هستی پس در آن بر طاعت و فرمانبرداری خدا صبر کن و در مقابل معصیت خداوند نیز شکیبیا باش .
حدیث :

165 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الصبر ثلاثه : صبر عند المصیبه و صبر عند الطاعه و صبر عن المعصیه ، فمن صبر علی المصیبه حتی یردها بحسن عزائها كتب الله له ثلاثمائه درجه ما بین الدرجه الی الدرجه کما بین السماء و الارض و من صبر علی الطاعه كتب الله له ستمائه درجه ما بین الدرجه الی الدرجه کما بین تخوم الارض الی منتهی العرش و من صبر عن المعصیه كتب الله له تسعمائه درجه ما بین درجه الی الدرجه کما بین تخوم الارض الی منتهی العرش .
ترجمه :

165 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در هنگام معصیت و صبر در طاعت خداوند و صبر در برابر معصیت و گناه، پس کسی که

بر مصیبتی صبر کند تا آنجا که آن مصیبت را به تسلی و آرامشی نیکو باز گردان
خداوند برای او سیصد درجه می نویسد که بین یک درجه تا درجه دیگر به
اندازه بین زمین و آسمان فاصله است و کسی که بر طاعت خدا صبر کند
خداوند برای او ششصد درجه می نویسد که مابین یک درجه تا درجه دیگر به
اندازه مابین حدود مرز زمین تا انتهای عرش الهی فاصله است و کسی که در
برابر مصیبت و گناه صبر کند خداوند برای او نهصد درجه می نویسد که مابین
یک درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حد و مرز زمین تا انتهای عرش فاصله
است .

حدیث :

166 - عن ابی الحسن موسی به جعفر علیه السلام انه قال لبعض ولده : یا بنی
ایاک ان یراک الله فی معصیه نهاک عنها و ایاک ان یفقدک الله عند طاعه امرک
یها.

ترجمه :

166 - از امام موسی به جعفر علیه السلام روایت است که به یکی از فرزندانش
فرمود: ای پسرکم! بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در حال گناهی که تو را
از انجام آن نهی نموده است ببیند و بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در انجام
طاعتی که به انجام آن فرمان داده است غائب نبیند.

حدیث :

167 - عن ابی حمزه الثمالی قال : قال لی ابو جعفر علیه السلام : لما حضرت ابی
الوفاه ضمنی الی صدره و قال : یا بنی اصبر علی الحق و ان کان مرا توف اجرک
بغیر حساب .

ترجمه :

167 - ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد تا خداوند پاداش تو را بدون حساب و به طور کامل دهد.

حدیث :

168 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : الصبر صبران : صبر علی ما تحب و صبر علی ما تکره ثم قال علیه السلام : ان ولی محمد من اطاع الله و ان بعدت لحمته و ان عدو محمد من عصی الله و ان قربت قرابته .

ترجمه :

168 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر نمودن بر آنچه دوست می داری و صبر نمودن بر آنچه که آن را ناپسند می شمری . سپس فرمود: همانا دوست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خداوند را اطاعت کند اگر چه قرابت و خویشاوندی اش دور باشد و همانا دشمن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خدای را نافرمانی کند اگر چه خویشاوندی اش نزدیک باشد.

حدیث :

169 - و قال علیه السلام : شتان بین عملین عمل تذهب لذته و تبقی تبعته و عمل تذهب مؤنته و یبقی اجره .

ترجمه :

169 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چقدر بین دو عمل فاصله است یکی عملی که لذتش می رود و عاقبت بدش باقی می ماند و دیگری عملی که سختی آن می رود و پاداشش می ماند.

حدیث :

170 - و قال ﷺ : اتقوا معاصي الله في الخلوات فان الشاهد هو الحاكم .

ترجمه :

170 - اميرالمؤمنين ﷺ فرمود: از ارتكاب معصيتهاى الهى (حتى) در نهران

خوددارى كنيد زيرا آن خدايى كه شاهد است خود نيز حاكم است .

حديث :

171 - و قال ﷺ : ان الله وضع الثواب على طاعته و العقاب على معصيته

ذيادة لعباده عن نقمته و حياشه لهم الى جنته .

ترجمه :

171 - اميرالمؤمنين ﷺ فرمود: خداوند پاداش را بر طاعتش نهاد و كيفر را

بر معصيتش تا بندگان را از خشم و عقوبت خود دور سازد و آنان را به سوى

بهشت تشويق و تحريص گرداند.

حديث :

172 - و قال ﷺ : احذر ان يراك الله عند معصيته او يفقدك عند طاعته

فتكون من الخاسرين فاذا قويت فاقو على طاعه الله فاذا ضعفت فاضعف عن

معصيه الله .

ترجمه :

172 - اميرالمؤمنين ﷺ فرمود: بر حذر باش از اينكه خداوند تو را در

هنگام معصيتش ببيند يا در هنگام طاعتش تو را نيابد اگر چنين باشى از

زيانكاران خواهى بود پس هرگاه توانايى مى يابى ، بر انجام طاعت خدا توانا

شو و هرگاه ناتوان مى شوى ، از ارتكاب معصيت خدا ناتوان شو.

حديث :

173 - اتی رجل ابا عبدالله عليه السلام فقال له يا ابن رسول الله اوصني فقال :
لا يفقدك الله حيث امرک و لا يراک حيث نهاک قال : زدنی قال : لا اجد .
ترجمه :

173 - مردی نزد امام صادق عليه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا!
مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: در جایی که خداوند تو را فرمان داده غائبت
نبیند و در جایی که نهی فرموده حاضرست نیابد. عرض کرد: بیش از این برایم
بگو. حضرت فرمود: بیش از این چیزی نمی یابم .
حدیث :

174 - عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر عن آباءه عليهم السلام عن رسول الله
صلى الله عليه وآله قال : اذا كان يوم القيامة نادى مناد عن الله يقول : اين اهل الصبر؟ قال :
فيقوم عنق من الناس فتستقبلهم زمرة من الملائكة فيقولون لهم : ما كان صبركم
هذا الذى صبرتم ؟ فيقولون : صبرنا انفسنا على طاعة الله و صبرناها عن معصيه
الله قال : فينادى مناد من عند الله صدق عبادى خلوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير
حساب .
ترجمه :

174 - امام باقر عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا
صلى الله عليه وآله فرمود: آنگاه که روز قیامت بر پا می شود ندا دهنده ای از جانب خدا ندا
در می دهد که : کجایند اهل صبر؟ پس جماعتی از مردم بر می خیزند و گروهی
از فرشتگان به استقبال آنان می آیند و به آنان می گویند: آن صبری که پیشه
نمودید چه صبری بود؟ گویند: ما خود را بر طاعت خداوند به صبر روا داشتیم
و نیز خود را در مقابل معصیت خداوند به صبر وادار نمودیم . پس ندا دهنده ای

از جانب خداوند ندا در می دهد که : بندگانم راست می گویند از جلو راه آنها به کنار روید تا بدون حساب وارد بهشت شوند.

20 - باب وجوب تقوی الله

20 - باب وجوب رعایت تقوای الهی حدیث :

175 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : کان امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : لایقل عمل

مع تقوی و کیف یقل ما یتقبل ؟

ترجمه :

175 - امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: کم شمرده نمی

شود عملی که همراه با تقواست و چگونه کم شمرده می شود چیزی که پذیرفته

می گردد؟

حدیث :

176 - عن مفصل بن عمر قال : کنت عند ابی عبدالله علیه السلام فذکرنا الاعمال

فقلت انا: ما اضعف عملی فقال : مه استغفر الله ثم قال لی : ان قلیل العمل مع

التقوی خیر من کثیر بلا تقوی . قلت : کیف یکون کثیر بلا تقوی ؟ قال علیه السلام :

نعم مثل الرجل یطعم طعامه و یرفق جیرانه و یوطی رحله فاذا ارتفع له الباب من

الحرام دخل فیه فهذا العمل بلا تقوی و یکون الاخر لیس عنده فاذا ارتفع له

الباب من الحرام لم یدخل فیه .

ترجمه :

176 - مفصل بن عمر گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که سخن از اعمال

به میان آمد پس من عرض کردم : وه که چقدر عمل من ناچیز است . حضرت

فرمود: ساکت باش و از خدا طلب مغفرت کن . سپس فرمود: عمل کم که همراه

با تقوا باشد از عمل زیاد که بدون تقوا باشد بهتر است . عرض کردم : عمل زیاد

بدون تقوا چگونه است ؟ حضرت فرمود: آری مثل مردی که مردمان را طعام می دهد و با همسایگانش مدارا می کند و توشه اش را آماده و مهیا می سازد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش باز می شود از آن در وارد می شود و این عمل بدون تقواست و دیگری چنین اعمالی ندارد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش گشوده می شود وارد نمی شود.

حدیث :

177 - عن يعقوب بن شيعب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما نقل الله عبدا من ذل المعاصي الى عز التقوى الا اغناه من غير مال و اعزه من غير عشيره و انسه من غير بشر.

ترجمه :

177 - يعقوب بن شيعب گوید: از حضرت صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند بنده ای را از ذلت گناه به سوی عزت تقوا نرساند جز اینکه او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و عشیره عزتمند ساخت و بدون (معاشرت با) بشری او را انس و آرامش بخشید.

حدیث :

178 - محمد بن علی بن الحسين عليه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خير الزاد التقوى .

ترجمه :

178 - امام باقر عليه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم این است : بهترین توشه تقواست .

حدیث :

179 - عن الهيثم بن واقد قال : سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول :
من اخرجته الله عزوجل من ذل المعاصي الى عز التقوى اغناه الله بلامال و اعزته
بال عشيره و آنسه بلا انيس و من خاف الله اخاف الله منه كل شىء و من لم
يخف الله اخافه الله من كل شىء و من رضى من الله باليسير من الرزق رضى منه
باليسير من العمل و من لم يستحى من طلب المعاش خفت مؤنته و نعم اهله و
من زهد فى الدنيا اثبت الله الحكمة فى قلبه و انطق بها لسانه و بصره عيوب الدنيا
داءها و دواءها و اخرجته من الدنيا سالما الى دارالسلام .

ترجمه :

179 - هيثم بن واقد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که
خداوند او را از ذلت گناهان به سوی عزت و ارجمندی تقوا فرستاد او را بدون
مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و قبيله عزت داد و بدون مونس آرامش
بخشید و کسی که از خدا بترسد خداوند هيبت او را در همه چیز می افکند و
کسی که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز بیمناک می سازد و کسی که از
خداوند به روزی کم خوشنود باشد خداوند هم از او به عمل کم خوشنود می
گردد و کسی که به دنیا بی اعتنا باشد خداوند حکمت و دانایی را در دلش پا
برجا می کند و زیارتش را به حکمت گویا می سازد و او را نسبت به دردها و
داروهای عیوب دنیا بینا می گرداند و او را سالم و بی نقص از دنیا به سرای
سلامت آن جهان منتقل می کند.

حدیث :

180 - عن الوليد بن عباس قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : الحسب
الفعال و الشرف المال و الكرم التقوى .

ترجمه :

180 - ولید بن عباس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گوهر مرد و بزرگی او اعمال او است و شرافت و ارجمندی او دارایی اوست و کرامت و بزرگواری او تقوای اوست .

حدیث :

181 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : فی خطبه له علیه السلام الا و ان الخطایا خیل شمس حمل علیها اهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم فی النار الا و ان التقوی مطایا ذلل حمل علیها اهلها و اعطوا ازمتها فاوردتهم الجنة .

ترجمه :

181 - امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای چنین فرمود: آگاه باشید که گناهان اسبان سرکشی هستند که گنهکاران بر آنها بار شده اند و دهنه آن اسبان رها شده پس آن اسبان سرکش سواران خود را در آتش سرنگون کنند و آگاه باشید که تقوی مرکبی رام را می ماند که اهل تقوی بر آن سوار گشته و مهار مرکبها به دست آنان است و مرکبها آنان را به بهشت وارد کنند.

حدیث :

182 - و قال علیه السلام : اتق الله بعض التقی و ان قل و اجعل بینک و بین الله سترا و ان رق .

ترجمه :

182 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تقوای خدا را پیشه کن تقوایی اگر چه کم و بین خود و خدایت پرده ای قرار ده اگر چه نازک .

21 - باب وجوب الورع 21 - باب وجوب پارسایی حدیث :

183 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لانعد الرجل مومنا حتی یکون لجميع امرنا متبعا مریدا، الا و ان من اتباع امرنا و ارادته الورع فتزینوا به یرحکم الله و کیدوا اعداءنا به ینعشکم الله .

ترجمه :

183 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما مردی را مومن نمی شماریم مگر اینکه تمامی امر ما را پیروی کند و بخواهد، آگاه باشید که از جمله پیروی امر ما و خواستن امر ما پارسایی است ، پس خود را با پارسایی زینت دهید تا خداوند رحمتش را شامل حالتان کند و دشمنان ما را به وسیله پارسایی فریب دهید تا خداوند شما را بلند مرتبه گرداند.

حدیث :

184 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوصیک بتقوی الله و الورع و الجتهاد و اعلم انه لا ینفع اجتهاد لا ورع فیه .

ترجمه :

184 - امام صادق علیه السلام فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بدان که کوششی که پارسایی در آن نباشد سودی نخواهد داشت .

حدیث :

185 - عن حفص بن غیاث قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الورع فقال : الذی یتورع عن محارم الله عزوجل .

ترجمه :

185 - حفص بن غیاث گوید از امام صادق علیه السلام درباره ورع و پارسا سوال کردم حضرت فرمود: پارسا کسی است که از ارتکاب حرامهای خدای عزوجل باز ایستد.

حدیث :

186 - عن یزید بن خلیفه قال : وعظنا ابو عبدالله علیه السلام فامر و زهد ثم قال : علیکم بالورع فانه لا ینال ما عند الله الا بالورع .
ترجمه :

186 - یزید بن خلیفه گوید: امام صادق علیه السلام ما را موعظه نمود پس به ما امر کرد و ما را بر بی رغبتی به دنیا تشویق و تحریک نمود سپس فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا (آدمی) جز به وسیله پارسایی به آنچه که در نزد خداست دست نمی یابد.

حدیث :

187 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لا ینفع اجتهاد لا ورع فیه .
ترجمه :

187 - امام صادق علیه السلام فرمود: کوششی که پارسایی در آن رعایت نشود سودی نخواهد داشت .

حدیث :

188 - قال ابو جعفر علیه السلام : ان اشد العبادة الورع .
ترجمه :

188 - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا سخت ترین عبادت باز ایستادن از گناه است .

حدیث :

189 - عن حدید بن حکیم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : اتقوا الله و صونوا دینکم بالورع .

ترجمه :

189 - حدید بن حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و دین خود را با ورع (باز ایستادن از گناه) حفظ کنید.

حدیث :

190 - قال ابو عبدالله علیه السلام فی حدیث : انما اصحابی من اشدت ورعه و عمل لخالقه و رجا ثوابه به هولاء اصحابی .

ترجمه :

190 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: یاران من کسانی هستند که : پارسایی آنان زیاد است و برای (رضای) آفریننده خود کار می کنند و امید ثواب او را دارند، اینان یاران من هستند.

حدیث :

191 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل ابن آدم اجتنب ما حرمت علیک تکن من اورع الناس .

ترجمه :

191 - امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرموده است : ای فرزند آدم ! از آنچه که بر تو حرام نموده ام دوری کن تا از پارساترین مردم باشی .

حدیث :

192 - عن ابی اسامه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : علیک بتقوی الله و الورع و الاجتهاد و صدق الحدیث و اداء الامانه و حسن الخلق و حسن الجوار و كونوا دعاه الی انفسکم بغير السننکم و كونوا زینا و لاتكونوا شینا و علیکم بطول

الركوع و السجود فان احدكم اذا اطال الركوع و السجود هتف ابليس من خلفه و قال : يا ويله اطاع و عصيت و سجد و ابیت .

ترجمه :

192 - ابی اسامه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر تو باد به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش و راستگویی و امانتداری و خوش خلقی و حسن همسایگی و اینکه با غیر زبانان (کردارتان) دیگران را به سوی خودتان دعوت کنید و (برای ما) مایه زینت باشید نه مایه ننگ و رسوایی و بر شما باد به رکوع و سجود طولانی زیرا اگر کسی از شما رکوع و سجودش را طول دهد شیطان از پشت سر او فریاد بر می آورد و می گوید: ای وای که او فرمانبری کرد و من نافرمانی و او سجده کرد و من از سجده خودداری کردم .

حدیث :

193 - عن علی بن ابی زید عن ابيه قال كنت عند ابی عبدالله علیه السلام فدخل علیه عیسی بن عبدالله القمی فرحب به و قرب مجلسه ثم قال یا عیسی بن عبدالله لیس منا و لاکرامه من کان فی مصر فیه مائه او یزیدون و کان فی ذلک المصر احد اورع منه .

ترجمه :

193 - علی بن ابی زید از پدرش روایت کند که در نزد امام صادق علیه السلام بودم که عیسی بن عبدالله قمی وارد شد حضرت به او خوش آمد گفت و او را نزدیک خود نشانند سپس فرمود: ای عیسی بن عبدالله! از ما نیست و بزرگواری ندارد کسی که در شهری باشد که در آن یکصد نفر یا بیشتر باشند و در آن شهر کسی با ورع تر و پارساتر از او باشد.

حدیث :

194 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اعینونا بالورع فانه من القی الله عزوجل منکم بالورع کان له عند الله عزوجل فرجا.

ترجمه :

194 - امام باقر علیه السلام فرمود: ما را با پارسا بودنتان یاری کنید زیرا کسی از شما که خدای عزوجل را با پارسایی دیدار کند برای او در نزد خدای عزوجل گشایشی هست .

حدیث :

195 - قال ابو عبدالله علیه السلام : کونوا دعاه للناس بغير السننکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاه و الخیر فان ذکل داعیه .

ترجمه :

195 - امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را با غیر زبانتان (یعنی با کردارتان) بخوانید تا از شما پارسایی و کوشش و نماز و خوبی را ببینند زیرا این امور آنان را (به سوی حق) فرا می خواند.

حدیث :

196 - عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال : کثیرا ما کنت اسمع ابی یقول : لیس من شیعتنا من لاتتحدث المخدرات بورعه فی خدورهن و لیس من اولیائنا من هو فی قریه فیها عشره الاف رجل فیهم خلق الله اورع منه .

ترجمه :

196 - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: بسیاری از مواقع از پدرم می شنیدم که می فرمود: شیعه ما نیست کسی که سخن گفتنش با زنان پرده نشین از روی پارسایی (یعنی همراه با اجتناب از گناه) نباشد و از دوستان ما شمرده

نمی شود کسی که در قریه ای که ده هزار نفر در آن زندگی می کنند باشد و در بین آنان پارسا تر از او هم وجود داشته باشد.

197 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلی عليه السلام قال : يا علی ثلاثه من لقی الله عزوجل بهن فهو من افضل الناس : من اتی الله عزوجل بما افترض علیه فهو من اعبد الناس و من ورع عن محارم الله فهو من اورع الناس و من قنع بما رزقه الله فهو من اغنی الناس ثم قال یا علی ثلاث من لم یکن فیہ لم یتم عمله : ورع یحجزه عن معاصی الله و خلق یداری به الناس و حلم یرد به جهل الجاهل الی ان قال یا علی الاسلام عربان و لباسه الحیاء و زینته العفاف و مروءته العمل الصالح و عماده الورع .
ترجمه :

197 - از امام صادق عليه السلام و او از پدران بزرگوارش روایت است که در وصیت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام آمده است : ای علی ! سه چیز است که هر کس خدای عزوجل را همراه با این سه دیدار کند او از بدترین مردم است : کسی که همراه با آنچه که بر او واجب بوده بر خدای عزوجل وارد شود پس او از عابدترین مردمان است ، و کسی که از ارتکاب حرامهای الهی خودداری کند که چنین کسی از پارسا ترین مردمان است ، و کسی که به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد که این کس از بی نیازترین مردم است . سپس فرمود : ای علی ! سه چیز است که اگر در کسی نباشد عملش کامل نیست : پارسایی ای که وی را از ارتکاب گناهان الهی باز دارد و اخلاقی که به کمک آن با مردم مدارا کند و بردباری ای که به کمک آن نادانی نادان را برگرداند تا آنجا که فرمود : ای علی ! اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زیور او پاکدامنی است و جوانمردی اش کردار شایسته است و پایه و ستون آن اجتناب از گناه است .

حدیث :

198 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : لا یجمع الله لمومن الورع و الزهد فی الدنیا الا رجوت له الجنة .

ترجمه :

198 - راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند برای مومنی در دنیا پارسایی و زهد را جمع نمی کند مگر اینکه من امید بهشت را برای او دارم .

حدیث :

199 - عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث قال : لاتنال و لایتنا الا بالعمل و الورع .

ترجمه :

199 - امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: کسی به ولایت ما نمی رسد مگر با عمل (شایسته) و خودداری از گناه .

حدیث :

200 - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : لیس من شیعتنا من یکون فی مصر یکون فیہ مائه الف و یکون فی المصر اورع منه .

ترجمه :

200 - امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان (واقعی) ما شمرده نمی شود کسی که در شهری باشد که در آنجا صد هزار نفر زندگی می کنند و در بین آنان پارساتر از او وجود دارد.

حدیث :

201 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ليس من شيعتنا من قال بلسانه و خالفنا في اعمالنا و آثارنا و لكن شيعتنا من وافقنا بلسانه و قلبه و اتبع آثارنا و عمل باعمالنا اولئك شيعتنا.

ترجمه :

201 - امام صادق عليه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که به زبان (از دوستی ما) دم زند اما در اعمال و اخبار ما با ما مخالفت کند ولیکن شیعه ما کسی است که با زبان و قلبش با ما توافق باشد و از اخبار ما پیروی کند و همانند ما عمل کند.

حدیث :

202 - عن كليب بن معاوية الاسدي قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اما و الله انكم لعلی دین الله و ملائکته فاعینونا علی ذلک بورع و اجتهاد، علیکم بالصلاه و العباده ، علیکم بالورع .

ترجمه :

202 - کلب بن معاویه اسدی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: آگاه باشید که سوگند به خدا شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید پس ما را بر این دین به وسیله پارسایی و کوشش یاری کنید، بر شما باد به نماز و عبادت ، بر شما باد به خودداری از گناه .

حدیث :

203 - عن الامام علی بن محمد عليه السلام عن آباءه عن الصادق عليه السلام انه قال : علیکم بالورع فانه الدین الذی نلازمه و ندین الله تعالی به و نریده ممن یوالینا لاتتعبونا بالشفاعه .

ترجمه :

203 - امام دهم امام علی النقی علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش از امام صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا پارسایی همان دینی است که ما به آن وابسته ایم و خداوند را به وسیله آن دینداری می کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می دارند می خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیفکنند.

حدیث :

204 - عن علی بن محمد علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال : دخل سماعة بن مهران علی الصادق علیه السلام فقال له : یا سماعة و ذکر الحدیث الی ان قال : و الله یدخل النار منکم احد فتنافسوا فی الدرجات و اکمدوا عدوکم بالورع .

ترجمه :

204 - امام دهم امام علی النقی علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: سماعه بن مهران بر امام صادق علیه السلام وارد شد امام به او فرمود: ای سماعه! و حدیث گذشته را بیان نمود تا آنجا که فرمود: به خدا سوگند که کسی از شما به دوزخ نمی رود پس در (یافتن) درجات (بهشت) با یکدیگر رقابت کنید و دشمنانتان را با خودداری از گناه افسرده خاطر سازید.

22 - باب وجوب العفه

22 - باب وجوب پاکدامنی حدیث :

205 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عباده افضل عند الله من فیه بطن و

فرج .

ترجمه :

205 - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عبادتی در نزد خدا برتر از ترک شهوات

شکم و فرج نیست .

حدیث :

206 - قال ابو جعفر علیه السلام : ان افضل العبادع عفه البطن و الفرج .

ترجمه :

206 - امام باقر علیه السلام فرمود: بهترین عبادت رعایت پاکی شکم و پاکی دامن

است .

حدیث :

207 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما عبدالله بشیء افضل من عفه بطن و فرج

ترجمه :

207 - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به هیچ عبادتی برتر از رعایت پاکی

شکم و پاکی دامن عبادت نشده است .

حدیث :

208 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اکثر ما تلج به امتی

النار الاجوفان البطن و الفرج .

ترجمه :

208 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بیشترین چیزی که به سبب آن امت من وارد دوزخ می شوند دو چیز میان تھی است یکی شکم و دیگری فرج .
حدیث :

209 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله ثلاث اخافهن بعدى على امتى : الضلالة بعد المعرفة و مضلات الفتن و شهوه البطن و الفرج .
ترجمه :

209 - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: سه چیز است که پس از خودم از این سه بر امتم ترسانم : گمراهی بعد از معرفت و فتنه های گمراه کننده و شهوت شکم و فرج .
حدیث :

210 - عن ابى بصير قال : قال رجل لابي جعفر عليه السلام : انى ضعيف العمل قليل الصيام ولكنى ارجو ان لا آكل الا حلالا قال : فقال له : اى الاجتهاد افضل من عفه بطن و فرج ؟
ترجمه :

210 - ابی بصیر گوید: مردی به امام باقر عليه السلام عرض کرد: من در عمل سست هستم و روزه ام کم است ولی امید این دارم که جز حلال نخورم .
حضرت فرمود: کدام تلاش و کوششی از پاکی شکم و پاکی دامن برتر است ؟
حدیث :

211 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : افضل العباده العفاف .
ترجمه :

211 - امام صادق عليه السلام فرمود: امیرالمؤمنین عليه السلام می فرمود: برترین عبادت پاکدامنی است .

حدیث :

212 - عن میمون القداح قال سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول : ما من عباده افضل من عفه بطن و فرج .

ترجمه :

212 - میمون بن قداح گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ عبادتی برتر از پاکی شکم و پاکی دامن نیست .

حدیث :

213 - عن امیرالمؤمنین عليه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : و من لم يعط نفسه شهوتها اصاب رشده .

ترجمه :

213 - امیرالمؤمنین عليه السلام در وصیتش به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: و کسی که به نفس خود خواسته نفس را عطا نکند به رشد خود رسیده است .

حدیث :

214 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من ضمن لی اثنتین ضمانت له علی الله الجنه : من ضمن لی ما بین لحييه و ما بین رجلیه ضمانت له علی الله الجنه یعنی ضمن لی لسانه و فرجه .

ترجمه :

214 - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که برای من دو چیز را ضمانت کند من نیز در پیشگاه خداوند بهشت را برای او ضمانت خواهم کرد: کسی که برای من ضامن آنچه که بین ریش و سبیلش و آنچه بین دو پایش هست باشد من نیز

در پیشگاه خدا ضامن بهشت برای اویم یعنی برای من ضامن زبان و فرج خود باشد.

حدیث :

215 - عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله الصادق عليه السلام يقول : من كف اذاه عن جاره اقاله الله عثرته يوم القيامة و من عف بطنه و فرجه كان في الجنة ملكا محبورا و من اعتق نسمة مومنه بنى له بيت في الجنة .
ترجمه :

215 - ابی بصیر گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: کسی که آزار خود را از همسایه اش باز دارد خداوند در روز قیامت لغزش او را جبران خواهد کرد و کسی که شکم و دامان خود را پاک نگهدارد در بهشت فرشته ای شادمان خواهد شد و کسی که برده مومنی را آزاد سازد در بهشت خانه ای برایش ساخته می شود.

حدیث :

216 - عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في خطبه له : و من قدر على امراه او جاريه حراما فتركها مخافه الله حرم الله عليه النار و آمنه من الفرع الاكبر و ادخله الجنة فان اصابها حراما حرم الله عليه الجنة و ادخله النار.
ترجمه :

216 - از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در خطبه ای از آن حضرت روایت است که فرمود: کسی که بر زنی یا کنیزی به حرام دست یابد و از خوف خدا از ارتکاب حرام باز ایستد خداوند آتش را بر او حرام می گرداند و او را از بی تابی بزرگ روز قیامت ایمن می کند و او را وارد بهشت می سازد ولی اگر به حرام افتاد خداوند نیز بهشت را بر او حرام و او را به دوزخ می افکند.

حدیث :

217 - قال ابو عبدالله : انما شیعه جعفر من عف بطنه و فرجه و اشدت جهاده و عمل لخالفه و رجا ثوابه و خاف عقابه فاذا رایت اولئک فاولئک شیعه جعفر .

ترجمه :

217 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیعه جعفری کسی است که شکم و دامان خود را پاک نگاه دارد و کوشش او زیاد باشد و برای (کسب رضای) آفریدگار خود عمل کند و امید به پاداش او و ترس از کیفر او داشته باشد پس هرگاه چنین کسانی را دیدی آنان شیعه جعفری اند.

حدیث :

218 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : قدر الرجل علی قدر همته و صدقه علی قدر مروءته و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته .

ترجمه :

218 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ارزش و مرتبه مرد به اندازه همت اوست و راستی او به اندازه جوانمردی اوست و دلیری او به اندازه عار و ننگی است که از زشتی دارد و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست .

23 - باب وجوب اجتناب المحارم

23 - باب وجوب خودداری از حرامها حدیث :

219 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : کل عین باکیه یوم القیامه غیر ثلاث : عین سهرت فی سبیل الله و عین فاضت من خشیه الله و عین غضت عن محارم الله .
ترجمه :

219 - امام باقر علیه السلام فرمود: همه چشمها در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : چشمی که در راه خدا بیدار بماند و چشمی که از ترس خدا اشک بریزد و چشمی که از دیدن حرامهای الهی فرو بسته شود.
حدیث :

220 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اشد ما فرض الله علی خلقه ذکر الله کثیرا، ثم قال : لا اعنی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و ان کان منه و لکن ذکر الله عند ما احل و حرم فان کان طاعه عمل بها و ان کان معصیه ترکها.
ترجمه :

220 - امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخته این است که او را فراوان یاد کنند، سپس فرمود: مقصود من گفتن (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) نیست اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد از ذکر، یاد نمودن خداوند در نزد حلال و حرام الهی است ، پس اگر به طاعتی برخورد به آن عمل کند و اگر با معصیتی مواجه شد آن را ترک کند.
حدیث :

221 - عن سليمان بن خالد قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (و قدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) قال : اما و الله ان كانت اعمالهم اشد بياضا من القباطى و لكن كانوا اذا عرض لهم الحرام لم يدعوه .
ترجمه :

221 - سليمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام درباره قول خدای عزوجل که می فرماید: (و به سوی اعمالی که انجام داده اند پیشی گرفتیم و آن اعمال را همچون گردی پراکنده گردانیدیم) ⁽⁶⁹⁾ پرسیدم حضرت فرمود: آگاه باش ، سوگند به خدا اگر اعمال آنها از کتان سفید هم سفیدتر باشد ولی در هنگامی که حرام به آنان عرضه می شده آن را وا نمی گذارده اند باز هم خداوند اعمال آنها را هیچ می کند.
حدیث :

222 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من ترك معصيه لله مخافه الله تبارك و تعالى ارضاء يوم القيامه .
ترجمه :

222 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که معصیت الهی را از خوف خدای تبارک و تعالی ترک کند خداوند او را در روز قیامت خوشنود می سازد.
حدیث :

223 - عن ابى عبدالله عليه السلام فى رسالته الى اصحابه قال : و اياكم ان تشره انفسكم الى شىء حرم الله عليكم فان من انتهك ما حرم الله عليه هاهنا فى الدنيا حال الله بينه و بين الجنة و نعیم و لذتها و كرامتها القائمه الدائمه لاهل الجنة ابد

الابدنی - الی ان قال : - و ایاکم و الاصرار علی شیء مما حرم الله فی القرآن
ظهره و بطنه و قد قال : (و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون).

ترجمه :

223 - امام صادق علیه السلام در رساله ای به سوی اصحابش فرمود: و بر حذر
باشید از اینکه نفس شما به سوی چیزی که خداوند بر شما حرام نموده مایل و
حریص شود زیرا کسی که در این دنیا درباره حرام الهی پرده دری کند خداوند
بین او و بهشت و نعمتها و لذتها و ارجمندی همیشگی که برای اهل بهشت است
برای همیشه حائل و مانع می شود تا آنجا که فرمود: بر حذر باشید از اصرار
نمودن بر ارتکاب چیزی که خداوند در قرآن حرام نموده . خداوند در قرآن
فرموده : (و اصرار نورزند بر آنچه که انجام داده اند در حالی که می دانند) ⁽⁷⁰⁾

حدیث :

224 - عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یقول الله تبارک و تعالی
لابن آدم : ان نازعک بصرک الی بعض ما حرمت علیک فقد اعتنک علیه بطبقین
فاطبق و لا تنظر و ان نازعک لسانک الی بعض ما حرمت علیک فقد اعتنک
علیه بطبقین فاطبق و لا تتکلم و ان نازعک فرجک الی بعض ما حرمت علیک
فقد اعتنک علیه بطبقین فاطبق و لاتات حراما.

ترجمه :

224 - علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی
به فرزند آدم می گوید: اگر چشم تو در مورد بعضی از چیزهایی که بر تو حرام
کرده ام با تو به نزاع و کشمکش پردازد پس من تو را به وسیله دو سرپوش (که
پلکهای توست) یاری می کنم پس فرو بند و نظر مکن و اگر زبان تو در مورد
برخی از چیزهایی که بر تو حرام کرده ام با تو به ستیز پردازد من تو را به

وسيله دو لب يارى مى كنم پس فروبند و سخن مگو و اگر دامان تو درباره بعضى از چيزهايى كه بر تو حرام كرده ام با تو به جنگ برخيزد من تو را به وسيله اطراف دامانت يارى مى كنم پس بر هم نه و مرتكب حرام مشو.

حدیث :

225 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام فى وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام قال : يا على ثلاث لا تطيقها هذه الامه : المواساه للاخ فى ماله و انصاف الناس من نفسه و ذكر الله على كل حال و ليس هو سبحانه الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لكن اذا ورد على ما يحرم عليه خاف الله عزوجل عنده و تركه .

ترجمه :

225 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روايت كند كه پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله در وصيتش به على عليه السلام فرمود: اى على ! سه چيز است كه اين امت طاقت و توان آن را ندارد: يارى نمودن به برادر دينى از نظر مالى و به عدل و راستى با مردم رفتار نمودن و در هر حالى به ياد خدا بودن و ياد خدا اين است كه هرگاه بر حرامى وارد شد در برابر آن حرام از خداى عزوجل بترسد و آن را ترك كند.

حدیث :

226 - عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لاتزال امتى بخير ما تحابوا و تهادوا و ادوا الامانه و اجتنبوا الحرام و قروا الضيفو اقاموا الصلاه و اتوا الزكاه فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنين .

ترجمه :

226 - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود: پیوسته امت من در خیر و خوبی اند تا زمانی که یکدیگر را دوست دارند و به یکدیگر هدیه می دهند و امانتداری می کنند و از ارتکاب حرام خودداری می کنند و از مهمان پذیرایی می کنند و نماز را به پای می دارند و زکات می پردازند پس هنگامی که چنین نکنند به خشکسالی و آفت دچار می شوند.

حدیث :

227 - قال ابو عبدالله علیه السلام : ما ابتلی المومن بشی ء اشد علیه من خصال

ثلاث یحرمها قیل : و ما هی ؟ قال : المواساه فی ذات یده و الانصاف من نفسه و ذکر الله کثیرا اما انی لا اقول لکم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لکن ذکر الله عند ما احل له و عند ما حرم علیه .

ترجمه :

227 - امام صادق علیه السلام فرمود: مومن به چیزی که سخت تر بر او باشد از

محروم ماندن وی از سه خصلت ، گرفتار نشده است ، گفته شد: آن سه خصلت کدامند؟ فرمود: یاری رساندن به دیگران با همه امکاناتی که در دست دارد و منصفانه رفتار کردن و بسیار یاد کردن خداوند نمی گویم (فقط) (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) گویند بلکه مراد من یاد کردن خدا در هنگام برخورد با حلال و حرام است .

حدیث :

228 - عن حسین البزاز قال : قال لی ابو عبدالله علیه السلام : الا احدثک باشد ما

فرض الله عزوجل علی خلقه ؟ قلت : بلی قال : انصاف الناس من نفسک و مواساتک لاخیک و ذکر الله فی کل موطن اما انی لا اقول سبحان الله و الحمد لله

و لا اله الا الله و الله اكبر و ان كان هذا من ذاك و لكن ذكر الله في كل موطن اذا هجمت على طاعه او معصيه .

ترجمه :

228 - حسين بزاز گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: آیا درباره سخت ترین چیزی که خداوند عزوجل بر بندگانش واجب ساخته با تو سخن بگویم؟ عرض کردم: آری. حضرت فرمود: منصفانه رفتار کردندت با دیگران و یاری رساندنت به برادرت و در هر جا یاد خدا کردن، آگاه باش که نمی گویم (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر) گفتن اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد من یاد کردن خدا در همه جا است. آنگاه که بر طاعت یا معصیتی روی می آوری.

حدیث :

229 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اشد الاعمال ثلاثه : انصاف الناس من نفسک حتی لا ترضی لها منهم بشیء الا رضیت لهم منها بمثلہ و مواساتک الاخ فی المال و ذکر الله علی کل حال لیس سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر فقط و لكن اذا ورد علیک شیء امر الله به اخذت به و اذا ورد علیک شیء نهی عنه ترکته .

ترجمه :

229 - امام صادق عليه السلام فرمود: سخت ترین اعمال سه تاست: یکی منصفانه رفتار کردن با مردم در مورد خود به گونه ای که برای خود به چیزی خوشنود نشوی جز اینکه برای مردم نیز به مثل همان چیز خوشنود گردی، و دیگری یاری مالی نمودن به برادر دینی ات، و یاد و ذکر خدا در هر حال نه تنها (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر) گفتن، بلکه هنگامی که چیزی

بر تو وارد شود که خداوند به آن امر نموده به آن عمل کنی و هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند از آن نهی فرموده ، آن را ترک کنی .

حدیث :

230 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان يحجزه لا اله الا الله عما حرم الله .

ترجمه :

230 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از روی اخلاص (لا اله الا الله) گوید به بهشت داخل شود و اخلاص او این است که گفتن (لا اله الا الله) او را از ارتکاب آنچه که خداوند بر او حرام نموده باز دارد.

حدیث :

231 - عن الصادق علیه السلام عن آباءه علیهم السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : من اطاع الله فقد ذکر الله و ان قلت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن و من عصی الله فقد نسی الله و ان کثرت صلاته و صیامه و تلاوته للقرآن .

ترجمه :

231 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که فرمان خدای را برد و او را اطاعت کند خداوند را یاد نموده است اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش کم باشد و کسی که خدای را نافرمانی کند خداوند را فراموش نموده اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش زیاد باشد.

حدیث :

232 - عن النبی صلی الله علیه و آله قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان يحجزه لا اله الا الله عما حرم الله .

ترجمه :

232 - روایت شماره 230 از پیامبر اکرم ﷺ نیز روایت شده است .

حدیث :

233 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اشد ما عمل العباد انصاف المرء من نفسه و مواساه المرء اخاه و ذکر الله علی کل حال قال : قلت : اصلحك الله و ما وجه ذکر الله علی کل حال ؟ قال : یذكر الله عند المعصیه بهم بها فیحول ذکر الله بینه و بین تلك المعصیه و هو قول الله : (ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون).

ترجمه :

233 - امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین اعمال بندگان یکی منصفانه رفتار کردن مرد درباره خود و دیگری یاری کردن مرد به برادر دینی اش و دیگری یاد نمودن خداوند در همه حالات ، راوی گوید: عرض کردم : یاد نمودن خداوند در همه حالات چگونه است ؟ فرمود: هرگاه آهنگ ارتکاب معصیتی را نمود خدای را یاد کند پس یاد خدا بین او و بین آن معصیت حائل می شود و این همان گفتار خداوند است که می فرماید: (همانا آنانکه پرهیزکارند هرگاه رهگذری از شیطان آهنگ آنان کند یاد آور شوند پس ناگاه بینا گردند)

(71)

حدیث :

234 - قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من اقام فرائض الله و اجتنب محارم الله و احسن الولایه لاهل بیت نبی الله و تبرأ من اعداء الله فلیدخل من ای ابواب الجنه الثمانیه شاء.

ترجمه :

234 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که واجبات الهی را به پای دارد و از حرامهای خداوند دوری کند و اعتقادی نیکو به ولایت اهل بیت پیامبر خدا داشته باشد و از دشمنان خدا دوری و بیزاری جوید پس ، از هر دری از درهای هشتگانه بهشت که می خواهد داخل شود.

حدیث :

235 - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس و من اجتنب ما حرم الله علیه فهو من اعبد الناس و من قنع بما قسم الله له فهو من اغنی الناس .

ترجمه :

235 - امام زین العابدین علیه السلام فرمود: هر کس به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته است عمل کند از بهترین مردمان است و کسی که از آنچه که خداوند بر او حرام نموده دوری کند از عابدترین مردم است و کسی که به آنچه خداوند قسمت او کرده قانع باشد از بی نیازترین مردمان است .

حدیث :

236 - عن زید الشحام قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : احذروا سطورات الله باللیل و النهار فقلت : و ما سطوات الله ؟ قال : اخذه علی المعاصی .

ترجمه :

236 - زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از حمله ها و سختگیری های خداوند در شب و روز بپرهیزید، عرض کردم : سختگیریهای خداوند چیست ؟ فرمود: اینکه او بنده اش را بر معصیتهايش بگیرد.

24 - باب وجوب اداء الفرائض

24 - باب وجوب ادای واجبات حدیث :

237 - قال علی بن الحسین علیه السلام : من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس .

ترجمه :

237 - امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از بهترین مردمان است .
حدیث :

238 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل اصبروا و صابروا و رابطوا قال : اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمة علیهم السلام .
ترجمه :

238 - امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل : (شکیبایی کنید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر بییونید) ⁽⁷²⁾ فرمود: شکیبایی باشید بر انجام واجبات و یکدیگر را در معصیتها به صبر سفارش کنید و بر محور امامان علیهم السلام به یکدیگر، بییونید.
حدیث :

239 - قال الكلینی و فی روایه ابن محبوب عن ابی السفاتج : و اتقوا الله ربکم فیما افترض علیکم .
ترجمه :

239 - مرحوم کلینی رحمته الله گوید: روایت قبل از طریق ابن محبوب نیز روایت است و در آن اضافه دارد: و از پروردگارتان در مورد آنچه که بر شما واجب ساخته پروا داشته باشید.

حدیث :

240 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تبارک و تعالی : ما تحب الی
عبدی باحب مما افترضت علیه .

ترجمه :

240 - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی فرمود: بنده من با من
به دوست داشتنی تر از (انجام) آنچه که بر او واجب کرده ام دوستی نکرده است

حدیث :

241 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (اصبروا و صابروا و
رابطوا) قال : اصبروا علی الفرائض .

ترجمه :

241 - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل : (شکیبا باشید و
یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر پیوندید) ⁽⁷³⁾ فرمود: شکیبا
باشید بر (انجام) واجبات .

حدیث :

242 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اعمل بفرائض الله
تکن اتقی الناس .

ترجمه :

242 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به واجبات الهی
عمل کن تا پرهیزگارترین مردمان باشی .

حدیث :

243 - عن علي بن الحسين عليه السلام قال : من عمل بما افترض الله عليه فهو من اعبد الناس .

ترجمه :

243 - امام سجاد عليه السلام فرمود: کسی که به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از عابدترین مردمان است .

حدیث :

244 - عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : ان الله فرض عليكم فرائض فلا تضيعوها و حد لكم حدودا فلا تعتدوها و نهاكم عن اشياء فلا تنتهكوها و سكت لكم عن اشياء و لم يدعها نسيانا فلا تتكلفوها.

ترجمه :

244 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: خداوند واجباتی را بر شما واجب ساخته پس آنها را مهمل مگذارید و حدودی را برای شما معین فرموده پس از آن چیزها پرده دری نکنید و از چیزهایی سکوت نموده و این سکوت از روی فراموشی نیست پس خود را در آن مورد به زحمت نیفکنید.

حدیث :

245 - عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اعمل بفرائض الله تكن من اتقى الناس و ارض بقسم الله تكن من اغنى الناس و كف عن محارم الله تكن من اورع الناس و احسن مجاوره من يجاورك تكن مومنا و احسن مصاحبه من صاحبك تكن مسلما.

ترجمه :

245 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا از پرهیزگارترین مردمان باشی ، و به

قسمت الهی راضی باش تا از بی نیازترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و با کسی که در همسایگی توست خوب همسایگی کن تا مومن باشی ، و با همدم خود خوب همدمی کن تا مسلمان باشی .

25 - باب استحباب الصبر فی جمیع الامور

25 - باب استحباب صبر در تمامی کارها حدیث :

246 - قال ابو عبدالله عليه السلام : يا حفص ان من صبر صبرا قليلا و ان من جزع جزعا قليلا - ثم قال : - عليك بالصبر في جميع امورك فان الله عزوجل بعث محمدا صلى الله عليه وآله وسلم فامرته بالصبر و الرفق فقال : (و اصبر على ما يقولون و اهجرهم هجرا جميلا و ذرنى و المكذبين اولى النعمه) و قال : (ادفع بالتى هى احسن فاذا الذى بينك و بينه عداوه كانه ولى حميم و ما يلقاها الا الذين صبروا و ما يلقاها الا ذو حظ عظيم) فصبر حتى نالوه بالعظام و رموه بها فضاقت صدره فانزل الله عليه (و لقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون فسبح بحمد ربك و كن من الساجدين) ثم كذبوه و رموه فحزن لذلك فانزل الله (قد نعلم انه ليحزنك الذى يقولون فانهم لا يكذبونك و لكن الظالمين بايات الله يجحدون و لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا و اوذوا حتى اناهم نصرنا) فالزم النبى صلى الله عليه وآله وسلم نفسه الصبر فتعدوا فذكروا الله تبارك و تعالى و كذبوه فقال : قد صبرت فى نفسى و اهلى و عرضى و لاصبر لى على ذكر الهى فانزل الله عزوجل (فاصبر على ما يقولون) فصبر فى جميع احواله ثم بشر فى عترته بالائمه عليهم السلام و وصفوا بالصبر فقال جل ثناوه : (و جعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا لما صبروا و كانوا باياتنا يوقنون) فعند ذلك قال النبى صلى الله عليه وآله وسلم الصبر من الايمان كالراس من الجسد. فشكر الله ذلك له فانزل الله (و تمت كلمه ربك الحسنى على بنى اسرائيل بما صبروا و دمرنا ما كان يصنع فرعون و قومه و ما كانوا يعرشون) فقال : انه بشرى و انتقام فاباح الله له قتال المشركين فانزل الله (فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اعدوا لهم كل مرصد) (و اقتلوهم حيث ثقفتموهم) فقتلهم الله على يدى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و احبائه و جعل له ثواب صبره مع ما

ادخر له فى الاخره فمن صبر و احتسب لم يخرج من الدنيا حتى يقر الله له عينه
فى اعدائه مع يدخر له فى الاخره .

ترجمه :

246 - امام صادق عليه السلام فرمود: ای حفص! به راستی کسی که صبر پیشه
کند (در مقایسه با صبری که باید بر آتش داشته باشد) صبر کمی نموده و کسی
که بی تابى کند (در مقایسه با جزع و بی تابى روز قیامت) بی تابى کمی نموده
است سپس فرمود: بر تو باد که در تمامی کارهایت صبر را پیشه خود سازی
زیرا خداوند عزوجل محمد صلى الله عليه وآله را بر انگیخت و او را به صبر و مدارا نمودن
امر نمود و فرمود: (بر آنچه که می گویند صبر کن و از آنان دوری گزین دوری
گزیدنی نیکو و مرا با تکذیب کنندگان دارنده نعمت واگذار) ⁽⁷⁴⁾ - و فرمود: (دو
رکن به طریقه ای که نیکوتر است پس ناگاه آنکه بین تو و او دشمنی وجود دارد
گوئیا دوستی نزدیک است و این داده نشود مگر به آنانی که صبر نمودند و داده
نشود مگر به کسی که دارای بهره بزرگی است) ⁽⁷⁵⁾ پس پیامبر صلى الله عليه وآله صبر نمود
تا آنجا که او را به بلاهای سخت رساندند و او را در بلاها افکندند پس سینه
اش از غم و اندوه تنگ شد و خداوند این آیه را بر او نازل کرد: (و محققا که ما
می دانیم سینه ات به سبب آنچه می گویند تنگ می گردد پس تسبیح گوی
همراه با ستایش پروردگارت و از سجده کننده گان باش) ⁽⁷⁶⁾ سپس او را
تکذیب کردند و دشنام دادند پس او غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد (به
تحقیق می دانیم آنچه می گویند غمگینت می کند زیرا آنان تو را تکذیب نمی
کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را انکار می کنند و محققا که رسولان پیش از
تو نیز تکذیب شدند پس بر آنچه که تکذیب شدند صبر کردند و آزار کشیدند تا
اینکه یاری ما فرا رسید) ⁽⁷⁷⁾ پس پیامبر صلى الله عليه وآله خود را به صبر واداشت ولی

کافران از حد خود تجاوز نمودند و خداوند تبارک و تعالی را تکذیب نمودند در اینجا پیامبر فرمود: من درباره خود و خانواده و آبرویم صبر کردم اما بر اینکه خدایم را (به بدی) یاد کنند صبر ندارم پس خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود: (بر آنچه که می گویند صبر کن) (78) پس پیامبر در همه حالاتش صبر پیشه نمود سپس از جانب خداوند فرمود: (و قرار دادیم از آنان پیشوایانی که به فرمان ما راهنمایی می کنند زیرا آنان صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند) (79) در آن هنگام بود که پیامبر ﷺ فرمود: صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است . خداوند نیز پیامبرش را ثنای نیکو گفت و این آیه را نازل فرمود: (و سخن نیکوی پروردگارت بر بنی اسرائیل تمام شد زیرا آنان صبر کردند و آنچه را که فرعون و قومش می ساختند و بر می افراشتند واژگونه ساختیم) (80) پس پیامبر فرمود: این هم بشارت است و هم انتقام . خداوند نیز جنگ با مشرکان را بر او مباح ساخت و این آیه را نازل فرمود: (پس بکشید مشرکان را هر کجا که آنان را یافتید و دستگیرشان کنید و بر آنان تنگ گیرید و در هر کمینگاهی برای آنان بنشینید) (81) (و آنان را هر جا که بیابید بکشید) (82) پس خداوند آنان را به دست رسول الله و دوستانش به قتل رساند و این پیروزی را ثواب صبر او قرار داد بعلاوه ثوابی که برای او در آخرت ذخیره کرده است . پس کسی که صبر کند و امید ثواب داشته باشد از این دنیا بیرون نمی رود مگر اینکه خداوند چشمانش را (به نابودی دشمنانش) روشن می کند (او را درباره دشمنانش دلشاد می کند) بعلاوه اینکه برای او در آخرت ثوابی ذخیره می سازد.

حدیث :

247 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله ﷺ : سیاتی علی الناس زمان لا ینال فیہ الملک الا بالقتل - الی ان قال : - فمن ادرك ذلک الزمان فصبر

علی الفقر و هو يقدر علی الغنی و صبر علی البغضه و هو يقدر علی المحبه و
صبر علی الذل و هو يقدر علی العز آتاه الله ثواب خمسين صديقا ممن صدق بی

ترجمه :

247 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: به زودی زمانی بر
مردمان خواهد آمد که در آن زمان کسی به پادشاهی نمی رسد مگر با کشتن -
تا آنجا که فرمود: - پس کسی که آن زمان را دریابد باید بر تنگدستی صبر کند
با اینکه توانایی ثروتمند شدن را دارد و باید بر دشمنی صبر کند با اینکه توانایی
محبت را دارد و بر خواری صبر کند با اینکه می تواند عزیز باشد، در این
صورت خداوند به او پاداش پنجاه صدیقی که مرا تصدیق نموده اند را عطا می
کند.

حدیث :

248 - عن امیرالمؤمنین عليه السلام فی وصيته لمحمد بن الحنفیه قال : الق عنك
واردات الهموم بعزائم الصبر عود نفسک الصبر فنعم الخلق الصبر و احملها علی
ما اصابک من احوال الدنيا و همومها.

ترجمه :

248 - امیرالمؤمنین عليه السلام در وصیتش به محمد به حنفیه فرمود: با اراده های
آهنین صبر غمهایی را که بر تو وارد می شوند دور بیفکن ، نفس خود را به
شکیبایی عادت ده که شکیبایی اخلاقی نیکوست و آن را در ترسها و اندوه های
دنیا که به تو رسیده است به مشقت بیفکن .

حدیث :

249 - قال رسول الله ﷺ : ان استطعت ان تعمل بالصبر مع اليقين فافعل فان لم تستطع فاصبر فان في الصبر على ما تكره خيرا كثيرا و اعلم ان النصر مع الصبر و ان الفرج مع الكرب (فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا)
ترجمه :

249 - رسول خدا ﷺ فرمود: اگر بتوانی که صبری همراه با یقین و باور⁽⁸³⁾ داشته باشی چنین کن و اگر توان آن را نداری (باز هم) صبر کن زیرا در صبر کردن بر اموری که ناخوشایندت است خیر بسیاری وجود دارد، و بدان که نصرت و پیروزی همراه با صبر است و گشایش همراه با مشقت و سختی است (همانا با سختی آسانی و گشایشی هست همانا با سختی گشایشی است).⁽⁸⁴⁾
حدیث :

250 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : انی لاصبر من غلامی هذا و من اهلی علی ما هو امر من الحنظل انه من صبر نال بصبره درجه الصائم القائم و درجه الشهید الذی قد ضرب بسیف قدام محمد ﷺ .
ترجمه :

250 - امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: من از (کارهای) این غلامم و (کارهای) خانواده خود بر اموری صبر می کنم که از حنظل (هندوانه ابوجهل) برای من تلخ تر است (ولی با این وجود در برابر کارها و سخنان آن صبر می کنم) زیرا کسی که صبر پیشه کند به خاطر صبرش به درجه روزه داری که به عبادت ایستاده و درجه شهیدی که در رکاب پیامبر ﷺ شمشیر زده نائل می شود.
حدیث :

251 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : لا يعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان .

ترجمه :

251 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: شخص صبور پیروزی را از دست نمی دهد و عاقبت به پیروزی می رسد اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد.

حدیث :

252 - و قال عليه السلام : من لم ينجبه الصبر اهلكه الجزع .

ترجمه :

252 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: کسی که صبر وی را نجات نبخشد جزع و بی تابي او را از پای در می آورد.

حدیث :

253 - و قال عليه السلام : الصبر يناضل الحدثان و الجزع من اعوان الزمان .

ترجمه :

253 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: صبر به سوی سختی های زمانه تیر می افکند و بی تابي از یاری کنندگان زمانه است .

حدیث :

254 - عن الصادق عليه السلام : انه جاءت اليه امراه فقالت : ان ابني سافر عنى و قد طالت غيبته غنى و اشتد شوقى اليه فادع الله لى فقال لها: عليك بالصبر فاستعملته ثم جاءت بعد ذلك فشكت اليه طول غيبه ابنها فقال لها: الم اقل لك عليك بالصبر؟ فقالت : يا ابن رسول الله كم الصبر؟ فو الله لقد فنى الصبر فقال : ارجعى الى منزلک تجدى ولدک قد قدم من سفره فنهضت فوجدته قد قدم فانت

به الیه فقالت : اوحی بعد رسول الله ﷺ ؟ قال : لا و لكن عند فناء الصبر یاتی
الفرج فلما قلت : فنی الصبر عرفت ان الله قد فرج عنک بقدوم ولدک .

ترجمه :

254 - روایت است که زنی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد:
پسرم از نزد من به سفر رفته و غیبتش طولانی شده و شوق بسیاری به دیدنش
یافته ام ، در درگاه خداوند برایم دعا کن . حضرت فرمود: بر تو باد صبر پس
صبر را در زندگی ات به کار گیر. پس از چندی باز آن زن آمد و نزد آن
حضرت از طولانی شدن غیبت پسرش شکایت کرد، حضرت فرمود: آیا نگفتم
که صبر را پیشه کنی ؟ زن عرض کرد: ای فرزند رسول خدا چقدر صبر؟ به خدا
سوگند که صبر به سر آمد حضرت فرمود: به منزلت برگردد. می بینی که
فرزندت از سفر بازگشته ، زن برخواست و رفت و دید که فرزندش بازگشته
پس همراه با او نزد حضرت آمدند و عرض کرد: آیا بعد از رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم وحی می آید؟ حضرت فرمود: خیر ولی هنگام به سر آمدن صبر گشایش
می رسد چون تو گفتی که : صبرم تمام شد دانستم که خداوند با آمدن فرزندت
گشایشی برایت حاصل نموده .

26 - باب استحباب الحلم

26 - باب استحباب بردباری حدیث :

255 - عن محمد بن عبدالله (عبيدالله) قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : لا يكون الرجل عابدا حتى يكون حليما و ان الرجل كان اذا تعبد في بني اسرائيل لم يعد عابدا حتى يصمت قبل ذلك عشر سنين .
ترجمه :

255 - محمد بن عبدالله يا عبيدالله گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که فرمود: مرد عابد شمرده نمی شود مگر اینکه بردبار باشد و در بنی اسرائیل رسم چنین بود که هرگاه مردی مدتی به عبادت می پرداخت عابد شمرده نمی شد مگر اینکه پیش از آن ده سال را در سکوت به سر برده باشد.
حدیث :

256 - عن ابي جعفر عليه السلام قال : كان علي بن الحسين عليه السلام يقول : انه ليعجبني الرجل ان يدركه حلمه عند غضبه .
ترجمه :

256 - امام باقر عليه السلام فرمود: پدرم علی بن حسین عليه السلام می فرمود: همانا مردی که بردباری اش در هنگام خشمش او را دریابد مرا شگفت زده می کند.
حدیث :

257 - عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الله يحب الحيي الحليم العفيف المتعفف .
ترجمه :

257 - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند دوست می دارد کسی را که با حیا، بردبار، پاکدامن و باز ایستنده از حرام باشد.

حدیث :

258 - عن حفص بن ابی عایشه قال : بعث ابو عبدالله عليه السلام غلاما له فسی حاجه فابطا فخرج علی اثره لما ابطاه فوجده نائما فجلس عند راسه یروحه حتی انتبه فقال له ابو عبدالله عليه السلام یا فلان و الله ما ذلک لک تنام اللیل و النهار لک اللیل و لنا منک النهار.

ترجمه :

258 - حفص بن ابی عایشه گوید: امام صادق عليه السلام یکی از خدمتکاران را در پی حاجتی فرستاد، خدمتکار کندی نموده و دیر کرد پس حضرت به دنبال او روانه شد پس او را یافت در حالی که به خواب رفته بود حضرت بالای سر او نشست و شروع به باد زدن او نمود تا اینکه خدمتکار بیدار شد، حضرت فرمود: ای فلانی! به خدا که درست نیست که هم شب و هم روز بخوابی بلکه شب برای خودت ولی روز را برای ما باش .

حدیث :

259 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : ان الله یحب الحیی الحلیم .

ترجمه :

259 - امام باقر عليه السلام فرمود: همانا خداوند انسان با حیا و بردبار را دوست می دارد.

حدیث :

260 - قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ما اعز الله بجهل قط و لا اذل بحلم قط .

ترجمه :

260 - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگز خداوند کسی را به خاطر نادانی اش عزیز نگردانده و کسی را به خاطر بردباری اش ذلیل و خوار نکرده است .

حدیث :

261 - قال ابو عبدالله عليه السلام : كفى بالحلم ناصرا و قال : اذا لم تكن حلیم

فتحلم .

ترجمه :

261 - امام صادق عليه السلام فرمود: بردباری به عنوان یاری کننده کافی است . و

فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار.

حدیث :

262 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اذا وقع بین رجلین منازعه نزل ملكان

فیقولان للسفیه منهما: قلت و قلت و انت اهل لما قلت و ستجزی بما قلت و

یقولان للحلم منهما: صبرت و حلمت سیغفر لك ان اتممت ذلك و ان رد الحلیم

علیه ارتفع الملكان .

ترجمه :

262 - امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه بین دو نفر نزاع و کشمکش صورت

می گیرد دو فرشته فرود می آیند پس آن دو فرشته به نفری که نادان است می

گویند: (تو به برادر دینی ات) گفתי و گفתי در حالی که تو خود سزاوار

حرفهایی که گفته ای هستی و به زودی به سبب آنچه که گفته ای جزا می بینی و

به نفری که بردبار است گویند: صبر و بردباری نمودی به زودی اگر تا پایان

نزاع چنین باشی مشمول غفران الهی قرار خواهی گرفت و اگر شخص بردبار

پاسخ نادان را بدهد (و با او مقابله به مثل کند) آن دو فرشته (باز می گردند و)

بالا می روند.

حدیث :

263 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلی عليه السلام قال : يا علی الا اخبرکم باشبهکم بی خلقا؟ قالوا بلی یا رسول الله : قال : احسنکم خلقا و اعظمکم حلما و ابرکم بقرابته و اشدکم من نفسه انصافا .
ترجمه :

263 - امام صادق عليه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام آمده است : ای علی ! آیا شما را نسبت به کسی که از نظر اخلاق از همه شما به من شبیه تر است آگاه سازم ؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمود: آنکه خلقش از همه نیکوتر و بردباری اش از همه بیشتر و نسبت به خویشاوندانش از همه نیکوکارتر و انصافش درباره خود از همه سخت تر باشد.
حدیث :

264 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : کلماتان غریبتان فاحتملوهما کلمه حکمه من سفیه فاقبلوها و کلمه سفه من حکیم فاغفروها .
ترجمه :

264 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: دو سخن ، نادر و شگفت انگیز است آن دو را برداشته و تحمل کنید یکی سخن حکمت آموزی که نادانی صادر شود به این سخن روی آورید و دیگری سخن نابخردانه ای که از حکیمی صادر شود از این سخن چشم پوشی کنید.
حدیث :

265 - عن جعفر بن محمد عن ابيه عن جده عليه السلام عن علي عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما جمع شيء الى شيء افضل من حلم الى علم .

ترجمه :

265 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از جدش از علی عليه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هیچ چیزی با چیز دیگر جمع نشده که جمعشان از جمع بردباری و دانش برتر باشد.

حدیث :

266 - عن جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام عن علي عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : و الذي نفسي بيده ما جمع شيء الى شيء افضل من حلم الى علم .

ترجمه :

266 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش از علی عليه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست هیچ چیزی که با چیز دیگر جمع نشده که جمعشان برتر از جمع بردباری و علم باشد.

حدیث :

267 - عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : اول عوض الحليم من حلمه ان الناس انصاره على الجاهل .

ترجمه :

267 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: اولین عوضی که شخص بردبار از بردباری اش می برد این است که مردم بر علیه نادان یاری کننده او می شوند.

حدیث :

268 - و قال عليه السلام : ان لم تكن حلیمًا فتحلم فانه قل من تشبه بقوم الا و اوشك ان يكون منهم .

ترجمه :

268 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار
زیرا کم اتفاق می افتد که کسی خود را شبیه گروهی سازد جز اینکه نزدیک
است که جزء آنان شود.

27 - باب استحباب الرفق فی الامور

27 - باب استحباب مدارا نمودن در کارها حدیث :

269 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : الرفق یمن و الخرق

شوم .

ترجمه :

269 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مدارا نمودن مایه

برکت و درشتی کردن مایه شومی است .

حدیث :

270 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله رفیق یحب الرفق و یعطى على الرفق

ما لا یعطى على العنف .

ترجمه :

270 - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند نرم رفتار است و نرمی را دوست دارد

و بر مدارا و نرمی پاداشی عطا می کند که بر سخت گیری و درشتی چنین پاداشی نمی دهد.

حدیث :

271 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لكل شیء قفلا و قفل الايمان الرفق .

ترجمه :

271 - امام باقر علیه السلام فرمود: هر چیزی قفلی دارد و قفل ایمان مدارا کردن و

نرمی است (یعنی همچنانکه قفل باعث محفوظ ماندن است مدارا هم مایه حفظ ایمان است).

حدیث :

272 - قال ابو جعفر علیه السلام : من قسم له الرفق قسم له الايمان .

ترجمه :

272 - امام باقر عليه السلام فرمود: کسی که برایش مدارا تقسیم شده ایمان برای وی تقسیم گردیده .

حدیث :

273 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ایما اهل بیت اعطوا حظهم من الرفق فقد وسع الله عليهم فی الرزق و الرفق فی تقدیر المعیشه خیر من السعه فی المال و الرفق لا یعجز عنه شیء و التبذیر لا یبقی معه شیء ان الله عزوجل رفیق یحب الرفق .

ترجمه :

273 - امام صادق عليه السلام فرمود: هر اهل خانه ای که بهره ای از نرمی و مدارا نصیبشان گشته خداوند روزی آنان را وسعت دهد و مدارا در تدبیر زندگانی بهتر از وسعت در مال است و هیچ چیز از مدارا عاجز و وامانده نمی شود و با اسراف چیزی باقی نمی ماند و خداوند عزوجل مدارا کننده است و مدارا را دوست می دارد.

حدیث :

274 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم : لو کان الرفق خلقا یری ما کان مما خلق الله شیء احسن منه .

ترجمه :

274 - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر مدارا مخلوقی بود که دیده می شد هیچ مخلوقی از مخلوقات خدا از او نیکوتر نبود.

حدیث :

275 - عن ابی الحسن عليه السلام قال : الرفق نصف العیش .

ترجمه :

275 - امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: مدارا (به منزله) نیمی از خوشگذرانی است .

حدیث :

276 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق .

ترجمه :

276 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست

می دارد.

حدیث :

277 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان لم یوضع علی

شیء الا زانه و لانزع من شیء الا شانه .

ترجمه :

277 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا مدارا بر چیزی

نهاده نشد جز اینکه به آن زینت بخشید و از چیزی جدا نشد جز اینکه آن را

زشت نمود.

حدیث :

278 - عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال : ان فی الرفق الزیاده و البرکه و من یحرم الرفق

یحرم الخیر.

ترجمه :

278 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا در مدارا کردن زیادت و برکت وجود

دارد و کسی که از مدارا محروم است از خیر و خوبی محروم است .

حدیث :

279 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما زوی الرفق عن اهل بیت الازوی عنهم

الخیر .

ترجمه :

279 - امام صادق علیه السلام فرمود: سازگاری و مدارا از اهل هیچ خانه ای باز

داشته نشده جز اینکه آنان از خیر و خوبی محروم و بی بهره گشته اند.

حدیث :

280 - عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال لی - و جری بینی و بین رجل من

القوم کلام - فقال لی : ارفق بهم فان کفر احدهم فی غضبه و لاخیر فیمن کان

کفره فی غضبه .

ترجمه :

280 - راوی گوید: بین من و مردی از قوم سخنی در گرفت امام رضا

علیه السلام به من فرمود: با آنان مدارا کن زیرا از آنان کسی هست که در حال خشم

کارش به کفر می انجامد و کسی که در حال خشم کافر شود خیری در او نیست

حدیث :

281 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الله رفیق یحب

الرفق و یعین علیه .

ترجمه :

281 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند اهل مدارا

است و مدارا را دوست می دارد و (آدمی را) بر مدارا یاری می کند.

حدیث :

282 - و قال ﷺ : ما اصطحب اثنان الا كان اعظمهما اجرا و احبهما الى الله ارفقهما بصاحبه .

ترجمه :

282 - رسول خدا ﷺ فرمود: دو نفر با یکدیگر مصاحبت نکرده اند جز اینکه آن کس که با دیگری مدارا کننده تر است در نزد خداوند پاداشش بزرگتر و محبوبتر است .

حدیث :

283 - عن احدهما ﷺ قال : ان الله رفيق يحب الرفق .

ترجمه :

283 - امام باقر یا امام صادق ﷺ فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست دارد.

حدیث :

284 - عن الفضيل بن عثمان قال سمعت ابا عبد الله ﷺ يقول : من كان رفيقا في امره نال ما يريد من الناس .

ترجمه :

284 - فضیل بن عثمان گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که فرمود: کسی که در کارش اهل مدارا باشد به آنچه از مردم می خواهد نائل می شود.

28 - باب استحباب التواضع

28 - باب استحباب فروتنی نمودن حدیث :

285 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فی السماء ملکین موکلین بالعباد فمن تواضع لله رفعاہ و من تکبر و ضعاہ .

ترجمه :

285 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا در آسمان دو فرشته اند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر که برای خدا فروتنی کند بالایش می برند و هر که تکبر ورزد فرودش آورند.

حدیث :

286 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فیما اوحی الله عزوجل الی داود علیه السلام یا داود: کما ان اقرب الناس من الله المتواضعون کذلک ابعده الناس من الله المتکبرون .

ترجمه :

286 - امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن آنچه که خداوند عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی نمود آمده است : ای داود! همچنانکه نزدیکترین مردمان به خدا فروتنان هستند دورترین مردم از خدا متکبرانند.

حدیث :

287 - عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث قال : فاوحی الله الی الجبال انی واضع سفینه نوح عبدی علی جبل منکن فتناولت و شمخت و تواضع الجودی و هو جبل عندکم فضربت السفینه بجوجوها الجبل .

ترجمه :

287 - امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند به کوهها وحی فرستاد که من کشتی بنده خود نوح را بر کوهی از کوهها خواهم نهاد پس کوهها گردنکشی و تکبر نمودند و تنها کوه جودی که کوهی در نزد شماست فروتنی نمود پس آن کشتی نیز سینه خود را بر همان کوه نهاد.

حدیث :

288 - عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام يذكر انه اتى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ملك فقال : ان الله يخيرك ان تكون عبدا رسولا متواضعا او ملكا رسولا قال : فنظر الى جبرئيل و اوما بيده ان تواضع . فقال : عبدا متواضعا رسولا فقال الرسول : مع انه لا ينقصك مما عند ربك شيئا قال : و معه مفاتيح خزائن الارض .

ترجمه :

288 - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: فرشته ای به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: خداوند تو را مخیر ساخته که بنده ای و رسولی متواضع باشی یا فرشته ای رسول باشی . پس حضرت نگاهی به جبرئیل افکند (که چه جوابی به این فرشته دهم؟) جبرئیل علیه السلام با دست خویش اشاره کرد که تواضع و فروتنی را اختیار کن ، پس پیامبر فرمود: می خواهم بنده ای متواضع و رسول خدا باشم . آن فرشته پیام آور گفت : با این همه هیچ چیز از آنچه در نزد پروردگارت (برای تو) وجود دارد کاسته نمی شود حضرت فرمود: (آری می دانم که) کلیدهای تمامی خزائن زمین در اختیار پروردگارم می باشد.

حدیث :

289 - عن ابى الحسن عليه السلام قال : التواضع ان تعطى الناس ما تحب ان تعطاه

ترجمه :

289 - امام رضا عليه السلام فرمود: تواضع آن است که آنچه را که دوست می داری مردم به تو عطا کنند تو به مردم عطا کنی .

حدیث :

290 - و فى حدیث آخر قال عليه السلام : التواضع درجات منها ان يعرف المرء قدر نفسه فينزلها منزلتها بقلب سليم لا يحب ان ياتى الى احد الا مثل ما يوتى اليه ان رأى سيئه دراها بالحسنه كاظم الغيظ عاف عن الناس و الله يحب المحسنين .

ترجمه :

290 - و در حدیث دیگری فرمود: تواضع درجات و مراتبی دارد یکی از آن مراتب این است که شخص قدر خود را بشناسد و با دلی سالم نفس خود را در منزلت و مقام واقعی اش جاری دهد (چنین کسی دوست نمی دارد که برای کسی چیزی پیش آید مگر همانند همان چیزی که برای خودش پیش می آید، اگر بدی ای ببیند آن را با خوبی دفع می کند، فرو خورنده خشم است ، چشم پوشی کننده از (بدی) مردمان است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

حدیث :

291 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آباءه عليهم السلام فى وصيه النبى صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام قال : يا على و الله لو ان الوضيع فى قعر بئر لبعث الله عزوجل اليه ريحا ترفعه فوق الاخير فى دوله الاشرار.

ترجمه :

291 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم به علی عليه السلام آمده است : ای علی ! به خدا سوگند که اگر شخص فروتن در ته چاهی باشد خداوند عزوجل بادی را به سوی او می فرستد تا او را بالا بیاورد و در دولت نابکاران او را در منزلتی بالاتر از نیکان جای دهد.

حدیث :

292 - عن الحسن بن الجهم قال سألت الرضا عليه السلام فقلت له : جعلت فداك ما حد التوكل ؟ فقال لي : ان لاتخاف مع الله احدا قال : قلت : جعلت فداك فما حد التواضع ؟ فقال : ان تعطى الناس من نفسك ما تحب ان يعطوك مثله قلت : جعلت فداك اشتهى ان اعلم كيف انا عندك ؟ فقال : انظر كيف انا عندك ؟

ترجمه :

292 - حسن بن جهم گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم که : فدایت شوم حد توکل چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه با وجود خدا از هیچ نترسی ، عرض کردم : فدایت شوم حد تواضع چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه از جانب خود به مردم چیزی عطا کنی که دوست داری همانند آن را به تو عطا کنند. عرض کردم : فدایت شوم دوست دارم که بدانم من در نزد تو چگونه ام ؟ حضرت فرمودند بنگر که من در نزد تو چگونه ام ؟

حدیث :

293 - عن ابي عبدالله عليه السلام عن آباءه عليهم السلام قال : ان من التواضع ان يرضى بالمجلس دون المجلس و ان يسلم على من يلقي و ان يترك المرء و ان كان محقا و لاتحب ان تحمد على التقوى .

ترجمه :

293 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: همانا از تواضع شمرده می شود اینکه شخص به جایگاهی نه جایگاه دیگر خوشنود باشد (یعنی در وارد شدن به مجلسی برای نشستن به همان جای خالی خوشنود باشد و هوس جای بالاتر را در سر نداشته باشد) و دیگر اینکه به هر کس که برخورد می کند سلام کند و جدال را ترک کند اگر چه حق با او باشد و دوست نداشته باشی که به خاطر تقوا و پرهیز کاریت مورد حمد و ستایش قرار بگیری .

29 - باب استحباب التواضع عند تجدد النعمه

29 - باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای

آدمی حاصل می شود

حدیث :

294 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث جعفر بن ابی طالب مع النجاشی ملک الحبشه ان النجاشی قال : انا نجد فیما انزل الله علی عیسی علیه السلام ان مع حق الله علی عباده ان یحدثوا لله تواضعا عند ما یحدث لهم من نعمه فلما بلغ النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال لاصحابه : ان الصدقه تزید صاحبه رفعه فتواضعوا یرفعکم الله و ان العفو یرید صاحبه عزا فاعفوا یعزکم الله .

ترجمه :

294 - امام صادق علیه السلام درباره واقعه دیدار و گفتگوی جعفر بن ابی طالب با نجاشی پادشاه حبشه ، فرمود: نجاشی گفت : ما مسیحیان در کتابی که خداوند بر عیسی علیه السلام نازل فرموده یافته ایم که (یکی از حقوق خداوند بر بندگانش این است که هرگاه نعمتی جدید به آنان می بخشد آنان نیز در برابر او تواضع و فروتنی جدیدی داشته باشند) زمانی که این سخن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید حضرت به اصحاب خود فرمود: همانا صدقه مایه زیادت (مال و عمر) برای صدقه دهنده می گردد پس صدقه بپردازید تا خدای بر شما رحم آورد و همانا تواضع مایه زیادت مقام و مرتبه شخص متواضع می گردد پس تواضع کنید تا خدای شما را بلندمرتبه گرداند و همانا عفو و بخشش به عفو کننده عزت می بخشد پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

30 - باب تاکد استحباب التواضع للعالم و المتعلم

30 - باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز

حدیث :

295 - عن معاویه بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اطلبوا العلم و تزينوا معه بالحلم و الوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لا تكونوا علماء جبارين فيذهب باطلکم بحکم .

ترجمه :

295 - معاویه بن وهب گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: دانش بجوید و همراه با دانش ، خود را با بردباری و وقار زینت ببخشید و در مقابل کسانی که به آنان دانش می آموزید تواضع و فروتنی کنید و برای کسی که از او دانش می آموزید تواضع کنید و از دانشمندان متکبر و سرکش . نباشید که در نتیجه ، کار باطل شما (عمل و گفته) حق شما را از بین می برد.

حدیث :

296 - قال عیسی ابن مریم عليه السلام للحواریین : لی الیکم حاجه اقضوها لی فقالوا: قضیت حاجتک یا روح الله فقام فغسل اقدامهم فقالوا کنا احق بهذا منك فقال : ان احق الناس بالخدمه العالم انما تواضعت هکذا لکیما تتواضعوا بعدی فی الناس کتواضعی لکم ثم قال عیسی عليه السلام : بالتواضع تعمر الحکمه لا بالتکبر و کذلک فی السهل ینبت الزرع لا فی الجبل .

ترجمه :

296 - عیسی بن مریم عليه السلام به اصحاب و حواریون خود فرمود: من از شما خواسته ای دارم خواسته ام را برایم برآورده سازید. گفتند: ای روح الله ! خواسته ات رواست . پس حضرت برخواست و پاهای آنان را شست ، آنان

گفتند: ما به این کار سزاوارتریم از شما (و ما باید پاهای مبارک تو را بشوئیم) حضرت فرمود: همانا سزاوارترین مردم در خدمتگزار بودن، شخص عالم است و من در برابر شما اینگونه تواضع نمودم تا شما نیز پس. از من همانند تواضع مرا در میان مردم داشته باشید. سپس فرمود: علم و حکمت به وسیله تواضع آباد می شود نه با تکبر و همچنین است که در دشت گیاه می روید نه در کوه سخت

31 - باب استحباب التواضع فی الماکل و المشرب و نخوہما

31 - باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها

حدیث :

297 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : افطر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عشیة خمیس فی مسجد قبا فقال : هل من شراب ؟ فاتاه اوس بن خولی الانصاری بعس مخیض بعسل فلما وضعه علی فیه نحاہ ثم قال : شرابان یکتفی باحدهما من صاحبه لا اشربه و لا احرمه و لكن اتواضع لله فانه من تواضع لله رفعه الله و من تکبر خفضه الله و من اقتصد فی معیشته رزقه الله و من بذر حرمه الله و من اکثر ذکر الموت احبه الله .

ترجمه :

297 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شبانگاه پنجشنبه ای در مسجد قبا افطار می نمود پس فرمود: آیا نوشیدنی ای هست ؟ پس اوس بن خولی انصاری کاسه ای بزرگ شیر آمیخته شده با عسل را به خدمت حضرت آورد. حضرت کاسه را به دهان مبارک نزدیک فرمود و سپس آن را کنار گذاشت و فرمود: این دو نوشیدنی است که می توان به یکی از این دو اکتفا نمود: من نه آن را می نوشم و نه تحریم می کنم ولی به خاطر خدا تواضع می کنم زیرا کسی که به خاطر خدا تواضع کند خداوند او را بالا می برد و کسی که تکبر ورزد خداوند او را به زیر می کشد و کسی که در زندگانش میانه روی پیشه کند خداوند روزی اش می بخشد و کسی که اسراف کند خداوند محرومش می سازد و کسی که زیاد مرگ را یاد کند خداوند او را دوست می دارد.

حدیث :

298 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : مر على بن الحسين عليه السلام على المجذمين و هو راكب حماره و هم يتغدون فدعوه الى الغداء فقال : اما لو لا اني صائم لفعلت فلما صار الى منزله امر بطعام فصنع و امر ان يتنوقوا فيه ثم دعاهم فتغدوا عنده و تغدى معهم .

ترجمه :

298 - امام صادق عليه السلام فرمود: امام سجاد عليه السلام در حالی که بر الاغی سوار بود به گروهی که بیماری خوره داشتند و در حال چاشت خوردن بودند گذر کرد آنان حضرت را به چاشت دعوت کردند. حضرت فرمود: اگر روزه نبودم دعوت شما را اجابت می کردم . (حضرت از آنان خداحافظی نمود) و وقتی که به منزل رسید دستور داد غذایی آماده کردند و فرمود که آن را نیکو بپزند سپس آن بیماران جذامی را به طعام دعوت کرد و همراه آنان به خوردن نشست .

حدیث :

299 - عن امیرالمؤمنین عليه السلام قال : القناعه مال لا ینفد.

ترجمه :

299 - علی عليه السلام فرمود: قناعت مالی است که تمام شدنی نیست .

32 - باب وجوب ایتار رضا الله علی هوی النفس و تحریم العکس

32 - باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و

تحریم پیروی از هوای نفس

حدیث :

300 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله عزوجل يقول : و عزتی و عظمتی و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هوی نفسه الا کففت علیه ضیعتہ و ضمانت السماوات و الارض رزقه و کنت له من رواء تجاره کل تاجر .

ترجمه :

300 - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه حرفه و پیشه اش را برایش . فراهم می سازم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش قرار می دهم و من برای او برتر از تجارت هر تاجری خواهم بود.

حدیث :

301 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل : و عزتی و جلالی و عظمتی و بهائی و علو ارتفاعی لایوثر عبد مومن هوای علی هواه فی شیء من امر الدنيا الا جعلت غناه فی نفسه و همته فی آخرته و ضمانت السماوات و الارض رزقه و کنت له من وراء تجاره کل تاجر .

ترجمه :

301 - امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و خوبی و نیکویی ام و بلندی مرتبه ام که هیچ بنده مومنی خواسته مرا در هیچیک از امور دنیایی بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد

مگر اینکه بی نیازی را در نفس او قرار می دهم و همتش را متوجه آخرتش می کنم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش می گردانم و مافوق تجارت هر تاجری به نفع او خواهم بود.

حدیث :

302 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يقول الله عزوجل : و عزتی و جلالی و کبریائی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هواه علی هوای الا شئت علیه امره و لبست علیه دیناه و شغلت قلبه بها و لم آتته منها الا ما قدرت له و عزتی و جلالی و عظمتی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا استحفظته ملائکتی و کفلت السماوات و الارضین رزقه و کنت له من وراء تجاره کل تاجر و اتته الدنیا و هی راغمه .

ترجمه :

302 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی منشی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواهش نفسانی خویش را بر خواسته من مقدم نمی دارد جز اینکه کارش را پریشان و پراکنده می سازم و دنیایش را بر او مشتبه و درهم بر هم می گردانم و قلبش را به دنیایش مشغول می سازم و (با این همه) به او از دنیا به همان اندازه ای که برایش مقدر نموده ام می دهم و سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خویش مقدم نمی دارد مگر اینکه فرشتگانم را برای حفظ و نگاهداری اش بر می گمارم و آسمانها و زمین را ضامن و عهده دار روزی او قرار می دهم و برای او از (سود) تجارت هر تاجری برتر خواهم

بود و چنین کسی دنیا به سراغش می آید در حالی که او دنیا را ناپسند می داند.

حدیث :

303 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل يقول : انی لست کل کلام الحکمه اتقبل ، انما اتقبل هواه و همه فان کان هواه و همه فی رضای جعلت همه تقدیسا و تسییحا.

ترجمه :

303 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند عزوجل می فرماید: به راستی که اینگونه نیست که من هر سخن حکمت آمیزی را بپذیرم بلکه میل او (گوینده) و همت او را می پذیرم پس اگر میل و همت او در جهت خوشنودی من باشد همت او را (به منزله) تقدیس و تسبیح خود قرار می دهم (تقدیس و تسبیح: به پاکی منسوب کردن، به پاکی یاد کردن).

حدیث :

304 - عن محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : جاهد هواک کما تجاهد عدوک .

ترجمه :

304 - امام باقر علیه السلام فرمود: با هوای نفسانی خود مبارزه کن همانگونه که با دشمنت مبارزه می کنی .

حدیث :

305 - عن ابی حمزه قال : سمعت علی بن الحسین علیه السلام يقول : ان الله جل جلاله يقول : و عزتی و جلالی و عظمتی و جمالی و بهائی و علوی و ارتفاع

مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا جعلت همه فی آخرته و غناه فی قلبه و کففت عنه ضیعتہ و ضمنت السماوات و الارض رزقه و اتته الدنيا و هی راغمه .

ترجمه :

305 - ابی حمزه گوید: از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرموده : به درستی که خداوند جل جلاله می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و زیبایی و نیکویی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خود مقدم نمی دارد مگر اینکه همت او را متوجه امر آخرتش می گردانم و بی نیازی اش را در درون قلبش جای می دهم و کار و پیشه اش را برایش فراهم می آورم و آسمانها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و دنیا به سوی او می آید در حالی که او نسبت به دنیا بی میل و ناخشنود است .

حدیث :

306 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال فی خطبه له : ایها الناس ان اخوف ما اخاف علیکم اثنتان اتباع الهوی و طول الامل فاما اتباع الهوی فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره .

ترجمه :

306 - امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود: ای مردم! به درستی که ترسناکترین چیزی که از آن بر شما بیمناکم دو چیز است : پیروی هوای نفس و درازی آرزو، اما پیروی از هوای نفس آدمی را از حق باز می دارد و اما درازی آرزو باعث فراموشی آخرت می گردد.

33 - باب وجوب تدبر العاقبه قبل العمل

33 - باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل

حدیث :

307 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان رجلا اتى النبى صلی الله علیه و آله و سلم فقال له : یا رسول الله اوصنى فقال له : فهل انت مستوص ان انا اوصيتك ؟ حتى قال له ذلك ثلاثا و فى كلها يقول الرجل نعم یا رسول الله فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فانى اوصيك اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبته فان یک رشدا فامضه و ان یک غيا فانتبه عنه .

ترجمه :

307 - امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت تا سه مرتبه فرمود: آیا اگر تو را سفارشی نمایم سفارشم را می پذیری و به آن عمل می کنی ؟ و مرد در هر مرتبه عرض کرد: آری ای رسول خدا! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس من تو را سفارش می کنم که هرگاه آهنگ انجام کاری را نمودی در عاقبت و پایان آن کار اندیشه کن پس اگر انجامش درست و صواب بود انجام بده و اگر ناصواب بود از انجام آن باز ایست .

حدیث :

308 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطاء و من تورط فی الامور غیر ناظر فی العواقب فقد تعرض لمفضعات النوائب و التدبیر قبل ناظر العمل یومنک من الندم و العاقل من وعظه التجارب و فی التجارب علم مستانف و فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال .

ترجمه :

308 - امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: کسی که با نظرات و افکار مختلف روبرو می شود مواضع و جایگاههای خطا را شناسایی می کند و کسی که بدون عاقبت اندیشی خود را گرفتار کارها کند محققا که خود را در معرض کارهای ترسناک و دشوار قرار داده است و عاقبت اندیشی پیش از عمل تو را از پشیمانی ایمن می سازد و خردمند کسی است که تجربه ها او را پند و اندرز دهند و در تجربه ها آگاهی نو و تازه ای وجود دارد و در دگرگونی حالات نسبت به جوهره مردان علم و آگاهی حاصل می شود.

حدیث :

309 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه .

ترجمه :

309 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زبان شخص عاقل در پشت قلب اوست (ابتدا روی سخن فکر می کند و آن را از قلب می گذراند و سپس بر زبان جاری می کند) و قلب شخص نادان در پشت زبان اوست (پس از سخن گفتن روی آن فکر می کند که آیا ناصواب بوده یا نه).

حدیث :

310 - و عنه علیه السلام انه قال : قلب الاحمق فی لسانه و لسان العاقل فی قلبه .

ترجمه :

310 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قلب شخص نادان در زبان اوست و زبان شخص خردمند در قلب اوست .

حدیث :

311 - و قال عليه السلام من استقبل وجوه الاراء عرف مواقع الخطا.

ترجمه :

311 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: کسی که با آراء و نظرات مختلف روبرو

باشد به مواضع خطا شناخت پیدا می کند.

حدیث :

312 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ليس لحاقن رای و لالملول صدق و لا لحسود

غنى و ليس بحازم من لا ينظر فى العواقب و النظر فى العواقب تلقیح للقلوب .

ترجمه :

312 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که با بول به او فشار آورده رای (قابل

اعتنا و بی نقص) ندارد و کسی که افسرده است دوستی ندارد و حسود بی نیاز

نمی شود و کسی که در عاقبت کارها نمی اندیشد دور اندیش و محتاط نیست و

اندیشیدن در عاقبت کارها مایه باروری دلها است .

حدیث :

313 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال : علمنی یا

رسول الله قال : علیک بالیاس مما فی ایدی الناس فانه الغنى الحاضر قال :

زدنی یا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال : ایاک و الطمع فانه الفقر الحاضر قال : زدنی یا

رسول الله قال : اذا هممت بامر فتدبر عاقبته فان یک خیرا و رشدا فاتبعه و ان

یک غیا فاجتنبه .

ترجمه :

313 - امام باقر عليه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم آمد و

عرض کرد: ای رسول خدا مرا دانشی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد به

نومیدی نسبت به آنچه که در دستان مردمان است زیرا این روحیه بی نیازی و

ثروتی حاضر و آماده است . عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این بفرما.
حضرت فرمود: بر حذر باش از طمع زیرا طمع و آزمندی فقری حاضر و آماده
است ، عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این برایم بفرما. حضرت فرمود: هرگاه
قصد انجام دادن کاری را نمودی با دقت در عاقبت آن کار اندیشه کن پس اگر
خیر و هدایت در آن باشد آن را پی گیری کن و اگر مایه گمراهی باشد از انجام
آن خودداری نما.

34 - باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس

34 - باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر

ضرر خود باشد

حدیث :

314 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من انصف الناس من نفسه رضی به حکما

لغیره .

ترجمه :

314 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با مردم درباره خود به انصاف رفتار

کند مردم درباره او به داور و میانجی بودن برای دیگران خوشنودند.

حدیث :

315 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : سید الاعمال

انصاف الناس من نفسک و مواساه الاخ فی الله و ذکر الله علی کل حال .

ترجمه :

315 - امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سید و

سرور همه کارها سه چیز است : به انصاف رفتار کردن با مردم درباره خود و

یاری نمودن برادر دینی در راه خدا و به یاد خدا بودن در هر حال .

حدیث :

316 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام فی کلام له : الا انه

من ینصف الناس من نفسه لم یزده الله الا عزاء .

ترجمه :

316 - امام باقر عليه السلام روایت کند که امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: آگاه باشید که هر کس درباره خود با مردم به انصاف رفتار کند خداوند چیزی جز عزت و سربلندی به او نمی افزاید.

حدیث :

317 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ثلاث هم اقرب الخلق الى الله يوم القيامة حتى يفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدره في حال غضبه ان يحيف على من تحت يده و رجل مشى بين اثنتين فلم يمل مع احدهما على الاخر بشعيره و رجل قال بالحق فيما له و عليه .

ترجمه :

317 - امام صادق عليه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت نزدیکترین کسان به خداوند می باشند تا زمانی که خداوند از حساب مردمان فارغ شود: یکی کسی که قدرت و توانایی اش او را در حال خشم به سوی ستم نمودن به زیر دستانش نمی خواند و دیگری کسی که بین دو نفر رفت و آمد می کند ولی حتی به اندازه یک دانه جو به یکی از آن دو بر علیه دیگری تمایل پیدا نمی کند و دیگری کسی که حق را می گوید خواه به نفع او یا ضرر او باشد.

حدیث :

318 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من واسى الفقير من ماله و انصف الناس من نفسه فذلك المومن حقا.

ترجمه :

318 - امام صادق عليه السلام روایت کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مومن حقیقی کسی است که به فقیر کمک مالی کند و درباره خود با مردم به انصاف رفتار کن .

حدیث :

319 - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقول فی آخر خطبته : طوبی لمن طاب خلقه و طهرت سجیته و صلحت سریره و حسنت علانیته و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من قوله و انصف الناس من نفسه .

ترجمه :

319 - امام سجاد علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در آخر خطبه اش می فرمود: خوشا به حال کسی که اخلاقش پاکیزه و خوی و طبیعتش پاک و باطنش با صفا و ظاهرش نیکو باشد و زیادی از مالش را انفاق کند و از زیاد سخن گفتن خودداری کند و درباره خود با مردمان منصفانه برخورد کند.

حدیث :

320 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من یضمن لی اربعه باربعه ابیات فی الجنه ؟ انفق و لاتخف فقرا و افش السلام فی العالم و اترك المراء و ان كنت محقا و انصف الناس من نفسک .

ترجمه :

320 - امام صادق علیه السلام فرمود: کیست که چهار چیز را در برابر چهار خانه بر من ضمانت کند؟ انفاق کن و از فقر نترس ، و سلام را آشکارا بر زبان آور، و جدال را ترک کن اگر چه حق با تو باشد، و درباره خودت با مردم به انصاف رفتار کن .

حدیث :

321 - عن يوسف البزاز قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما تدارا اثنان في امر قط فاعطى احدهما النصف صاحبه فلم يقبل منه الا ادبل منه .
ترجمه :

321 - يوسف بزاز گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: هرگز دو نفر با یکدیگر در کاری به خصومت بر نخواستند که یکی در مورد دیگری جانب انصاف را رعایت کند و او نپذیرد جز اینکه خداوند شخص منصف را بر دیگری چیره می گرداند.
حدیث :

322 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : ان لله جنه لا يدخلها الا ثلاثة احدهم من حکم فی نفسه بالحق .
ترجمه :

322 - امام باقر عليه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند بهشتی هست که جز سه کس به آن بهشت داخل نشوید یکی از آنان کسی است که در مورد خود به حق حکم کند.
حدیث :

323 - عن ابی عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام قال : الاخبرک باشد ما افترض الله علی خلقه ؟ انصاف الناس من انفسهم و مواساه الاخوان فی الله عزوجل و ذکر الله عزوجل علی کل حال فان عرضت له طاعه عمل بها و ان عرضت له معصیه ترکها.
ترجمه :

323 - امام صادق عليه السلام فرمود: آیا به تو در مورد سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخت خیر دهم ؟ منصفانه رفتار کردن درباره خود

با مردمان و یاری رساندن به برادران در راه خدا عزوجل و به یاد خدا بودن در هر حالی ، پس اگر طاعتی به وی عرضه گردید به آن عمل کند و اگر گناهی به او عرضه شد آن را ترک گوید.

حدیث :

324 - عن علی بن میمون الصائغ قال : سمعت ابا عبدالله الصادق علیه السلام يقول : من اراد ان يسكنه الله جنته فليحسن خلقه و ليعط النصفه من نفسه و ليرحم الیتیم و لیعن الضعیف و لیتواضع لله الذی خلقه .

ترجمه :

324 - علی بن میمون صائغ (زرگر) گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که می خواهد که خداوند او را در بهشتش جای دهد پس باید اخلاقش را نیکو سازد و درباره خود منصفانه رفتار کند و به یتیم ترحم آورد و ناتوان را یاری دهد و برای خداوندی که او را آفریده است فروتنی و تواضع کند.

حدیث :

325 - عن معاویه عن ابیه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما ناصح الله عبد فی نفسه فاعطى الحق منها و اخذ الحق لها الا اعطى خصلتین رزقا من الله یسعه و رضا عن الله یغنیه .

ترجمه :

325 - راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ بنده ای خالصانه در درون خود به خداوند روی نیاورده است تا در نتیجه حق نفس را به او عطا کند و حقی را که از آن نفس است برای او بستاند جز اینکه (اگر چنین باشد) دو خصلت به او بخشیده می شود: یکی روزی ای از جانب خداوند که وی را در فراخی (و آسایش) قرار می دهد و دیگری رضایت و خوشنودی از خداوند که او را (از همه چیز) بی نیاز می سازد.

حدیث :

326 - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من واسی الفقیر و انصف الناس من نفسه فذلک المومن حقا .

ترجمه :

326 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که به فقیر کمک مالی کند و در مورد خود با مردم منصف باشد چنین کسی مومن حقیقی است . 35 - باب انه یجب علی المومن ان یحب للمومنین ما یحب لنفسه و ویکره لهم ما یکره لها

35 - باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد

حدیث :

327 - جاء اعرابی الى النبي ﷺ فقال : يا رسول الله علمني علما ادخل به الجنة فقال : ما احببت ان ياتيه الناس اليك فاته اليهم و ما كرهت ان ياتيه الناس اليك فلا تاته اليهم .

ترجمه :

327 - عربی به خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا عملی بیاموز که به سبب آن به بهشت داخل شوم . حضرت فرمود: آنچه را که دوست می داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آور و آنچه را که دوست می داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آورند درباره آنان به جای نیاور.

حدیث :

328 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اوحى الله الى آدم عليه السلام انى ساجع لك الكلام فى اربع كلمات - الى ان قال : - و اما التى بينك و بين الناس فترضى للناس ما ترضى لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك .

ترجمه :

328 - امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند به حضرت آدم عليه السلام وحی فرستاد که من تمامی سخنی را که با تو دارم در چهار سخن جمع می کنم تا آنجا که فرمود: و اما آنچه که بین تو و بین مردمان باید باشد این است که برای مردم به چیزی خوشنود شوی که برای خودت به آن خشنود می گردی و برای آنان

چیزی را ناپسند شمردی که برای خودت آن را ناپسند می شمردی . 36 - باب
استحباب اشتغال الانسان بعیب نفسه عن عیب الناس

36 - باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از

دیگران پردازد به عیب خود مشغول باشد

حدیث :

329 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاث خصال من کن

فیه او واحده منهن کان فی ظن عرش الله یوم لا ظل الا ظله رجل اعطى الناس من نفسه ما هو سائلهم و رجل لم یقدم رجلا و لم یوخر رجلا حتی یعلم ان ذلك لله رضا و رجل لم یعب اخاه المسلم بعیب حتی ینفی ذلك العیب عن نفسه فانه لا ینفی منها عیبا الا بداله عیب و کفی بالمرء شغلا بنفسه عن الناس .

ترجمه :

329 - امام باقر علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت

وجود دارد که هر کس این سه خصلت یا یکی از آنها در او باشد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش الهی نیست در زیر سایه عرش الهی خواهد بود: یکی کسی که به مردم از جانب خود چیزی را عطا کند که خود نیز درخواست کننده آن چیز از مردمان است و دیگر کسی که قدمی از قدمی بر ندارد مگر اینکه بداند که این قدم برداشتش رضایت و خوشنودی خداوند را در پی دارد و دیگر کسی که از برادر مسلمان خود عیبجویی نکند مگر زمانی که آن عیب دیگری برایش ظاهر می شود (پس همواره مشغول به بر طرف کردن عیوب خویش است و با عیب دیگران کاری ندارد) و همین برای مرد کافی است که به خود مشغول باشد نه مردمان .

حدیث :

330 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعت جابر بن عبدالله الانصاری یقول : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مر بنا فوقف و سلم ثم قال : ما لی اری حب الدنیا قد غلب علی کثیر من الناس ؟ - الی ان قال : - طوبی لمن شغله خوف الله عزوجل عن خوف الناس ، طوبی لمن منعه عیبه عن عیوب المومنین من اخوانه .
ترجمه :

330 - امام باقر علیه السلام فرمود: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ما گذر می کرد که ایستاد و سلام کرد و فرمود: چه شده است که می بینم دوستی دنیا بر بسیاری از مردم چیره شده است ؟ - تا آنجا که فرمود: - خوشا به حال کسی که بیم از خدا او را به خود مشغول ساخته و از مردم بیم و هراسی ندارد، خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از عیب جویی برادران مومنش باز داشته است .
حدیث :

331 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : کفی بالمرء عیبا ان یتعرف من عیوب الناس ما یعمی علیه من امر نفسه او یعیب علی الناس امرا هو فیه لا یتطیع التحول عنه الی غیره او یوذی جلیسه بما لا یعنیه .
ترجمه :

331 - امام باقر علیه السلام فرمود: همین عیب برای شخص کافی است که از عیوب مردم عیبی را تشخیص دهد که در مورد خودش آن عیب بر او پوشیده مانده (و تشخیص نمی دهد که این عیب در خود او نیز وجود دارد) یا اینکه عیبی را بر مردم بگیرد که در خود او آن عیب هست و او توانایی بازگشتن از آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان یا کارهای بیهوده آزار دهد.
حدیث :

332 - عن ابي ذر عن رسول الله ﷺ في حديث قال ن قلت : يا رسول الله اوصني قال : اوصيك بتقوى الله فانه راس الامر كله قلت : زدني قال : عليك بتلاوه القرآن و ذكر الله كثيرا قلت ، زدني قال : عليك بطول الصمت قلت : زدني قال : اياك و كثره الضحك قلت : زدني قال : عليك بحب المساكين و مجالستهم قلت : زدني قال : قل للحق و ان كان مرا قلت : زدني قال : لاتخف في الله لومه لائم قلت : زدني قال : ليحجزك عن الناس ما تعلم من نفسك و لاتجد عليهم فيما تاتي مثله ثم قال : كفى بالمرء عيبا ان يكون فيه ثلاث خصال : يعرف من الناس ما يجهل من نفسه و يستحیی لهم مما هو فيه و يذی جلسه فيما لايعنيه ثم قال : يا ابا ذر لا عقل كالتدبير و لا ورع كالکف و لا حسب كحسن الخلق .
ترجمه :

332 - ابوذر گوید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم : ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم زیرا تقوی سر همه کارها (ی شایسته) است ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و زیاد به یاد خدا بودن ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به سکوت طولانی . عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد که فقیران را دوست داشته باشی و با آنان همنشینی کنی ، عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: حق را بگو اگر چه تلخ باشد. عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس نداشته باش . عرض کردم : بیش از این بفرما. فرمود: باید آن عیبی که از خود سراغ داری تو را از عیبجویی مردم باز دارد، زیرا در آنچه که مثل آن را خود انجام می دهی حجتی بر علیه مردم نمی یابی . سپس فرمود: برای عیبناک بودن مرد کافی است که در او سه خصلت باشد: یکی اینکه عیبی را از مردم

بداند در حالی که (آن عیب در خود او وجود دارد و او) از آن عیب در خود جاهل است و دیگر اینکه از مردم شرم کردن درباره چیزی را درخواست کند که آن چیز در خود او نیز هست و دیگر اینکه همنشین خود را در چیزهای بیهوده آزار دهد. سپس فرمود: ای ابوذر! هیچ عقلی همچون عاقبت اندیشی نیست و هیچ پرهیزکاری ای همچون دست کشیدن (از گناه) نیست و هیچ اصل و تباری مانند خوش خلقی نیست .

حدیث :

333 - عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : ان موسى عليه السلام لما اراد ان يفارق الخضر قال : اوصني فکان فیما اوصاه ان قال له : ایاک و اللجاجه و ان تمشي فی غیر حاجه و ان تضحک من غیر عجب و اذکر خطیئتک و ایاک و خطایا الناس .

ترجمه :

333 - امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی که حضرت موسی عليه السلام می خواست از حضرت خضر عليه السلام جدا شود گفت : مرا سفارشی فرما. حضرت خضر عليه السلام در ضمن توصیه هایش فرمود: از سرسختی و خیره سری بر حذر باش و از اینکه بدون نیاز و حاجتی به دنبال چیزی روی حذر کن و از اینکه بدون تعجب بخندی پرهیز کن و گناهت را یاد کن و از اینکه گناهان مردم را یاد آور شوی بر حذر باش .

حدیث :

334 - عن امیرالمؤمنین عليه السلام انه قال فی النهی عن عیب الناس : و انما ینبغی لاهل العصمه و المصنوع الیهم فی السلامه ان یرحموا اهل الذنوب و المعصیه و

يكون الشكر هو الغالب عليهم و الحاجز لهم عنهم فكيف بالعائب الذى عاب اخاه
و غيره ببلواه؟!

اما ذكر موضع ستر الله عليه من ذنوبه ما هو اعظم من الذنب الذى عاب به ؟
فكيف يذمه بذنب قد ركب مثله ؟ فان لم يكن ركب ذلك الذنب بعينه فقد عصى
الله فيما سواه مما هو اعظم منه و ايم الله لو لم يكن عصاه فى الكبير لقد عصاه فى
الصغير و لجراته على عيب الناس اكبر يا عبدالله لاتعجل فى عيب عبد بذنبه فلعله
مغفور له و لا تامن على نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكفف من علم
منكم نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكفف من علم منكم عيب غيره
لما يعلم من عيب نفسه و ليكن الشكر شاغلا له على معافاته مما ابتلى به غيره .
ترجمه :

334 - اميرالمؤمنين عليه السلام درباره نهى نمودن از عيبجويى مردمان فرموده
است : بر كسانى كه خود نگاهدار و پاكند و سلامت از گناه به آنان بخشیده شده
است سزاوار است كه به حال گناهكاران و نافرمانان رحمشان آيد و شكرگزارى
(نعمت سلامت از گناه) بر آنان چيره و مسلط باشد و اين شكرگزارى آنان را از
بيان عيب مردم باز دارد، پس چگونه است حال آن عيبجويى كه از برادر خود
عيب گيرد و او را بر گرفتارى اش سرزنش كند؟! آيا اين شخص عيبجو به ياد
نمى آورد آن جايى را كه خداوند گناهانى از او را پوشاند كه به مراتب بزرگتر
از گناهى بودند كه او اکنون بر آن از برادر خود خرده گيرى مى كند؟ پس
چگونه برادرش را به گناهى سرزنش مى كند كه خود همانند آن را مرتكب شده
است ؟ اگر هم عين آن را مرتكب نشده خداوند را در بزرگتر و بدتر از آن
نافرمانى نموده ، و سوگند به خدا كه اگر هم اين شخص مرتكب گناه بزرگ
نشده حتما گناه كوچك انجام داده است و اين جراتى كه در عيب گيرى از مردم

به خرج داده خود از هر گناهی بزرگتر است . ای بنده خدا! در عیبجویی از بنده ای که مرتکب گناهی شده شتاب مکن شاید گناه او بخشیده شود و بر نفس خویش ایمن مباش که گناه کوچکی انجام داده ای شاید بر همان گناه عذاب شوی . پس هر کس از شما به عیب دیگری آگاهی یافت باید از عیبجویی او خودداری کند زیرا به عیب خود نیز آگاه است . و باید شکرگزاری بر پاک بودنش از گناهی که دیگری مرتکب آن است او را از پی گیری گناه دیگران به خود مشغول دارد.

حدیث :

335 - و قال عليه السلام : من نظر فی عیب نفسه اشتغل عن عیب غیره و من رضی رزق الله لم یحزن علی مافاتہ - الی ان قال - و من نظر فی عیوب الناس ثم رضیها لنفسه فذلک الاحمق بعینه .

ترجمه :

335 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: کسی که در عیب خویش اندیشه کند از عیب جویی دیگران باز می ماند و کسی که به روزی خداوند خوشنود باشد بر آنچه که از دست داده است غمگین نمی شود تا آنجا که فرمود: و کسی که در عیب های مردمان بنگرد سپس آن عیوب را برای خویش بپسندد چنین کسی نادان واقعی است .

حدیث :

336 - و قال عليه السلام : اکبر العیب ان تعیب ما فیک مثله .

ترجمه :

336 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در خود توست عیب بشمری .

حدیث :

337 - عن محمد بن اسماعیل عن بعض رجاله قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : اذا رايتم العبد متفقدا لذنوب الناس ناسيا لذنوبه فاعلموا انه قد مكر به .

ترجمه :

337 - محمد بن اسماعیل از یکی از مردانش نقل می کند که گفت : از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرماید: هرگاه دیدید که بنده ای گناهان مردمان را جستجو می کند و گناهان خویش را فراموش کرده است بدانید که او فریب خورده و مورد مکر (شیطان) واقع شده است .

حدیث :

338 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : كان بالمدينة اقوام لهم عيوب فسكتوا عن عيوب الناس فاسكت الله عن عيوبهم الناس فماتوا و لا عيوب لهم عند الناس و كان بالمدينة اقوام لا عيوب لهم فتكلموا في عيوب الناس فآظهر الله لهم عيوبهم فماتوا .

ترجمه :

338 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: در شهر گروهی بودند که عیوبی داشتند اما از بیان عیوب دیگران ساکت ماندند خداوند نیز مردم را از بیان عیوب آنها ساکت کرد پس آنان مردند در حالی که در نزد مردم عیبی برای ایشان وجود نداشت و در شهر گروهی بودند که عیبی نداشتند اما در مورد عیوب مردم سخن می گفتند خداوند نیز برای آنان عیبهایی ظاهر ساخت که پیوسته تا زمانی که مردند به آن عیبها شناخته می شدند.

حدیث :

339 - عن ابی عبيده الحذاء قال سمعت ابا جعفر محمد به علی الباقر
عليه السلام يقول : قال رسول الله ﷺ : ان اسرع الخیر ثوبا البر و ان اسرع الشر
عقبا البغی و كفی بالمرء عيبا ان يبصر من الناس ما يعمی عنه من نفسه و ان يعیر
الناس بما لا یستطیع تركه و ان یوذی حلیسه بما لا یعنیه .
ترجمه :

339 - ابی عبيده خدا گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرماید: رسول
خدا ﷺ فرمود: همانا خیری که ثوابش سریعتر از هر خیر دیگری به آدمی
می رسد نیکی کردن است و شری که کیفرش سریعتر از هر شر دیگری نصیب
آدمی می شود ستم نمودن است و برای عیبناک بودن مرد همین بس که در مردم
عیبی را ببیند که از دیدن آن عیب در وجود خود ناپیدا است و مردم را به عیبی
سرزنش کند که خود توان ترک آن را ندارد و همنشین خود را به خاطر چیزی
پوچ و بیهوده آزار دهد.

37 - باب وجوب العدل

37 - باب وجوب عدالت حدیث :

340 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اتقوا الله و اعدلوا فانکم تعییون علی قوم لا یعدلون .

ترجمه :

340 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: از خدا بترسید و عدالت را پیشه خود سازید زیرا شما خود بر قومی که عدالت نمی ورزند خرده گیری می کنید.

حدیث :

341 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلی من الماء یصیبه الظمان ، ما اوسع العدل اذا عدل فیہ و ان قل .

ترجمه :

341 - امام صادق علیه السلام فرمود: عدل از آب گوارایی که تشنه به آن برخورد می کند شیرین تر است ، چه فراخ و گسترده است عدالت زمانی که جانب انصاف و تعادل در آن رعایت شود اگر چه کم باشد.

حدیث :

342 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلی من الشهد و الین من الزید و اطیب ریحا من المسک .

ترجمه :

امام صادق علیه السلام فرمود: عدل شیرین تر از عسل و نرم تر از کف و خوشبو تر از مشک است .

حدیث :

343 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله جعل لمن جعل له سلطانا اجلا و مده من لیلال و ایام و سنین و شهور فان عدلوا فی الناس امر الله صاحب الفلک ان یبیطی بدارته فطالت ایامهم و لیالیهم و سنینهم و شهورهم و ان جاروا فی الناس فلم یعدلوا امر الله صاحب الفلک فاسرع بدارته فقصرت لیالیهم و ایامهم و سنینهم و شهورهم و قد وفی الله عزوجل بعدد اللیالی و الشهور.

ترجمه :

343 - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند برای کسی که به او سلطنتی بخشیده است سرآمد و مدت معینی از شبها و روزها و سالها و ماهها قرار داده است پس اگر آنان در بین مردم به عدل رفتار کنند خداوند به فرشته ای که گرداننده روزگار است دستور می دهد که کندتر بگرداند تا روزها و شبها و سالها و ماههای آنان طولانی شود. و اگر به مردم ستم کنند و به عدالت رفتار نکنند خداوند آن فرشته اش را امر می کند که در گرداندن شتاب کند پس شبها و روزها و سالها و ماههایشان کوتاه می شود و خداوند عزوجل آن شبها و ماههایی را که برای آنان مقدر فرموده به اتمام می رساند.

حدیث :

344 - عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام قال : ثلاثه هم اقرب الخلق الی الله عزوجل یوم القیامه حتی یفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدرته فی حال غضبه الی ان یحیف علی من تحت یدیه و رجل مشی بین اثنین فلم یمل مع احدهما علی الاخر بشعیره و رجل قال الحق فیما علیه .

ترجمه :

344 - امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ شود نزدیکترین کسان به خداوند اند: یکی

کسی که قدرت و توانایی اش در حال خشم او را به سوی ستم کردن به
زیردستان فرا نخوانده است و دیگری کسی که (برای اصلاح و حکم کردن) بین
دو نفر رفت و آمد کند ولی حتی به اندازه یک دانه جو به یکی از آنها بر علیه
دیگری تمایل پیدا نکند و دیگری کسی که در جایی که به ضرر اوست حق را
بر زبان آورد.

38 - باب انه لایجوز لمن وصف عدلا ان یخالفه الی غیره

38 - باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در

مورد دیگری خلاف آن را عمل کند

حدیث :

345 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اعظم الناس حسره يوم القیامه من

وصف عدلا ثم خالفه الی غیره .

ترجمه :

345 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی

از کسانی که حسرتش از دیگران بیشتر است کسی است که راستی و درستی ای را ستوده است ولی درباره دیگری خلاف آن را عمل نموده است .

حدیث :

346 - عن ابی عبدالله قال : ان اشد الناس حسره يوم القیامه من وصف عدلا

ثم عمل بغيره .

ترجمه :

346 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت

حسرت کسی از همه بیشتر است که درستی ای را ستوده است اما در عمل خلاف آن را به کار بسته است .

حدیث :

347 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان من اشد الناس عذابا يوم القیامه من

وصف عدلا و عمل بغيره .

ترجمه :

347 - از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که عذابش از دیگران سخت تر است کسی است که درستی و عدالتی را ستوده است اما به غیر آن عمل کرده است .
حدیث :

348 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : فی قول الله عزوجل (فکبکبوا فیها هم و الغاؤون) فقال یا ابابصیر هم قوم وصفوا عدلا بالسنتهم ثم خالفوه الی غیره .
ترجمه :

348 - از امام صادق عليه السلام روایت است که درباره قول خدای عزوجل که می فرماید: (یس آنان و گمراهان به روی در دوزخ افکنده شوند) ⁽⁸⁵⁾ فرمود: ای ابا بصیر! آنان گروهی هستند که عدل و راستی ای را به زبان می ستایند ولی به غیر آن عمل می کنند.
حدیث :

349 - عن خیمه قال قال لی جعفر عليه السلام : ابلغ شیعتنا انه لن ینال ما عند الله الا بعمل و ابلغ شیعتنا ان اعظم الناس حسره یوم القیامه من وصف عدلا ثم یخالفه الی غیره .
ترجمه :

349 - خیمه گوید: امام جعفر صادق عليه السلام به من فرمود: به شیعیان ما برسان که هرگز کسی به رضوان و خوشنودی که در نزد خداست نخواهد رسید مگر با عمل و به شیعیان ما برسان که در روز قیامت کسی که حسرتش از دیگران بیشتر است آن کس است که عدالت و درستی ای را ستوده است سپس به غیر آن عمل کرده است .

39 - باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر

39 - باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل

پیدا می کند

حدیث :

350 - عن ابی خدیجه قال دخلت علی ابی الحسین علیه السلام فقال لی : ان الله تبارک و تعالی اید المومن بروح منه يحضره فی کل وقت يحسن فيه و يتقى و يغیب عنه فی کل وقت یدنب فيه و يعتدی فیهی معه تهتز سرورا عند احسانه تسیح فی الثری عند اساءته فتعاهدوا عباد الله نعمه باصلاحکم انفسکم تزاد و یقینا و تربحوا نفیسا ثمینا رحم الله امراهم بخیر فعله او هم بشر فارتدع عنه - ثم قال : - نحن نزید الروح بالطاعه لله و العمل له .

ترجمه :

350 - ابی خدیجه گوید: بر امام رضا علیه السلام وارد شدم حضرت به من فرمود: خداوند تبارک و تعالی مومن را با روحی از خود تقویت و پشتیبانی می کند و این روح الهی در هر زمانی که مومن نیکی می کند و تقوا را رعایت می نماید در نزد او حاضر است و زمانی که گناه کند و از حق تجاوز کند آن روح الهی غایت می شود پس آن روح الهی همراه با مومن است و در هنگام نیکوکاری مومن به نشاط در می آید و در هنگام بدی نمودنش به زمین می رود پس ای بندگان خدا با اصلاح نمودن خود نعمتهای خداوند را محافظت کنید تا بر باورتان افزوده شود و بر سود زیادی عایدتان شود خداوند رحمت کند مردی را که قصد خیر کند و آن را به جای آورد یا اینکه (اگر) قصد عمل بدی نمود از انجام آن خودداری کند.

سپس فرمود: ما با فرمانبرداری از خداوند و عمل برای او بر این روح الهی می افزاییم .

حدیث :

351 - قال ابو عبدالله عليه السلام : اقصر نفسك عما يضرها من قبل ان تفارقك و اسع في فكاكها كما تسعي في طلب معيشتك فان نفسك رهينه بعملك .

ترجمه :

351 - امام صادق عليه السلام فرمود: نفس خود را پیش از آنکه از تو جدا شود از هر آنچه که به آن ضرر می رساند باز نگاهدار و همچنانکه در طلب روزی ات کوشش می کنی در رهایی و خلاص نمودن نفست بکوش زیرا نفس تو در گرو عمل و کردار توست .

حدیث :

352 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال امير المؤمنين عليه السلام : كانت الفقهاء و العلماء اذا كتب بعضهم الى بعض كتبوا بثلاث ليس معهن رابعه من كانت همته آخرته كفاه الله همه من الدنيا و من اصلح سريره اصلح الله علانيته و من اصلح ما بينه و بين الله اصلح الله ما بينه و بين الناس .

ترجمه :

352 - امام صادق عليه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است : دانشمندان و عالمان چنین بودند که هرگاه برای یکدیگر نامه می نوشتند سه جمله می نوشتند که چهارمی نداشت (و سخنانشان از این سه جمله تجاوز نمی کرد): 1 - کسی که همت و تلاشش در امر آخرتش باشد خداوند دنیای او را کفایت می کند.

2 - کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد

کرد.

3 - کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد نمود.

حدیث :

353 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : من اصلاح ما بينه و بين الله اصلاح الله ما بينه و بين الناس و من اصلاح امرا آخرته اصلاح الله له دنياه .

ترجمه :

353 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند خداوند امر دنیایش را برایش به سامان می رساند.

حدیث :

354 - و قال علیه السلام : من اصلاح سریره الله علانیه و من عمل لدینه کفاه الله دنياه و من احسن فیما بينه و بين الله کفاه الله ما بينه و بين الناس .

ترجمه :

354 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد کرد و کسی که برای دینش کار کند خداوند دنیایش را کفایت می کند و کسی که بین خود و خدایش را نیکو کند خداوند خود بین او و مردم را کفایت می کند.

حدیث :

355 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آباءه علیهم السلام عن علی علیه السلام قال : من اصلاح فیما بينه و بين الله اصلاح الله ما بينه و بين الناس .

ترجمه :

355 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش ، از علی علیه السلام روایت فرمود:
کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح
خواهد کرد.

40 - باب وجوب اجتناب الخطایا و الذنوب

40 - باب وجوب دوری نمودن از لغزشها و گناهان حدیث :

356 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اما انه لیس من عرق یضرب و لا نکیه و
لاصداع و لا مرض الا بذنب و ذلك قول الله عزوجل فی کتابه : (و ما اصابکم
من مصیبه فیما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر) قال : ثم قال : و ما یعفو الله اکثر
مما یواخذ به .

ترجمه :

356 - امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هیچ رگی نمی زند و هیچ
مصیبت و سر درد و مرضی پیش نمی آید مگر به خاطر گناهی و این است
معنای گفتار خداوند عزوجل در کتابش که فرمود: (مصیبتی که به شما رسیده
است به سبب چیزی است که دستهایتان کسب نموده و خداوند از بسیاری (از
خطاهای شما) در می گذرد) ⁽⁸⁶⁾ سپس حضرت فرمود: آنچه که خداوند از آن
در می گذرد بیشتر است از آنچه که به سبب آن مردمان را مواخذه می کند.

حدیث :

357 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (فما اصبرهم علی النار)

فقال : ما اصبرهم علی فعل ما یعلمون انه یصیرهم الی النار.

ترجمه :

357 - امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (پس چه چیز آنها را بر آتش شکبیا کرد) ⁽⁸⁷⁾ فرمود: یعنی چه چیز آنها را بر انجام کاری که می دانند آنها را به سوی آتش می برد شکبیا کرد؟! حدیث :

358 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : الذنوب کلها شدیدة و اشدھا ما نبت علیہ اللحم و الدم لانه اما مرحوم و اما معذب و الجنة لا یدخلھا الا طیب . ترجمه :

358 - امام باقر عليه السلام فرمود: همه گناهان سخت اند و سخت ترین آنها گناهی است که (در طول انجام آن) گوشت و خون بر اساس آن بر بدن شخص روییده باشد زیرا گناهکار یا مورد رحمت حق قرار می گیرد و یا عذاب می شود و بهشت جایگاهی است که تنها کسی که پاکیزه است به آن داخل می گردد. حدیث :

359 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : ان العبد لیحبس علی ذنب من ذنوبه مائه عام و انه لینظر الی ازواجه فی الجنة یتنعمن . ترجمه :

359 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرموده است : به راستی که بنده به خاطر گناهی از گناهانش یکصد سال محبوس و زندانی می شود و او از درون زندان خود به همسرانی که در بهشت برای او وجود دارند می نگرد که چگونه آنان مشغول تنعم و بهره بردن هستند. حدیث :

360 - عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال امیر المؤمنین علیه السلام : لا تبدین عن واضحه و قد عملت الاعمال الفاضحه و لا تامن البیات و قد عملت السيئات .
ترجمه :

360 - امام رضا علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: در حالی که اعمال ننگین و رسوا کننده ای را به جای آورده ای دندان ت را به خنده آشکار مکن و زمانی که مرتکب بدیها شده ای از عذاب شبانگاهی ایمن مباش .
حدیث :

361 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من نكبه تصيب العبد الا بذنب و ما يعفو الله اكثر .
ترجمه :

361 - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ مصیبتی به بنده نمی رسد مگر به خاطر گناهی ، و آنچه خدا از آن در می گذرد بیشتر است .
حدیث :

362 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان ابی علیه السلام يقول ما من شیء افسد للقلب من خطیئه ان القلب لیبواق الخطیئه فما تزال به حتی تغلب علیه فیصیر اعلاه اسفله .
ترجمه :

362 - امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ چیزی مانند گناه قلب را تباه نمی کند زیرا قلب پیوسته به گناه تن در می دهد تا جایی که گناه بر قلب چیره و غالب می شود و قلب را دگرگون می سازد.
حدیث :

363 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد لیذنب الذنب فیزوی عنه الرزق .

ترجمه :

363 - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که بنده گناه می کند پس در نتیجه ، رزق و روزی او از او دور می شود و کناره می گیرد.

حدیث :

364 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الذنب یحرم العبد الرزق .

ترجمه :

364 - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که گناه باعث محروم شدن بنده از روزی می شود.

حدیث :

365 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیذنب الذنب فیدرا عنه الرزق و تلا هذه الایه (اذا قسموا لیصرمنها مصبحین و لا یستثنون فطاف علیها طائف من ربک و هم نائمون).

ترجمه :

365 - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا مرد گناه می کند در نتیجه رزق و روزی از او دور می شود، و سپس این آیه را تلاوت فرمود: (آنگاه که سوگند یاد نمودند که آن باغ را صبحگاهان می بریم و ان شاء الله نگفتند پس در حالی که ایشان در خواب بودند طواف کننده ای از جانب پروردگارت بر آن باغ طواف نمود (و آن را نابود ساخت) ⁽⁸⁸⁾)

حدیث :

366 - عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اذا اذنب الرجل خرج فی قلبه نکته سوداء فان تاب انمحت و ان زاد زادت حتی تغلب علی قلبه فلا یفلح بعدها ابدا.

ترجمه :

366 - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه مرد مرتکب گناهی شود در قلب او نقطه سیاهی ظاهر می شود پس اگر توبه نمود آن سیاهی محو می شود ولی اگر بر گناهی افزود بر آن سیاهی نیز افزوده می شود تا جایی که سیاهی بر قلبش چیره می گردد پس بعد از آن هرگز به رستگاری نمی رسد.

حدیث :

367 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد یسال الله الحاجه فیکون من شانہ قضاوها الی اجل قریب او الی وقت بطی ء فیذنب العبد ذنبا فیکول الله تبارک و تعالی للملک : لا تقض حاجته و احرمه فانه تعرض لسخطی و استوجب الحرمان منی .

ترجمه :

367 - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد) بنده ای از خداوند حاجتی را در خواست می کند و (در آن مورد) قصد خداوند این است که تا زمانی نزدیک یا تا درنگی اندک حاجت او را برآورده سازد پس در این فاصله آن بنده مرتکب گناهی می شود پس خداوند تبارک و تعالی به فرشته خود می فرماید: حاجتش را برآورده مساز و او را محروم گردان زیرا او (با گناه خویش) خود را در معرض خشم من قرار داد و مستوجب بی بهرگی از رحمت من گشت .

حدیث :

368 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الرجل یذنب الذنب فیحرم صلاه اللیل و ان العمل السبی اسرع فی صاحبه من السکین فی اللحم .

ترجمه :

368 - امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که مرد مرتکب گناهی می شود و در نتیجه از (انجام نماز شب محروم می ماند و حقا که کردار زشت از چاقویی که در آن گوشت فرو می رود سریعتر در صاحب خود اثر می گذارد.

حدیث :

369 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : من هم بالسيئه فلان يعملها فانه ربما عمل العبد السيئه فیراه الرب تبارک و تعالی و تعالی فيقول : و عزتی و جلالی لا اغفر لك بعد ذلك ابدا.

ترجمه :

369 - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس قصد نمود که کار بدی انجام دهد (از قصد خود برگردد و) و چنین نکند زیرا چه بسا که بنده ای مرتکب کار بدی می گردد پس پروردگار تبارک و تعالی به او می نگرد و می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی ام که پس از این هرگز تو را نمی بخشایم .

حدیث :

370 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : ما من عبد الا و فی قلبه نکته بیضاء فاذا اذنب دنیا خرج فی النکته سوداء فان تاب ذهب ذلك السواد و ان تمادی فی الذنوب زاد ذلك السواد حتی یغطی البیاض فاذا غطی البیاض لم یرجع صاحبه الی خیر ابدا و هو قول الله عزوجل : (بل ران علی قلوبهم ماکانوا یکسبون).

ترجمه :

370 - امام باقر عليه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در قلب او نقطه ای سفید است پس هرگاه مرتکب گناهی شود در درون آن نقطه سفید نقطه ای سیاه نمایان شود پس اگر توبه نمود آن نقطه سیاه از بین می رود ولی اگر (ادامه

داد و) گناهانش به درازا کشید آن سیاهی افزوده می شود تا جایی که تمام سفیدی را می پوشاند پس هرگاه سیاهی روی سفیدی را بپوشاند دیگر آن گناهکار هرگز به سوی خیر باز نمی گردد و این معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرمایند: (بلکه آنچه را که کسب می کردند زنگاری بر دلهاشان می شد) (89)

حدیث :

371 - عن ابی عمرو المدائنی عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته یقول : کان ابی یقول : ان الله قضی قضاء حتما لا ینعم علی العبد بنعمه فیسلبها اياه حتی یحدث العبد ذنبا یتحق بذلک النقمه .

ترجمه :

371 - ابی عمر مدائنی از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود: به راستی که خداوند حکم و قضای حتمی اش بر این قرار گرفته که نعمتی را به بنده ای نبخشد و سپس آن را از او بگیرد (بلکه اگر نعمتی را به او بخشید آن را از وی سلب نمی کند) مگر اینکه آن بنده گناهی کند و در نتیجه سزاوار خشم الهی گردد (پس در واقع خود بنده با گناهش نعمت را از خود سلب می کند).

حدیث :

372 - عن سماعه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ما انعم الله علی عبد نعمه فسلبها اياه حتی یذنب ذنبا یتحق بذلک السلب .

ترجمه :

372 - سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند نعمتی را به بنده اش نمی بخشد که آن را از او بگیرد مگر اینکه مرتکب گناهی شود و به سبب آن سزاوار سلب نعمت گردد.

حدیث :

373 - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : ان احدکم لیکثر الخوف من السلطان و ما ذلک الا بالذنوب فتوقوها ما استطعتم و لا تمادوا فیها.

ترجمه :

373 - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که کسی از شما بسیار از سلطان می ترسد و این ترسش فقط به خاطر گناهان است پس ، از گناهان تا می توانید پرهیز کنید و در گناهان فرو نمانید.

حدیث :

374 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لا وجمع اوجع للقلوب من الذنوب و لا خوف اشد من الموت و کفی بما سلف تفکرا و کفی بالموت و اعظا.

ترجمه :

374 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ دردی برای دلها دردناکتر از گناهان نیست و هیچ ترسی سخت تر از مرگ نیست و آنچه که سپری گشته است برای اندیشیدن کافی است و مرگ به عنوان اندرز دهنده کفایت می کند.

حدیث :

375 - عن العباس بن هلال الشامی قال سمعت الرضا علیه السلام یقول : کما احدث العباد من الذنوب ما لم یکنوا یعملون احدث لهم من البلاء ما لم یکنوا یعرفون .

ترجمه :

375 - عباس بن هلال شامی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه بندگان گناہانی را انجام دهند که پیش از آن مرتکب چنین گناہانی نمی شدند بلاهایی برای آنها پیش می آید که پیش از آن چنین بلاهایی را سراغ نداشتند.

حدیث :

376 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من اذنب ذنبا و هو ضاحك دخل النار و هو باک .

ترجمه :

376 - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس مرتکب گناہی شود در حالی که خندان است (در روز قیامت) با چشم گریان به آتش دوزخ در افتد.

حدیث :

377 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یا مفضل ایاک و الذنوب و حذرہا شیعتنا فو الله ما هی الی احد اسرع منها الیکم ان احدکم لتصیبه المعره من السلطان و ما ذاک الا بذنوبه و انه لیصیبه السقم و ما ذاک الا بذنوبه و انه لیحبس عنه الرزق و ما هو الا بذنوبه و انه لیشدد علیه عند الموت و ما ذاک الا بذنوبه حتی یقول من حضره لقد غم بالموت - فلما رای ما قد دخلنی قال : - اتدری لم ذاک ؟ قلت : لا . قال ذاک و الله انکم لاتواخذون بها فی الاخره و عجلت لکم فی الدنیا .

ترجمه :

377 - امام صادق علیه السلام فرمود: ای مفضل! از گناہان پرهیز و شیعیان ما را نیز از گناہان بر حذر دار. سوگند به خدا که گناہان به سوی هیچ کس با شتاب تر از آنکه به سوی شما می آیند نمی روند، همانا کسی از شما را از ناحیه سلطان رنج سختی می رسد و این نیست مگر به خاطر گناہاتش و کسی از شما

دچار بیماری می شود و این نیست مگر به خاطر گناهانش و کسی از شما رزق و روزی اش از او باز داشته می شود و این نیست مگر به دلیل گناهانش و کسی از شما هنگام مرگ دچار فشار زیاد می شود تا آنجا که کسی که در نزد او حاضر است می گوید: او به خاطر مرگ دلتنگ و غمگین شده است و این نیست مگر به خاطر گناهانش . روای گوید: در اینجا من از سخنان حضرت به فکر فرو رفتم که چرا باید شیعیان به چنین بلاهایی دچار شوند؟ و حضرت چون مرا به این حال دید فرمود: آیا می دانی که چرا چنین است ؟ عرض کردم : خیر. حضرت فرمود: سوگند به خدا که این به خاطر آن است که شما به سبب گناهانتان در آخرت مورد مواخذه قرار نگیرید و در عقوبت و کیفرتان در این دنیا تعجیل شده است (تا پاک به آن دنیا کوچ کنید).

41 - باب وجوب اجتناب المعاصی

41 - باب وجوب خودداری نمودن از گناهان حدیث :

378 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : تعوذوا بالله من سطوات الله باللیل و النهار قلت : و ما سطوات الله ؟ قال : الاخذ علی المعاصی .

ترجمه :

378 - امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت گرفتن ها و چیره گشتن های خداوند در شبانه روز به خدا پناه برید. راوی گوید: عرض کردم : سخت گرفتن های خداوند چیست ؟ حضرت فرمود: گرفتن بندگان بر نافرمانی هایشان .

حدیث :

379 - عن ابی الحسن علیه السلام قال : حق علی الله ان لا یعصی فی دار الا اضحاها للشمس حتی تطهرها.

ترجمه :

379 - امام رضا علیه السلام فرمود: بر خداوند سزاوار است که در هیچ خانه ای نافرمانی اش نشود جز اینکه درون آن خانه را برای خورشید نمایان کند (یعنی سقف آن خانه را بردارد تا خورشید به درون آن بتابد) تا خورشید آن خانه را پاک سازد.

حدیث :

380 - عن الهیثم بن واقد الجزری قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان الله عزوجل بعث نبیا من انبیائه الی قومه و اوحی الیه ان قل لقومک : انه لیس من اهل قریه و لاناس کانوا علی طاعتی فاصابهم فیها سراء فتحولوا عما احب الی ما اکره الا تحولت لهم عما یحبون الی ما یکرهون و لیس من اهل قریه و لا اهل بیت کانوا علی معصیتی فاصابهم فیها ضراء فتحولوا عما اکره الی ما احب الا

تحولت لهم عما يكرهون الى ما يحبون و قل لهم : ان رحمتى سبقت غضبى فلا
تقنطوا من رحمتى فانه لا يتعاضم عندى ذنب اغفره و قل لهم : لا يتعرضوا
معاندين لسخطى و لا يستخفوا باوليائى فان لى سطوات عند غضبى لا يقوم لها
شىء من خلقى .

ترجمه :

380 - هيثم بن واقد جزرى گوید: از امام صادق عليه السلام شنيدم که می فرمود:
خداوند عزوجل پیامبری از پیامبرانش را به سوى قومش مبعوث ساخت و به او
وحى فرستاد که به قومت بگو: هيچ اهل قريه اى و هيچ مردمى نبودند که بر
طاعت و فرمانبردارى من باشند پس در آن حال به آنان خوشى و شادمانى
برسد و آنان از آنچه که مورد پسند من است به سوى آنچه که در نظر من
ناپسند است برگردند جز اينکه من نيز از آنچه که آنان دوست مى دارند به سوى
آنچه که ناپسند مى شمرند باز مى گردم و هيچ اهل قريه اى و هيچ اهل خانه
اى نبودند که بر نافرمانى من باشند پس در آن حال به آنان ناخوشى برسد و
آنان از آنچه که ناپسند من است به سوى آنچه که مورد پسند من است باز
گردند جز اينکه من نيز از آنچه که برای آنان خوشايند است به سوى آنچه که
دوست مى دارند باز مى گردم . و به آنان بگو: رحمت من بر خشم من پيشى
دارد بنا بر اين از رحمت من نوميد نشويد زيرا گناهى که از آن چشم پوشى مى
کنم در نزد من بزرگ نيست و به آنان بگو: در مورد كسانى که با خشم من سر
ستيزه دارند پادرميانى نکنند و دوستان مرا کوچک نشمرند زيرا در هنگام خشم
من برای من قهر و غلبه اى است که هيچيك از مخلوقات من در برابر آن تاب
ايستادگى ندارد.

حدیث :

381 - عن الرضا عليه السلام قال : اوحى الله عزوجل الى نبيء من الانبياء: اذا اطعت رضيت و اذا رضيت باركت و ليس لبركتي نهايه و اذا عصيت غضبت و اذا غضبت لعنت و لعنتى تبلغ السابع من الورى .
ترجمه :

381 - امام رضا عليه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوى يکى از پيامبرانش وحى فرستاد که : هرگاه اطاعت شوم خوشنود مى گردم و هرگاه خوشنود باشم برکت مى بخشم و براى خير و برکت من نهايت و پايانى نيست و هرگاه نافرمانيم شود خشمگين مى گردم و هرگاه خشمگين شوم لعنت مى فرستم و از رحمت خود دور مى کنم و لعنت من تا هفت نسل را فرا مى گيرد و به آنان مى رسد.

حدیث :

382 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : يقول الله عزوجل اذا عصانى من يعرفنى سلطت عليه من لا يعرفنى .
ترجمه :

382 - امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه کسى که مرا مى شناسد نافرمانى ام کند کسى را که مرا نمى شناسد بر او مسلط مى گردانم .
حدیث :

383 - عن ابى الحسن عليه السلام قال : ان لله عزوجل فى كل يوم و ليله مناد يا ينادى مهلا مهلا عباد الله عن معاصى الله فلو لابهائم رتع و صبيه رضع و شيوخ رقع لصب عليكم العذاب صبا ترضون به رضا.
ترجمه :

383 - امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند عزوجل در هر روز و شب ندا دهنده ای هست که ندا در می دهد: ای بندگان خدا دست نگه دارید و درنگ کنید از بجای آوردن معصیتهای الهی ، پس اگر چهارپایان چرنده و کودکان شیرخوار و پیران قد خمیده نبودند عذابی بر شما فرو می ریخت که به سبب آن کوبیده و ریزه ریزه می شدید.

حدیث :

384 - محمد به علی بن الحسین عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : قال الله جل جلاله ایما عبد اطاعنی لم اكله الی غیرى و ایما عبد عصانى و کتته الی نفسه ثم لم ابال فی ای واد هلک .

ترجمه :

384 - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: خداوند جل و جلاله می فرماید: هر بنده ای که از من فرمان برد او را به غیر خودم وا نمی گذارم و هر بنده ای که نافرمانی ام کند او را به خودش وا می گذارم سپس باکی ندارم که در کجا به هلاکت برسد.

حدیث :

385 - و قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : قال الله عزوجل : اذا عصانى من خلقى من یعرفنى سلطت علیه من خلقى من لا یعرفنى .

ترجمه :

385 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هرگاه کسی از مخلوقات من که مرا می شناسد نافرمانی ام کند من نیز از مخلوقات خود کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم .

حدیث :

386 - عن ابن ابي عمير عن سمع ابا عبدالله الصادق عليه السلام يقول : ما احب

الله من عصاه ، ثم تمثل :

تعصى الاله و انت تظهر حبه

هذا محال في الفعال بديع

لو كان حيك صادقا لاطعته

ان المحب لمن يحب مطيع

ترجمه :

386 - ابن ابي عمير از کسی که از حضرت صادق عليه السلام شنیده است روایت

کند که حضرت فرمود: کسی که نافرمانی خدا را کند خداوند را دوست ندارد.

سپس حضرت این شعر را مثال آورد:

خداوند را عصیان می کنی و دوستی اش را اظهار می کنی این کاری ناممکن

و شگفت است

اگر دوستی ات صادقانه است فرمانبرداری اش کن به راستی که محب

فرمانبردار محبوب است

حدیث :

387 - عن امیر المؤمنین عليه السلام انه قال : لو لم يتوعد الله على معصيته لكان

يجب ان لا يعصى شكرا لنعمة .

ترجمه :

387 - امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: (حتی) اگر خداوند هم بر معصیتش وعید

دوزخ را نداده بود باز هم به خاطر شکر نعمتهایش واجب بود که معصیت نشود.

حدیث :

388 - و قال عليه السلام : من العصمه تعدر المعاصي .

ترجمه :

388 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: از (اسباب) پاکدامنی دشواری و محال گردیدن (انجام) گناهان است (زیرا اگر انجام گناهی دشوار یا محال گردید آدمی از آن گناه به دور می ماند و این خود سبب پاکی می گردد).

حدیث :

389 - و قال عليه السلام في بعض الاعياد: انما هو عيد لمن قبل الله صيامه و شكر

قيامه و كل يوم تعصى الله فيه فهو يوم عيد.

ترجمه :

389 - اميرالمؤمنين عليه السلام در یکی از عیدها فرمود: این روز برای کسی عید است که خداوند روزه اش را پذیرفته از نمازش تشکر به جای آورده است و هر روزی که در آن مرتکب معصیت خدا نشوی آن روز، روز عید است .

42 - باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه

42 - باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهای حرام

حدیث :

390 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الجنه محفوفه بالمکاره و الصبر فمن صبر على المکاره فى الدنيا دخل الجنة و جهنم محفوفه باللذات و الشهوات فمن اعطى نفسه لذتها و شهوتها دخل النار.

ترجمه :

390 - امام باقر علیه السلام فرمود: بهشت با سختی ها و صبر پوشیده است پس کسی که بر سختی های دنیا صبر کند به بهشت وارد می شود. و دوزخ با لذتها و شهوتها پوشیده است پس کسی که به نفس خود لذت و شهوت نفسانی را بیخشد به آتش داخل می گردد.

حدیث :

391 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ترک الخطیئه ایسر من طلب التوبه و کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طویلا و الموت فضح الدنيا فلم یترک لذی لب فرحا.

ترجمه :

391 - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترک گناه از طلب توبه آسانتر است و چه بسا ساعتی به شهوت گذراندن باعث اندوه طولانی شود، و مرگ ، دنیا را رسوا می کند و برای خردمند شادی نمی گذارد.

حدیث :

392 - عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طوبی لمن ترک شهوه حاضره لموعده لم یره .

ترجمه :

392 - امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خوشا به حال کسی که میل نفسانی حاضر و آماده را به خاطر وعده ای که آن را ندیده است ترک کند.

43 - باب وجوب اجتناب المحقرات من الذنوب

43 - باب وجوب خودداری کردن از گناهایی که کوچک شمرده

می شوند

حدیث :

393 - قال ابو عبدالله علیه السلام : اتقوا المحقرات من الذنوب فانها لاتغفر قلت : و ما المحقرات ؟ قال : الرجل یذنب الذنب فیقول : طوبی لی ان لم یکن لی غیر ذلک .

ترجمه :

393 - امام صادق علیه السلام فرمود: از گناهایی که کوچک شمرده می شوند بترسید زیرا آنها بخشیده نمی شوند. روای گوید: عرض کردم : گناهان کوچک کدامند؟ حضرت فرمود: اینکه مرد گناهی کند و بگوید: خوشا به حال من اگر جز این گناه گناهی دیگر نداشتم .

حدیث :

394 - عن سماعه قال سمعت ابا الحسن علیه السلام یقول : لاتستکثروا کثیر الخیر و لاتستقلوا قلیل الذنوب فان قلیل الذنوب یجتمع حتی یكون کثیرا و خافوا الله فی السر حتی تعطوا من انفسکم النصف .

ترجمه :

394 - سماعه گوید، از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: کارهای خیر زیاد را زیاد نشمرید و گناهان کم را کم ندانید زیرا گناهان کم جمع می شوند و زیاد می گردند و از خداوند در پنهانی بترسید تا آنجا که خودتان درباره خود به انصاف رفتار کنید.

حدیث :

395 - قال ابو عبدالله علیه السلام : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نزل بارض قرعاء ما بها من حطب فقال صلی الله علیه و آله و سلم : فلیات کل انسان بما قدر علیه فجاءوا به حتی رموا یبن یدیه بعضه علی بعض فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : هکذا تجتمع الذنوب ثم قال : ایاکم و المحقرات من الذنوب فان لكل شیء طالبا الا و ان طالبها یکتب ما قدموا و اثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین .

ترجمه :

395 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (با یاران خود) در زمین بی گیاه فرود آمدند، حضرت به یاران خود فرمود: مقداری هیزم بیاورید، عرض کردند: ای رسول خدا ما در مکانی بی گیاه هستیم و در اینجا هیزم نیست . حضرت فرمود: هر کدام از شما به اندازه ای که می توانید بیاورید، (چیزی نگذشته بود که) هر کدام مقداری هیزم آوردند و در مقابل پیامبر روی هم ریختند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گناهان نیز اینگونه جمع می شوند سپس فرمود: از گناهان کوچک حذر کنید زیرا هر چیز جوینده ای دارد و همانا جوینده گناهان (که فرشته است) آنچه را که (مردم) پیش فرستاده اند و اثرهای آنها را می نویسد (و هر چیز را در پیشوایی آشکار فراهم کرده ایم) ⁽⁹⁰⁾

حدیث :

396 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتقوا المحقرات من الذنوب فان لها طالبا: يقول احدکم : اذنب و استغفر ان الله عزوجل يقول : (و نکتب ما قدموا و آثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین) و قال عزوجل : (انها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخره او فی السماوات او فی الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر).

ترجمه :

396 - امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند پرهیز کنید زیرا آن گناهان (نیز) فرشته ای جوینده دارد، کسی از شما می گوید: گناه می کنم و (پس از آن) استغفار می کنم ، به راستی که خدای عزوجل می فرماید: (و ما آنچه را که پیش فرستاده اند و آثار آنها را می نویسیم و هر چیزی را در پیشوایی آشکار گرد آورده ایم) ⁽⁹¹⁾ و می فرماید: (به درستی که اگر آن به اندازه دانه خردلی در دل سنگی بزرگ و یا در آسمانها یا در زمین باشد خداوند بیاردش همانا که خداوند باریک بین و آگاه است) ⁽⁹²⁾

حدیث :

397 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لایصغر ما ینفع یوم القیامه و لایصغر ما یضر یوم القیامه فکونوا فیما اخبرکم الله عزوجل کمن عاین .

ترجمه :

397 - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است : چیزی که در روز قیامت سودمند است کوچک نیست و چیزی که در روز قیامت زیانبار است ناچیز نیست پس در آنچه که خداوند عزوجل به شما خبر داده است مانند کسی باشید که به چشم خود همه آنها را دیده است .

حدیث :

398 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : اشد الذنوب ما استهان به صاحبه .

ترجمه :

398 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهند آن ، آن را ناچیز بشمرد.

حدیث :

399 - و قال علیه السلام : اشد الذنوب ما استخف به صاحبه .

ترجمه :

399 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهند آن ، آن را سبک بشمارد.

حدیث :

400 - عن الصادق علیه السلام عن آباءه علیهم السلام فی حدیث المناهی ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال : لا تحقروا شیئا من الشر و ان صغر فی اعینکم و لا تستکتروا شیئا من الخیر و ان کثر فی اعینکم فانه لا کبیر مع الاستغفار و لا صغیر مع الاصرار .

ترجمه :

400 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی که از امور مورد نهی سخن به میان آمده است روایت کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ بدی و شری را اگر چه در نظر شما کوچک باشد کوچک نشمرید و هیچ خیری را اگر چه در چشم شما زیاد باشد زیاد مشمرید زیرا با وجود استغفار (دیگر گناه) بزرگ وجود ندارد و با اصرار و پافشاری (بر گناه دیگر گناه) کوچک نیست (زیرا با استغفار می توان از گناه بزرگ طلب آمرزش نمود و با اصرار بر گناه ، گناه کوچک تبدیل به گناه بزرگ می شود).

حدیث :

401 - عن محمد بن علی علیه السلام انه قال لمحمد بن مسلم فی حدیث : لا تستصغرن حسنه ان عملها فانک تراها حیث تسرک و لا تستصغرن سیئه عملها فانک تراها حیث تسووک الحدیث .

ترجمه :

401 - امام باقر علیه السلام در حدیثی به محمد بن مسلم فرمود: کار نیکی را که به جای می آوری کوچک مشمار زیرا کار نیک را در جایی می بینی که شادمانت می کند و عمل زشتی را که انجام می دهی کوچک مشمار زیرا آن را در جایی می نگری که بد حالت می کند (مراد از آن جا صحنه قیامت است).

حدیث :

402 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من الذنوب التی لا تغفر قول الرجل لیتنی لا اواخذ الا بهذا.

ترجمه :

402 - امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از گناهانی که بخشیده نمی شود این است که کسی (گناهی کند و) بگوید: ای کاش تنها فقط به همین گناه مواخذه می شدم .

حدیث :

403 - و قال علیه السلام : ایاکم و محقرات الذنوب فان لها من الله طالبا و انها لتجتمع علی المرء حتی تهلكه .

ترجمه :

403 - امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند پیرهیزید زیرا آن گناهان (نیز) از جانب خداوند جوینده ای دارد (یعنی فرشته

ای که طلب کننده و پی گیری کننده گناهان کوچک است) و به راستی که گناهان کوچک بر آدمی جمع می شوند تا آنجا که او را به هلاکت می افکنند.

حدیث :

404 - قال رسول الله ﷺ : ان الله كتم ثلاثه في ثلاثه كتم رضاه في طاعته و كتم سخطه في معصيته و كتم و ليه في خلقه فلا يستخفن احدكم شيئا من الطاعات فانه لا يدري في ايها رضی الله و لا يستقلن احدكم شيئا من المعاصي فانه لا يدري في ايها سخط الله و لا يزرين احدكم باحد من خلق الله فانه لا يدري ايهم ولي الله .

ترجمه :

404 - رسول خدا ﷺ فرمود: همانا خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است : رضایت و خوشنودی اش را در طاعتش و خشمش را در معصیت و نافرمانی اش و ولی خود را در میان خلقش پنهان ساخته است پس مبادا کسی از شما یکی از طاعات را سبک بشمرد زیرا او نمی داند که رضایت و خوشنودی خداوند در کدام طاعت او پنهان است و مبادا یکی از معصیتها را کم بشمرد زیرا او نمی داند که خشم خدا در کدامیک از گناهان نهان است و مبادا یکی از خلق خدا را بی قدر و ارزش بداند زیرا نمی داند که کدامیک از آنها ولی خداوند است .

حدیث :

405 - قال و من كلامه ﷺ : لا تنتظروا الي صغير الذنب و لكن انظروا الي

ما اجترأتم .

ترجمه :

405 - و از کلام رسول خدا ﷺ است که : به کوچکی گناه نکنید بلکه به چیزی که بر آن جرات یافته اید بنگرید. (بنگرید به اینکه بر نافرمانی خدا دلیر گشته اید و این بسیار بزرگ است).

حدیث :

406 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من هم بالسیئه فلا یعملها فانه ربما عمل العبد السيئه فیراه الرب فیقول : و عزتی و جلالی لا اغفر لک ابدًا.

ترجمه :

406 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که قصد انجام دادن گناهی را نمود نباید آن را انجام دهد زیرا چه بسا بنده گناهی را مرتکب می شود و پروردگارش او را می بیند و می گوید: سوگند به عزت و بزرگی ام که دیگر هرگز تو را نمی بخشایم .

44 - باب تحریم کفران نعمه الله

44 - باب تحریم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند حدیث :

407 - عن سدیر قال : قال رجل ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل :
(فقالوا ربنا باعد بين اسفارنا و ظلموا انفسهم) الايه فقال : هولاء قوم كانت لهم
قرى متصله ينظر بعضها الى بعض و انهار جاربه و اموال ظاهره فكفروا نعم الله و
غيروا ما بانفسهم من عافيه الله فغير الله ما بهم من نعمه و (ان الله لا يغير ما بقوم
حتى يغيروا ما بانفسهم) فارسل الله عليهم سيل العرم فغرق قراهم و خرب
ديارهم و ذهب باموالهم و ابدلهم مكان جناتهم جنتين ذواتى اكل خبط و اثل و
شىء من سدر قليل ثم قال : (ذلک جزیناهم بما کفروا و هل نجازى الا الکفور).
ترجمه :

407 - سدیر گوید: مردی از امام صادق عليه السلام درباره این گفتار خدای
عزوجل پرسید که می فرماید: (پس گفتند: ای پروردگار ما، بین سفرهای ما
دوری بیفکن ، و بر خود ستم کردند و ما هم آنها را حکایت گردانیدیم و پراکنده
شان ساختیم) ⁽⁹³⁾ حضرت فرمود: آنها گروهی بودند که روستاهای متصل و به
هم پیوسته ای داشتند به گونه ای که ساکنان روستاهای مجاور را می دیدند و
دارای جویهای جاری و اموال آشکار بودند پس نعمتهای خداوند را ناسپاسی
کردند و سلامت و عافیتی را که خداوند به آنان داده بود دگرگون ساختند
خداوند نیز نعمتی را که به آنان بخشیده بود دگرگون ساخت (و خداوند وضعیت
قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنان خود را تغییر دهند) ⁽⁹⁴⁾ پس خداوند سیل
سختی را بر آنان فرستاد و روستاهایشان را به زیر آب برد و خانه هایشان را
ویران ساخت و اموالشان را از بین برد و به جای باغهایشان دو باغ که دارای
میوههای تلخ و درخت شورگز و مقدار کمی سدر بودند برای آنها بر جای

گذاشت سپس فرمود: (این جزایی که به آنان دادیم به سبب کفران آنان بود و آیا جز ناسپاس را جزا می دهیم؟) ⁽⁹⁵⁾

حدیث :

408 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : مکتوب فی التوراه اشکر من انعم علیک و انعم علی من شکرک فانه لا زوال للنعماء اذا شکرک و لا بقاء لها اذا کفرت ، الشکر زیاده فی النعم و امان من الغیر .

ترجمه :

408 - امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته شده است : شکر کسی را که به تو نعمت بخشیده است به جای آور و به کسی که از تو قدردانی می کند نعمت ببخش زیرا اگر سپاس نعمتها به جای آورده شود نعمتها زائل نمی شوند و اگر ناسپاسی شود نعمتی باقی نمی ماند. پس شکرگزاری مایه زیادت نعمت و باعث ایمنی از تغییر نعمت است .

45 - باب وجوب اجتناب الكبائر

45 - باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره حدیث :

409 - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعته یقول : (و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا) قال : معرفه الامام و اجتناب الكبائر التی اوجب الله علیها النار.

ترجمه :

409 - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره این آیه که می فرمود: (به هر کس حکمت داده شود خیر فراوان به او داده شده) ⁽⁹⁶⁾ فرمود: مراد از خیر فراوان معرفت و شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره ای است که خداوند آتش را بر ارتکاب آنها واجب ساخته است .

حدیث :

410 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریم) قال : الكبائر التی اوجب الله عزوجل علیها النار.

ترجمه :

410 - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (اگر خودداری کنید از کبیره هایی که از آنها نهی شده اید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم) ⁽⁹⁷⁾ فرمود: مراد از کبیره ها، گناهانی هستند که خدای عزوجل بر انجام آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است .

حدیث :

411 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ما من عبد الا و علیه اربعون جنه حتی يعمل اربعین کبیره فاذا عمل اربعین کبیره انکشف عنه الجنن .

ترجمه :

411 - امام صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه بر او چهل پرده (یا سپر) هست تا اینکه مرتکب چهل گناه کبیره شود که اگر چنین کند این پرده ها (یا سپرها) کنار می رود. (در این صورت گناه در نزد او زشتی ندارد و به قساوت قلب دچار می گردد).

حدیث :

412 - قال الصادق علیه السلام : من اجتنب الكبائر یغفرالله جمیع ذنوبه و ذلك قول الله عزوجل (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریمًا).

ترجمه :

412 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از گناهان کبیره دوری کند خداوند همه گناهانش را می بخشد و این معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم.)⁽⁹⁸⁾

حدیث :

413 - عن ابی الحسن علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم) قال : من اجتنب الكبائر ما اوعده الله علیه النار اذا کان مومنا کفر الله عنه سیئاته .

ترجمه :

413 - امام رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم) ⁽⁹⁹⁾ فرمود: کسی که از کبیره هایی که خداوند وعده آتش دوزخ بر آنها داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهان او چشم پوشی می کند.
حدیث :

414 - عن عباد بن کثیر النواء قال : سألت ابا جعفر علیه السلام عن الكبائر فقال : كل ما اوعده الله عليه النار.
ترجمه :

414 - عباد بن کثیر (که هسته خرما فروش بود) گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که کبائر کدام گناهان هستند؟ حضرت فرمود: هر گناهی که خداوند بر انجام آن وعده آتش دوزخ را داده است .
حدیث :

415 - عن ابي عبدالله علیه السلام في حديث قال : قد سمى الله المومنين بالعمل الصالح مومنين و لم يسم من ركب الكبائر و ما وعده الله عزوجل عليه النار مومنين في قرآن و لا اثر و لانسمهم بالايمان بعد ذلك الفعل .
ترجمه :

415 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند مومنین را به خاطر عمل شایسته آنان مومن نامیده است و کسانی را که گناهان کبیره و گناهانی که خداوند عزوجل وعده آتش بر آنها داده است را مرتکب می شوند را نه در قرآن و نه در هیچ اثری مومن نامیده است و ما هم آنان را پس از انجام چنین گناهانی مومن نمی نامیم .
حدیث :

416 - عن الرضا عليه السلام قال : من اقر بالتوحيد و نفى التشبيه الى ان قال و اقر بالرجعه باليقين و اجتنب الكبائر فهو مومن حقا و هو من شيعتنا اهل البيت .
ترجمه :

416 - امام رضا عليه السلام فرمود: کسی که به یگانگی خداوند و مثل و مانند نداشتن خداوند اقرار کند و اعتراف کند که به رجعت یقین دارد و از انجام کبائر خودداری کند چنین کسی مومن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت است .
حدیث :

417 - عن زراره قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : ارایت قول رسول الله صلى الله عليه وآله : لا يزني الزاني و هو مومن قال : ينزع منه روح الايمان .
ترجمه :

417 - زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : درباره گفتار رسول خدا صلى الله عليه وآله که فرمود: (شخص زناکار در حالی که مومن است زنا نمی کند) به من خبر ده حضرت فرمود: (زیرا وقتی که زنا می کند) روح ایمان از او جدا می شود.

46 - باب تعيين الكبائر التي يجب اجتنابها

46 - باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب

است حدیث :

418 - عن ابن محبوب قال كتب معي بعض اصحابنا الى ابي الحسن عليه السلام يساله عن البكائر كم هي و ما هي ؟ فكتب الكبائر من اجتنب ما وعد الله عليه النار كفر عنه سيئاته اذا كان مومنا و السبع الموجبات قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف .

ترجمه :

418 - ابن محبوب گوید: یکی از اصحاب ما همراه با من به امام رضا عليه السلام نوشتیم که: کبائر چند تاست و کدامند؟ حضرت در پاسخ نوشت: هر کس از گناهانی که خداوند بر آنها وعده آتش دوزخ را داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهانش چشم پوشی می کند و هفت گناهی که موجب آتش است عبارتند از:

کشتن نفسی که کشتنش حرام است و آزردن پدر و مادر و ربا خواری و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت نمودن (به دار الایمان) و نسبت زنا دادن و متهم کردن زن شوهر دار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث :

419 - عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی قال : حدثني ابو جعفر الثاني عليه السلام قال : سمعت ابي يقول : سمعت ابي موسى بن جعفر عليه السلام يقول : دخل عمرو بن عبید علی ابي عبدالله عليه السلام فلما سلم و جلس تلا هذه الايه (و الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش) ثم امسك فقال له ابو عبدالله عليه السلام : ما اسكتك ؟ قال :

احب ان اعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل فقال : نعم يا عمرو اكبر الكبائر الاشراك بالله يقول : الله من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة و بعده الاياس من روح الله لان الله عزوجل يقول (لايياس من روح الله الا القوم الكافرون) ثم الامن من مكر الله لان الله عزوجل يقول (فلا يامن مكر الله الا القوم الخاسرون) و منها عقوق الوالدين لان الله سبحانه جعل العاق جبارا شقيا و قتل النفس التى حرم الله الا بالحق لان الله عزوجل يقول : (فجزاوه جهنم خالدا فيها) الى آخر الايه و قذف المحصنه لان الله عزوجل يقول : (لعنوا فى الدنيا و الاخره و لهم عذاب عظيم) و اكل مال اليتيم لان الله عزوجل يقول : (انما ياكلون فى بطونهم نارا و سيصلون سعيرا) و الفرار من الزحف لان الله عزوجل يقول : (و من يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحيزا الى فئه فقد باء بغضب من الله و ماواه جهنم و بس المسير) و اكل الربا لان الله عزوجل يقول : (الذين ياكلون الربا لايقومون الا كما يقوم الذى يتخبطه الشيطان من المس) و السحر لان الله عزوجل يقول : (و لقد علموا لمن اشتراه ما له فى الاخره من خلاق) و الزنا لان الله عزوجل يقول : (و من يفعل ذلك يلق اثاما يضاعف له العذاب يوم القيامه و يخلد فيه مهانا) و اليمين الغموس الفاجره لان الله عزوجل يقول : (ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم ثمنا قليلا اولئك لاخلاق لهم فى الاخره) و الغلول لان الله عزوجل يقول : (و من يغلل يات بما غل يوم القيامه) و منع الزكاه المفروضه لان الله عزوجل يقول : (فتكوى بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم) و شهاده الزور و كتمان الشهاده لان الله عزوجل يقول : (و من يكتمها فانه آثم قلبه) و شرب الخمر لان الله عزوجل نهى عنها كما نهى عن عباده الاوثان و ترك الصلاه متعمدا او شيئا مما فرض الله عزوجل لان رسول الله ﷺ قال : من ترك الصلاه متعمدا افقد برى من ذمه الله و ذمه رسوله و نقض العهد و قطيعه الرحم لان الله عزوجل

يقول : (لهم اللعنه و لهم سوء الدار) قال : فخرج عمرو و له صراخ من بكائه و هو
يقول : هلک من قال برايہ و نازکم فی الفضل و العلم .

ترجمہ :

419 - جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیہ السلام روایت کند کہ فرمود: از پدرم امام رضا علیہ السلام شنیدم کہ می فرمود: از پدرم موسی بن جعفر علیہ السلام شنیدم کہ می فرمود: عمر بن عبید بر امام صادق علیہ السلام وارد شد پس چون سلام کرد و نشست این آیه را تلاوت کرد (و کسانی کہ از گناہان بزرگ و زشتی ہا خودداری می کنند) سپس خاموش شد. امام صادق علیہ السلام فرمود: چہ چیزی باعث شد کہ ساکت شوی و ادامہ ندهی ؟ عرض کرد: دوست دارم بدانم کہ مراد از کبائر در کتاب خدای عزوجل چیست ؟ حضرت فرمود: آری ای عمر! بزرگترین گناہان کبیرہ شرک و رزیدن بہ خداوند است ، خداوند می فرماید: ہر کس بہ خدا شرک بورزد خداوند بہشت را بر او حرام می گرداند. و بعد از شرک ، نومید شدن از رحمت خداست زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (از رحمت خداوند نومید نمی شوند مگر گروہ کافران) ⁽¹⁰⁰⁾ پس از آن ، ایمن بودن از مکر خدا است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (از مکر خداوند ایمن نمی گردند مگر گروہ زیانکاران) ⁽¹⁰¹⁾ و یکی دیگر از گناہان کبیرہ آزار رساندن بہ پدر و مادر است زیرا خداوند سبحان آزار دہندہ بہ پدر و مادر را ستمگر و تیرہ بخت گردانندہ است . و دیگری کشتن نفسی است کہ خداوند بہ ناحق کشتن او را حرام کردہ است ، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (جزای کسی کہ قتل نفس کند جہنم است و در جہنم جاویدان می ماند) ⁽¹⁰²⁾ و دیگری نسبت ناروا دادن بہ زن شوہردار، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (کسانی کہ نسبت ناروا بہ زنان شوہردار می دهند در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و عذاب بزرگی برای

آنان است) ⁽¹⁰³⁾ و دیگری خوردن مال یتیم زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (خوردگان مال یتیم در شکم‌هایشان آتش می خورند و به زودی به دوزخ در آیند) ⁽¹⁰⁴⁾ و دیگری فرار از جهاد زیرا خدای عزوجل می فرماید: (و هر که در آن روز به آنان پشت کند جز اینکه به کناری برای جنگیدن رفته باشد یا برای جا گرفتن در میان گروهی از بازگشتگاهی است) ⁽¹⁰⁵⁾ و دیگری رباخواری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (آنکه ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را از روی دیوانگی به بیراهه می برد) ⁽¹⁰⁶⁾ و دیگری جادوگری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (و به حقیقت دانستند که هر کس آن را خرید در آخرت هیچ بهره ای برای او نیست) ⁽¹⁰⁷⁾ و دیگری زنا است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (و کسی که مرتکب زنا شود عقوبت می شود و عذاب او در روز قیامت دو چندان می شود و با خواری در عذاب جاوید می ماند) ⁽¹⁰⁸⁾ و دیگری سوگند دروغ ناپکارانه است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (به درستی که آنان که بهای اندکی را در عوض پیمان الهی و سوگندهایشان می گیرند بهره ای برای آنان در آخرت نیست) ⁽¹⁰⁹⁾ و دیگری خیانت و ناراستی است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (و کسی که خیانت کند در روز قیامت با آنچه که خیانت کرده است می آید) ⁽¹¹⁰⁾ و دیگری خودداری کردن از پرداخت زکات واجب، زیرا خدای عزوجل می فرماید: - (پس پیشانی‌ها و پشت‌هایشان داغ کرده می شود) ⁽¹¹¹⁾ و دیگری شهادت دروغ و کتمان نمودن شهادت است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (و کسی که شهادت را کتمان کند قلبش گناهکار است) ⁽¹¹²⁾ و دیگری نوشیدن شراب است زیرا خدای عزوجل از آن نهی فرموده است همچنانکه از عبادت بتها نهی نموده است و دیگری ترک نمودن عمدی نماز یا یکی از چیزهایی که خداوند عزوجل واجب ساخته است

زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: (کسی که نماز را از روی عمد ترک کند از کفالت و حمایت خداوند و رسولش خارج شده است)، و دیگری پیمان شکنی و بریدن پیوند خویشاوندی است زیرا خدای عزوجل می فرماید: (برای چنین کسانی دوری از رحمت و سرای بدی خواهد بود) ⁽¹¹³⁾ امام موسی بن جعفر علیه السلام در اینجا فرمود: (وقتی سخن پدرم امام صادق علیه السلام به اینجا ختم شد) عمر بن عبید برخاست و بیرون رفت در حالی که از گریه اش بانگ و فریادی برپا بود و می گفت: هر کس به رای خود سخن گوید و با شما خاندان پیامبر در فضیلت و دانش به خصومت برخیزد هلاک خواهد شد.

حدیث:

420 - عن الاصبع بن نباته قال : جاء رجل الى امير المؤمنين عليه السلام فقال : يا امير المؤمنين ان ناسا زعموا ان العبد لا يزني و هو مومن و لا يسرق و هو مومن و لا يشرب الخمر و هو مومن و لا ياكل الربا و هو مومن و لا يسفك الدم الحرام و هو مومن فقال امير المؤمنين عليه السلام : صدقت سمعت رسول الله ﷺ يقول و الدليل كتاب الله و ذكر الحديث الى ان قال و قد تاتي عليه حالات فيهم بالخطيئه فتشجعه روح القوه و يزين له روح الشهوده و تقوده روح البدن حتى يواقع الخطيئه فاذا لامسها نقص من الايمان و تفصى منه فليس يعود فيه حتى يتوب فاذا تاب تاب الله عليه و ان عاد ادخله نار جهنم .

ترجمه:

420 - اصبع بن نباته گوید: مردی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! همانا برخی از مردم معتقدند که بنده در حالی که مومن باشد نه زنا می کند نه دزدی و نه شراب می نوشد و نه ربا می خورد و نه خوبی را به حرام می ریزد، پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست گفתי (زیرا) من همین

حدیث را از رسول خدا ﷺ شنیدم و دلیل بر درستی آن کتاب خداست ، و گاهی برای مومن حالاتی پیش می آید که در آن حالات قصد می کند که مرتکب گناه شود پس روح قوت و توانایی او را بر این کار جرات می بخشد و روح شهوت آن کار را برای او زینت داده و زیبا جلوه می دهد و روح بدن او را رهبری می کند تا آنکه به گناه تن در می دهد پس زمانی که با گناه تماس حاصل کرد از ایمانش کاسته می شود از ایمان رها می گردد و ایمانش باز نمی گردد مگر اینکه توبه کند که اگر توبه کرد خداوند توبه اش را می پذیرد و اگر به گناهکاری بازگشت خداوند او را به آتش دوزخ داخل می کند.

حدیث :

421 - عن عبید بن زرارہ قال : سالت ابا عبد اللہ علیه السلام عن الکبائر فقال : هن فی کتاب علی علیه السلام سبع الکفر باللہ و قتل النفس و عقوق الوالدین و الکی الربا بعد البینه و اکل مال الیتیم ظلما و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره قال : فقلت ، هذا اکبر المعاصی فقال : نعم قلت : فاکل الدرهم من مال الیتیم ظلما اکبر ام ترک الصلاه قال : ترک الصلاه قلت : فما عدت ترک الصلاه فی الکبائر قال : ای شیء اول ما قلت لک قلت : الکفر قال : فان تارک الصلاه کافر یعنی من غیر علہ .

ترجمه :

421 - عبید بن زرارہ گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم حضرت فرمود: گناهان کبیره چنانکه در کتاب علی علیه السلام آمده است هفت گناه است: کفر به خداوند و کشتن نفس (محترم) و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن ربا بعد از آشنایی و آگاهی از آن و مال یتیم را به ستم خوردن و فرار از جهاد و پس از هجرت به دارالایمان دوباره به حالت اعرابی بودن بازگشتن .

عبید بن زرارہ گوید: عرض کردم: آیا اینها بزرگترین گناہانند؟ حضرت فرمود: آری . عرض کردم: پس آیا یک درهم از مال یتیم را به ستم خوردن بزرگتر است یا ترک نمودن نماز؟ حضرت فرمود: ترک نمودن نماز. عرض کردم: پس چرا ترک نماز را در شمار گناہان کبیرہ نیاوردی؟ حضرت فرمود: اولین چیزی کہ از گناہان کبیرہ برای بر شمردم چه بود؟ عرض کردم: کفر. حضرت فرمود: بہ راستی کسی کہ بدون علت (موجهی) نماز خود را ترک کند کافر است .
حدیث :

422 - عن ابی عبد اللہ علیہ السلام فی القنوت فی الوتر الی ان قال و استغفر لذنبک العظیم ثم قال کل ذنب عظیم .
ترجمہ :

422 - امام صادق علیہ السلام بہ روای فرمود: در قنوت نماز شب (فلان دعا و فلان دعا را بخوان) تا آنجا کہ فرمود: و برای گناہ بزرگت از درگاہ خداوند طلب بخشایش کن . سپس فرمود: تمامی گناہان بزرگ اند.
حدیث :

423 - عن ابی عبد اللہ علیہ السلام قال : الکبائر سبع قتل المومن متعمدا و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و التعرف بعد الهجرة و اکل مال الیتیم ظلما و اکل الربا بعد البینه و کل ما اوجب الله علیه النار .
ترجمہ :

423 - امام صادق علیہ السلام فرمود: گناہان کبیرہ ہفت گناہ است : کشتن مومنی از روی عمد و نسبت ناروا دادن بہ زن شوہر دار و فرار از روی ستم و ربا خواری بعد از آشنایی و آگاهی و ہر گناہی کہ خداوند آتش دوزخ را بر (انجام دہندہ) آن واجب ساختہ است .

حدیث :

424 - عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان من الكبائر عقوق الوالدين و الیاس من روح الله و الامن من مكر الله .

ترجمه :

424 - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: همانا آزار رساندن به پدر و مادر و ناامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خداوند از گناهان کبیره است .

حدیث :

425 - و قد روی اكبر الكبائر الشرك بالله .

ترجمه :

425 - روایت شده است که بزرگترین گناهان کبیره شرک ورزیدن به خداوند است .

حدیث :

426 - عن حماد عن نعمان الرازی قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من زنی خرج ما الايمان و من شرب الخمر خرج من الايمان و من افطر يوما من شهر رمضان متعمدا خرج من الايمان .

ترجمه :

426 - حماد از نعمان رازی روایت کند که : از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که زنا کند از ایمان بیرون می رود و کسی که شراب بنوشد از ایمان بیرون می رود و کسی که از روی عمد یک روز ماه رمضان را روزه خواری کند از ایمان بیرون می رود.

حدیث :

427 - عن محمد بن عبده قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : لا يزني الزاني و هو مومن قال لا اذا كان على بطنها سلب الايمان فاذا قام رد اليه فاذا عاد سلب قلت فانه يربد ان يعود فقال ما اكثر من يربد ان يعود فلا يعود اليه ابدا.
ترجمه :

427 - محمد بن عبده گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا شخص زناکار در حالتی که ایمان داشته باشد مرتکب زنا نمی شود؟ فرمود: نه، چنین کسی در آن حالتی که بر روی شکم آن زن قرار می گیرد ایمانش سلب می شود و هنگامی که بر می خیزد دوباره ایمان به او باز می گردد و اگر دوباره به زنا پردازد ایمانش سلب می گردد. عرض کردم: کسی که زنا می کند قصد دارد این عمل را دوباره مرتکب گردد (چگونه ایمانی که از او سلب شده دوباره باز می گردد؟) فرمود: چه بسیار کسانی که می خواهند باز گردند ولی هرگز (به ارتکاب این عمل شنیع) باز نمی گردند.
حدیث :

428 - عن ابي عبدالله عليه السلام في قول الله عزوجل : (الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللمم) فقال : الفواحش الزنا و السرقة و اللمم الرجل يلم بالذنب فيستغفر الله منه .
ترجمه :

428 - امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (آنانکه از گناهان بزرگ و ناشایسته ها دوری می گیرند مگر گناه کوچک) ⁽¹¹⁴⁾ فرمود: مراد از ناشایسته ها زنا و دزدی است و مراد از گناه کوچک این است که کسی مرتکب گناهی می شود و در پی آن از خداوند به خاطر آن گناه طلب آمرزش می کند.

حدیث :

429 - عن داود قال : سألت ابا عبدالله عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا زنى الرجل فارقه روح الايمان قال : فقال : هو مثل قول الله عزوجل : (و لا تيمموا الخبيث منه تنفقون) ثم قال غير هذا ابين منه ذلك قول الله عزوجل : (و ايدهم بروح منه) هو الذى فارقه .

ترجمه :

429 - داود گوید: از امام صادق عليه السلام از گفتار رسول خدا صلى الله عليه وسلم پرسیدم که فرموده است : هرگاه مردی مرتکب زنا شود روح ایمان از او جدا می شود پس حضرت فرمود: این سخن پیامبر همانند گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: (و قصد مکنید (مال) پلید را که از آن انفاق کنید) ⁽¹¹⁵⁾ (زیرا همچنانکه مال پلید و طیب دارد روح هم با قصد و عمل پلید، پلید می شود و روح طیب که همان روح ایمان است مفارقت می کند) آنگاه می فرماید: کلامی دیگر از خداوند واضح تر از این است و آن ، این سخن خدای عزوجل است : (و ایشان را با روحی از جانب خود یاری داد) ⁽¹¹⁶⁾ این روح است که از شخص زانی جدا می شود.

حدیث :

430 - عن مسعده بن صدقه قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : الكبائر القنوط من رحمه الله و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و قتل النفس التى حرم الله و عقوق الوالدين و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الربا بعد البينه و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و الفرار بعد ازحف .

ترجمه :

430 - مسعده بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: گناهان کبیره عبارتند از: ناامیدی از رحمت خداوند و مایوس گشتن از مهربانی خدا و ایمنی از مکر الهی و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانیده و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم و ربا خواری بعد از آگاهی ، و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت ، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار نمودن از جهاد.

حدیث :

431 - عن ابی بکیر قال قلت لابی جعفر عليه السلام فی قول رسول الله اذا زنی الرجل فارقه روح الايمان قال هو قوله و ایدهم بروح منه ذاک الذی یفارقه .

ترجمه :

431 - ابن بکیر گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: هرگاه مردی زنا کند روح ایمان از او جدا می شود، چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله (اشاره کننده به) گفتار خداوند است که می فرماید: (و آنان را با روحی از خود قوت بخشید) ⁽¹¹⁷⁾ که این روح همان روحی است که از آنان جدایی نموده بود.

حدیث :

432 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : یسلب منه روح الايمان مادام علی بطنها فاذا نزل عاد الايمان . قال : ارایت ان هم قال : لا ارایت ان هم ان یسرق اتقطع یده ؟

ترجمه :

432 - امام صادق عليه السلام فرمود: روح ایمان از شخص زناکار تا وقتی که در حال زناست گرفته می شود پس هنگامی که از عمل زشت خود فارغ شد (و پشیمان گشت) ایمان باز می گردد. راوی گوید: عرض کردم: اگر کسی قصد زنا کند آیا باز هم ایمانش گرفته می شود؟ حضرت فرمود: خیر، آیا اگر کسی قصد دزدی کند دستش قطع می شود؟

حدیث :

433 - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله عليه السلام قال سمعته یقول الكبائر سبعه منها قتل النفس متعمدا و الشرك بالله العظیم و قذف المحصنه و اكل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره و عقوق الوالدين و اكل مال الیتیم ظلما قال و التعرب و الشرك واحد.

ترجمه :

433 - ابی بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: گناهان کبیره هفت تاست: کشتن کسی از روی عمد و شرک و ورزیدن به خدای بزرگ و نسبت ناروا به زن شوهردار و رباخواری بعد از آگاهی و فرار از جهاد و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم. سپس فرمود: تعرب (بازگشتن به حالت اعرابی) و شرک در یک درجه اند.

حدیث :

434 - قال ابو عبدالله عليه السلام : و الذی اذا دعاه ابوه لعن اباه و الذی اذا اجابه ابنه یضربه .

ترجمه :

434 - امام صادق عليه السلام فرمود: و (دو کس نیز گناهانشان کبیره است ، یکی کسی که وقتی پدرش او را می خواند پدر خود را لعنت می فرستد و دیگری کسی که با اینکه پسرش (خواسته) او را اجابت می کند ولی او پسرش را کتک می زند.

حدیث :

435 - عن محمد بن حکیم قال قلت لابی الحسن موسی عليه السلام الکبائر تخرج من الايمان ؟ فقال : نعم و ما دون الکبائر قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : لا یزنی الزانی و هو مومن و لا یسرق السارق و هو مومن .

ترجمه :

435 - محمد بن حکیم گوید: به امام موسی کاظم عليه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره آدمی را از ایمان بیرون می برد؟ حضرت فرمود: آری ، گناهان پایین تر از کبیره هم (ایمان را از دل بیرون می برند) رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: آن کسی که در معرض زنا کردن است در حالی که مومن باشد زنا نمی کند و آن کس که مشرف به دزدی کردن است در حالی که مومن باشد دزدی نمی کند.

حدیث :

436 - عن عبید بن زرارہ فی حدیث ان ابا جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم لا یزنی الزانی و هو مومن و لا یسرق السارق و هو مومن .

ترجمه :

436 - عبید بن زرارہ در حدیثی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرموده است : مومن تا مومن است زنا نمی کند و مومن تا زمانی که مومن است دزدی نمی کند.

حدیث :

437 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اکبر الكبائر سبع الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل اموال الیتامی و عقوق الوالدين و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و انکار ما انزل الله عزوجل .
ترجمه :

437 - امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگترین گناهان بزرگ هفت گناهند: شرک آوردن به خدای بزرگ و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده مگر به سببی حق و خوردن اموال یتیم و آزار رساندن به پدر و مادر و نسبت ناروا دادن به زنان شوهر دار و گریختن از جهاد و انکار نمودن آنچه که خداوند عزوجل فرو فرستاده است .
حدیث :

438 - علی بن جعفر فی کتابه عن اخیه موسی به جعفر علیه السلام قال : سألته عن الكبائر التي قال الله عزوجل : (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه) قال : التي اوجب الله عليها النار .
ترجمه :

438 - علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که : از ایشان در مورد کبائر که در گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (اگر از کبائری که از آنها نهی شده اید خودداری کنید) آمده است پرسیدم که آن کبائر کدامند؟ حضرت فرمود: مراد از کبائر آن گناهانی است که خداوند بر ارتکاب آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است .
حدیث :

439 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الكبائر سبع فینا انزلت و منا استحلحت فاولها الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله و اكل مال الیتیم و عقوق الوالدين و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و انكار حقنا.
ترجمه :

439 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گناه کبیره هفت گناهند که درباره ما نازل شده اند (ولی متاسفانه) همه آن گناهان را نسبت به خود ما روا داشته اند اولین آنها شرک آوردن به خدای بزرگ است و دیگری کشتن کسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده و دیگری خوردن مال یتیم و دیگری رنجاندن پدر و مادر و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و دیگری گریختن از میدان جنگ و دیگری انکار نمودن حق ما است .⁽¹¹⁸⁾
حدیث :

440 - و روی ان الحیف فی الوصیه من الكبائر.
ترجمه :

440 - و روایت شده است که : همانا ستم نمودن و بی عدالتی در وصیت از گناهان کبیره است .
حدیث :

441 - عن عباد بن کثیر النواء قال سالت ابا جعفر علیه السلام عن الكبائر فقال کل ما اوعد الله علیه النار.
ترجمه :

441 - عباد بن کثیر هسته خرما فروش گوید: از امام باقر علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم ، حضرت فرمود: تمامی گناهانی که خداوند بر ارتکاب آنها وعده آتش دوزخ را داده است گناهان کبیره اند.

حدیث :

442 - و باسناده عن ابی خدیجه سالم بن مکرم الجمال عن ابی عبدالله علیه السلام قال الکذب علی الله و علی رسوله و علی اوصیاء علیهم السلام من الکبائر.

ترجمه :

442 - ابی خدیجه سالم بن مکرم شتریان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که : دروغ بستن بر خداوند و رسول و جانشینان رسول از گناهان کبیره است .

حدیث :

443 - و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من قال علی ما لم اقل فلیتبوا مقعده من النار.

ترجمه :

443 - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس چیزی را که من نگفته ام به من نسبت دهد پس باید نشیمنگاهی از آتش را جایگاه و اقامتگاه خود سازد.

حدیث :

444 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام الکبائر خمسہ الشرك و عقوق الوالدین و اکل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرب بعد الهجره .

ترجمه :

444 - امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که : گناهان کبیره پنج گناهند: شرک و آزار رساندن به پدر و مادر و رباخواری پس از آگاهی و گریختن از جهاد و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت نمودن .

حدیث :

445 - عن عبید بن زرارہ قال : قلت لابی عبد اللہ علیہ السلام : اخبرنی عن الكبائر فقال : هن خمس و هن مما اوجب الله عليهن النار قال الله تعالى : (ان الله لا يغفر ان يشرك به) و قال : (ان الذين ياكلون اموال اليتامى ظلما انما ياكلون في بطونهم ناوا و سيصلون سعيرا) و قال : (يا ايها الذين آمنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهم الادبار) الى آخر الايه و قال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا) الى آخر الايه و رمى المحصنات الغافلات المومنات و قتل مومن متعمدا على دينه .

ترجمه :

445 - عبید بن زرارہ گوید: به امام صادق علیہ السلام عرض کردم که : مرا نسبت به گناهان کبیره آگاه ساز. حضرت فرمود: گناهان کبیره پنج گناهند و آنها گناهانی هستند که خداوند بر آنها آتش دوزخ را واجب گردانده و می فرماید: (همانا خداوند شرک آوردن به خود را نمی بخشاید) ⁽¹¹⁹⁾ و می فرماید: (آنان که اموال یتیمان را ظالمانه می خورند به راستی که در شکمهایشان آتش می خوروند و به زودی به دوزخ در آیند) ⁽¹²⁰⁾ و می فرماید: (ای ایمان آورندگان هرگاه در میدان جنگ با کافران روبرو شدید به آنان پشت نکنید) ⁽¹²¹⁾ تا آخر آیه . و فرمود: (ای ایمان آورندگان از خدا بترسید و آنچه را که از ربا باقی مانده رها کنید) ⁽¹²²⁾ تا آخر آیه . و متهم ساختن زنان شوهردار ساده دل با ایمان و کشتن مومنی از روی عمد به خاطر دینداری اش .

حدیث :

446 - و عن الصادق علیہ السلام قال : عقوب الوالدین من الكبائر لان الله جعل العاق عصيا شقيا.
ترجمه :

446 - امام صادق علیه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند آزار رساننده به پدر و مادر را نافرمان و تیره روز گردانده است .
حدیث :

447 - و قال علیه السلام : و قتل النفس من الكبائر لان الله يقول : (و من يقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فيها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذابا عظیما).
ترجمه :

447 - امام صادق علیه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید: (و کسی که مومنی را عمدا به قتل برساند کیفرش دوزخ است که در آن برای همیشه می ماند و خداوند بر او خشم گرفته و او را از رحمتش دور گردانده و برای وی عذابی بزرگ و آماده ساخته است.) (123)
حدیث :

448 - و قال علیه السلام : و قذف المحصنات من الكبائر لان الله يقول : (لعنوا فی الدنيا و الاخره و لهم عذاب عظیم .)
ترجمه :

448 - امام صادق علیه السلام فرمود: نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید: (چنین کسانی در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و کیفری بزرگ برای آنان می باشد) (124)
حدیث :

449 - عن احمد بن عمر الحلبي قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم) قال : من اجتنب ما اوعده الله عليه النار اذا كان مومنا كفر عنه سيئاته و ادخله مدخلا كريما و

الكبائر السبع الموجبات : قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعرب بعد الهجره و قذف المحصنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف .
ترجمه :

449 - احمد بن عمر حلبى گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداى عزوجل پرسیدم که می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی شده اید دوری کنید از دیگر گناهانتان چشم پوشی می کنیم) ⁽¹²⁵⁾ حضرت فرمود: کسی که از گناهانی که خداوند بر انجام آنها وعده آتش داده است دوری کند اگر مومن باشد از دیگر گناهانش چشم پوشی می کند و او را به منزلگاهی گرامی وارد می سازد و گناهان کبیره هفتگانه که موجب آتش دوزخ اند عبارتند از: کشتن نفسی که احترام دارد و آزدن پدر و مادر و خوردن ربا و بازگشتن به حالت اعرابی بودن پس از هجرت کرده است و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث :

450 - عن الرضا عليه السلام فى كتابه الى المامون قال : الايمان هو اداء الامانه و اجتناب جميع الكبائر و هو معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالاركان - الى ان قال - و اجتناب الكبائر و هى قتل النفس التى حرم الله تعالى و الزنا و السرقة و شرب الخمر و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الميتة و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضروره و اكل الربا بعد البينه و السحت و الميسر و هو القمار و البخس فى المكيال و الميزان و قذف المحصنات و الزنا و اللواط و اليباس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و معونه الظالمين و الركون اليهم و اليمين الغموس و حبس الحقوق

من غیر عسر و الکذب و الکبر و الاسراف و التبذیر و الخیانه و الاستخفاف
بالحج و المحاربه لاولیاء الله و الاشتغال بالملاهی و الاصرار علی الذنوب .

ترجمه :

450 - امام رضا علیه السلام در نامه ای به مامون چنین نوشت : ایمان همان
امانتداری و دوری از همه گناهان بزرگ است و ایمان همان شناخت قلبی و
اقرار و اعتراف زبانی و عمل نمودن به وسیله اعضا است تا آنجا که فرمود: و
دوری از گناهان کبیره ، و آنها عبارتند از: قتل نفسی که کشتن او را خداوند
حرام ساخته است و زنا نمودن و دزدی کردن و نوشیدن شراب و آزدن پدر و
مادر و گریختن از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و خوردن گوشت
مردار و خون و گوشت خوک و هر ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده
است در صورتی که ضرورتی نباشد، و خوردن ربا بعد از آگاهی (از ربوی بودن
معامله) و خوردن حرام و قمار بازی و کاستن و کم گذاردن در پیمانہ و وزن و
نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار و زنا و لواط و ناامیدی از رحمت خداوند و
ایمنی از مکر خدا و دلسردی از رحمت الهی و یاری رساندن به ستمکاران و
تکیه و اعتماد بر آنان ، و سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون اینکه
سختی و ضرورتی موجب آن شده باشد، و دروغگویی و تکبر و خودبزرگ بینی
، و اسراف و ولخرجی ، و خیانت و ناراستی ، و سبک شمردن حج ، و ستیزه
کردن با دوستان خدا، و مشغول بودن به خوشگذرانی های بیهوده ، و اصرار و
پافشاری نمودن بر انجام گناهان .

حدیث :

451 - قال رسول الله ﷺ : اجتنبوا السبع الموبقات قيل : و ما هن ؟ قال :
الشرك بالله و السحر و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل الربا و اكل مال
اليتيم و التولى يوم الزحف و قذف المحصنات الغافلات المومنات .
ترجمه :

451 - رسول خدا ﷺ فرمود: از هفت چیز هلاک آور دوری کنید، به
ایشان عرض شد: آن هفت چیز کدامند؟ حضرت فرمود: شرک ورزیدن به
خداوند، و جادوگری ، و کشتن کسی که خداوند کشتن او را جز در صورتی که
حق او باشد حرام گردانیده ، و ربا خواری ، و خوردن مال یتیم ، و پشت نمودن
به دشمن در روز جهاد، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار ساده دل با ایمان .
حدیث :

452 - عن محمد بن مسلم عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قلت له : ما لنا نشهد
على ما خالفنا بالكفر و ما لنا لانشهد لانفسنا و لاصحابنا انهم فى الجنة ؟ فقال :
من ضعفكم ان لم يكن فيكم شىء من الكبائر فاشهدوا انكم فى الجنة قلت : فای
شىء الكبائر؟ قال : اكبر الكبائر الشرك بالله و عقوق الوالدين و التعرب بعد
الهجره و قذف المحصنه و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و الربا بعد
البينه و قتل المومن فقلت له : الزنا و السرقة فقال : ليسا من ذلك .
ترجمه :

452 - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : چه شده
است ما را که گواهی به کافر بودن مخالفین خود می دهیم ولی چرا خود و یاران
مان گواهی به بهشتی بودن نمی دهیم ؟ حضرت فرمود: این به خاطر ضعف و
ناتوانی شماست ، اگر در شما هیچیک از گناهان کبیره نبود پس گواه باشید که
شما در بهشت هستید، عرض کردم : گناهان کبیره چه چیزهایی هستند؟ فرمود:

بزرگترین آنها شرک ورزیدن به خداوند و آزدن پدر و مادر و پس روی نمودن به حالت اعرابی پس از هجرت و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و رباخواری بعد از آگاهی و کشتن مومن . پس عرض کردم : آیا زنا نمودن و دزدی کردن هم از گناهان کبیره است ؟ حضرت فرمود: نه این دو از گناهان کبیره شمرده نمی شوند.

حدیث :

453 - عن جعفر بن محمد عليه السلام في حديث شرائع الدين قال : و الكبائر محرمة و هي الشرك بالله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الربا بعد البينه و قذف المحصنات و بعد ذلك الزنا و اللواط و السرقة و اكل الميتة و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضروره و اكل السحت و البخس في الميزان و المكيال و الميسر و شهادة الزور و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و ترك معاونه المظلومين و الركون الى الظالمين و اليمين الغموس و حبس الحقوق من غير عسر و استعمال التكبر و التجبر و الكذب و الاسراف و التبذير و الخيانه و الاستخفاف بالحج و المحاربه الاولياء الله و الملاهى التي تصد عن ذكر الله عزوجل مكروهه كالغناء و ضرب الاوتار و الاصرار على صغائر الذنوب .

ترجمه :

453 - امام صادق عليه السلام در حدیث قوانین و دستورات دین فرمود: (ارتکاب (گناهان کبیره حرام است و آنها عبارتند از: شرک آوردن به خداوند، و کشتن نفسی که خداوند آن را حرام ساخته ، و آزدن پدر و مادر، و گریختن از جهاد، و خوردن مال یتیم از روی ستم ، و ربا خواری بعد از آگاهی ، و نسبت ناروا به زنان شوهردار، و پس از اینها زنا و لواط و دزدی و خوردن گوشت مردار و

خون و گوشت خوک و گوشت هر ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده بدون هیچگونه ضرورتی ، و خوردن حرام و کم گذاردن در وزن و پیمانہ و قمار بازی و شہادت ساختگی و دروغ و مایوس شدن از رحمت خداوند و ایمنی از مکر الهی و ناامیدی از رحمت خدا و ترک یاری ستمدیدگان و تکیہ و اعتماد بر ستمگران و سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون در سختی و فشار بودن ، و تکبر ورزیدن و خود بزرگ بینی و دروغ گویی و اسراف و ولخرجی و خیانت و سبک شمردن حج و ستیزہ کردن با دوستان خدا و خوشگذرانی هایی کہ آدمی را از یاد خدای عزوجل باز می دارد و ناپسندی آنها آشکار است همانند: عنا و نواختن تارها، و اصرار و پافشاری بر گناہان کوچک .

حدیث :

454 - و قال عليه السلام : الكبائر تسع اعظمهن الاشراک بالله عزوجل و قتل النفس المومنه و اکل الربا و اکل مال الیتیم و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و عقوق الوالدين و استحلال البيت الحرام و السحر فمن لقی الله عزوجل و هو بری منهن کان معی فی جنه مصاریعها الذهب .

ترجمہ :

454 - امام صادق عليه السلام فرمود: گناہان کبیرہ نہ گناہند کہ بزرگترین آنها شرک ورزیدن بہ خدای عزوجل ، و (پس از آن) کشتن نفس مومن و رباخواری و خوردن مال یتیم و نسبت ناروا دادن بہ زن شوهر دار و گریختن از جنگ و جہاد و آزدن پدر و مادر و حلال ساختن بیت الله الحرام (یعنی رعایت نکردن احترام خانہ خدا) و جادوگری پس ہر کسی کہ خداوند عزوجل را دیدار کند در حالی کہ از این گناہان پاک باشد ہمراہ با من در بہشتی خواهد بود کہ لنگہ های در آن طلاست . 47 - باب صحہ التوبہ من الكبائر

47 - باب صحیح بودن توبه از گناهان کبیره حدیث :

455 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : (ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء) الكبائر فما سواها قال : قلت دخلت الكبائر فی الاستثناء قال : نعم .

ترجمه :

455 - امام صادق علیه السلام این آیه را قرائت فرمود: (به راستی که خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی بخشد ولی غیر از شرک را برای هر کسی که بخواهد می بخشد) ⁽¹²⁶⁾ سپس فرمود: چه گناه کبیره باشد و چه صغیره . روای گوید: عرض کردم : اینکه در آیه آمده است که غیر شرک را می بخشد آیا شامل گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری .

حدیث :

456 - عن اسحاق بن عمار قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : الكبائر فیها استثناء ان تغفر لمن یشاء؟ قال : نعم .

ترجمه :

456 - اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره هم در این آیه از شرک استثنا شده اند؟ حضرت فرمود: آری .

حدیث :

457 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مومن یقارف فی یومه و لیلته اربعین کبیره فیقول و هو نادم استغفر الله الذی لا اله الا الله هو الحی القيوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یصلی علی محمد و آله و ان یتوب علی الا غفرها الله له و لآخر فیمن یقارف فی یومه اکثر من اربعین کبیره .

ترجمه :

457 - امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست که در شبانه روز (حتی اگر) مرتکب چهل گناه کبیره شود و با حالت پشیمانی جمله استغفار زیر را بگوید جز اینکه خداوند گناهانش را می بخشد و آن استغفار این است : (استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یصلی علی محمد و آله و ان یتوب علی) سپس فرمود: کسی که در روز مرتکب بیش از چهل گناه کبیره شود در وجودش خیری نیست .

حدیث :

458 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : انما شفاعتی لاهل الكبائر من امتی .

ترجمه :

458 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: همانا شفاعت من برای کسانی از امتم می باشد که مرتکب گناه کبیره شده اند.

حدیث :

459 - و قال الصادق عليه السلام : شفاعتنا لاهل الكبائر من شیعتنا فاما التائبون فان الله یقول : (ما علی المحسنین من سبیل).

ترجمه :

459 - امام صادق عليه السلام فرمود: شفاعت ما برای شیعیانی است که اهل انجام گناهان کبیره اند ولی آنان که توبه کرده اند خداوند درباره آنان می فرماید: (بر علیه نیکوکاران هیچ راهی نیست) ⁽¹²⁷⁾

حدیث :

460 - و قال امیرالمؤمنین عليه السلام : لا شفیع انجح من التوبه .

ترجمه :

460 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ شفاعت کننده ای پیرومندتر از توبه

نیست .

حدیث :

461 - و سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل : (ان الله لا يغفر ان يشرك

به و يغفر ما دون ذلك يشاء) دخلت الكبائر في مشيه الله قال نعم ان شاء عذب

عليها و ان شاء عفا.

ترجمه :

461 - از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می فرماید: (به راستی که

خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی بخشاید ولی غیر از شرک را برای هر که

بخوهد می بخشد) ⁽¹²⁸⁾ پرسیده شد که آیا اینکه فرموده است : (برای هر که

بخوهد) شامل انجام دهندگان گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری .

اگر خدا بخوهد آنان را عذاب می کند و اگر بخوهد می بخشد.

حدیث :

462 - عن ابي عبدالله علیه السلام في قول الله عزوجل : (و من يقتل مومنا متعمدا

فجزاوه جهنم خالدا فيها) قال : جزاوه جهنم ان جزاه .

ترجمه :

462 - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (کسی

که مومنی را از روی عمد به قتل برساند جزایش برای همیشه دوزخ است) ⁽¹²⁹⁾

فرمود: جزای چنین کسی دوزخ است اگر خداوند او را مجازات کند.

حدیث :

463 - و عن ابي جعفر علیه السلام في حديث الاسلام و الايمان قال : و الايمان

من شهد ان لا اله الا الله - الى ان قال : - و لم يلق الله بذنب اوعده عليه بالنار

قال ابو بصير: جعلت فداك و اينا لم يلق الله اليه بذنب اوعده الله عليه النار فقال :
ليس هو حيث تذهب ، انما هو من لم يلق الله بذنب اوعده الله عليه بالنار و لم
يتب منه .

ترجمه :

463 - امام باقر عليه السلام در حديث اسلام و ايمان مي فرمود: و ايمان کسی
دارد که شهادت به وحدانيت خداوند دهد و خداوند را با گناهی که خدا وعده
آتش بر آن داده است دیدار نکند. ابوبصير عرض کرد: فدایت شوم کدامیک از
ما خداوند را با چنین گناهی دیدار نمی کند؟ حضرت فرمود: اینگونه نیست که
تو فکر می کنی بلکه مراد من این است که خداوند را با گناهی که او وعده آتش
بر آن داده است دیدار نکند در حالی که از آن گناه توبه نکرده باشد.

حديث :

464 - عن سهل بن اليسع قال سمع الرضا عليه السلام بعض اصحابه يقول : لعن الله
من حارب عليا عليه السلام فقال له : قل الا من تاب و اصلح ثم قال : ذنب من تخلف
عنه و لم يتب اعظم من ذنب من قاتله ثم تاب .

ترجمه :

464 - سهل بن يسع گوید: امام رضا عليه السلام شنید که یکی از یارانش می
گوید: خداوند لعنت کند کسی را که با علی عليه السلام جنگید. حضرت به او فرمود:
بگو: بجز کسی که توبه نمود و خود را نیکو کرد. سپس فرمود: گناه کسی که به
علی عليه السلام پشت نمود و توبه نکرد از گناه کسی که با او جنگید و سپس توبه کرد
بزرگتر است

حديث :

465 - عن محمد بن ابی عمیر قال : سمعت موسی بن جعفر علیه السلام يقول : من اجتنب الكبائر من المومنین لم یسال عن الصغائر قال الله تعالی : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم و ندخلکم مدخلا کریمًا) قال : قلت : فالشفاعة لمن تجب ؟ فقال حدثنی ابی عن آباءه عن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : انما شفاعتی لاهل الكبائر من امتی فاما المحسنون فما علیهم من سبیل قال ابن ابی عمیر : فقلت له : یا ابن رسول الله فكیف تكون الشفاعة لاهل الكبائر و الله تعالی يقول : (و لا یشفعون الا لمن ارتضى) و من یرتكب الكبائر لا یكون مرتضى فقال : یا ابا احمد ما من مومن یذنب ذنبا الا ساءه ذلك و ندم علیه و قد قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : كفی بالندم توبه و قال : من شرته حسنته و ساءته سیئته فهو مومن فمن لم یندم علی ذنب یرتكبه فلیس بمومن و لم تجب له الشفاعة - الی ان قال - قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : لا کبیر مع الاستغفار و لا صغیر مع الاصرار .

ترجمه :

465 - محمد بن ابی عمیر گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس از مومنین از گناهان کبیره دوری کند در مورد گناهان صغیره از او بازخواست نمی شود خداوند تعالی می فرماید: (اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی ارجمند وارد می سازیم) ⁽¹³⁰⁾ راوی گوید: عرض کردم پس شفاعت برای چه کسانی است ؟ حضرت فرمود: پدرم از پدران بزرگوارش و آنان از علی علیه السلام ، روایت نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به راستی که شفاعت من شامل کسانی از امتم می گردد که اهل ارتکاب گناهان کبیره بوده اند اما نیکوکاران که چیزی بر علیه آنان نیست . ابن ابی عمیر گوید: عرض کردم : ای فرزند رسول

خدا چگونه شفاعت اهل کبائر می گردد و حال اینکه خدای تعالی می فرماید: (و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که برگزیده و مورد رضایت است) (131) و کسی که مرتکب گناهان کبیره می گردد برگزیده نیست . حضرت فرمود: ای ابا احمد! هیچ مومنی نیست که گناهی انجام دهد جز اینکه آن گناه او را ناراحت می سازد و بر گناه خویش پشیمان می گردد و رسول خدا ﷺ فرموده است که : برای توبه کردن پشیمانی کافی است و فرمود: کسی که نیکی اش او را شادمان سازد و بدی اش وی را بد حال گرداند چنین کسی مومن است پس کسی که بر گناهی که انجام می دهد پشیمان نشود مومن نمی باشد و شفاعت نمودن او لازم نیست تا آنجا که فرمود: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: با وجود استغفار گناه کبیره ای باقی نمی ماند و در صورت اصرار و پافشاری صغیره ای نخواهد بود (زیرا اصرار بر گناه صغیره خود گناه کبیره است).

حدیث :

466 - عن ابراهیم بن العباس قال : كنت فی مجلس الرضا عليه السلام فتذاكرنا الكبائر و قول المعتزله فيها انها لا تغفر فقال الرضا عليه السلام : قال ابو عبدالله : قد نزل القرآن بخلاف قول المعتزله قال الله عزوجل : (و ان ربك لذو مغفره للناس على ظلمهم).

ترجمه :

466 - ابراهیم بن عباس گوید: در مجلس امام رضا عليه السلام بودم و با یکدیگر درباره گناهان کبیره و نظر معتزله که گناهان کبیره بخشیده نمی شوند گفتگو می کردیم پس امام رضا عليه السلام فرمود: امام صادق عليه السلام فرموده است که : قرآن بر خلاف نظر معتزله نازل شده است زیرا خداوند عزوجل فرموده است : (و همانا

پروردگارت دارای مغفرت است و مردمان را بر ظلم و ستمشان می بخشاید

(132)

حدیث :

467 - عن جندب الغفاری ان رسول الله ﷺ قال : ان رجلا قال يوما: و الله لا يغفر الله لفلان فقال الله عزوجل : من ذا الذي تالی علی ان لا اغفر لفلان ؟ فانی قد غفرت لفلان و احببت عمل الثانی بقوله لا يغفر الله لفلان .

ترجمه :

467 - جندب غفاری گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: به راستی که روزی مردی گفت : سوگند به خدا که فلانی را خداوند نمی بخشاید پس خداوند عزوجل فرمود: این کیست که بر من سوگند می خورد که فلانی را نمی بخشم ؟ من فلانی را بخشیدم و به خاطر سخن این شخص عملش را باطل و ناچیز نمودم .

حدیث :

468 - عن ابی عبدالله عليه السلام فی قوله تعالى : (و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء) دخلت الكبائر فی الاستثناء؟ قال عليه السلام : نعم .

ترجمه :

468 - از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: (خداوند غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشاید) ⁽¹³³⁾ پرسیده شد که آیا گناهان کبیره هم در این استثنا داخل هستند؟ (یعنی خداوند آنها را نیز می بخشد؟) حضرت فرمود: آری . 48 - باب تحريم الاصرار على الذنب و وجوب المبادرة بالتوبة و الاستغفار

48 - باب تحریم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن

به توبه و استغفار

حدیث :

469 - عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : لا والله لا یقبل الله شیئا من طاعته علی الاصرار علی شیء من معاصیه .

ترجمه :

469 - ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: نه سوگند به خداوند که خدا در صورت اصرار و پافشاری (بنده اش) بر انجام معصیتی از معاصی هیچ طاعتی از طاعات وی را نمی پذیرد.

حدیث :

470 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله من علامات الشقاء جمود العین و قسوه القلب و شده الحرص فی طلب الدنیا و الاصرار علی الذنب .

ترجمه :

470 - از امام صادق علیه السلام روایت است که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نشانه های شقاوت و تیره روزی عبارت است از: خشک شدن چشم از اشک (و نگرستن) و سنگدلی و زیادی حرص در طلب دنیا و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند.

حدیث :

471 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لاصغیره مع الاصرار و لا کبیره مع الاستغفار .

ترجمه :

471 - امام صادق عليه السلام فرمود: با وجود اصرار و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند.

حدیث :

472 - عن ابی جعفر عليه السلام فی قول الله عزوجل : (و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون) قال : الاصرار ان یدنب الذنب فلا یستغفر الله و لایحدث نفسه بالتوبه فذلک الاصرار.

ترجمه :

472 - امام باقر عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (و اصرار نکردند بر آنچه انجام می دادند و آنان می دانند) ⁽¹³⁴⁾ فرمود: اصرار نمودن بر گناه این است که مرتکب گناهی شود و پس از آن نه استغفار کند و نه با خود درباره توبه کردن سخن گوید چنین کاری اصرار است .

حدیث :

473 - عن جعفر بن محمد عن ابیه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من اذنب ذنبا و هو ضاحک دخل النار و هو باک .

ترجمه :

473 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که : کسی که مرتکب گناهی شود در حالی که خنده بر لب دارد در قیامت با چشم گریان داخل آتش می شود.

49 - باب جمله مما ینبغی تزکة من الخصال المحرمه و المکروهه

49 - باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است

ترک شوند

حدیث :

474 - قال ابو عبدالله عليه السلام اصول الكفر ثلاثه الحرص و الاستكبار و الحسد.

ترجمه :

474 - امام صادق عليه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و

خودبزرگ بینی و حسد و ورزیدن .

حدیث :

475 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : ارکان الکفر اربعه الرغبه

و الرهبه و السخط و الغضب .

ترجمه :

475 - امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : پایه های کفر

چهار چیز است : میل و خواهش ، ترس و بیم ، و ناخشنودی و خشم .

حدیث :

476 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان اول ما عصی الله

به سته حب الدنيا و حب الرئاسة و حب الطعام و حب النوم و حب الراحة و

حب النساء .

ترجمه :

476 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : همانا اولین

چیزهایی که بوسیله آنها نافرمانی خداوند صورت گرفته است شش چیز است :

دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی خوراک و دوستی خواب و دوستی

آرامش و دوستی زنان .

حدیث :

477 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاث من کن فیہ کان منافقا و ان صام و صلی و زعم انه مسلم من اذا اوتمن خان و اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف ان الله عزوجل قال فی کتابه (و ان الله لایحب الخائنین) و قال (ان لعنت الله علیه ان کان من الکاذبین) و فی قوله (و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا).

ترجمه :

477 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : سه چیز است که اگر در کسی باشد آن کس منافق است اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند و به مسلمان بودن خود معتقد باشد: کسی که هنگامی که او را امین شمرند خیانت کند و هنگامی که سخن گوید دروغ گوید و هنگامی که وعده دهد خلف وعده کند. به راستی که خداوند عزوجل در کتابش فرموده است : (همانا که خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد) ⁽¹³⁵⁾ و فرمود: (لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد) ⁽¹³⁶⁾ و فرمود: (و در کتاب ، اسماعیل را یادآور که او وعده اش راست بود و فرستاده و پیامبر بود) ⁽¹³⁷⁾

حدیث :

478 - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الا خبرکم بشرار رجالکم قلنا: بلی یا رسول الله قال : شرار رجالکم البهات الجری ء الفحاش الاکل وحده و المانع رفته و الضارب عبده و الملجی عیاله الی غیره .

ترجمه :

478 - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا شما را نسبت به بدترین مردانتان آگاه سازم ؟ گفتیم : آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بدترین مردان شما کسی

است که دروغ باف ، گستاخ و بسیار هرزه گو باشد، به تنهایی بخورد و یاری اش را (از مردمان) باز دارد و گماشته زیر دستش را کتک بزند و خانواده اش را به دیگری پناهنده سازد.

حدیث :

479 - عن يزيد الصائغ قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : رجل على هذا الامر ان حدث كذب و ان وعد اخلف و ان اوتمن خان ما منزلته ؟ قال : هي ادنى المنازل من الكفر و ليس كافر.

ترجمه :

479 - يزيد بن صائغ گوید: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم : مردی هست که شیعه است ولی اگر سخن گوید دروغ می گوید و اگر وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند و اگر امینش شمرند خیانت می کند چنین کسی چه مقام و منزلتی دارد؟ حضرت فرمود: منزلت او نزدیکترین منزلتها به کفر است ولی کافر نیست .

حدیث :

480 - عن ابي جعفر عليه السلام قال : خطب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الناس فقال : الا اخبركم بشراركم ؟ قالوا: بلى يا رسول الله فقال : الذى يمنع رفته و يضرب عبده و يتزود وحده فظنوا ان الله لم يخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبركم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلى يا رسول الله قال : الذى لا يرجى خيره و لا يومن شره فظنوا ان الله لم يخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبركم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلى قال : المتفحش اللعان الذى اذا ذكر عنده المومنون لعنهم و اذا ذكروه لعنوه .

ترجمه :

480 - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله برای مردم خطبه ای خواند و فرمود: آیا به شما خبر دهم که بدترین شما کیست؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که یاری اش را از مردمان باز دارد و بنده زیر دستش را بزند و برای خودش تنها توشه تهیه کند مردم از این سخن پیامبر چنین پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است سپس پیامبر فرمود: آیا شما را به بدتر از این کس خبردار سازم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که امید خیر از او داشته نمی شود و از شرس ایمنی نیست باز مردم پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است سپس پیامبر فرمود: آیا به شما به بدتر از این هم خبر دهم؟ عرض کردند: آری . حضرت فرمود: کسی که بسیار هرزه گو و بد زبان است و هرگاه نام مومنی در نزد او برده می شود وی را لعنت می کند و هرگاه در نزد مومنین از او یاد شود آنان نیز او را لعنت می فرستند.

حدیث :

481 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : الا اخبركم بابعدكم منی شبها؟ قالوا بلی یا رسول الله قال : الفاحش المتفحش البذی البخیل المختال الحقود الحسود القاسی القلب البعید من کل خیر یرجى غیر المامون من کل شر یتقى .

ترجمه :

481 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : آیا شما را آگاه نسازم که کدامیک از شما شباهتتان به من کمتر و از من دورتر است؟ گفتند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: آنکه بدگو، بیهوده گو، زشت گفتار، تنگ چشم ، متکبر، کینه ورز، حسود و سنگدل باشد و از هر خیری که امید آن

می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن خیری که امید آن
می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن پرهیز می شود در
امان نباشند.

حدیث :

482 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خمسة لعنتهم و کل
نبی مجاب : الزائد فی کتاب الله و التارک لسنتی و المکذب بقدر الله و المستحل
من عترتی ما حرم الله و المستأثر بالفیء المستحل له .

ترجمه :

482 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : پنج کس را
من و هر پیامبری که دعایش پذیرفته و مورد قبول درگاه الهی است لعنت می
فرستیم : آنکه در کتاب خدا چیزی بیافزاید و آنکه سنت و روش مرا ترک گوید
و آنکه قضا و قدر الهی را دروغ بداند و آن که درباره خاندان من آنچه را که
خداوند حرام ساخته است حلال بشمرد (احترام خاندان مرا رعایت نکند) و
آنکه غنیمت را برای خود برگزیند و آن را بر خود حلال بداند.

حدیث :

483 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : بین الکفر علی اربع دعائم الفسق و الغلو و الشک و الشبهه و الفسق علی اربع شعب علی الجفاء و العمی و الغفله و العتو و الغلو علی اربع شعب علی التعمق بالرای و التنازع فیه و الزیغ و الشقاق و الشک علی اربع شعب علی المریه و الهوی و التردد و الاستسلام و الشبهه علی اربع شعب اعجاب بالزینه و تسویل النفس و تناول العوج و لبس الحق بالباطل و النفاق علی اربع دعائم علی الهوی و الهوینا و الحفیظه و الطمع و الهوی علی اربع شعب علی البغی و العدوان و الشهوه و الطغیان و الهوینا علی اربع شعب علی الغره و الامل و الهینه و المماطله و الحفیظه علی اربع شعب علی الکبر و الفخر و الحمیه و العصبیه و الطمع علی اربع شعب الفرح و المرح و اللجاجه و التکاثر.

ترجمه :

483 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای پسر من! کفر بر چهار ستون استوار است: یکی هرزگی و بیراهه رفتن، دیگری زیاده روی و دیگری دودلی و دیگری پوشیدگی و مبهم بودن کار. و هرزگی خود بر چهار بخش است: بر ستمگری و روی گردانی (از حق) و کوری و غفلت و سرکشی. و زیاده روی نیز بر چهار شاخه است: بر کنجکاوی (ناصواب) و نزاع و درگیری در رای و انحراف (از حق) و دشمنی و زیر بار حق نرفتن. دو دلی نیز بر چهار پایه است: بر جدال (گفت و شنود باطل) و خواهش نفسانی و سرگردانی و خودباختن (گردن نهادن به گمراهی). و پوشیدگی و ابهام در کار نیز بر چهار بخش است: بر شگفت زده شدن به سبب زینت و آرایش ظاهری و آراستن نفس چیزی را و باز گرداندن (امور و آراء) به کجی و پوشاندن حق به باطل. و دو رویی بر چهار پایه استوار است: بر خواهش نفسانی و رفق و مدارا (ملایمت نابجا) و نخوت و شهوت و

نافرمانی . و ملایمت (ناججا) بر چهار بخش است : بر امید بیهوده و آرزو و آهستگی و سهل انگاری . و نخوت و غرور بر چهار شاخه است : بر خود بزرگ بینی و به خود نازیدن و غیرت (بی جا) و سرسختی نمودن . و طمع نیز بر چهار بخش است : بر شادمانی و خوش خرامیدن و لجاجت و زیاده طلبی .
حدیث :

484 - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : ان المنافق ینهی و لاینهی و یامر بما لایاتی و اذا قام الی الصلاه اعترض قلت : یا ابن رسول الله و ما الاعتراض ؟ قال : الالتفات و اذا رکع ربض ، یمسی و همه العشاء و هو مفطر و یصبح و همه النوم و لم یسهر ان حدثک کذبک و ان ائتمنته خانک و ان غبت اغتابک و ان وعدک اخلفک .

ترجمه :

484 - امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا که منافق (دیگران را از کار زشت) باز می دارد ولی خود باز نمی ایستد و چیزی امر می کند که خود انجام نمی دهد و هنگامی که برای نماز به پا می ایستد به حالت اعتراض است . روای گوید: عرض کردم : ای فرزند رسول خدا! حالت اعتراض چگونه است ؟ حضرت فرمود: یعنی به دور و بر خود نگاه می کند. و هنگامی که به رکوع رود گویی شتری است که زانو زده است (یعنی رکوع وی با تعظیم پروردگار همراه نیست) ، شب می کند در حالی که همه همتش خوردن غذای شبانه است و حال اینکه روزه دار نبوده و ناشتا خورده است و صبح می کند در حالی که همه همتش خوابیدن است و حال اینکه شب زنده داری نکرده است ، اگر با تو سخن گوید به تو دروغ می گوید و اگر او را در کاری امین گردانی به تو خیانت می کند و

اگر حضور نداشته باشی از تو غیبت می کند و اگر به تو وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند.

حدیث :

485 - و عن عبدالملک بن بحر رفعه مثل ذلک و زاد فیه و اذا رکع ربض و اذا سجد نقر و اذا جلس شغر.

ترجمه :

485 - از طریق عبدالملک بن بحر نیز شبیه این روایت آمده است و در آن دو جمله اضاف دارد: و هنگامی که به رکوع رود گوئیا شتری است که زانو زده است و هنگامی که به سجده رود گویی به زمین نوک می زند (یعنی با شتاب به سجده می رود و بر می خیزد) و هنگامی که می نشیند پای خود را باز می کند.

حدیث :

486 - عن النبی ﷺ فی وصیه طویلہ قال : سیاتی اقوام یاکلون طیب الطعام و الوانها و یرکبون الدواب و یتزینون بزینہ المراه لزوجها و یتبرجون تبرج النساء و زینتھن مثل زی الملوک الجبارہ ہم منافقو هذه الامه فی آخر الزمان شاربون بالقهوات لاعبون بالکعب راکبون الشهوات تارکون الجماعات راقدون عن العتومات مفرطون فی الغدوات یقول الله تعالی : (فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا).

ترجمه :

486 - پیامبر اکرم ﷺ در ضمن سفارشی طولانی فرمود: به زودی گروه هایی می آیند که طعام پاکیزه و رنگارنگ می خورند و بر چهارپایان سوار می شوند و همانند زنی که برای همسرش خود را می آراید خویشان را آرایش می کنند و همانند زنان زینت خود را به دیگران می نمایانند و به مانند پادشاهان

ستمگر رفتار می کنند آنان در آخر زمان منافقان این امت هستند قهوه ها می نوشند و نرده بازی می کنند و بر مرکب شهوتها سوار می شوند و حضور در جماعت های مسلمین را ترک می کنند، شامگاهان را در خواب به سر می برند و بامداد را به سهل انگاری می گذرانند خداوند تعالی می فرماید: (پس بعد از آنان کسانی جانشین شدند که نماز را ضایع کردند و از خواهش ها پیروی نمودند پس زود باشد که شر را ببینند)⁽¹³⁸⁾

حدیث :

487 - عن جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلی عليه السلام قال : يا علی خلق الله عزوجل الجنه لبنتين لبنه من ذهب و لبنه من فضه - الی ان قال - فقال الله جل جلاله : و عزتی و جلالی لا یدخلها مدمن خمر و لانمام و لادیوت و لا شرطی و لا مخنت و لانباش و لاعشار و لاقاطع رحم و لاقدری یا علی کفر بالله العظیم من هذه الامه عشره القتات و الساحر و الادیوت و الناکح المراه حراما فی دبرهائ ناکح البهیمه و من نکح ذات محرم و الساعی فی الفتنه و بائع السلاح من اهل الحرب و مانع الزکاه و من وجد سعه فمات و لم یحج - الی ان قال : - یا علی تسعه اشیاء تورث النسیان اکل التفاح الحامض و اکل الکزبره و و الجبن و سور الفار و قراءه کتابه القبور و المشی بین امراتین و طرح القلمه و الحجامه فی النقره و البول فی الماء الراکد.

ترجمه :

487 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام آمده است که فرمود: ای علی! خدا عزوجل بهشت را خشتی از طلا و خشتی از نقره آفرید تا آنجا که فرمود: پس خداوند جل جلاله فرمود: به عزت و بزرگی ام سوگند که چند گروه داخل بهشت نمی شوند: کسی

که مداومت بر خوردن شراب دارد، سخن چین ، کسی که درباره زن خود غیرت نداشته باشد، پاسبان (ستمگران)، مرد زن صفت ، کسی که نبش قبر می کند، باجگیر، کسی که با خویشان قطع رابطه کند، کسی که منکر قضا و قدر الهی است . ای علی ! از این امت ده گروه اند که به خداوند بزرگ کافر گشته اند: تهمت زننده (یا بد زبان یا دروغگو) و جادوگر و مردی که درباره زن خود غیرت و تعصب ندارد و مردی که به حرام از عقب با زنی نزدیکی کند و کسی که با حیوانی مجامعت کند و کسی که با محرم خود مباشرت کند و کسی که در ایجاد فتنه سخن چینی کند و کسی که به کسانی که با مسلمانان در جنگ هستند اسلحه بفروشد و آنکه از پرداخت زکات خودداری می کند و کسی که استطاعت رفتن به حج را بیابد ولی به حج نرود تا بمیرد تا آنجا که فرمود: ای علی ! نه چیز است که باعث فراموشی می شود: خوردن سیب ترش و خوردن خیار بزرگ و خوردن پنیر و خوردن نیم خورده موش و خواندن نوشته روی سنگ قبرها و راه رفتن بین دو زن و انداختن و پرت کردن شپش و حجامت کردن در گودی بالای پشت گردن و بول کردن در آب راکد.

حدیث :

488 - قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : من لم يبال ما قال و ما قيل فيه فهو شرک شیطان و من لم يبال ان يراه الناس نسيا فهو شرک شیطان و من اغتاب اخاه المومن من غير تره بينهما فهو شرک شیطان و من شغف بمحبه الحرام و شهوه الزنا فهو شرک شیطان ثم قال عليه السلام : ان لولد الزنا علامات احدها بغضنا اهل البيت و ثانيها ان يحن الى الحرام الذي خلق منه و ثالثها الاستخفاف بالدين و رابعها سوء المحضر للناس و لایسی ء محضر اخوانه الا من ولد علی غیر فراش ایبه او حملت به امه فی حیضها.

ترجمه :

488 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شریک شیطان است و کسی که باکی نداشته باشد که مردم او را بی ارزش و بی مقدار بدانند شریک شیطان است و کسی که بدون اینکه بین اینک و بین او و برادر مومنش بدی و امر ناپسندی باشد غیبت او را کند چنین کسی شریک شیطان است و کسی که دلباخته و شیفته محبت حرام و شهوت زنا شود چنین کسی شریک شیطان است سپس فرمود: برای کسی که از راه زنا متولد شده است نشانه هایی هست : یکی از آنها اینکه دشمن ما اهل بیت است و دوم اینکه به سوی همان عمل حرامی که از آن زاده شده است (یعنی زنا) اشتیاق و میل دارد و سوم اینکه دین را سبک می شمرد و چهارم اینکه حضور او برای مردمان بد و ناپسند است و کسی حضورش مایه ناخرسندی برادرانش نمی شود مگر اینکه بر غیر بستر پدرش (یعنی از راه زنا) متولد گشته باشد یا اینکه مادرش در حال حیض به او حامله شده باشد.

حدیث :

489 - و خطب امیرالمؤمنین عليه السلام فی عیدالفطر - الی ان قال : - اطیعوا الله فیما نهاکم عنه من قذف المحصنه و اتیان الفاحشه و شرب الخمر و بخس المکیال و شهاده الزور و الفرار من الزحف .

ترجمه :

489 - امیرالمؤمنین عليه السلام در روز عید فطر خطبه ای خواند...تا آنجا که فرمود: خداوند را در اموری که شما را از آنها نهی فرموده است اطاعت کنید. آن امور عبارتند از: نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و انجام زشتکاری (زنا) و

نوشیدن شراب و کم گذاردن پیمانه (کم فروشی) و شهادت دروغ و فراز از جهاد.

حدیث :

490 - عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه عن آباءه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : ان الله تبارك و تعالی کره لكم ايتها الامه اربعا و عشرين خصله و نهاکم عنها کره لكم العبث فی الصلاه و کره المن فی الصدقه و کره الضحك بین القبور و کره التطلع فی الدور و کره النظر الی فروج النساء و قال یورث العمی و کره الکلام عند الجماع و قال یورث الخرس و کره النوم قبل العشاء الاخره و کره الحديث بعد العشاء الاخره و کره الغسل تحت السماء بغير منزر و کره المجامعه تحت المساء و کره دخول الانهار الا بمنزر و قال فی الانهار عمار و سکان من الملائکه و کره دخول الحمام الا بمنزر و کره الکلام بین الاذان و الاقامه فی صلاه الغداه حتی تنقضى الصلاه و کره رکوب البحر فی هیجانه و کره النوم فوق سطح لیس بمحجر و قال من نام علی سطح لیس بمحجر فقد برئت منه الذمه و کره ان ینام الرجل فی بیت وحده و کره للرجل ان یغشی امراته و هی حائض فان غشیها و خرج الولد مجذوما او ابرص فلا یلومن الا نفسه و کره ان یغشی الرجل امراته و قد احتلم حتی یغتسل من احتلامه الذی رای فان فعل و خرج الرجل مجنونا فلا یلومن الا نفسه و کره ان یکلم الرجل مجذوما الا ان یکون بینه و بینه قدر ذراع و قال فر من المجذوم فرارک من الاسد و کره البول علی شط نهر جار و کره ان يحدث الرجل تحت شجره مثمره قد اینعت او نخله قد اینتعت یعنی اثمرت و کره ان ینتعل الرجل و هو قائم و کره ان یدخل الرجل البیت المظلم الا ان یکون بین یدیه سراج او نار و کره النفخ فی الصلاه .

ترجمه :

490 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدرانش روایت فرموده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: ای امت من! خداوند تبارک و تعالی برای شما بیست و چهار خصلت ناپسند شمرده است و شما را از آنها باز داشته: بازی در نماز و منت گذاردن در پرداخت صدقه و در گورستان و بین قبرها خندیدن و چشم دوختن به خانه ها (نگاه کردن به درون خانه های مردم) و نظر کردن به فرج زنان که این باعث کوری می شود و سخن گفتن در هنگام جماع که این موجب گنگی (کودک) می شود و خوابیدن پیش از نماز عشاء و سخن گفتن بعد از نماز عشاء و بدون لنگ در زیر آسمان غسل کردن و جماع کردن در زیر آسمان و بدون لنگ به درون نهر آب وارد شدن زیرا در نهرها ساکنانی از ملائکه هستند و بدون لنگ وارد حمام شدن و سخن گفتن بین اذان و اقامه در نماز صبح مگر اینکه نماز به پایان برسد و سوار شدن بر کشتی در دریا زمانی که دریا ناآرام است و خوابیدن بر بالای بامی که اطراف آن سنگ چین نشده و حفاظ ندارد زیرا کسی که بر چنین بامی بخوابد تعهد (اینکه سقوط نکند) از او برداشته می شود و تنها خوابیدن مرد در خانه و در نزدیکی کردن مرد با همسرش در حال حیض، پس اگر در این حال با او مجامعت کرد و فرزندی مبتلا به جذام و پیسی از آنها به دنیا آمد پس تنها خودش را باید سرزنش کند، و نزدیکی کردن مرد با همسرش در حالت احتلام مگر اینکه از احتلامش غسل کند ولی اگر غسل نکرد و با حالت احتلام با همسرش مجامعت نمود و فرزندش دیوانه متولد شد هیچکس جز خود را سرزنش نکند، و سخن گفتن با شخصی که مبتلا به جذام است مگر اینکه بین او و جذامی به اندازه یک ذرع فاصل باشد و فرمود: از جذامی بگریز همچنانکه از شیر می گیزی، و بول کردن بر کناره جویی که آبش جاری است، و قضای حاجت نمودن در زیر

درختی یا نخلی که میوه دارد و هنگام چیدن میوه ها فرا رسیده ، و کفش پوشیدن مرد در حال ایستاده ، و داخل شدن در خانه تاریک مگر اینکه در دستش چراغی یا پاره ای آتش باشد، و دمیدن در حال نماز.

حدیث :

491 - عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام

قال : يا علي كره الله لامتي العبت في الصلاة .

ترجمه :

491 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! خداوند بر امت من بازی کردن در نماز را ناپسند شمرده است .

حدیث :

492 - عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال : ثلاثة لا يدخلون الجنة مدمن خمر و مدمن سحر و قاطع رحم و من مات مدمن خمر سقاه الله من نهر العرطه قيل : و ما نهر العرطه ؟ قال : نهر يجرى من فروج المومسات يوذى اهل النار بريجهن .

ترجمه :

492 - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: سه گروه به بهشت داخل نمی شوند: کسی که مداومت در خوردن شراب دارد و کسی که پیوسته به سحر و جادوگری می پردازد و کسی که قطع رحم نموده (با خویشان خود رابطه اش را قطع نموده) و کسی که دائم الخمر باشد و از دنیا برود خداوند او را از (نهر عرطه) سیراب می گرداند. عرض شد که : (نهر عرطه) چیست ؟ حضرت فرمود: نهری است که از (خونابه و چرک) فرج زنان تبهکار جاری است و بوی بد آن اهل آتش را آزار می دهد.

حدیث :

493 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اخبرنی جبرئیل ان ریح الجنه یوجد من مسیره الف عام و ما یجدها عاق و لاقاطع رحم و لا شیخ زان و لا جار ازاره خیلاء و لافتان و لا منان و لا جعظری قلت : و ما الجعظری ؟ قال : الذی لایشیع من الدنیا قال : و فی حدیث آخر و لا حیوف و هو النباش و لاذنوق و هو المخنت و لاجراض و لاجعظری و هو الذی لایشیع من الدنیا.
ترجمه :

493 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار ساله فهمیده می شود ولی چند گروه بوی آن را نمی یابند: آزار دهنده به پدر و مادر و قطع کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار و همسایه ای که جامه تکبر بر تن نموده (با همسایگان متکبرانه رفتار می کند) و سخن چین فتنه گر و منت گذارنده و جعظری⁽¹³⁹⁾ روای گوید: عرض کردم جعظری کیست ؟ حضرت فرمود: کسی که از دنیا سیر نمی شود. در حدیث دیگری آمده است که از جمله کسانی که بوی بهشت را در نمی یابند: کسی که نبش قبر می کند و کسی که خود را به هیئت زنان در آورد و کسی که سخت اندوهگین (بر دنیای خویش) است (همواره آب دهان خود را با اندوه شدید بر دنیا فرو می برد) و کسی که از دنیا سیر نمی شود.

حدیث :

494 - عن سعید بن علاقہ قال سمعت امیر المؤمنین علیه السلام یقول : ترک نسج العنکبوت فی البیت یورث الفقر و البول فی الحمام یورث الفقر و الاکل علی الجنابه یورث الفقر و التخلل بالطرفاء یورث الفقر و التمشط من قیام یورث الفقر

و ترك الفقر و الزنا يورث الفقر و اظهار الحرص يورث الفقر و النوم بين العشاءين يورث الفقر و النوم قبل طلوع الشمس يورث الفقر و اعتياد الكذب يورث الفقر و كثره الاستماع الى الغناء يورث الفقر و رد السائل الذكر بالليل يورث الفقر و ترك التقدير فى المعيشه يورث الفقر و قطيعه الرحم تورث الفقر ثم قال عليه السلام : الا انبئكم بعد ذلك بما يزيد فى الرزق ؟ قالوا: بلى يا اميرالمؤمنين فقال : الجمع بين الصلاتين يزيد فى الرزق و التعقيب بعد الغداء و بعد العصر يزيد فى الرزق و صله الرحم تزيد فى الرزق و كسح الفناء يزيد فى الرزق و مواساه الاخ فى الله عزوجل يزيد فى الرزق و البكور فى طلب الرزق يزيد فى الرزق و الاستغفار يزيد فى الرزق و استعمال الامانه يزيد فى الرزق و قول الحق يزيد فى الرزق و اجابه المودن تريد فى الرزق و ترك الكلام على الخلاء يزيد فى الرزق و ترك الحرص يزيد فى الرزق و شكر المنعم يزيد فى الرزق و اجتناب اليمين الكاذبه يزيد فى الرزق و الوضوء قبل الطعام يزيد فى الرزق و اكل ما يسقط من الخوان يزيد فى الرزق و من سبح الله كل يوم ثلاثين مره دفع الله عنه سبعين نوعا من البلاء ايسرها الفقر.

ترجمه :

494 - سعيد بن علاقہ گوید: از اميرالمؤمنين عليه السلام شنيدم كه مى فرمود: چند چيز موجب فقر و نادارى مى شود: باقى گذاردن تار عنكبوت در خانه ، و بول كردن در حمام ، و خوردن در حال جنابت ، و خلال نمودن دندان با چوب درخت گز، و ايستاده شانه كردن ، و نهادن خاكروبه در خانه ، و سوگند دروغ ، و زنا كردن ، و آشكار نمودن حرص ، و خوابيدن بين نماز مغرب و عشاء، و خوابيدن قبل از طلوع خورشيد، و عادت كردن به دروغگويى ، و زياد گوش دادن به غناء، و شبانه مرد سائل را رد كردن ، و ترك تدبير و انديشيدن در امور

زندگانی ، و قطع کردن و بریدن پیوند خویشاوندی ، اینها اموری است که همگی موجب فقر و ناداری می شود، سپس فرمود: آیا پس از این شما را نسبت به آنچه که باعث زیادی در رزق و روزی می شود آگاه نسازم ؟ عرض کردند: آری ای امیرمومنان ! حضرت فرمود: چند چیز موجب زیادی رزق و روزی می گردد: جمع نمودن بین دو نماز (ظهر و عصر و مغرب و عشاء)، و خواندن تعقیبات نماز بعد از نماز صبح و نماز عصر، و به جای آوردن صله رحم ، و جارو کردن و روفتن صحن حیاط خانه یا گرداگرد و اطراف خانه ، و یاری رساندن به برادر دینی در راه خدای عزوجل و صبح زود در طلب رزق رفتن ، و استغفار نمودن ، و امانتداری کردن ، و گفتن سخن حق ، و اجابت نمودن (و تکرار نمودن اذان) مودن ، و سخن نگفتن در مستراح ، و ترک کردن حرص ، و به جای آوردن شکر نعمت دهنده ، و دوری کردن از قسم دروغ ، و وضو گرفتن پیش از خوردن غذا، و خوردن آنچه که از سفره می ریزد، و کسی که خداوند را در هر روز سی مرتبه تسبیح گوید (به پاکی یاد کند) خداوند هفتاد نوع بلا و گرفتاری را از او دور می کند که آسانترین آنها فقر است .

حدیث :

495 - عن النبي ﷺ انه قال في حجه الوداع : ان من اشراط القيامة اضعاء الصلاه و اتباع الشهوات و الميل مع الاهواء و تعظيم المال و بيع الدنيا بالدین فعندها يذاب قلب المؤمن في جوفه كما يذاب الملح في الماء مما يرى من المنكر فلا يستطيع ان يغيره ثم قال : ان عندها يكون المنكر معروفًا و المعروف منكراً و يوتمن الخائن و يخون الامين و يصدق الكاذب و يكذب الصادق ثم قال : فعندها اماره النساء و مشاوره الاماء و قعود الصبيان على المنابر و يكون الكذب ظرفًا و الزكاه مغرماً و الفىء مغنماً و يجفو الرجل والديه و يبر

صديقه ثم قال : فعندها يكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و يغار على الغلمان كما يغار على الجارية في بيت اهلها و يشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و يركبن ذوات الفروج السروج فعليهم من امتى لعنه الله ثم قال : ان عندها تزخوف المساجد كما تزخرف البيع و الكنائس و تحلى المصاحف و تطول النازات و تكثر الصفوف و القلوب متباغضه و الالسن مختلفه ثم قال : فعند ذلك تحلى ذكور امتى بالذهب و يلبسون الحرير و الديباج و يتخذون جلود النمر صفا ثم قال : فعندها يظهر الربا و يتعاملون بالغيبه و الرشا و يوضع الدين و ترفع الدنيا ثم قال : و عندها يكثر الطلاق فلا يقام لله حد و لن يضر الله شيئا ثم قال : و عندها تظهر القينات و المعازف و تليهم شرار امتى ثم قال : و عندها حج اغنياء امتى للنزهه و يحج اوساطها للتجاره و يحج فقرا و هم للرياء و السمعه فعندها يكون اقوام يتعلمون القرآن لغير الله فيتخذونه مزامير و يكون اقوام يتفقهون لغير الله و يكثر اولاد الزنا يتغنون بالقرآن و يتهافتون بالدنيا ثم قال : و ذلك اذا انتهكت المحارم و اكتسب المائم و تسلط الاشرار على الاخيار و يفسو الكذب و تظهر الحاجه و تفشو الفاقه و يتباهون في الناس و يستحسنون الكوبه و المعازف و ينكر الامر بالمعروف و النهي عن المنكر الى ان قال : فاولئك يدعون في ملكوت السماء الارجاس الانجاس .

ترجمه :

495 - پیامبر اکرم ﷺ در آخرین حج خود (حجه الوداع) فرمود: همانا از نشانه ها و علامات (پایان دنیا و) بر پاشدن قیامت چند چیز است : مهمل گذاردن و واگذاردن نماز، و پیروی نمودن از خواسته های نفسانی ، و میل نمودن به هواها و خواهشها و بزرگ شمردن مال و دارایی ، و فروختن دین در مقابل دنیا، در آن زمان قلب مومن در درونش گداخته و ذوب می گردد

همچنانکه نمک در آب حل می شود زیرا (با چشم خویش) منکر و ناروا را می بیند ولی توانایی تغییر آن را ندارد. در آن هنگام، ناروا روا می گردد و روا ناروا جلوه داده می شود و خیانتکار امین شمرده می شود و به امین نسبت خیانت داده می شود و دروغگو را راستگو می دانند و به راستگو نسبت دروغ داده می شود. در آن زمان زنان به ریاست و امیری می رسند و کنیزکان مورد مشورت قرار می گیرند و کودکان بر منبرها می نشینند و دروغگویی زیرکی و کیاست شمرده می شود و دادن زکات خسارت و تاوان دانسته می شود و فیء⁽¹⁴⁰⁾ را برای خود غنیمتی می دانند و شخص به پدر و مادر خود جفا و ستم می کند ولی به دوست خود نیکی می کند. در آن هنگام، مرد به مرد و زن به زن خوشنود است از غلامان همانگونه که از کنیزان در خانه مولای خود بهره برده می شود، بهره می برند، و مردان خود را شبیه زنان سازند و زنان خود را به هیئت مردان در آورند، و زنان بر زینها سوار شوند، پس بر چنین کسانی از امت من لعنت خدا باد. همانا در آن هنگام، مسجدها به مانند کلسیای یهود و نصاری آذین بندی شوند و قرآنها به زینت آراسته گردند و مناره ها بلند ساخته شود و صفها زیاد شود ولی دلها با یکدیگر کینه و دشمنی و زبانها مختلف باشد. در آن هنگام، مردان امت من خود را با طلا می آریند و لباس حریر و ابریشم می پوشند و پوست یوزپلنگ را پیش زین اسب خود قرار می دهند. در آن زمان، ربا آشکارا گرفته می شود و با یکدیگر ندیده معامله می کنند و رشوه می ستانند و دین پایین آورده می شود و دنیا بالا برده می شود. در آن زمان، طلاق زیاد می شود، پس حدی از حدود الهی اقامه نمی شود و این هرگز به خداوند ضرری نمی رساند. در آن هنگام، زنان خواننده و آلات نواختن آشکار می شوند و بدترین های امت من به دنبال آنها راه می افتند. در آن زمان، ثروتمندان

امت من برای گردش و تفریح و طبقه متوسط برای تجارت نمودن فقیران برای ریا و خودنمایی به سفر حج می روند. در آن هنگام ، گروه هایی هستند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و آن را به صورت سرود و آواز می خوانند و گروه هایی هستند که برای غیر خدا علم دین فرا می گیرند، و زنازادگان زیاد می شوند، قرآن را به صورت غنا می خوانند و به دنیا هجوم می آورند، و این امور و نشانه ها در زمانی است که حرمت محارم برداشته می شود و نیازمندی و فقر آشکار می گردد و مردم به یکدیگر فخرفروشی می کنند و سازها و طبل را نیکو می دانند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری می شود تا آنجا که فرمود: آنان کسانی هستند که در ملکوت آسمانها به عنوان پلید و ناپاک خوانده می شوند.

حدیث :

496 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سته لاتکون فی المومن العسر و النکد و اللجاجه و الکذب و الحسد و البغی (اقول : المراد المومن الکامل الایمان او هو نفی بمعنی النهی).

ترجمه :

496 - امام صادق علیه السلام فرمود: شش چیز در مومن وجود ندارد: دشواری (بدخویی) و کم خیری و لجاجت و سرسختی و دروغگویی و حسد ورزیدن و ستم کردن .

(مرحوم شیخ حر عاملی گوید: مراد از مومن در این حدیث ، مومنی است که در رتبه کمال ایمان قرار دارد یا اینکه نفی در این حدیث به معنای نهی است).

50 - باب تحریم طلب الرئاسة مع عدم الوثوق بالعدل

50 - باب تحریم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان

نداشته باشی

حدیث :

497 - عن ابی الحسن علیه السلام انه ذکر رجلا فقال : انه یحب الرئاسه فقال : ما

ذئبان ضاریان فی غنم قد تفرق رعاوها باضر فی دین المسلم من الرئاسه .

ترجمه :

497 - از امام رضا علیه السلام روایت است که ایشان نام شخصی را برد و فرمود:

او ریاست را دوست دارد. سپس فرمود: دو گرگ وحشی شکاری در گله

گوسفندی که چوپانهایش از آن جدا شده اند بر ضررتر نیستند از ریاست طلبی

در دین مسلمان .

حدیث :

498 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من طلب الرئاسه هلک .

ترجمه :

498 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که طالب ریاست باشد هلاک می شود.

حدیث :

499 - عن ابی حمزه الثمالی قال : قال لی ابو عبدالله علیه السلام : ایاک و الرئاسه .

ترجمه :

499 - او حمزه ثمالی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود ناز ریاست طلبی

بر حذر باش .

حدیث :

500 - عن عبدالله بن مسكان قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اياكم و هولاء الروساء الذين يتراسون فو الله ما خفقت النعال خلف الرجل الا هلك و اهلك .

ترجمه :

500 - عبدالله بن مسكان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: از این روسا که به ریاست رسیده اند بر حذر باشید، سوگند به خدا که کفشها پشت سر کسی به صدا در نیامد جز اینکه آن شخص هلاک گشت و دیگران را نیز به هلاکت افکند.

حدیث :

501 - عن جویریة بن مسهر قال : اشتددت خلف امیر المؤمنین عليه السلام فقال یا جویریة انه لم یهلك هولاء الحمقى الا بخفق النعال خلفهم .

ترجمه :

501 - جویریة بن مسهر گوید: به تندی در پشت سر امیر المؤمنین عليه السلام راه می رفتم که حضرت به من فرمود: ای جویریة ! این نادانان هلاک نگشته اند مگر به سبب صدای کفشها در پشت سرشان .

حدیث :

502 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ملعون من تراس ملعون من هم بها ملعون من حدث نفسه بها .

ترجمه :

502 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که (بدون داشتن صلاحیت) مهتر و رئیس گردد ملعون است و کسی که برای ریاست هم گمارد و تلاش کند ملعون است و کسی که با خود درباره رئیس شدن سخن گوید ملعون است .

حدیث :

503 - عن ابی میاح عن ابیه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من اراد

الرئاسه هلک .

ترجمه :

503 - ابی میاح از پدرش روایت کرد که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می

فرمود: کسی که ریاست را قصد کند هلاک می گردد.

حدیث :

504 - عن ابی الربیع الشامی عن ابی جعفر علیه السلام قال : لی یا ابا الربیع لا

تطلبن الرئاسه و لاتکن ذنبا ولا تاکل الناس بنا فیفقرک الله .

ترجمه :

504 - ابی ربیع شامی از امام باقر علیه السلام روایت کرد که حضرت فرمود: ای

ابا ربیع! ریاست را طلب مکن و دنباله رو (رئیس) هم مباش و به بهانه ما اهل

بیت از مردم مخور که خداوند بیچاره و فقیرت خواهد کرد.

حدیث :

505 - عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : اتری لا

اعرف خیارکم من شرارکم بلی و الله ان شرارکم من احب ان یوطا عقبه انه لا بد

من کذاب او عاجز الراى .

ترجمه :

505 - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیا

می پنداری که نیکان شما را از بدانتان باز نمی شناسم؟ آری سوگند به خدا

بدترین شما کسی است که دوست دارد که در پشت سرش گام بردارند (پشت

سرش راه بیفتند). چنین کسی به ناچار یا دروغگو است و یا اندیشه اش ناتوان است .

حدیث :

506 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : و اما قولک ان قومی کان لهم عریف فہلک فارادوا ان یعرفونی علیہم فان کنت تکرہ الجنہ و تبعضہا فتعرف علیہم یاخذ سلطان جائر بامری مسلم فیسفک ذمہ فتشکر فی ذمہ و لعلک لاتنال من دنیاهم شیئا.

ترجمه :

506 - امام باقر علیه السلام فرمود: و اما اینکه می گویی : قوم من عریفی ⁽¹⁴¹⁾ داشته اند که مرده و می خواهند مرا عریف قوم کنند، پس اگر از بهشت کراهت داری و آن را دوست نداری پس عریف آنان شو. (در نتیجه اگر) سلطان ستمگر مرد مسلمانی را دستگیر کند و خونس را بریزد تو در خون او شریک خواهی بود و شاید به چیزی از دنیای آنان هم نرسی (بهره ای از دنیا نبری).

حدیث :

507 - عن علی بن الحسین علیه السلام انه قال : ایاک ان تتراس فیضعک الله و ایاک ان تستاکل فیزیدک الله فقرا و اعلم انک ان تکن ذنبا فی الخیر خیر لک من ان تكون راسا فی الشر.

ترجمه :

507 - امام سجاد علیه السلام فرمود: بر حذر باش از اینکه طلب ریاست و مهتری کنی که خداوند فقر و ناداری ات را افزون می کند و بدان که اگر در کار خیر دنبال رو باشی برای تو بهتر است از اینکه در کار شر سر (و پیشرو) باشی .

حدیث :

508 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما لکم و للثاسات ؟ انما المسلمون راس واحد ایاکم و الرجال فان الرجال للرجال مهلکه .

ترجمه :

508 - امام صادق علیه السلام فرمود: شما را چه به ریاست ها؟ همانا مسلمانان به منزله یک تن هستند، بر حذر باشید از اینکه به سردمداران (ستمگر) نزدیک شوید زیرا آنان مردان (حقیقو و حقیگو) را به هلاکت می افکنند.

حدیث :

509 - عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال : لایومر احد علی عشره فما فوقهم الا جی ء به یوم القیامه مغلوله یداه فان کان محسنا فک عنه و ان کان مسیئا یزید غلا علی غله .

ترجمه :

509 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ کس بر ده نفر یا بیشتر امیری و ریاست نمی کند مگر اینکه در روز قیامت با دستان غل و زنجیر شده آورده می شود پس اگر (در زمان ریاستش) نیکوکار بوده و غل و زنجیر از او برداشته می شود و اگر بدکار بوده و بر غل و زنجیرش افزوده می گردد.

حدیث :

510 - عن الصادق عن آباءه عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی حدیث المناهی قال : الا و من تولى عرافه قوم اتی یوم القیامه و یداه مغولتان الی عنقه فان قام فیهم بامر الله اطلقه الله و ان کان ظالما هوی به فی نار جهنم و بئس المصیر .

ترجمه :

510 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث مناهی فرموده است : آگاه باشید که هر کس کارگزاری

گروهی را به عهده گیرد در روز قیامت با دستانی به گردن زنجیر شده می آید
پس اگر در بین آن گروه به دستور خدا قیام نموده باشد خداوند او را آزاد می
سازد ولی اگر به ستم رفتار کرده باشد در آتش جهنم افکنده می شود و بد
بازگشتگاهی است .

51 - باب استحباب لزوم المنزل غالبا مع التیان بحقوق الاخوان لمن یشق لیه

اجتناب مفسد العشره ع

51 - باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالباً در خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند

حدیث :

511 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان قدرتم ان لاتعرفوا فافعلوا و ما علیک ان لم یثن الناس علیک و ما علیک ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت عندالله محمودا - الی ان قال : - ان قدرت علی ان لا تخرج من بیتک فافعل فان علیک فی خروجک ان لاتغتاب و لا تکذب و لاتحسد و لاترائی و لاتتصنع و لاتداهن ثم قال : نعم صومعه المسلم بیته یکف فیه بصره و لسانه و نفسه و فرجه .

ترجمه :

511 - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر می توانید که شناخته نشوید پس چنین کنید، و وقتی که تو در نزد خداوند پسندیده و ستوده ای ، ثنا نکردن مردم بر تو، چه زیبایی به تو می رساند و نکوهش نمودن مردم بر تو، چه ضرری برای تو دارد. تا آنجا که فرمود: گر می توانی که از خانه ات بیرون نروی چنین کن زیرا بر تو سزاوار است که در بیرون رفتنت به غیبت نیفتی و دروغ نگویی و حسد نورزی و ریا و خودنمایی نکنی و ظاهر سازی ننمایی و چاپلوسی نکنی ، وه که خانه چه کنج عزلت خوبی برای مسلمان است که در آن جلو چشم و زبان و نفس و عورت خود را می گیرد (و آنها را از ارتکاب گناه باز می دارد).

حدیث :

512 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال له رجل : جعلت فداک رجل عرف هذا الامر لزم بیته و لم تیعرف الی احد من اخوانه قال : کیف یتفقه هذا فی دینه ؟

ترجمه :

512 - مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم ، مردی از شیعیان هست که به امامت شما آگاه است ولی پیوسته در خانه اش می ماند و طالب شناخت هیچ یک از برادرانش نیست . حضرت فرمود: چنین کسی چگونه در دینش فهم پیدا می کند؟

حدیث :

513 - عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام فی حدیث طویل انه قال : یا هشام الصبر علی الوحده علامه قوه العقل فمن عقل عن الله اعتزل اهل الدنيا و الراغبین فیها و رغب فیما عندالله و كان الله انسه فی الوحشه و صاحبه فی الوحده و غناه فی العیله و معزه من غیر عشیره .

ترجمه :

513 - امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: ای هشام! صبر نمودن بر تنهایی نشانه توانایی عقل است پس کسی که خداوند را درک کند از اهل دنیا و میل کنندگان به دنیا کناره گیری می کند و به آنچه که در نزد خداوند است رغبت و میل پیدا می کند و خداوند مونس و حشت او و همدم تنهایی او می شود و در هنگام فقر، غنای او به خداوند است و بدون اینکه قوم و قبیله ای داشته باشد خداوند عزت دهنده اوست .

حدیث :

514 - عن الفضیل قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : طوبی لكل عبد لومه عرف الناس قبل ان یعرفوه .

ترجمه :

514 - فضیل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خوشا به حال هر بنده ای نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد.
حدیث :

515 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث قال : طوبی لمن لزم بیته و اکل کسرته و بکی علی خطیته و کان من نفسه فی تعب و الناس منه فی راحة .
ترجمه :

515 - امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: خوشا به حال هر بنده نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد.
حدیث :

516 - عن ابی عبدالله علیه السلام عن آباءه عن علی علیه السلام قال : ثلاث منجیات تکف لسانک و تبکی علی خطیته و یسعک بیتک .
ترجمه :

516 - امام صادق علیه السلام از پدرانش و ایشان از علی علیه السلام روایت کنند که فرمود: سه چیز است که مایه نجات است : زبانت را نگاه داری و بر گناهت گریه کنی و خانه ات برای تو فراخ باشد (و به خاطر رفتار خود یا خانواده ات از خانه خود گریزان نباشی).

(مرحوم شیخ حر عاملی گوید: وجه جمع بین این اخبار و اخباری که از رهبانیت و بریدن از مردم نهی می کنند این است که اخبار این باب چنانکه در عنوان باب گذشت بر مواردی حمل می شود که دوری از مفسد معاشرت با دیگران برای شخص دشوار است). 52 - باب تحریم اختال الدنیا بالدین

52 - باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین حدیث :

517 - عن یونس بن ظبیان قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الله عزوجل يقول : ويل للذين يختلون الدنيا بالدين و ويل للذين يقتلون الذين يامرون بالقسط من الناس و ويل للذين يسير المومن فيهم بالتقيه اءبى يغترون ام على يجتروون ؟ فى حلفت لا تبحن لهم فتنه تترك الحليم منهم حيران .

ترجمه :

517 - یونس بن ظبیان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود که : همانا خداوند عزوجل می فرماید: وای بر کسانی که (مردمان) دنیا را به وسیله دین می فریبند و وای بر کسانی که مردمانی را که به عدل و داد فرمان می دهند می کشند و وای بر کسانی که مومن در میان آنان با حالت تقیه سیر می کند. آیا به خاطر (صبر و مدارای) من فریفته می گردند یا بر من دلیری می کنند؟ پس به خودم سوگند که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که آن فتنه شخص بردبار را هم سرگشته و حیران می گرداند.

حدیث :

518 - عن رسول الله صلى الله عليه وآله انه قال فى آخر خطبه خطبها: و من عرضت له دنيا و آخره فاختار الدنيا و ترك الاخره لقي الله و ليست له حسنه يتقى بها النار و من احد الاخره و ترك الدنيا لقي الله يوم القيامة و هو عنه راض .

ترجمه :

518 - رسول خدا صلى الله عليه وآله در آخرین خطبه ای که خواند فرمود: هر کس که دنیا و آخرت به او عرضه گردد و او دنیا را بر آخرت برگزیند خداوند را در

حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به وسیله آن از آتش دوزخ حفظ شود همراه او نیست ولی کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را ترک کند خداوند را در روز قیامت در حالتی دیدار خواهد کرد که از وی خوشنود است .

حدیث :

519 - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : ان الله تبارک و تعالی انزل کتابا من کتبه علی نبی من انبیائه و فیه انه سیکون خلق من خلقی یلحسون الدنیا بالذین یلبسون مسوک الضان علی قلوب کقلوب الذئاب اشد مراره من الصبر و السنتم احلی من العسل و اعمالهم الباطنه انتن من الجیف افبی یغترون ام ایای یخادعون ام علی یجترون ؟ فبعزتی حلفت لاتیحن لهم فتنه تطافی خطامها حتی تبلغ اطراف الارض تترك الحلیم منهم حیران .

ترجمه :

519 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود: همانا که خداوند تبارک و تعالی کتابی از کتابهایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن کتاب آورد که : به زودی گروهی از آفریدگان من پا به عرصه وجود خواهند گذارد که دنیا را به وسیله دین می لیسند و پوستهای میش را بر خود می پوشند ولی قلبهایی همچون قلب گرگها دارند و دلهایی که از (صبر زرد) هم تلخ ترند و زبانهایشان شیرین تر از عسل و کردارهای پنهانی آنان بدبوتر از مردار است آیا مرا فریب می دهند یا به من نیرنگ می زنند و یا اینکه بر من دلیری می کنند پس به عزتم سوگند می خورم که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که مهارش رهاست تا آنجا که آن فتنه به اطراف و جوانب زمین می رسد و شخص بردبار را (نیز) سرگردان و حیران و می گذارد.

53 - باب وجوب تسکین الغضب عن فعل الحرام و ما یسکن به

53 - باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب
حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند

حدیث :

520 - قال ابو عبدالله عليه السلام : انما المومن الذی اذا غضب لم یخرجه غضبه من
حق و اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا قدر لم یأخذ اکثر مما له .

ترجمه :

520 - امام صادق عليه السلام فرمود: به درستی که مومن کسی است که در هنگام
خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و در هنگام خوشنودی ، خوشنودی
اش وی را به باطل داخل نکند و در هنگام قدرت و توانایی بیش از آنچه که
متعلق به خود اوست را نگیرد.

حدیث :

521 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : الغضب یفسد
الایمان کما یفسد الخل العسل .

ترجمه :

521 - امام صادق عليه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است :
خشم ایمان را تباه می کند همچنانکه سرکه باعث تباهی و فساد عسل می گردد.

حدیث :

522 - قال ابو عبدالله عليه السلام : الغضب مفتاح کل شر .

ترجمه :

522 - امام صادق عليه السلام فرمود: خشم کلید هر بدی است .

حدیث :

523 - عن میسر قال ذکر الغضب عند ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل لیغضب فما یرضی ابدأ حتی یدخل النار فایما رجل غضب علی قوم و هو قائم فلیجلس من فوره ذلک فانه یدهب عنه رجز الشیطان و ایما رجل غضب علی ذی رحم فلیدن منه فلیمسه فان الرحم اذا مست سکنت .
ترجمه :

523 - میسر گوید: در نزد امام باقر علیه السلام سخن از خشم به میان آمد، حضرت فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد خشمگین می شود و هرگز خوشنود نمی شود مگر اینکه داخل دوزخ شود. پس هر مردی که بر قومی خشم گرفت اگر در حالت ایستاده است سریعاً بنشیند زیرا این نشستن، پلیدی شیطان را از او می زداید و هر مردی که بر خویشاوند خود خشمگین شد باید به او نزدیک شود و با او تماس حاصل کند زیرا اگر با خویشاوندان تماس حاصل شود آرامش پیدا می کند.
حدیث :

524 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رجل للنبی صلی الله علیه و سلم : یا رسول الله علمنی فقال : اذهب فلا تغضب .
ترجمه :

524 - امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم عرض کرد: ای رسول خدا! چیزی به من بیاموز، حضرت فرمود: برو و خشمگین مشو.
حدیث :

525 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و سلم : من کف نفسه عن اعراض الناس اقال الله نفسه یوم القیامه و من کف غضبه عن الناس کف الله تبارک و تعالی عنه عذاب یوم القیامه .

ترجمه :

525 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان نگهداری کند خداوند نیز در روز قیامت از (عذاب) او خودداری می کند و کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت عذابش را از وی باز می دارد.

حدیث :

526 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : سمعت ابی یقول : اتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رجل بدوی فقال انی اسکن البادیه فعلمنی جوامع الکلم فقال : امرک ان لاتغضب فاعاد علیه الاعرابی المساله ثلاث مرات حتی رجع الرجل الی نفسه فقال : لاسال عن شیء بعد هذا ما امرنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الا بالخیر قال و کان ابی یقول : ای شیء اشد من الغضب ؟ ان الرجل لیغضب قیقتل النفس الی حرم الله و یقذف المحصنه .

ترجمه :

526 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: مردی بیابانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: من در بیابان زندگی می کنم به من سخنی بیاموز که الفاظ آن اندک و معانی آن بسیار باشد. حضرت فرمود: تو را امر می کنم که خشمگین نشوی . پس آن بیابان نشین سوال خود را تا سه مرتبه تکرار کرد تا اینکه آن مرد به خود بازگشت و با خود گفت : دیگر پس از این چیزی نمی پرسم زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جز به خیر مرا دستور نداده است . امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: چه چیزی از غضب کردن سخت تر و بدتر است ؟ زیرا شخص غضب می کند و در نتیجه نفسی را که خداوند آن را

محترم دانسته می کشد و یا در حالت غضب ، به زن شوهردار نسبت ناروا می دهد.

حدیث :

527 - عن عبد الاعلی قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : علمنی عظه اتعظ بها فقال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله اتاه رجل فقال : یا رسول الله صلی الله علیه و آله علمنی عظه اتعظ بها فقال : انطلق فلا تغضب ثم عاد الیه فقال انطلق فلا تغضب ثلاث مرات .
ترجمه :

527 - عبدالاعلی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا موعظه ای بیاموز تا از آن اندرز گیرم و عبرت پذیرم. حضرت فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و همین درخواست را از ایشان نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برو و خشمناک مشو. سپس آن مرد تا سه مرتبه درخواست خود را تکرار نمود و حضرت نیز در هر بار فرمود: برو و خشمگین مشو.
حدیث :

528 - عن سیف بن عمیره عن سمع ابا عبدالله علیه السلام یقول : من کف غضبه ستر الله عورته .
ترجمه :

528 - سیف بن عمیره از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده بود روایت کند که حضرت فرمود: کسی که جلو خشمش را بگیرد خداوند نقصها و کاستی های او را می پوشاند.
حدیث :

529 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : مکتوب فی التوراه فیما ناجی الله به موسی علیه السلام یا موسی نن امسک غضبک عن ملکتک علیه اکف عنک غضبی .

ترجمه :

529 - امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب تورات در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! جلو خشم را درباره کسی که تو را صاحب اختیار او گردانیده ام بگیر تا من نیز خشمم را از تو باز دارم .

حدیث :

530 - قال ابو عبدالله : الغضب ممحقه لقلب الحكيم و قال : من لم يملك غضبه لم يملك عقله .

ترجمه :

530 - امام صادق علیه السلام فرمود: خشم ، قلب شخص حکیم را تباه می کند و فرمود: کسی که مالک خشم خود نباشد مالک عقل خود نیست .

حدیث :

531 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان هذا الغضب جمره من الشيطان توقد فی قلب ابن آدم و ان احدکم اذا غضب احمرت عيناه و انتفخت اوداجه و دخل الشيطان فيه فاذا خاف احدکم ذلک من نفسه فليلزم الارض فان رجز الشيطان ليذهب عنه عند ذلک .

ترجمه :

531 - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا این خشم ، پاره آتشی از شیطان است که در قلب فرزند آدم افروخته می شود و همانا کسی از شما آنگاه که خشمگین می شود چشمانش سرخ و رگهایش بر آمده می شود و شیطان در درون او وارد می گردد پس هرگاه یکی از شما درباره خود از این حالت خشم ترسان باشد به زمین بنشیند زیرا پلیدی شیطان در این هنگام از وجود او می رود.

حدیث :

532 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من کف غضبه عن الناس کف الله عنه عذاب
یوم القیامه .

ترجمه :

532 - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خشمش را از مردمان باز دارد
خداوند نیز در روز قیامت عذابش را از او باز می دارد.

حدیث :

533 - محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : مر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بقوم
یتشایلون حجرا فقال : ما هذا؟ فقالوا: نختیر اشدنا و اقوانا فقال : الا اخبرکم
باشدکم و اقواکم ؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : اشدکم و اقواکم الذی اذا رضی
لم یدخله رضاه فی اثم و لا باطل و اذا سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و
اذا ملک لم یتعاط ما لیس له بحق .

ترجمه :

533 - امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به گروهی گذر کرد
که سنگی را بلند کرده و حمل می کردند، حضرت فرمود: این چیست ؟ عرض
کردند: با این کار مقاوم ترین و قوی ترین را می آزمایشیم . حضرت فرمود: آیا
شما را خبردار سازم که مقاوم ترین و قوی ترین شما کیست ؟ عرض کردند:
آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: مقاوم ترین و تواناترین شما کسی است که
هرگاه خوشنود باشد خوشنودی اش او را به گناه و باطل نیفکند و هرگاه
خشمگین باشد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و هرگاه استیلا و تسلط
پیدا کند چیزی را که حق او نیست به ناحق نگیرد.

حدیث :

534 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الحواریون لعیسی علیه السلام : ای الاشیاء اشد؟ قال : اشد الاشیاء غضب الله عزوجل . قالوا: بما نتقی غضب الله ؟ قال : بان لاتغضبوا. قالوا: و بدء الغضب ؟ قال : الكبر و التجبر و محقره الناس .
ترجمه :

534 - امام صادق علیه السلام فرمود: حواریون به حضرت عیسی علیه السلام عرض کردند: سخت ترین چیز چیست ؟ حضرت فرمود: سخت ترین چیزها خشم خداوند عزوجل است . عرض کردند: به چه وسیله ای از خشم خدا در امان باشیم ؟ فرمود: به اینکه بر دیگران خشم مگیرید. عرض کردند: آغاز و نقطع شروع خشم چیست ؟ فرمود: خود بزرگ بینی و تکبر و کوچک شمردن مردمان .
حدیث :

535 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كف نفسه عن اعراض الناس كف الله عنه عذاب يوم القيامة و من كف غضبه عن الناس اقاله الله نفسه يوم القيامة .
ترجمه :

535 - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان باز دارد خداوند عذاب روز قیامت را از او باز خواهد داشت و کسی که خشمش را از مردم نگاه دارد خداوند در روز قیامت او را حفظ می کند.
حدیث :

536 - عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه علیه السلام انه ذكر عنده الغضب فقال : ان الرجل لیغضب حتی ما یرضی ابدًا و یدخل بذلک النار فایما رجل غضب و هو قائم فلیجلس فانه سیزهب عنه رجس الشیطان و ان کان جالسا فلیقم و ایما

رجل غضب على ذى رحم فليقم اليه و ليدن منه و ليمسه فان الرحم اذا مست
الرحم سكنت .

ترجمه :

536 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که در نزد ایشان
درباره غضب سخن به میان آمد و ایشان فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد
خشمگین می شود تا جایی که هرگز خشمش فرو نمی نشیند و خوشنود نمی
شود و به خاطر آن به دوزخ داخل می گردد پس هر مردی که در حال ایستاده
به خشم آمد باید بنشیند زیرا در این صورت به زودی پلیدی شیطان از او بیرون
می رود و اگر نشسته بود باید بایستد و هر مردی که بر خویشاوند خود خشم
گرفت باید به سوی او رود و به او نزدیک شود و با او تماس گیرد زیرا
خویشاوند هنگامی که خویشاوند خود را لمس کند آرامش می یابد.

حدیث :

537 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : ثلاث من كن فيه يستكمل خصال الايمان
الذی اذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم یخرجه غضبه من الحق
و اذا قدر لم یتعاط ما لیس له .

ترجمه :

537 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه چیز
در او باشد خصلتهای ایمان را به صورت کامل دارا گشته است : اینکه کسی در
هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش او را در باطل وارد نکند و اینکه در هنگام
خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و اینکه در هنگام قدرت و توانایی
چیزی را که از آن او نیست به ناحق نگیرد. 54 - باب وجوب ذکر الله عند

الغضب

54 - باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم حدیث :

538 - قال ابو عبدالله عليه السلام : اوحى الله عزوجل الى بعض انبيائه يا ابن آدم اذكرني في غضبك اذكرک في غضبي لا امحکک فيمن امحق و ارض بي منتصرا فان انتصاري لك خير من انتصارک لنفسک .

ترجمه :

538 - امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشمت یاد کن تا من نیز تو را در هنگام خشمم یاد کنم و تو را در زمره کسانی که نابودشان می سازم نابود نگردانم و به اینکه من انتقامت را از دشمنت بستانم راضی و خوشنود باشد زیرا انتقام گیری من برای تو بهتر است از اینکه خودت دست بکار شوی و انتقام خود از وی بستانی .

حدیث :

539 - و فی حدیث آخر زاد: و اذا ظلمت بمظلمه فارض بانتصاری لك فان انتصاری لك خير من انتصارک لنفسک .

ترجمه :

539 - و در حدیث دیگری اضافه نموده است که : و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام گیری من از آن ستمکار خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو می گیرم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری .

حدیث :

540 - عن اسحاق بن عمار قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان فی التوراه مکتوبا یا ابن آدم اذکرني حين تغضب اذکرک عند غضبي فلا امحکک فيمن امحق

و اذا ظلمت بمظلمه فارض بانتصاری لك فان انتصاری لك خیر من انتصارك
لنفسك .

ترجمه :

540 - اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:
همانا در تورات نوشته شده است که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشمت به
یاد آور تا تو را در هنگام خشمم به یاد آورم پس تو را در زمره هلاک
شوندگان به هلاکت نمی رسانم و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام من از
دشمنت خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو از وی می کشم بهتر از
انتقامی است که تو خود می گیری . 55 - باب تحریم الحسد و وجوب الجتنابه
دون الغبطه

55 - باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت

غبطه

حدیث :

541 - قال ابو جعفر عليه السلام : ان الرجل لياتي باذني بادره فيكفر و ان الحسد لياكل الايمان كما تاكل النار الحطب .

ترجمه :

541 - امام باقر عليه السلام فرمود: همانا (گاه باشد که) مردم کوچکترین تندی و تیزی خشم را به جای می آورد و در نتیجه کارش به کفر می انجامد و همانا حسد ایمان را می خورد همچنانکه آتش هیزم را می خورد.

حدیث :

542 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان الحسد لياكل الايمان كما تاكل النار الحطب .

ترجمه :

542 - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا که حسد ایمان را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد.

حدیث :

543 - عن داود الرقي قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اتقوا الله و لا يحسد بعضكم بعضا .

ترجمه :

543 - داود رقی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و کسی از شما بر دیگری حسد نرزد.

حدیث :

544 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : کاد الفقر ان یکون کفرا کاد الحسد ان یغلب القدر .

ترجمه :

544 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد و نزدیک است که حسد بر قضا و قدر چیره شود .

حدیث :

545 - قال ابو عبدالله علیه السلام : آفه الدین الحسد و العجب و الفخر .

ترجمه :

545 - امام صادق علیه السلام فرمود: آفت دینداری حسد و خودبینی و فخر فروشی است .

حدیث :

546 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : قال الله عزوجل لموسی بن عمران : یا ابن عمران لا تحسدن الناس علی ما اتینهم من فضلی و لاتمدن عینیک الی ذلک و لاتتبعه نفسک فان الحاسد ساخط لنعمتی صاد لقسمی الذی قسمت بین عبادی و من یک کذلک فلست منه و لیس منی .

ترجمه :

546 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند عزوجل به حضرت موسی بن عمران علیه السلام فرمود: این پسر عمران! بر مردم به آنچه که من از فضل خود به آنان داده ام حسد مبر و برداشته های آنان چشم مدوز و نفست را در پی آنها نفرست زیرا شخص حسود بر نعمت من خشمگین

و ناخشنود است و از آن قسمتی که بین بندگانم روا داشته ام روی گردان است و کسی که چنین باشد نه من از آن اویم و نه او از برای من است .

حدیث :

547 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان المومن یغبط و لا یحسد و المنافق

یحسد و لا یغبط .

ترجمه :

547 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا مومن غبطه ⁽¹⁴²⁾ می خورد ولی حسد

نمی ورزد و منافق حسد می ورزد ولی غبطه نمی خورد.

حدیث :

548 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاثه لم ینج منها نبی فمن دونه التفکر فی

الوسوسه فی الخلق و الطیره و الحسد الا ان المومن لا یتعمل حسده .

ترجمه :

548 - امام صادق علیه السلام سه چیز است که هیچ پیامبر و پابین تر از پیامبری

از آن سه چیز خلاصی ندارد: یکی اندیشیدن در تحریکات شیطانی درباره امر

آفرینش و دیگری فال بد زدن و دیگری حسد، جز اینکه مومن حسدش را

اعمال نمی کند.

حدیث :

549 - عن جعفر بن محمد عن آباءه علیهم السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام

قال : یا علی انهاک عن ثلاث خصال الحسد و الحرص و الکبر .

ترجمه :

549 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی عليه السلام آمده است که : ای علی ! تو را از داشتن سه خصلت نهی می کنم : حسد ورزیدن و حرص و خودبزرگ بینی .
حدیث :

550 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : اصول الکفر ثلاثه الحرص و الاستکبار و الحسد .
ترجمه :

550 - امام صادق عليه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و بزرگ منشی نمودن و حسد ورزیدن .
حدیث :

551 - عن ابی الحسن علی به موسی الرضا عليه السلام عن آباءه عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : دب الیکم داء الامم قلبکم البغضاء و الحسد .
ترجمه :

551 - امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درد امت های پیشین به شما هم سرایت کرده است که آن درد دشمنی نمودن و حسد ورزیدن است .
حدیث :

552 - عن امیرالمؤمنین عليه السلام انه قال : حسد الصدیق من سقم الموده .
ترجمه :

552 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: حسد ورزیدن دوست ، ناشی از ناسلام بودن دوستی است .
حدیث :

553 - و قال عليه السلام : صحه الجسد من قله الحسد.

ترجمه :

553 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: سلامت بدن نشانه کمی حسد است .

حدیث :

554 - علی بن جعفر عن اخیه موسی به جعفر عليه السلام عن ابيه عن جده قال :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ذات يوم لاصحابه : الا انه قد دب اليكم داء الامم من قبلکم و هو الحسد ليس بحالق الشعر لكنه خالق الدين و ینجى فيه ان یکف الانسان يده و یخزن لسانه و لا یكون ذا غمر علی اخیه المومن .

ترجمه :

554 - علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر عليه السلام و ایشان از پدرش و

ایشان از جدش روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روزی به اصحابش فرمود:
آگاه باشید که مرض امتهای گذشته به شما نیز سرایت کرده و آن مرض حسد است این مرض موی را نمی سترد (نمی تراشد) بلکه دین را می تراشد و چیزی که در حال حسد نجات بخش است این است که آدمی دستش را (از تجاوز به محسود) باز دارد و زبانش را نگاه دارد و نسبت به برادر مومن خود کینه نداشته باشد.

56 - باب جمله مما عفی عنه

56 - باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته

اند

حدیث :

555 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : رفع عن امتی تسعه اشياء الخطا و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطرو الیه و الحسد و الطیره و التفکر فی الوسوسه فی الخلق ما لم ینطقوا بشقه .

ترجمه :

555 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه چیز برداشته شده است : خطا و فراموشی و کاری که بر انجام آن مجبور شوند و آنچه که نمی دانند و آنچه که از توان و طاقت آنان بیرون است و آنچه که در حال اضطراب انجام می دهند و حسد (تا زمانی که در دل باشد و آن را اعمال نکنند) و فال بد زدن و تفکر در اندیشه های پریشان در امر آفرینش تا زمانی که بر زبان نیاورند (و در حد فکر باقی بماند).

حدیث :

556 - عن ایب عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : رفع عن امتی اربع خصال خطوها و نسیانها و ما اکرهوا علیه و ما لم یطیقوا و ذلک قول الله عزوجل : (ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرار کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقه لنا به) و قوله : (الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان).

ترجمه :

556 - امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از امت من (عقوبت بر) چهار خصلت برداشته شده است : خطای آنان و فراموش نمودنشان و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و آنچه که طاقت آن را ندارند و گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید: (ای پروردگار ما! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم ما را مواخذه مکن . ای پروردگار ما! بار آنگونه که بر پیشینیان ما حمل نمودی بر ما حمل مکن و آنچه را که طاقت و توان آن را نداریم بر گرده ما مگذار) ⁽¹⁴³⁾ و گفتار خدا که می فرماید: (مگر کسی که مجبور شده است در حالی که قلبش به ایمان آرمیده است) ⁽¹⁴⁴⁾.

حدیث :

557 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : وضع عن امتی تسع خصال الخطا و النسیان و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه و ما استکرها علیہ و الطیره و الوسوسه فی التفکر فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او ید.

ترجمه :

557 - امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه خصلت برداشته شده است : خطا و فراموشی و آنچه که نمی دانند و آنچه که طاقتش را ندارند و آنچه که در حال اضطرار انجام می دهند و آنچه که بر انجام آن مجبور می شوند و فال بد زدن و اندیشه های پریشان در امر آفرینش و حسد تا زمانی که آثار حسد بر زبان یا دست آشکار نگردد.

57 - باب تحريم التعصب على غير الحق

57 - باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق حدیث :

558 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب او تعصب له فقد خلع ربقه الایمان من عنقه .

ترجمه :

558 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از چیزی طرفداری مصرانه و نابجا کند یا اینکه از جانب دیگران به نفع او طرفداری نابجا شود (و او خوشنود باشد) محققا که ریسمان ایمان را از گردن خویش باز کرده است .

حدیث :

559 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : من كان في قلبه حبه من خردل من عصبیه بعثه الله يوم القیامه مع اعراب الجاهلیه .

ترجمه :

559 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس در دلش به اندازه دانه ای خردل تعصب کورکورانه و نابجا باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت بر می انگیزد.

حدیث :

560 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من تعصب عصبه الله بعصابه من نار .

ترجمه :

560 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که تعصب و طرفداری کورکورانه و نابجا بورزد خداوند او را به دستاری از آتش می پیچد.

حدیث :

561 - عن علي بن الحسين عليه السلام قال : لم يدخل الجنة حميه غير حميه حمزه بن عبدالمطلب و ذلك حين اسلم غضبا للنبي صلى الله عليه وآله وسلم في حديث السلي الذي التى على النبي صلى الله عليه وآله وسلم .

ترجمه :

561 - امام سجاد عليه السلام فرمود: هيچ حميت و خشمى داخل بهشت نمى شود بجز خشمى كه حمزه بن عبدالمطلب اعمال نمود و آن زمانى بود كه در جريان انداخته شدن بچه دان گوسفند بر سر مبارك پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم از طرف مشركين ، حضرت حمزه به خشم آمد و اسلام آورد.

حديث :

562 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان الملائكة كانوا يحسبون ان ابليس منهم و كان فى علم الله انه ليس منهم فاستخرج ما فى نفسه بالحميه و الغضب و قال خلقتنى من نار و خلقتة من طين .

ترجمه :

562 - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا فرشتگان مى پنداشتند كه ابليس از آنان است ولى در علم خداوند ابليس از فرشتگان نبود و او به خاطر غيرت نابجا و خشم ، آنچه را كه در درون داشت بيرون ريخت و گفت : خدايا تو مرا از آتش آفريدى و آدم را از گل (بنابراين من از او برترم و در مقابل او سجده نمى كنم).

حديث :

563 - قال اميرالمؤمنين عليه السلام : ان الله يعذب الستة بالسته العرب بالعصبيه و الدهاقين بالكبر و الامراء بالجور و الفقهاء بالحسد و التجار بالخيانة و اهل الرساتيق بالجهل .

ترجمه :

563 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا خداوند شش گروه را به خاطر شش خصلت عذاب می کند: عرب را به خاطر تعصب نابجا و روسا را به خاطر تکبر و خود بزرگ بینی و امیران را به خاطر ستمکاری و دانشمندان را به خاطر حسد و بازرگانان را به خاطر خیانت و ناراستی و روستائیان را به خاطر نادانی .

حدیث :

564 - سئل علی بن الحسین علیه السلام عن العصبیه فقال : العصبیه التي یأثم علیها صاحبها ان یری الرجل شرار قومه خیرا من خیار قوم آخرین و لیس من العصبیه ان یحب الرجل قومه و لکن من العصبیه ان یعین الرجل قومه علی الظلم .

ترجمه :

564 - از امام سجاد علیه السلام درباره تعصب سوال شد. حضرت فرمود: آن تعصبی که دارنده آن گناهکار است این است که مردی بدان قوم خود را بهتر از خوبان قوم دیگران بیندارند اما اینکه مردی قوم خود را دوست بدارد از تعصب نیست بلکه تعصب آن است که مردی قوم خود را بر انجام ستم یاری کند.

حدیث :

565 - عن العمی رفعه قال : من تعصب حشره الله یوم القیامه مع اعراب الجاهلیه .

ترجمه :

565 - عمی از معصوم علیه السلام روایت کند که : کسی که تعصب نابجا داشته باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت محشور خواهد ساخت . 58 - باب تحریم التکبر

58 - باب تحریم خود بزرگ بینی حدیث :

566 - عن حکیم قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن اذنی الالحاد قال : ان الکبر

اذناه .

ترجمه :

566 - حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه کفر و بی

دینی پرسیدم . حضرت فرمود: همانا پایین ترین درجه کفر تکبر ورزیدن است .

حدیث :

567 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال ابو جعفر علیه السلام العز رداء الله و الکبر ازاره

فمن تناول شیئا منه اکبه الله فی جهنم .

ترجمه :

567 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : امام باقر علیه السلام فرمود: ارجمندی

بالاپوش خدا و بزرگ منشی زیر پوش اوست پس هر کس چیزی از آن دو را

برای خود بگیرد خداوند او را به رو در آتش جهنم می افکند.

حدیث :

568 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الکبر رداء الله فمن نازع الله شیئا من ذلک

اکبه الله فی النار .

ترجمه :

568 - امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگ منشی بالاپوش خداست پس کسی

که با خداوند در این باره به کشمکش برخیزد خداوند او را به رو در آتش

خواهد افکند.

حدیث :

569 - عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام قالوا: لا یدخل الجنه من فی قلبه
مثقال ذره من کبر.

ترجمه :

569 - از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت است که : کسی که در قلبش
به اندازه ذره ای کبر و خود بزرگ بینی باشد به بهشت وارد نمی شود.

حدیث :

570 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الکبر رداء الله و المتکبر ینزع الله رداءه .

ترجمه :

570 - امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگ منشی بالا پوش خداوند است و
کسی که تکبر می ورزد با خداوند درباره آن به کشمکش بر می خیزد.

حدیث :

571 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فی جهنم لوادیا للمتکبرین یقال له سقر
شکا الی الله عزوجل شده حره و ساله عزوجل ان یاذن له ان یتنفس فتنفس
فاحرق جهنم .

ترجمه :

571 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که در جهنم صحرائی برای متکبران
است که به آن (سقر) گفته می شود که این صحرا از شدت گرمایش به خداوند
عزوجل شکایت می کند و از خداوند درخواست می کند که به او اجازه دهد که
نفسی بکشد پس چون نفس می کشد جهنم شعله ور می گردد.

حدیث :

572 - عن داود بن فرقد عن اخیه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان
المتکبرین یجعلون فی صور الذر تتطوهم الناس حتی یفرغ الله من الحساب .

ترجمه :

572 - داود بن فرقد از برادرش روایت کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا افراد متکبر در روز قیامت به صورت مورچه در می آیند و مردم آنان را پایمال می کنند تا اینکه خداوند از حساب خلائق فارغ شود.

حدیث :

573 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من عبد الا و فی راسه حکمه و ملک یمسکها فاذا تکبر قال له : اتضع وضعک الله فلا یزال اعظم الناس فی نفسه و اصغر الناس فی اعین الناس و اذا تواضع رفعها الله عزوجل ثم قال له : انتعش نعشک الله فلا یزال اصغر الناس فی نفسه و ارفع الناس فی اعین الناس .

ترجمه :

573 - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست جز اینکه در سر او دهانه و لگامی هست که فرشته ای آن را نگاهداشته است پس هرگاه بنده ای تکبر نمایند آن فرشته به وی می گوید (نفرین کند): فرود آی که خداوند تو را فرومایه و پست کند، پس او پیوسته در نفس خودش خود را بلند مرتبه ترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان کوچکترین مردم است . و هنگامی که تواضع و فروتنی نماید خداوند عزوجل او را بلند مرتبه می گرداند سپس فرشته به او می گوید (دعا می کند): فراز آی که خداوند تو را بلند مرتبه گرداند، پس وی پیوسته در درون خود خود را کوچکترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان بلند پایه ترین مردم است .

حدیث :

574 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : وایاکم و العظمه و الکبر فان الکبر رداء الله عزوجل فمن نازع الله رداءه قصمه الله و اذله يوم القیامه .
ترجمه :

574 - امام صادق علیه السلام در سفارشی به اصحابش فرمود: از بزرگی نمودن و کبر بر حذر باشید زیرا بزرگ منشی بالاپوش خداوند عزوجل است پس کسی که در بزرگ منشی با خداوند به کشمکش برخیزد خداوند او را درهم می شکند و در روز قیامت وی را خوار می سازد.
حدیث :

575 - عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام : ان علیا علیه السلام قال : ما احد من ولد آدم الا و ناصته بید ملک فان تکبر جذبه بناصيته الى الارض ثم قال له : تواضع وضعک الله و ان تواضع جذبه بناصيته ثم قال له ارفع راسک رفعک الله و لاوضعک بتواضعک لله .
ترجمه :

575 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که : همانا علی علیه السلام فرمود: هیچکس از فرزندان آدم نیست جز اینکه موی پیشانی اش در دست فرشته ای است پس اگر تکبر ورزد وی را با موی پیشانی اش به زمین می کشد سپس به او می گوید: فروتن باش ، خدا فرودت آورد. و اگر فروتنی کند موی پیشانی اش را می کشد سپس به او می گوید: سرت را بلند کن ، خدا تو را بالا برد و تو را به خاطر فروتنی ات فرود نیاورد.
حدیث :

576 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان لابلیس کحلا و لعوقا و سعوطا فکحله النعاس و لعوقه الکذب و سعوطه الکبر .

ترجمه :

576 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا شیطان سرمه ای دارد (که در چشم می ریزد) و داروی لیسیدنی دارد (که در دهان می ریزد) و دارویی دارد که در بینی می ریزد. اما سرمه او چرت زدن است و داروی لیسیدنی او دروغ است و دارویی که در بینی مردمان می ریزد کبر و بزرگی نمودن است .

حدیث :

577 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاثه لاینظر الله الیهن ثانی عطفه و مسبل ازاره خیلاء و المنفق سلعتہ بالایمان و الکبر ان الکبریاء لله رب العالمین .

ترجمه :

577 - امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروهند که خداوند به آنها نظر (رحمت) نمی افکند: یکی آنکه متکبرانه روی خود را از دیگران بر می گرداند و دیگری آنکه از روی تکبر جامه بلند خویش بر زمین می کشد و دیگری آنکه کالای خود را با سوگند خوردن و بزرگی نمودن رواج می دهد. همانا بزرگ منشی مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است .

حدیث :

578 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الکبر مطایا النار.

ترجمه :

578 - امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگی نمودن (به منزله) مرکبی است که سوار خود را به سوی آتش می برد.

حدیث :

579 - قال رسول الله ﷺ : يحشر المتكبرون يوم القيامة في خلق الذر في صور الناس يوطئون حتى يفرغ الله من حساب خلقه ثم يسلك بهم الى النار يسقون من طينه خبال من عصاره اهل النار.
ترجمه :

579 - رسول خدا ﷺ فرمود: افراد متکبر در روز قیامت به صورت انسانهایی به کوچکی مورچه محشور می گردند و مردم آنان را پایمال می کنند تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ گردد سپس آنان به سوی آتش روانه می شوند و از چرک تن دوزخیان که عصاره اهل دوزخ است به آنان نوشانده می شود.
حدیث :

580 - قال رسول الله ﷺ : اكثر اهل جهنم المتكبرون .
ترجمه :

580 - رسول خدا ﷺ فرمود: بیشترین اهل جهنم متکبران هستند.
حدیث :

581 - عن جعفر بن محمد عايناه عن ابيه عن آباءه عايناه قال : قال رسول الله ﷺ ان احبكم الى و اقربكم مني يوم القيامة مجلسا احسنكم خلقا و اشدكم تواضعا و ان ابعدم مني يوم القيامة الثرثارون و هم المستكبرون .
ترجمه :

581 - امام صادق عايناه از پدران بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی خود روایت کند که : رسول خدا ﷺ فرمود: همانا دوست داشتنی ترین شما در نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت کسی است که اخلاقش نیکوتر و

فروتنی اش بیشتر باشد و همانا دورترین شما از من در روز قیامت یاوه گویان
که همان خود خواهانند می باشند.

حدیث :

582 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کانت لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ناقه لاتسبق
فسابق اعرابیا بناقته فسبقها فاکتاب لذلک المسلمون فقال : رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم : انها ترفعت و حق علی الله ان لا یرتفع شیء الا وضعه الله .

ترجمه :

582 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ماده شتری (تندرو)
داشت که شتری بر او پیشی نمی گرفت پس (روزی) در مسابقه با شتر عربی از
شتر آن عرب عقب ماند، مسلمین از این واقعه افسرده خاطر شدند پس رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا این شتر ماده خود را برتر شمرد ⁽¹⁴⁵⁾ و بر خداوند
سزاوار است که هیچ چیزی خود را برتر از دیگری نشمرد جز اینکه خداوند او
را فرود آورد. 59 - باب تحريم التجبر و التیه و الاختیال

59 - باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی

حدیث :

583 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاثة لا یکلمهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیامه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم شیخ زان و ملک جبار و مقل مختال .

ترجمه :

583 - امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خداوند با آنان سخن نگوید و در روز قیامت به آنان نظر نمی کند و آنان را پاک نمی گرداند و عذاب دردناکی برای آنان می باشد: یکی پیرمرد زناکار و دیگری پادشاه ستمگر و دیگری فقیر متکبر.

حدیث :

584 - قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من احد یتیه الا من ذله یجدها فی نفسه .

ترجمه :

584 - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کسی نیست که لاف بزرگی بزند مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد.

حدیث :

585 - و فی حدیث آخر عن ابی عبدالله علیه السلام ما من رجل تکبر او تجبر الا

لذله یجدها فی نفسه .

ترجمه :

585 - و در حدیث دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت است که فرمود: هیچ مردی نیست که تکبر بورزد یا خود را بزرگ بشمرد مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد.

حدیث :

586 - عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال : سمعته يقول : الکبر قد یکون فی شرار الناس من کل جنس و الکبر رداء الله فمن نازع الله رداء لم یزده الا سفالا ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مر فی بعض طرق المدینه و سواداء تلقط السرقین فقیل لها: تنحی عن طریق رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فقالت : ان الطريق لمعرض فهم بها بعض القوم ان یتناولها فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : دعوها فانها جباره .

ترجمه :

586 - راوی گوید از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که فرمود: کبر در وجود بدترین کسان از هر جنسی می باشد و کبر بالاپوش خداوند است پس هر کس در آن با خداوند به ستیز پردازد جز پستی و فرومایگی چیزی بر او افزوده نمی گردد. همانا که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از یکی از کوچه های مدینه عبور می کرد و زنی سیاه سرکین حیوانات را از روی زمین جمع می کرد. به آن زن گفته شد: از جلو راه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کنار رو. زن گفت : کوچه پهن و عریض است . برخی از اطرافیان پیامبر قصد کنار زدن زن را نمودند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: او را واگذارید زیرا او متکبر و سرکش است .

حدیث :

587 - عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ فی وصیته لاصحابه انه قال : و ایاکم و التجبر علی الله و اعلموا ان عبدا لم یتل بالتجبر علی الله الا تجبر علی دین الله

فاستقيموا لله و لا تريدوا على اديباركم فتنقلبوا خاسرين اجارنا الله و اياكم من
التجبر على الله .

ترجمه :

587 - امام صادق عليه السلام در توصيه به اصحابش فرمود: از تكبر و سركشى
نمودن در برابر خداوند بر حذر باشيد و بدانيد كه هيچ بنده اى گرفتار تكبر
ورزیدن بر خدا نمی شود جز اينكه بر دين خدا تكبر ورزیده است پس به خاطر
خدا پايدارى كنيد و عقبگرد نكنيد كه زيانكار مى گرديد، خداوند ما و شما را از
تكبر ورزیدن بر خدا برهاند.

حدیث :

588 - عن جعفر بن محمد عليه السلام قال : ان الله تبارك و تعالى ليبغض البيت
اللحم و اللحم السمين فقال له بعض اصحابنا: يا ابن رسول الله انا لنحب اللحم و
ما تخلو بيوتنا عنه فكيف ذلك فقال : ليس حيث تذهب انما البيت اللحم الذى
توكل لحوم الناس فيه بالغيبه و اما اللحم السمين فهو المتجبر المتكبر المختال فى
مشيته .

ترجمه :

588 - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا خداوند تبارك و تعالى خانه پر گوشت
و شخص پر گوشت چاق را دشمن می دارد. راوی گوید: يکى از اصحاب ما به
حضرت عرض کرد: اى پسر رسول خدا! ما هم گوشت را دوست داريم و خانه
هاى ما از گوشت خالى نيست پس چگونه است ؟ (آيا اين گفته شما شامل ما
هم مى شود؟) حضرت فرمود: اينگونه نيست كه تو مى پندارى بلكه مراد از
(خانه پرگوشت) خانه اى است كه در آن گوشت مردمان با غيبت نمودن آنان

خورده می شود و مراد از (پرگوشت چاق) سرکش متکبر است که در راه رفتنش با خودپسندی راه می رود.

حدیث :

589 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الجبارون ابعد الناس من الله عزوجل يوم

القیامه .

ترجمه :

589 - امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین مردم از خداوند عزوجل در روز

قیامت سرکشان متکبر هستند.

حدیث :

590 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان فی جهنم لجبالا یقال له الصعداوان فی

الصعدا لوادیا یقال له سقر و ان فی سقر لجبا یقال له ههب کما کشف عطاء ذلک الجب ضیح اهل النار من حره ذلک منازل الجبارین .

ترجمه :

590 - امام باقر علیه السلام فرمود: همانا در جهنم کوهی است که به آن (صعدا)

گفته می شود و در آن کوه دره ای است که به آن (سقر) گویند و به راستی که در آن دره چاهی است که آن را (ههب) گویند که هرگاه در آن چاه برداشته شود اهل دوزخ از گرمای آن به ناله و فریاد آیند، آن چاه منزلگاه متکبران است .

حدیث :

591 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من مشی فی

الارض اختیالا لعنته الارض و من تحتها و من فوقها.

ترجمه :

591 - امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس با تکبر بر روی زمین گام بردارد زمین و آنچه در زیر و زیر آن است او را لعنت می کنند.

حدیث :

592 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ويل لمن يخال في الارض يعاند جبار السماوات و الارض .
ترجمه :

592 - امام باقر عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: وای به حال کسی که با حالت تکبر بر روی زمین گام بردارد چنین کسی با خدای آسمانها و زمین به دشمنی پرداخته است .
حدیث :

593 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان في السماء ملكين موكلين بالعباد فمن تجبر وضعا .
ترجمه :

593 - امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا در آسمان فرشته هستند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر کسی که تکبر ورزد فرودش می آورند.

حدیث :

594 - عن بشیر النبال قال : کنا مع ابی جعفر علیه السلام فی المسجد اذ مر علینا اسود و هو ینزع فی مشیه فقال ابو جعفر علیه السلام انه الجبار قلت ، انه سائل قال : انه جبار و قال ابو عبدالله علیه السلام : کان علی به الحسین علیه السلام یمشی مشیه کان علی راسه الطیر لایسبق یمینه شماله .

ترجمه :

594 - بشیر نبال گوید: همراه با امام باقر علیه السلام در مسجد بودیم که سیاهی بر ما گذر نمود در حالی که با گردن فرازی و کشیدن اندام راه می رفت امام باقر علیه السلام فرمود: او متکبر است . عرض کردم : او سائلی بیش نیست (و سائل چگونه می تواند متکبر باشد؟!) حضرت فرمود: او متکبر است (زیرا اینگونه راه رفتن ، راه رفتن متکبران است) و فرمود: امام سجاد علیه السلام چنان راه می رفت گویی که بر سر او پرندۀ ای نشسته است ، در راه رفتن جانب راستش بر چپش پیشی نمی گرفت .

حدیث :

595 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم اوصی رجلا من بین تمیم فقال له : ایاک و اسبال الزار و القمیص فان ذلک من المخیله و الله لایحب المخیله .

ترجمه :

595 - امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردی از بنی تمیم را توصیه می فرمود که : از فرو گذاردن شلوار و جامه (به گونه ای که متکبرانۀ بر زمین کشیده شود) بر حذر باش زیرا این کار ناشی از تکبر است و خداوند تکبر را دوست نمی دارد.

حدیث :

596 - و قال ابو عبدالله عليه السلام : ما حاذى الكعيبين من الثوب ففى النار.

ترجمه :

596 - امام صادق عليه السلام فرمود: آنچه از جامه که محاذی و برابر دو غوزک پا برسد (جایگاهش) در آتش است .

حدیث :

597 - و قال عليه السلام : ثلاث اذا كن فى الرجل فلا تتخرج ان تقول انها فى جهنم البذاء و الخيلاء و الفخر.

ترجمه :

597 - امام صادق عليه السلام فرمود: سه خصلت هست که هرگاه آن سه در کسی باشد اگر بگویی آن خصلتها جهنمی است گناهکار نیستی : یکی بد زبانی و هرزه گویی و دیگری تکبر و دیگری فخر فروشی و به خود نازیدن .

60 - باب حد التكبر و التجبر المحرمين

60 - باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام حدیث :

598 - عن محمد بن مسلم عن احدهما عليه السلام قال : لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبه من خردل من الكبر قال : فاسترجعت فقال : ما لك تسترجع ؟ فقلت : لما سمعت منك فقال : ليس حيث تذهب انما اعنى الجحود انما هو الجحود.

ترجمه :

598 - محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام روایت کند که : کسی که در قلبش به اندازه دانه ای خردل کبر و بزرگ منشی باشد به بهشت وارد نمی شود. راوی گوید: با شنیدن این سخن ، من استرجاع نمودم (یعنی **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**) گفتم (حضرت فرمود: چرا استرجاع می کنی ؟ عرض کردم : به خاطر سخنی که از شما شنیدم . حضرت فرمود: اینگونه که می پنداری نیست بلکه مراد من انکار و بی اعتقادی است (یعنی کبری که از روی انکار کبریایی خداوند و بی اعتقادی باشد).

حدیث :

599 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال الکبر ان تغمص الناس و تسفه الحق .

ترجمه :

599 - امام صادق عليه السلام فرمود: کبر آن است که مردمان را خوار و کوچک

بشمیری و حق را ناچیز بدانی .

حدیث :

600 - قال ابو عبدالله عليه السلام : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان اعظم الكبر عمص الخلق و سفه الحق قلت و ما غمص الخلق و سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهليه فمن فعل ذلك فقد نازع الله عزوجل رداءه .
ترجمه :

600 - امام صادق عليه السلام روايت كند كه : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا بزرگترین کبر، کوچک شمردن مردم و ناچیز دانستن حق است. راوی گوید: عرض کردم : معنای این سخن رسول خدا صلى الله عليه وآله چیست ؟ امام صادق فرمود: یعنی از حق بی خبر باشد و از خانواده و خاندان خود بدگویی کند، پس کسی که چنین کند با خداوند عزوجل بر سر کبريایی اش به ستیز برخاسته است .
حدیث :

601 - عن عبد الاعلى عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قلت له ما اكبر؟ قال عليه السلام : اعظم الكبر ان تسفه الحق و تغمص الناس قلت : و ما سفه الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهله .
ترجمه :

601 - عبدالاعلی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم : که کبر چیست ؟ فرمود: بزرگترین کبر آن است که حق را ناچیز و مردمان را کوچک بشمری ، عرض کردم : ناچیز شمردن حق چیست ؟ فرمود: یعنی حق را نداند و بر خاندان خود افترا بزند.
حدیث :

602 - عن محمد بن عمر بن يزيد عن ابيه قال : قلت لابي عبدالله عليه السلام : اننى آكل الطعام الطبي و اشم الرائحة الطيبة و اركب الدابة الفارहे و يتبعنى الغلام فترى فى هذا شيئاً من التجبر فلا افعله فاطرق ابو عبدالله عليه السلام ثم قال : انما الجاز

المعلون من غمص الناس و جهل الحق قال عمر فقلت : اما الحق فلا اجهله و الغمص لا ادري ما هو قال : من حقر الناس و تجبر عليهم فذلك الجبار.

ترجمه :

602 - محمد بن عمر بن یزید از پدرش روایت کند که : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : همانا من غذای پاکیزه می خورم و بوی های خوش می بویم و بر چهارپایان خرامنده سوار می شوم و نوکر پشت سر من راه می افتد پس آیا شما در این امور چیزی از تکبر می بینید تا آنها را به جای نیاورم ؟ امام صادق علیه السلام قدری سکوت فرموده و سر به زیر افکند سپس فرمود: همانا آن متکبر که ملعون است کسی است که مردم را کوچک شمارد و از حق بی خبر باشد. عمر گوید: عرض کردم : اما من نسبت به حق نادان نیستم ولی کوچک شمردن مردم را نمی دانم یعنی چه ؟ حضرت فرمود: کسی که مردم را کوچک بشمرد و بر آنان تکبر ورزد (خود را از آنان بالاتر و برتر بداند) چنین کسی متکبر است .

حدیث :

603 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : لن یدخل الجنة من فی قلبه مثقال حبه من خردل من کبر و لایدخل النار من فی قلبه مثقال حبه من خردل من الايمان قلت : جعلت فداک ان الرجل لیلبس الثوب او یرکب الدابه فیکاد يعرف منه الکبر فقال : لیس بذلک انما الکبر انکار الحق و الايمان الاقرار بالحق .

ترجمه :

603 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که به اندازه دانه خردل کبر و بزرگ منشی در قلبش باشد هرگز به بهشت وارد نمی

شود و کسی که قلبش به اندازه دانه ای از خردل ایمان باشد داخل دوزخ نمی گردد - راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم همانا (گاه باشد که) مرد جامه ای (فاخر) بر تن می پوشد یا اینکه بر مرکبی (رهوار) سوار می شود پس (در این حالت) نزدیک است که از (هیئت) او کبر و بزرگ منشی فهمیده شود (آیا چنین کسی به بهشت وارد نمی شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست بلکه کبر انکار نمودن حق و ایمان اعتراف نمودن به حق است .

حدیث :

604 - عن احدهما یعنی ابا جعفر و ابا عبدالله عليه السلام قال : لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبه من خردل من كبر قال : قلت : انا نلبس التوب الحسن فيدخلنا العجب فقال : انما ذلك فيما بينه و بين الله عزوجل .

ترجمه :

604 - از امام باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: کسی که در دلش به اندازه خردلی کبر باشد به بهشت وارد نمی شود. راوی گوید: عرض کردم: همانا جامه ای نیکو به بر می کنیم پس دچار عجب و خودبینی می شویم (آیا این حالت، مانع بهشت رفتن ماست؟) حضرت فرمود: (خیر) بلکه این حالت بین شخص و خدای عزوجل است (و موجب پایمال شدن حق دیگران نیست).

61 - باب تحريم حب الدنيا المحرمه و وجوب بعضها

61 - باب تحریم دوستی دنیا و وجوب دشمن داشتن دنیا حدیث :

605 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : راس کل خطیئه حب الدنیا .

ترجمه :

605 - امام صادق علیه السلام فرمود: سر هر گناهی دوستی دنیا است .

حدیث :

606 - عن محمد بن مسلم قال : سئل علی بن الحسین علیه السلام ای الاعمال

افضل ؟ قال : ما من عمل بعد معرفه الله و معرفه رسول الله صلی الله علیه و آله افضل من

بغض الدنیا فان لذلك شعبا کثیره و للمعاصی شعبا فاول ما عصی الله به الکبر الی

ان قال ثم الحرص ثم الحسد و هی معصیه ابن آدم حیث حسد اخاه فقتله

فتشعب من ذلك حب النساء و حب الدنیا و حب الرئاسة و حب الراحة و حب

الکلام و حب العلو و والثروه فصرن سبع خصال فاجتمعن کلهن فی حب الدنیا

فقال الانبیاء و العلماء بعد معرفه ذلك حب الدنیا راس کل خطیئه و الدنیا دنیاوان

دنیا بلاغ و دنیا ملعونه .

ترجمه :

606 - محمد بن مسلم گوید: از امام سجاد علیه السلام پرسیده شد که کدامیک از

کارها برتر و با فضیلت تر است ؟ فرمود: پس از معرفت خدا و رسولش هیچ

کاری با فضیلت تر از دشمن داشتن دنیا نیست زیرا دنیا دارای شعبه هایی است

و گناهان نیز شعبه ها و شاخه هایی دارند، پس اولین گناهی که به وسیله آن

خداوند مورد نافرمانی قرار گرفت کبر و بزرگ منشی بود سپس حرص و سپس

حسد، و حسد گناه فرزند آدم بود آنجا که به برادر خود حسد ورزید و او را به

قتل رساند پس گناهانی که از حسد منشعب می شوند عبارتند از: دوستی زنان

و دوستی دنیا و ریاست طلبی و راحت طلبی و علاقه به حرف زدن و برتری جویی و دوستی مال و ثروت پس اینها هفت خصلت اند که همگی در دوستی دنیا جمع شده اند پس پیامبران و دانشمندان پس از شناخت آن فرموده اند که : دوستی دنیا سر هر گناهی است و دنیا دو گونه است : یکی دنیایی که در حد کفایت و بسندگی است و دیگری دنیایی که مورد لعن و دوری از رحمت خداوند است .

حدیث :

607 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فی مناجاه موسی علیه السلام یا موسی ان الدنیا دار عقوبه عاقبت فیها آدم عند خطیئته وجعلتها ملعونه ملعون ما فیها الا ما کان فیها لی یا موسی ان عبادی الصالحین زهدوا فی الدنیا بقدر علمهم و سائر الخلق رغبوا فیها بقدر جهلهم و ما من احد عظمها فقرت عینه بها و لم یحقرها احد الا انتفع بها .

ترجمه :

607 - امام صادق علیه السلام فرمود: در راز گویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام

آمده است که : ای موسی ! همانا که دنیا سرای عقوبت و شکنجه است ، در همین دنیا آدم را به خاطر خطایش عقوبت نمودم و دنیا را مستحق لعن گرداندم و هر چه در دنیاست ملعون است بجز آنچه که برای من است . ای موسی ! همانا بندگان شایسته من به اندازه علم و آگاهی خود به دنیا بی رغبتند و دیگران به اندازه نادانی شان به دنیا میل دارند و هیچکس نیست که دنیا را بزرگ شمرده باشد و دنیا مایه روشنی چشم او شود و هیچکس دنیا را کوچک نشمرده است جز اینکه از آن بهره مند گردیده است .

حدیث :

608 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : حب الدنيا راس كل خطيئه .

ترجمه :

608 - امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی دنیا سر هر گناهی است .

حدیث :

609 - قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من احب دنياہ اضر باخرته .

ترجمه :

609 - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دنیایش را دوست داشته باشد به

آخرت خود زیان می رساند.

حدیث :

610 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه سئل عن الزهد فی الدنيا فقال : (ویحک

حرامها فتنکبه).

ترجمه :

610 - از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زهد و بی رغبتی به دنیا پرسیده شد و

حضرت فرمود: وای بر تو از حرام دنیا، از حرام دنیا دوری کن .

62 - باب استحباب الزهد فی الدنيا و حد الزهد

62 - باب استحباب زاهدانه زندگى كردن در دنيا و حد زهد حديث

:

611 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : منزهد فى الدنيا اثبت اليه الحكمة فى قلبه و انطق بها لسانه و بصره عيوب الدنيا داءها و دواءها و اخرجه منها سالما الى دارالسلام .

و رواه الصدوق فى ثواب الاعمال عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من لم يستحى من طلب المعاش خفت مثوته و رخا باله و نعم عياله و من زهد فى الدنيا... و ذكر مثله .

ترجمه :

611 - امام صادق عليه السلام فرمود: كسى كه نسبت به دنيا بى رغبت باشد خداوند فهم حقيقت را در قلب او پاي بر جا مى گرداند و زبانش را به گفتن سخنان حكيمانه گوياء مى كند و درد و دواى عيبيهاى دنيا را به او مى نماياند و او را سالم و بدون نقص از دنيا به سوى بهشت كه سراى سلامت است بيرون مى برد.

(اين حديث را مرحوم شيخ صدوق رحمته الله در كتاب (ثواب الاعمال) از امام صادق عليه السلام روايت کرده است و پيش از آن چند جمله اضافه دارد كه حضرت فرمود: كسى كه در طلب معاش شرم نكند روزى اش سبك و خاطرش فراخ و خانواده اش در آسودگى قرار مى گيرند و كسى كه به دنيا بى رغبت باشد...

حديث :

612 - عن ابى حمزه قال : ما سمعت باحد من الناس كان ازهد من على بن الحسين عليه السلام الا ما بلغنى عن على بن ابى طالب عليه السلام قال : و كان على بن

الحسين عليه السلام اذا تكلم في الزهد و وعظ ابكى من بحضرته قال ابو حمزه : و قرات صحيفه فيها كلام زهد من كلام على بن الحسين عليه السلام فكنيت ما فيها ثم اتيت على بن الحسين عليه السلام فعرضت ما فيها عليه فعرفه و صححه و كان ما فيها بسم الله الرحمن الرحيم كفانا الله و اياكم كيد الظالمين و بغى الحاسدين و بطش الجبارين ايها المومنون لا يفتننكم الطواغيت و اتباعهم من اهل الرغبه في هذه الدنيا و احذروا ما حذرکم الله منها و ازهدوا فيما زهدکم الله فيه منها و لا تركنوا الى ما في هذه الدنيا ركون من اتخدها دار قرار و منزل استيطان الى ان قال و ليس يعرف تصرف ايامها و تقلب حالاتها و عاقبه ضرر فتنها الا من عصمه الله و نهج سبيل الرشده و سلك طريق القصد ثم استعان على ذلك بالزهد فكرر الفكر و اتعظ بالصبر و زهد في عاجل بهجه الدنيا و تجافى عن لذتها و رغب في دائم نعيم الاخره و سعى لها سعيها. (الحديث)

ترجمه :

612 - ابی حمزه گوید: نشنیده ام که کسی از امام سجاد عليه السلام زاهدتر باشد به جز آنچه که درباره علی بن ابی طالب عليه السلام به من رسیده است ، امام سجاد عليه السلام هرگاه درباره زهد و بی رغبتی به دنیا سخن می فرمود و موعظه می کرد حاضران به گریه می افتادند . ابی حمزه در ادامه گوید: و من نوشته ای را که در آن سخنی از سخنان امام سجاد عليه السلام درباره زهد نوشته شده بود خواندم و آن را برای خود نوشتم سپس به خدمت حضرت امام سجاد عليه السلام آمدم و آن را به حضرت عرضه نمودم حضرت آن را شناخت و تصدیق فرمود و در آن نوشته آمده بود: (به نام خداوند بخشنده و مهربان) خداوند ما و شما را از نیرنگ ستمگران و ستم حسودان و سخت گیری زورگویان کفایت کند، ای ایمان آورندگان ! طاغوتها و پیروانشان که اهل میل به این دنیا هستند شما را به فتنه

نیفکنند، از آنچه که خداوند شما را از آن حذر داده دوری کنید و نسبت به آنچه از دنیا که خداوند شما را درباره آن به زهد و بی رغبتی فرمان داده زهد را پیشه سازید به آنچه که در این دنیاست به گونه کسی که دنیا را سرای ماندن و استراحتگاه برای خود گرفته است تکیه و اعتماد نکنید تا آنجا که فرمود: و دست به کار شدن روزهای دنیا و دگرگونی حالات و سرانجام ضرر فتنه های دنیا را نمی شناسد مگر کسی که خداوند او را حفظ کرده و راه هدایت را پیش گرفته و روش میانه روی را پیموده است سپس در این راه از زهد کمک خواسته است پس در پی اندیشیده است و با صبر و بردباری پذیرای موعظ گردیده است و به این دنیای زودگذر بی رغبت شده و لذتهای آن را فرو نهاده و به نعمتهای همیشگی آخرت رغبت یافته و تمام سعی و کوشش خود را صرف به دست آوردن آن نعمتها نموده است .

حدیث :

613 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان علامه الراغب فی ثواب الاخره زهد فی عاجل زهره الدنيا اما ان زهد الزاهد فی هذه الدنيا لا ینقصه مما قسم الله له فیها و ان زهد و ان حرص الحریص علی عاجل زهره الحیاه الدنيا لایزیده فیها و ان حرص فالمغبون من غبن حظه من الاخره .

ترجمه :

613 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا نشانه کسی که به ثواب آخرت رغبت دارد این است که درباره خوشی زودگذر این دنیا زهد و بی رغبتی پیشه می کند، آگاه باشید که زهد ورزیدن شخص زاهد در این دنیا چیزی از قسمتی که خداوند در این دنیا برای او معین ساخته کم نمی کند اگر چه او زهد ورزد و همانا حرص شخصی که بر بدست آوردن

خوشی های زودگذر دنیا زندگانی دنیا حریص است چیزی به او نمی افزاید اگر چه حرص بورزد پس زیانکار کسی است که درباره بهره اخروی اش دچار زیان شده باشد.

حدیث :

614 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیر المؤمنین علیه السلام : ان من اعون

الاخلاق علی الدین الزهد فی الدنیا.

ترجمه :

614 - امام باقر علیه السلام روایت کند که : امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که

یکی از یاری کننده ترین اخلاق بر دینداری ، بی رغبتی به دنیا است .

حدیث :

615 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال جعل الخیر کله فی بیت و جعل مفتاحه

الزهد فی الدنیا ثم قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یجد الرجل حلاوه الايمان

حتى لا یبالی من اكل الدنیا ثم قال ابو عبدالله علیه السلام : حرام علی قلوبکم ان تعرف

حلاوه الايمان حتى تزهد فی الدنیا.

ترجمه :

615 - امام صادق علیه السلام فرمود: تمام خیر و خوبی در خانه ای قرار داده

شده و کلید آن خانه ، زهد داشتن در دنیا است . سپس فرمود: رسول خدا

صلی الله علیه و آله فرموده است که : (کسی شیرینی ایمان را در نمی یابد مگر اینکه اعتنایی

نداشته باشد که چه کسی دنیا را می خورد) سپس امام صادق علیه السلام فرمود: فهم و

درک شیرینی ایمان بر دلهای شما حرام می گردد مگر اینکه دلهایتان در دنیا

زهد و بی رغبتی را پیشه خود کنند.

حدیث :

616 - ان رجلا سال علی بن الحسین علیه السلام عن الزهد فقال عشرة اشياء فاعلى درجه الزهد ادنى درجه الورع و اعلى درجه الورع ادنى درجه اليقين و اعلى درجات اليقين ادنى درجات الرضا الا و ان الزهد فى آيه من كتاب الله (لكيلا تاسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم).

ترجمه :

616 - مردی از امام سجاد علیه السلام درباره زهد سوال کرد، حضرت در جواب فرمود: ده چیز وجود دارد (که هر کدام مراتبی دارند) پس بالاترین زهد پایین ترین درجه ورع (پارسایی) است و بالاترین درجه یقین است و بالاترین درجات یقین پایین ترین درجات رضا (خوشنود بودن به خواست الهی) است، آگاه باشید که زهد در یک آیه از کتاب خدا تفسیر و معنا شده (است آنجا که خداوند فرمود: (تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شادمان نگردید).⁽¹⁴⁶⁾

حدیث :

617 - عن سفیان بن عیینہ قال : سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول : كل قلب فيه شك او شرک فهو ساقط و انما ارادوا بالزهد فى الدنيا لتفرغ قلوبهم للاحره .

ترجمه :

617 - سفیان بن عیینہ گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر دلی که در آن شکی یا شرکی باشد ناسالم و بی اعتبار است و راستی که به زهد و بی رغبتی به دنیا دستور داده اند تا دل‌های مردمان برای آخرت (از هر چیزی) فارغ شود.

حدیث :

618 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا اراد الله بعبد خيرا زهده في الدنيا و فقهه في الدين و بصره عيوبها و من اوتيهن فقد اوتى خيرا الدنيا و الاخره و قال : لم يطلب احد الحق بباب افضل من الزهد في الدنيا و هو ضد لما طلب اعداء الحق قلت : جعلت فداك مما ذا؟ قال : من الرغبه فيها و قال الا من صبار كريم فانما هي ايام قلائل الا انه حرام عليكم ان تجدوا طعم الايمان حتى تزهدوا في الدنيا قال و سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول اذا تخلى المومن من الدنيا سما و وجد حلاوه حب الله فلم يشتغلوا بغيره قال : و سمعته يقول : ان القلب اذا صفا ضاقت به الارض حتى يسمو.

ترجمه :

618 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند خیر بنده ای را بخواهد او را به دنیا بی رغبت می گرداند و در دین دانایش می سازد و نسبت به عیبهای او را بینا می نماید و کسی که این سه چیز به او داده شده حقیقتا که خیر دنیا و آخرت به او بخشیده شده است ، و فرمود: هیچکس حق را از راهی بهتر و با فضیلت تر از زهد در دنیا طلب نکرده است و زهد ضد آن چیزی است که دشمنان حق طلب می کنند راوی گوید: عرض کردم : فدایت شوم آن چیزی که دشمنان حق طالب آن هستند چیست ؟ فرمود: رغبت و میل به دنیا، و فرمود: بهوش باشید و بر حذر باشید از خداوند بسیار شکیبای بخشنده ، جز این نیست که دنیا روزهایی اندک است ، آگاه باشید که چشیدن طعم ایمان بر شما حرام است مگر اینکه در دنیا زاهدانه زندگی کنید راوی گوید: و از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه مومن از دنیا دست بکشد و چشم پوشی کند بالا می رود و شیرینی دوستی خداوند را می یابد پس به غیر خدا مشغول نمی شود

راوی گوید: و باز از ایشان شنیدم که فرمود: همانا که قلب هرگاه با صفا گردد زمین برایش تنگ می گردد تا اینکه بلندی و ارتفاع می یابد.

حدیث :

619 - عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث ان علی بن الحسین علیه السلام قال : الا و کونوا من الزاهدین فی الدنیا الراغبین فی الاخره الا ان الزاهدین فی الدنیا قد اتخذوا و الارض بساط و التراب فراشا و الماء طیباً و قرضوا من الدنیا تقریضاً. (الحدیث)

ترجمه :

619 - امام باقر علیه السلام روایت کند که امام سجاد علیه السلام فرمود: به هوش باشید از بی رغبتان به دنیا و رغبت کنندگان در آخرت باشید، آگاه باشید که بی رغبتان به دنیا زمین را فرش خود و خاک را بستر خود و آب را مایه خوش بویی خود گرفته اند و خود را به نیکو بریدنی از دنیا بریده اند.

حدیث :

620 - عن عمرو بن سعید بن هلال قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : انی لا التفاک الا فی النین فاوصنی بشیء حتی آخذ به قال : اوصیک بتقوی الله و الورع و الاجتهاد و ایاک ان تطمح الی من فوقک و کفی بما قال الله عزوجل لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجاً منهم زهره الحایه الدنیا) و قال (فلا تعجبک اموالهم و لا اولادهم) فان خفت ذلک فاذا عیش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فانما کان قوته من الشعیر و حلواه من التمر و وقوده من السعف اذا وجدته و اذا اصبت بمصیبه فی نفسک او مالک او ولدک فاذا ذکر مصابک برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فان الخلائق لم یصابوا بمثله قط.

ترجمه :

620 - عمر بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من چند سال یک بار شما را دیدار می کنم پس به من سفارشی فرما تا به آن عمل کنم. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بر حذر باش از اینکه به کسی که (از نظر مال و دارایی) از تو بالاتر است نظر کنی و گفتار خدای عزوجل به پیامبرش (برای تو و همه) کفایت می کند که فرمود: (دو چشمت را به سوی آنچه که به وسیله آن اصنافی از مردمان را کامیاب ساختیم مگشای که آن خوشی زندگی دنیا است) ⁽¹⁴⁷⁾ و فرمود: (پس مالها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد) ⁽¹⁴⁸⁾ پس اگر (از متنعم بودن کفار) بر خود ترسیدی زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به یاد آور که نان او از جو و غذای شیرین او از خرما و اگر می یافت هیزم او شاخه بی برگ خرما بود و هرگاه به مصیبتی جانی یا مالی یا مصیبت فرزندان دچار شدی مصیبتی را که به واسطه از دست دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن دچار گشته ای یاد آور زیرا مردمان هرگز به مصیبتی همانند مصیبت فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفتار نشده اند.

حدیث:

621 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قیل لامیرالمؤمنین علیه السلام ما الزهد فی الدنیا؟ قال: تنکب حرامها.

ترجمه:

621 - امام صادق علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین پرسیده شد که: زهد در دنیا چیست؟ فرمود: اعراض و دوری کردن از حرام دنیا.

حدیث:

622 - عن ابی الطفیل قال: سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام یقول: الزهد فی الدنیا قصر الامل و شکر کل نعمه و الورع عما حرم الله علیک.

ترجمه :

622 - ابی الطفیل گوید: از امیرالمؤمنین شنیدم که فرمود: زهد در دنیا عبارت است از کوتاه نمودن آرزو و به جا آوردن شکر هر نعمتی و باز ایستادن از هر چیزی که خداوند بر تو حرام ساخته است .

حدیث :

623 - قال ابو عبدالله عليه السلام ليس الزهد في الدنيا باضاعة المال و لا بتحريم الحلال بل الزهد في الدنيا ان لا تكون بما في يدك اوثق منك بما في يد الله عزوجل .

ترجمه :

623 - امام صادق عليه السلام فرمود: زهد در دنیا تلف کردن مال و حرام ساختن حلال نیست بلکه زهد این است که اعتماد و اطمینان تو به آنچه که در دست توست بیشتر از اعتماد به آنچه که در دست خدای عزوجل است نباشد.

حدیث :

624 - عن حفص بن غياث قال : سمعت موسى بن جعفر عليه السلام عند قبر و هو يقول : ان شيئاً هذا آخره لحقيق ان يزهد في اوله و ان شيئاً هذا اوله لحقيق ان يخاف من آخره .

ترجمه :

624 - حفص بن غياث گوید: از امام موسی بن جعفر عليه السلام شنیدم که در کنار قبری می فرمود: به راستی چیزی که (دنیایی که) آخرش این است سزاوار است که در آغازش نسبت به آن زهد پیشه شود و راستی چیزی که آغازش چنین است سزاوار است که از سرانجامش ترسیده شود.

حدیث :

625 - عن فاطمه بنت الحسين عن ابيها عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان صلاح اول هذه الامه بالزهد و اليقين و هلاك آخرها بالشح و الامل .
ترجمه :

625 - فاطمه دختر امام حسين عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرموده است : همانا نیکی و شایستگی اول این امت به داشتن زهد و یقین است و هلاکت و نابودی آخر این امت به بخیل بودن و داشتن آرزو (آرزوی طولانی) است .
حدیث :

626 - عن الحسن بن على العسكري عليه السلام هن آباءه عليه السلام عن الصادق عليه السلام انه سئل عن الزاهد فى الدنيا قال : الذى يترك حلالها مخافه حسابه و يترك حرامها مخافه عقابه .
ترجمه :

626 - امام حسن عسکری عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که از امام صادق عليه السلام درباره زاهد در دنیا پرسیده شد که زاهد کیست ؟ فرمود: زاهد کسی است که در حلال دنیا را از ترس حساب آن و حرام دنیا را از ترس کیفر و عقاب آن ترک کند.

63 - باب استحباب ترک ما زاد عن قدر الضروره من الدنيا

63 - باب استحباب ترک نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه

ضرورت است

حدیث :

627 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ما لی و للدنیا انما

مثلی کراکب رفعت له شجره فی یوم صائف فقال تحتها قم راح و ترکها .

ترجمه :

627 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرا با دنیا

چه کار است ؟ همانا مثل من همانند سوارکاری است که در یک روز گرم برای

او درختی بر پا شده باشد و او در زیر آن درخت در وسط روز به خواب رود

سپس استراحتی کند (یا بادی بوزد) و آن درخت را ترک کند (و برود).

حدیث :

628 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : فی طلب الدنیا

اضرار بالآخره و فی طلب الاخره اضرار بالدنیا فاضروا بالدنیا فانها احق

بالاضرار .

ترجمه :

628 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در طلب

کردن دنیا به آخرت زیان می رسد و در طلب کردن آخرت به دنیا زیان می

رسد پس به دنیا زیان برسانید که دنیا سزاوار زیان است .

حدیث :

629 - عن ابی عبدالله علیه السلام : ان فی کتاب علی علیه السلام انما مثل الدنیا کمثل الحیه ما الین مسها و فی جوفها السم الناقع یحذرھا الرجل العاقل و یرھوی الیھا الصبی الجاهل .

ترجمه :

629 - امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده است که : مثل دنیا همانند مار است که چقدر لمس و سودن آن نرم است در حالی که در درون آن زهر کشنده است ، مرد عاقل از چنین ماری حذر می کند و کودک نادان به سوی آن مایل می شود.

حدیث :

630 - عن جعفر بن محمد عن آباءه علیهم السلام فی وصیته النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی ان الدنیا سجن المومن وجنه الکافر یا علی اوحی الله الی الدنیا اخدمی من خدمنی و اتعبی من خدمک یا علی ان الدنیا لو عدلت عندالله جناح بعوضه لما سقی الکافر منها شربه من ماء یا علی ما احد من الاولین و الاخرین الا و هو یرتمنی یوم القیامه انه لم یعط الدنیا الا قوتا.

ترجمه :

630 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که : ای علی ! همانا که دنیا زندان مومن و بهشت کافر است ، ای علی ! خداوند به دنیا وحی فرستاد که : خدمتگزار کسی باش که در خدمت من است و به رنج و سختی بیفکن کسی را که در خدمت توست ، ای علی ! راستی که اگر ارزش دنیا در نزد خدا با بال پشه ای برابری می کرد هرگز به کافر جرعه ای از آب آن را نمی نوشاند، ای علی ! هیچکس از

خلق اولین و آخرین نیست جز اینکه در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا تنها به اندازه خوراکی به او داده می شد.

حدیث :

631 - قال رسول الله ﷺ : ما قل و كفى خير مما كثر و الهى .

ترجمه :

631 - رسول خدا ﷺ فرمود: آنچه که اندک باشد و کفایت کند از آنچه که فراوان باشد و (آدمی را به خود) مشغول سازد بهتر است .

حدیث :

632 - و باسناده عن امیرالمؤمنین علیؑ فی وصيته لمحمد بن الحنفیه قال : و لا مال اذهب للفاقه من الرضا بالقوت و من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحة و تبوا خفض الدعاه ، الحرص داع الی التقحم فی الذنوب .

ترجمه :

632 - امیرالمؤمنین علیؑ در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: و هیچ مالی بهتر از خوشنود بودن به خوراک ، فقر را بر طرف نمی کند و کسی که به مقدار کفاف روزانه اکتفا کند راحتی و آسایشش را سامان بخشیده است و در فراخی و آسودگی زندگانی مقیم گشته است ، حرص (آدمی را) به سوی سرنگونی در گناهان فرا می خواند.

حدیث :

633 - عن ابی الدرداء قال : قال رسول الله ﷺ : من اصبح معافی فی جسده آما فی سربه عنده قوت یومه فکانما خیرت له الدنیا یا ابن جعشم یکفیک منها ما سد جوعتک و واری عورتک فان یکن بیت یکنک فذاک و ان

یکن دابه ترکبها فبئخ بئخ و الا فالخبز و ماء الجره و ما بعد ذلک حساب علیک او عذاب .

ترجمه :

633 - ابو درداء گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که صبح کند در حالی که تندرست و سالم باشد و درباره مرکب سواری اش ایمن باشد و در نزد او خوراک روزانه اش موجود باشد گوئیا خیر دنیا به او بخشیده شده است ، ای پسر جعشم ! در این دنیا آنچه که گرسنگی تو را بر طرف سازد و عورتت را بیوشاند برایت کافی است پس اگر خانه ای باشد که سایبانت شود نیکوست و اگر چهارپایی باشد که بر آن سوار شوی پس بسی نیکوتر و گرنه نانی و آب سبویی (بس است) و بیش از اینها یا موجب حساب بر توست یا باعث عذاب و کیفر توست .

حدیث :

634 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : یا ابن آدم ما کسبت فوق قوتک فانت فیه خازن لغیرک .

ترجمه :

634 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم ! آنچه که بیش از خوراک روزانه ات کسب کرده ای تو در آن نگاهبانی دهنده برای دیگران گشته ای .

حدیث :

635 - و قال علیه السلام : کل مقتصر علیه کاف .

ترجمه :

635 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر مقداری که بتوان بر آن اکتفا نمود کافی است .

حدیث :

636 - و قال عليه السلام : الزهد بين كلمتين من القرآن قال الله تعالى (لكيلا تاسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم) و من لم يأس على الماضي و لم يفرح بالآتي فقد استكمل الزهد بطرفيه .

ترجمه :

636 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: زهد بين دو جمله از قرآن (تعريف شده) است آنجا که خداوند تعالی فرموده است : (تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شده است شادمان نگردید) ⁽¹⁴⁹⁾ پس کسی که بر گذشته اندوه نخورد و به آینده شادمان نباشد هر دو جانب زهد را به صورت کامل دریافته است .

حدیث :

637 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال ابو جعفر عليه السلام : مثل الحرص علی الدنيا مثل دوده القز كلما ازدادت علی نفسها لفا كان ابعدها من الخروج حتی تموت غما قال : و قال ابو عبدالله عليه السلام : اغنی الغنی من لم یکن للحرص اسیرا و قال : لاتشعروا قلوبکم الاشغال بما قد فات فتشغلوا اذهانکم عن الاستعداد لما لم یات .

ترجمه :

637 - امام صادق عليه السلام از امام باقر عليه السلام روایت کند که فرمود: مثل شخصی که بر دنیا حرص است همانند کرم ابریشم است که هر چه پيله را بیشتر به دور خود می پیچد خارج شدنش از دورن آن بعیدتر می شود تا اینکه از (شدت) اندوه می میرد راوی گوید: و امام صادق عليه السلام فرمود: بالاترین ثروت (حالت) کسی است که اسیر حرص نباشد. و فرمود: مشغول گشتن به آنچه که از دست

رفته است را در دلهايتان وارد نسازيد (به آنچه که فوت شده نپردازيد) که در
نتيجه ذهنهای خود را از آمادگی برای آنچه که نيامده است از می داريد.

حدیث :

638 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ابعء ما يكون العبد من الله عزوجل اذا لم

يهمه الا بطنه و فرجه .

ترجمه :

638 - امام صادق عليه السلام فرمود: دورترین حالتی که بنده از خدای عزوجل

دارد آن هنگامی است که چیزی جز شکم و زیر شکمش برای او اهمیت نداشته
باشد.

حدیث :

639 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : من كثر اشتبا كه في الدنيا كان اشد لحسرته

عند فراقها.

ترجمه :

639 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که زیاد با دنیا گره خورده باشد

حسرت و اندوهش هنگام جدایی از آن زیادتر خواهد بود.

حدیث :

640 - عن احمد بن ابی عبدالله البرقی عن ابيه رفعه الى ابی عبدالله عليه السلام قال

: حرم الحريص خصلتين و لزمته خصلتان حرم القناعه فافتقد الراحة و حرم الله
الرضا فافتقد اليقين .

ترجمه :

640 - احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش روايت کند که امام صادق

عليه السلام فرمود: شخص حريص از دو خصلت محروم است و دو خصلت ملازم با

اوست از قناعت محروم است پس در نتیجه ، راحتی و آرامش را گم کرده است و از خوشنود بودن (به داده الهی) محروم است پس در نتیجه ، یقین و باور را گم کرده است .

65 - باب کراهه حب المال و الشرف

65 - باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی حدیث :

641 - عن حماد بن بشیر قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما ذئبان ضاریان فی غنم قد غاب عنها رعاوها احدهما فی اولها و الاخر فی آخرها باضر فیها من حب المال و الشرف فی دین المسلم .
ترجمه :

641 - حماد بن بشیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: دو گریگ درنده در گله ای که چوپانی به همراه ندارد در حالی که یک گریگ در اول گله و دیگری در آخر گله باشد ضررشان به آن گله بیشتر نیست از ضرری که دوستی با دارایی و ارجمندی به دین مسلمانان می زند.
حدیث :

642 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان الشيطان يدیر ابن آدم فی كل شیء فاذا اعیاه جثم له عند المال فاخذ برقبته .
ترجمه :

642 - امام صادق عليه السلام فرمود: همانا شیطان فرزند آدم را در هر چیزی کاملاً زیر نظر می گیرد پس هنگامی که وی شیطان را درمانده و عاجز کرد (و شیطان نتوانست او را فریب دهد) شیطان در برابر مال و دارایی سینه اش را برای او بر زمین می نهد و گردنش را می گیرد.
حدیث :

643 - عن امير المؤمنين عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : ان الدينار و الدرهم اهلكا من كان قلبكم و هما مهلكاكم .

ترجمه :

643 - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است : همانا دينار و درهم پيشينيان شما را به هلاکت رساند و همين دو نيز هلاک کننده شماست .

66 - باب كراهه الضجر و الكسل

66 - باب کراحت بی قراری نمودن و سستی کردن حدیث :

644 - عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام انه قال فی وصیته لبعض ولده :
و ایاک و الکسل و الضجر فانهما یمنعانک حظک من الدنیا و الاخره .
ترجمه :

644 - امام موسی بن جعفر علیه السلام در وصیتش به یکی از فرزندان خود
فرمود: از سستی کردن و بی قراری نمودن بر حذر باش زیرا این دو جلو بهره
دنیوی و اخروی تو را می گیرند.
حدیث :

645 - عن جعفر بن محمد عن آباءه علیهم السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام
قال : یا علی لا تمزح فیذهب بهاوک و لا تکذب فیذهب نورک و ایاک و خصلتین
الضجر و الکسل فانک ان ضجرت لم تصبر علی حق و ان کسلت لم تود حقا یا
علی من استولی علیه الضجر رحلت عنه الراحه .
ترجمه :

645 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرد که وصیت پیامبر
صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی! شوخی مکن که خوبی و
نیکویی تو را می برد و دروغ مگو که نور تو را از بین می برد و از دو خصلت
بر حذر باش یکی نالیدن و بی قراری نمودن و دیگری سستی زیرا اگر بی
قراری کنی بر حق نمی توانی شکویا باشی و اگر سستی کنی حقی را نمی توانی
به دست آوری ، ای علی! کسی که بی تابی و بی قراری بر او مسلط شود
راحتی و آسایش از وجود او کوچ می کند.
حدیث :

646 - عن عمر بن علی عن ابيه علی بن ابی طالب عليه السلام ان النبی صلى الله عليه وسلم قال : علامه الصابر فی ثلاث اولها ان لا یکسل و الثانيه ان لا یضجر و الثالثه ان لا یشکو من ربه عزوجل لانه اذا کسل فقد ضیع الحقوق و اذا ضجر لم یود الشکر و اذا شکا من ربه عزوجل فقد عصاه .
ترجمه :

646 - عمر بن علی از پدرش علی بن ابی طالب عليه السلام روایت کند که فرمود:
همانا پیامبر صلى الله عليه وسلم فرموده است : نشانه شخص صابر و شکیبیا در سه چیز است : اول اینکه سستی نمی کند و دوم اینکه بی قراری نمی کند و سوم اینکه از پروردگار عزیز بزرگواریش شکایت نمی کند زیرا اگر سستی کند قطعاً حقوقی را ضایع می کند و اگر بی قراری کند شکر و سپاس (پروردگارش) را به جای نیاورده است و اگر از پروردگارش شکایت کند او را نافرمانی کرده است .
حدیث :

647 - عن ابی الحسن موسی عليه السلام فی حدیث انه قال لبعض ولده : ایاک و المزاح فانه یذهب بنور ایمانک حظک من الدنيا و الاخره .
ترجمه :

647 - امام موسی بن جعفر عليه السلام به یکی از فرزندانش فرمود: از شوخی کردن بپرهیزد که نور ایمان تو را از بین می برد و مروت و مردانگی تو را سبک می کند و از بی قراری و سستی حذر کن که این دو بهره دنیوی و اخروی تو را مانع می شوند.

67 - باب کراهه الطمع

67 - باب کراهت طمع ورزیدن حدیث :

648 - عن ابی عبدالله قال : ما اقبیح بالمومن ان تکون له رغبه تذله .

ترجمه :

648 - امام صادق علیه السلام فرمود: برای مومن چقدر زشت است که میل و رغبتی داشته باشد که او را به ذلت و خواری بکشاند.

حدیث :

649 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : بئس العبد عبد یكون له طمع یقوده و بئس العبد عبد له رغبه تذله .

ترجمه :

649 - امام باقر علیه السلام فرمود: بد بنده ای است که بنده ای که طمعکاری اش او را رهبری کند و بد بنده ای است آن بنده ای که دارای میل و رغبتی باشد که او را به خواری اندازد.

حدیث :

650 - قال علی بن الحسین علیه السلام رایت الخیر کله قد اجتمع فی قطع الطمع عما فی ایدی الناس .

ترجمه :

650 - امام سجاد علیه السلام فرمود: دانسته ام که تمامی خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آنچه که در دستان مردمان است جمع شده است .

حدیث :

651 - عن سعدان عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قلت : الذي يثبت الايمان في العبد قال : الورع و الذي يخرج منه الطمع .

ترجمه :

651 - سعدان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آن چیزی که ایمان را در درون بنده ثابت و پا بر جا می کند چیست ؟ حضرت فرمود: باز ایستادن از گناه ، و آن چیزی که ایمان را از دل او بیرون می کند طمع است .

حدیث :

652 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام في وصيته لمحمد بن الحنفية قال : اذا احببت ان تجمع خير الدنيا و الاخره فاقطع طمعك مما في ايدي الناس .

ترجمه :

652 - امیرالمؤمنین عليه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: اگر دوست داری که خیر دنیا و آخرت را برای خود گرد آوری پس طمع و چشم داشتنت را به آنچه که در دستان مردمان است قطع کن .

حدیث :

653 - عن ابي جعفر عليه السلام قال : اتى رجل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال : علمني يا رسول الله شيئاً فقال : عليك بالياس مما في ايدي الناس فانه الغنى الحاضر قال : زدني يا رسول الله قال : اياك و الطمع فانه الفقر الحاضر .

ترجمه :

653 - امام باقر عليه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من چیزی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد که از آنچه که در دستان مردمان است مایوس باشی که این چنین روحیه ای ثروتی

حاضر و آماده است . مرد دوباره عرض کرد: ای رسول خدا! بیش از از این بفرما. فرمود: از طمع بر حذر باش که طمع ، فقری حاضر و آماده است .

حدیث :

654 - عن الصادق جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام قال : سئل اميرالمؤمنين عليه السلام ما ثبات الايمان ؟ قال : الورع . فقيل : ما زواله ؟ قال : الطمع .

ترجمه :

654 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : از امیرالمؤمنین عليه السلام پرسیده شد که : چه چیزی مایه ثبات و پابرجایی ایمان است ؟ فرمود: باز ایستادن از گناه ، پرسیده شد: چه چیز باعث زوال ایمان است ؟ فرمود: طمع .

حدیث :

655 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : اكثر مصارع العقول تحت بروق المطامع .

ترجمه :

655 - امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: بیشترین جایی که عقلها به زمین می خورد در زیر درخشیدن طمعکاری ها است .

حدیث :

656 - عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليهم السلام عن علي عليه السلام قال : جاء خالد الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : يا رسول الله اوصني و اقله لعلني احفظ فقال : اوصيك بخمس بالياس مما في ايدي الناس فانه الغنى الحاضر و اياك و الطمع فانه الفقر الحاضر و صل صلاه مودع و اياك و ما تعتذر منه و احب لاختيك ما تحب لنفسك .

ترجمه :

656 - امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران‌ش روایت کند که
: علی علیه السلام فرمودند خالد به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای
رسول خدا! مرا سفارشی فرما و کوتاه باشد شاید بتوانم آن را به خاطر بسپرم .
حضرت فرمود: تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم : یاس و ناامیدی نسبت به
آنچه که در اختیار مردم است زیرا اینگونه یاس ثروتی حاضر و آماده است ، و
از طمع بر حذر باش که آن فقری حاضر و آماده است ، و نماز چنان به جای
آور که گوئیا در حال وداع هستی (و این آخرین نماز توست)، و از چیزی که
از به جای آوردنش باید عذرخواهی کنی بر حذر باش ، و برای برادر خود
چیزی را که برای خود دوست می‌داری دوست مدار.

68 - باب کراهه الخرق

68 - باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری) حدیث :

657 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من قسم له الخرق حجت عنه الایمان .

ترجمه :

657 - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که درشتی کردن برایش مقدر و قسمت

شده است ایمان از او باز داشته شده و پوشانده شده است .

حدیث :

658 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : لو كان الخرق خلقا

یری ما كان فی شیء من خلق الله اقبیح منه .

ترجمه :

658 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : اگر درشتی

(ناسازگاری) به صورت یکی از آفریدگان دیده می شد هیچ چیز از آفریدگان

خداوند زشت تر از او نبود.

69 - باب تحریم اساءه الخلق

69 - باب تحریم بد اخلاقی حدیث :

659 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق لیفسد العمل کما یفسد الخل العسل .

ترجمه :

659 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که بد اخلاقی عمل را تباه می کند همچنانکه سرکه عسل را فاسد می سازد.

حدیث :

660 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : ابی الله لصاحب الخلق السیی بالتوبه قیل : و کیف ذاک یا رسول الله ؟ قال : اذا تاب من ذنب وقع فی ذنب اعظم منه .

ترجمه :

660 - امام صادق علیه السلام روایت کند که : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند از توبه شخصی که دارای اخلاق بد است کراهت دارد. عرض شد که : ای رسول خدا! این چگونه است ؟ فرمود: (زیرا) هنگامی که از گناهی توبه می کند در گناهی بزرگتر از گناه گذشته واقع می شود.

حدیث :

661 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق لیفسد الایمان کما یفسد الخل العسل .

ترجمه :

661 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقیش بد شد خود را در عذاب قرار داده است .

حدیث :

662 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من ساء خلقه عذب نفسه .

ترجمه :

662 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب

قرار داده است .

حدیث :

663 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوحى الله عزوجل الى بعض انبيائه الخلق

السيى يفسد العمل كما يفسد الخل العسل .

ترجمه :

663 - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی

فرستاد که : اخلاق بد عمل را فاسد می کند همچنانکه سرکه باعث فاسد شدن

عسل می گردد.

حدیث :

664 - عن جعفر بن محمد عن آباءه علیهم السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام

قال : یا علی لكل ذنب توبه الا سوء الخلق فان صاحبه كلما خرج من ذنب دخل

فی ذنب .

ترجمه :

664 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر

اکرم صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! هر گناهی توبه ای دارد به جز

بد اخلاقی زیرا کسی که دارای اخلاق بد است هر زمان که از گناهی بیرون می

رود در گناهی دیگر وارد می شود.

حدیث :

665 - عن الرضا عليه السلام عن آباءه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : عليكم بحسن الخلق فان حسن الخلق في الجنة لامحاله و اياكم و سوء الخلق فان سوء الخلق في النار لا محاله .

ترجمه :

665 - امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده : بر شما باد به خوش اخلاقی زیرا اخلاق نیکو حتما جایگاهش در بهشت است و از بد اخلاقی بر حذر باشید زیرا اخلاق بد حتما جایگاهش در دوزخ است .

حدیث :

666 - عن جعفر عن ابيه عليه السلام قال : قال علي عليه السلام : ما من ذنب الا و له توبه و ما من تائب الا وقد تسلم له توبته ما خلا السيى الخلق لانه لا يتوب من ذنب الا وقع في غيره اشر منه .

ترجمه :

666 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت کرد که : علی عليه السلام فرمود: هیچ گناهی نیست جز اینکه توبه ای دارد و هیچ توبه کننده ای نیست جز اینکه توبه اش برای او سالم و دست نخورده می ماند مگر کسی که بد اخلاق است زیرا چنین کسی از هیچ گناهی توبه نمی کند جز اینکه در گناهی بدتر از آن وارد می شود.

70 - باب تحريم السفه و كون الانسان ممن يتقى شره

70 - باب تحریم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از

بدی او پرهیز می شود

حدیث :

667 - عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی رجلین یتسایان فقال : البادی منهما

اظم و وزره و وزر صاحبه علیه ما لم یتعد المظلوم .

ترجمه :

667 - امام موسی کاظم علیه السلام درباره دو مرد به یکدیگر دشنام می دادند

فرمود: آنکه آغاز نموده ستمکارتر است و گناه خود و طرف مقابلش به گردن اوست البته در صورتی که آنکه مظلوم واقع شده از حد خود تجاوز نکند.

حدیث :

668 - ابی عبدالله علیه السلام قال : لاتسفهوا فان ائمتکم لیسوا بسفهاء و قال ابو

عبدالله علیه السلام : من کافا السفیه بالسفه فقد رضی بمثل ما اتی الیه حیث احتذی مثاله .

ترجمه :

668 - امام صادق علیه السلام فرمود: خود را به نادانی و بی خردی نزنید (و بی

خردی را پیشه نکنید) زیرا پیشوایان شما نادان نبوده و نیستند. و فرمود: کسی که با شخص نادان به نادانی مقابله کند تحقیقا به شبیه همان عملی که با وی صورت گرفته است خوشنود گردیده است زیرا به شخص نادان اقتدا و از وی پیروی کرده است .

حدیث :

669 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لایکون السفه و الغره فی قلب العالم .

ترجمه :

699 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نادانی و ناشی گری در دل شخص

دانشمند نیست .

حدیث :

670 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان السفه خلق لئیم یستطیل علی من دونه

و یشخص لمن فوقه .

ترجمه :

670 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که نادانی خصلت شخص فرومایه و

پست است ، فرومایه بر زیر دست خود تکبر می ورزد و برای بالا دست خود

فروتنی می کند.

حدیث :

671 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال : ان من شر

عبادالله من تکره مجالسته لفحشه .

ترجمه :

671 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است :

به راستی که بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر پلیدی اش همنشین با

او ناپسند شمرده می شود.

حدیث :

672 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان ابغض خلق الله عبد اتقی الناس لسانه .

ترجمه :

672 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا نفرت انگیزترین مخلوق خدا بنده ای

است که مردم از (شر) زبان او پرهیز می کنند.

حدیث :

673 - قال رسول الله ﷺ : شر الناس يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء

شرهم .

ترجمه :

673 - رسول خدا ﷺ فرمود: بدترین مردم در روز قیامت کسانی هستند

که (این دنیا را) از ترس شرشان مورد اکرام و احترام واقع می شوند.

حدیث :

674 - عن أبي عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله ﷺ : شر الناس عند الله

يوم القيامة الذين يكرمون اتقاء شرهم .

ترجمه :

674 - امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا ﷺ فرمود: بدترین

مردم در نزد خداوند در روز قیامت کسانی هستند که (در دنیا) برای پرهیز از شرشان مورد احترام واقع می شوند.

حدیث :

675 - قال ابو عبدالله عليه السلام : من خاف الناس لسانه فهو في النار.

ترجمه :

675 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که مردم از زبانش بترسند جایگاهش

در آتش است .

71 - باب تحريم الفحش و وجوب حفظ الانسان

71 - باب تحریم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان حدیث :

676 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من علامات شرک الشیطان الذی لا یشک فیہ ان یکون فحاشا لایبالی ما قال و لا ما قیل فیہ .

ترجمه :

676 - امام صادق علیه السلام فرمود: از نشانه های شرکت نمودن شیطان که بی گمان این نشانه بیانگر شریک شدن شیطان در روحیه و اعمال شخص است این است که شخصی بد زبان باشد و باکی نداشته که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود.

حدیث :

677 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله یبغض الفاحش المتفحش .

ترجمه :

677 - امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص بد زبان بیهوده گوی را دشمن می دارد.

حدیث :

678 - قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق .

ترجمه :

678 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا دشنام دادن و هرزه گویی و زبان درازی ناشی از نفاق و دو رویی است .

حدیث :

679 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الله یبغض الفاحش البذی ء السائل الملحف .

ترجمه :

679 - امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: راستی که خداوند شخص دشنام دهنده و هرزه گو و در خواست کننده سمج و لجوج را دشمن می دارد.

حدیث :

680 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعائشه : یا عایشه ان الفحش لو کان مثالا لکان مثال سوء.

ترجمه :

680 - امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه فرمود: ای عایشه ! راستی که اگر بد زبانی در قالب و شکلی در آمده بود حتما صورتی بد و زشت داشت .

حدیث :

681 - عن احمد بن محمد عن بعض رجاله قال : قال : من فحش علی اخیه المسلم نزع الله منه برکه رزقه و وکله الی نفسه و افسد علیه معیشته .

ترجمه :

681 - احمد بن محمد از برخی از کسانی که از آنان حدیث نقل می کند، روایت کند که : معصوم علیه السلام فرمود: کسی که به برادر مسلمان خود دشنام دهد خداوند برکت روزی اش را از او می گیرد و او را به خود وا می گذارد و زندگی اش را بر او تباه می سازد.

حدیث :

682 - عن سماعه قال : دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقال لی مبتدئا: یا سماعه ما هذا الذی کان بینک و بین جمالک ؟ ایاک ان تکون فحاشا او سخابا

او لعانا. فقلت : و الله لقد كان ذلك انه ظلمني فقال : ان كان ظلمك لقد اربيت عليه ان هذا ليس من فعالي و لا امر به شيعتي استغفر ربك و لا تعد قلت استغفر الله و لا اعود.

ترجمه :

682 - سماعه گوید: بر امام صادق عليه السلام وارد شدم ، حضرت بدون اینکه من چیزی گفته باشم فرمود: ای سماعه ! بین تو و شتردارت چه گذشته است ؟ بر حذر باش از اینکه دشنام دهنده یا داد و فریاد کننده یا لعن کننده باشی . عرض کردم : سوگند به خدا که او به من ظلم کرد. حضرت فرمود: اگر او به تو ستم کرد تو که بیشتر به او ستم کردی (تو که در ستم کردن از او پیشی گرفتی) راستی که اینگونه رفتار نه با کردار من سازگار است و نه پیروان خود را به چنین رفتاری امر می کنم ، از پروردگارت طلب مغفرت کن و دیگر تکرار نکن . من گفتم : از خداوند طلب مغفرت می کنم و دیگر چنین عملی را تکرار نمی کنم .

حدیث :

683 - عن ابی عبدالله عليه السلام فی حدیث قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : ان من اشر عباد الله من تكره مجالسته لفحشه .

ترجمه :

683 - امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است : راستی که از بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر بد زبانی اش همنشینی با او ناپسند شمرده می شود.

حدیث :

684 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله يحب الحيي الحليم الغني المتعفف الا
وان الله يبغض الفاحش البذيء السائل الملحف .

ترجمه :

684 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص صاحب شرم و
بردبار و ثروتمند پاکدامن را دوست دارد، آگاه باشید که خداوند شخص دشنام
دهنده هرزه گو و سائلی را که سماجت می کند دشمن می دارد.

حدیث :

685 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : ان الحياء و العفاف و العی اعنی
عن اللسان لاعی القلب من الايمان و الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق .

ترجمه :

685 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که حیا و پاکدامنی و درمانده بودن از
ایمان است البته مراد من درمانده بودن زبان است نه درمانده بودن قلب (یعنی
زبان دراز نباشد)، و دشنام و هرزه گویی و زبان درازی از نفاق است .

حدیث :

686 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آباءه علیهم السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی
علیه السلام قال : یا علی افضل الجهاد من اصبح لایهم بظلم احد یا علی من خاف
الناس لسانه فهو من اهل النار یا علی شر الناس من اکرمه الناس اتقاء فحشه و
شره یا علی شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنیا غیره .

ترجمه :

686 - امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت
پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بالاترین جهاد (عمل) کسی
است که مردم از زبانش در بیم و هراس باشند اهل دوزخ است . ای علی !

بدترین مردم کسی است که مردم او را از ترس بدزبانی و بدکاری اش اکرام و احترام کنند، ای علی! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگران بفروشد.

72 - باب تحریم البداء و عدم المبالاه بالقول

72 - باب تحریم هرزه گویی و بدون مبالات سخن گفتن

حدیث :

687 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا رایتم الرجل لایبالی ما قال و لا ما قیل له فهو شرک الشیطان .

ترجمه :

687 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هرگاه دیدید که مردی باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شریک شیطان است .

حدیث :

688 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله حرم الجنه علی کل فحاش بذی ء قلیل الحیاء لایبالی ما قال و لا ما قیل له فانک ان فتشته لم تجده الا لعیه او شکر شیطان قیل : یا رسول الله و فی الناس شرک شیطان فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : اما تقرأ قول الله عزوجل : (و شارکهم فی الاموال و الاولاد) (الحدیث) .

ترجمه :

688 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار کم حیا که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است به راستی که اگر درباره چنین کسی جستجو و کاوش کنی او را گمراه یا شریک شیطان می یابی .
عرض شد: ای رسول خدا! آیا در بین مردم شریک شیطان وجود دارد؟ رسول

خدا ﷺ فرمود: آیا سخن خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: (و با آنان در دارایی ها و فرزندانشان شراکت کن) (150)

حدیث :

689 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : البذاء من الجفاء و الجفاء فی النار.

ترجمه :

689 - امام صادق علیه السلام فرمود: زشت گفتاری ناشی از ستمکاری است و ستمکاری در آتش است .

حدیث :

690 - عن جعفر بن محمد عن آباءه علیهم السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام

قال : یا علی حرم الله الجنه علی کل فاحش بذی : لا یبالی ما قال و لا ما قیل یا علی طوبی لمن طال عمره و حسن عمله .

ترجمه :

690 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است ، ای علی ! خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و کردارش نیکو باشد.

حدیث :

691 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنه و البذاء من الجفاء و الجفا و فی النار.

ترجمه :

691 - امام صادق عليه السلام فرمود: حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است و زشت گفتاری از ستمکاری است و ستمکاری جایگاهش آتش است .

73 - باب تحریم القذف حتی للمشرک مع عدم الاطلاع

73 - باب تحریم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرک

حدیث :

692 - عن عمرو بن نعمان الجعفی قال : کان لابی عبدالله علیه السلام صدیق لایکاد یفارقه - الی ان قال - فقال یوما لغلامه : یا ابن الفاعله این کنت ؟ قال فرفع ابو عبدالله علیه السلام یده فصک بها جبهه نفسه ثم قال : سبحان الله تقذف امه قد کنت اری ان لک ورعا فاذا لیس لک ورع فقال : جعلت فداک ان امه سنديه مشرکه فقال : اما علمت ان لکل امه نکاحا؟ تنح عنی فما رایته یمشی معه حتی فرق بینهما الموت .

ترجمه :

692 - عمر بن نعمان جعفی گوید: امام صادق علیه السلام دوستی داشت که همواره در کنار حضرت بود و از ایشان جدایی نمی کرد روزی به غلام خود گفت : ای زنا زاده کجا بودی ؟ امام صادق علیه السلام دستش را بالا برد و محکم به پیشانی خود کوبید سپس فرمود: سبحان الله ! آیا به مادر او نسبت زنا می دهی ؟ من معتقد بودم که تو دارای ورع و پرهیزکاری هستی ولی اکنون پرهیزکاری در تو نیست . عرض کرد: فدایت گردم ، مادر این غلام اهل سند و مشرک بوده . حضرت فرمود: آیا نمی دانی که هر امتی برای خود نکاحی دارد؟ از من دور شو. راوی گوید: من دیگر آن مرد را همراه حضرت ندیدم تا اینکه مرگ بین او و حضرت جدایی افکند.

حدیث :

693 - قال و فی روایه اخری ان لکل امه نکاحا یحتجزون به عن الزنا.

ترجمه :

693 - راوی گوید: در روایت دیگری آمده است که : همانا برای هر امتی نکاحی هست به وسیله آن از زنا محفوظ می شوند.

حدیث :

694 - عن ابی حمزه ، عن ابی جعفر علیه السلام قال : قلت له : ان بعض اصحابنا یفترون و یقذفون من خالفهم فاق : الکف عنهم اجمل ثم قال : یا ابا حمزه و الله ان الناس کلهم اولاد بغایا ما خلا شیعتنا ثم قال : نحن اصحاب الخمس و قد حرمناه علی جمیع الناس ما خلا شیعتنا . (الحدیث)

ترجمه :

694 - ابی حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم که : برخی از اصحاب ما افترا می زنند و به مخالفین خود نسبت زنا می دهند (آیا این کار سزاوار است ؟) حضرت فرمود: نیکوتر این است که از دادن نسبت بد به آنان دست بکشند سپس فرمود: ای ابا حمزه ! به خدا سوگند که این مردم همگی (در واقع) فرزندان فحشا هستند به جز شیعیان ما ⁽¹⁵¹⁾ - سپس فرمود: ما اصحاب خمس هستیم و آن را بر همه مردم بجز شیعیانمان حرام کرده ایم

حدیث :

695 - عن ابی بکر الحضرمی ، عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سألته عن الرجل یفتري علی الرجل من جاهلیه العرب فقال : یضرب حدا قلت : یضرب حدا؟ قال : نعم ان ذلک یدخل علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم .

ترجمه :

695 - ابی بکر حضرمی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : مردی بر مردی از جاهلیت عرب افترا می زند (حکمش چیست ؟) حضرت فرمود: باید به آن

افترا زننده حد زده شود. عرض کردم : آیا باید حد زده شود؟ فرمود: آری . به راستی که این کار او باعث عیب نمودن بر رسول خدا ﷺ می شود.

74 - باب تحریم البغی

74 - باب تحریم تعدی و تجاوز حدیث :

696 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمومنین علیه السلام : ایها الناس ان البغی یقود اصحابه الی النار و ان اول من بغی علی الله عناق بنت آدم فاول قتیل قتله الله عناق و كان مجلسها جریبا فی جریب و كان لها عشرون اصبعاً فی کل اصبع ظفران مثل المنجلین فسلط الله علیها اسدا کالفیل و ذئبا کالبعیر و نسرا مثل البغل و قد قتل الله الجبابره علی افضل احوالهم و آمن ما كانوا .

ترجمه :

696 - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: ای مردم! راستی که ستم، یاران خود را به سوی آتش رهنمون می کند و همانا اولین کسی که ستم و تعدی بر خدا نمود عناق دختر آدم علیه السلام بود پس اولین کسی هم که خداوند او را به قتل رساند همین عناق بود، جایگاه نشستن او به اندازه جریب در یک جریب بود و دارای بیست انگشت بود و در هر انگشت دو ناخن همانند دو داس داشت پس خداوند بر او شیری همانند فیل و گرگی همانند شتر و کرکسی همانند قاطر مسلط ساخت و خداوند ستمکاران را با وجود بهترین حالاتی که داشتند و امن و امانی که در آن بودند به قتل رساند.

حدیث :

697 - عن مسمع ابی سیار ان ابا عبدالله علیه السلام کتب الیه فی کتاب : انظر ان لاتکلمن بکلمه بغی ابداً و ان اعجبتک نفسک و عشیرتک .

ترجمه :

697 - مسمع ابی سیار گوید که : امام صادق علیه السلام برای وی در نامه ای چنین نوشت : توجه داشته باش که هرگز سخنی به ستم بر زبان نیاوری (دروغ نگویی) اگر چه مورد پسند خودت و خانواده ات باشد.
حدیث :

698 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یقول ابلیس لجنوده : القوا بینهم الحسد و البغی فانهما بعدلان عند الله الشریک .
ترجمه :

698 - امام صادق علیه السلام فرمود: ابلیس به لشکر خود می گوید: در بین فرزندان آدم حسد و ستم را بیافکنید زیرا این دو در نزد خداوند با شرک برابرند.
حدیث :

699 - عن ابی عبدالله علیه السلام ان اعجل الشر عقوبه البغی .
ترجمه :

699 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که عقوبت و کیفر ستم از عقوبت هر بدی دیگر زودتر و با شتاب تر فرا می رسد.
حدیث :

700 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اسرع الخیر ثوابا البر و ان اسرع الشر عقوبه البغی و کفی بالمرء عیبا ان یبصر من الناس ما یرعی عنه من نفسه او یرعی الناس بما لایستطیع ترکه او یوذی جلیسه بما لایعینیه .
ترجمه :

700 - امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که ثواب نیکی کردن از هر خوبی دیگری زودتر فرا می رسد و کیفر ستمکاری از کیفر هر بدی دیگری زودتر

دامنگیر آدمی می شود، و برای مرد همین عیب بس است که از مردم نقصی را ببیند که از دیدن آن نقص در وجود خود عاجز است یا اینکه مردم را بر چیزی سرزنش کند که خود توانایی ترک آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان بیهوده آزار دهد.

حدیث :

701 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان یبغی بعضکم علی بعض فانها لیست من خصال الصالحین فانه من بغی صیر الله بغیه علی نفسه و صارت نصره الله لمن بغی علیه و من نصره الله غلب و اصاب الظفر من الله .

ترجمه :

701 - امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه برخی از شما بر برخی دیگر ستم روا دارد زیرا ستمکاری از خصلتهای شایستگان نیست ، همانا کسی که ستم کند خداوند ستمش را به خود او باز می گرداند و نصرت و یاری خداوند شامل شخص ستمدیده می گردد و کسی که خداوند یاری اش کند حتما غلبه پیدا می کند و پیروزی اش از جانب خداوند فرا می رسد.

حدیث :

702 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آباءه علیهم السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی اربعه اسرع شیء عقوبه رجل احسنت الیه فکافاک بالاحسان اساءه و رجل لاتبغی علیه و هو یبغی علیک و رجل عاهدته علی امر فوفیت له و غدر بک و رجل و صل قرابته فقطعوه .

ترجمه :

702 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی عليه السلام آمده است : ای علی ! چهار کس است که کیفر کردارشان به سرعت فرا می رسد: کسی که به او نیکی کرده ای و نیکی تو را با بدی پاسخ گفته است ، و کسی که به او ستم نمی کنی و او بر تو ستم روا می دارد، و کسی که با او در کاری پیمان بسته ای و به عهد و پیمانت وفا کرده ای ولی او به تو خیانت کرده است ، و کسی که با خویشانش پیوند برقرار کرده است اما آنان با او رابطه شان را قطع نموده اند.

حدیث :

703 - قال و من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : لو بغی جبل علی جبل لجعله الله دكا اعجل الشر عقوبه البغی و اسرع الخیر ثوابا البر.

ترجمه :

703 - امام صادق عليه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرموده است : اگر کوهی بر کوهی ستم کند خداوند آن را ویران می سازد، کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد و ثواب نیکی کردن از ثواب هر خوبی دیگری زودتر به دست می آید.

حدیث :

704 - عن ابی حمزه الثمالی قال : سمعت ابا جعفر عليه السلام یقول : ان اسرع الشر عقوبه البغی .

ترجمه :

704 - ابی حمزه ثمالی گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: همانا عقوبت ستم از عقوبت هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد.

حدیث :

705 - عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام عن آباءه عليهم السلام قال : قال النبي صلى الله عليه وسلم لو بغى جبل على جبل لجعل الله الباغي منهما دكا.

ترجمه :

705 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدراننش : روایت نمود که : پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: اگر گوهی بر گوهی ستم روا دارد خداوند آن گوه ستمکار را خرد و ویران می سازد.

حدیث :

706 - عن جعفر بن محمد عن آباءه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ان اعجل الشر عقوبه البغى .

ترجمه :

706 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرموده است : به راستی که کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری با شتاب تر فرا می رسد.

حدیث :

707 - و بهذا الاسناد قال : دعا رجل بعض بنى هاشم الى البراز فابى ان يبارزه فقال له على عليه السلام : ما منعك ان تبارزه ؟ فقال : كان فارس العرب و خشيت ان يغلبني فقال : انه بغى عليك و لو بارزته لقتلته و لو بغى جبل على جبل لهلك الباغي .

ترجمه :

707 - و به سند روایت گذشته فرمود: مردی یکی از بنی هاشم را در جنگ به مبارزه طلبید مرد هاشمی از مبارزه کردن با وی خودداری کرد، پس علی عليه السلام به مرد هاشمی فرمود: چه چیز تو را از مبارزه با او بازداشت ؟ مرد عرض

کرد: او یکی از سوارکاران عرب است و ترسیدم که بر من پیروز شود. حضرت فرمود: او بر تو تعدی نموده بود و اگر با او به مبارزه می پرداختی هر آینه او را به قتل می رساندی ، و اگر کوهی بر کوهی تعدی کند، تعدی کننده به هلاکت می رسد.

75 - باب کراهه الافتخار

75 - باب کراهت به خود بالیدن و مباهات کردن حدیث :

708 - قال علی بن الحسین علیه السلام : عجا للمتكبر الفخور الذی كان بالامس نطفه ثم هو غدا جیفه .

ترجمه :

708 - امام سجاد علیه السلام فرمود: در شگفتی از کسی که تکبر می ورزد و به خود می نازد و مباهات می کند در حالی که این کس دیروز نطفه ای بود سپس فردا مرداری (گندیده) خواهد شد.

حدیث :

709 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : آفه الحسب الافتخار و العجب .

ترجمه :

709 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : آفت شرافت و بزرگی ، به خود نازیدن و خود بزرگ بینی است .

حدیث :

710 - و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : آفه الحسب الافتخار .

ترجمه :

710 - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آفت گوهر مرد، مباهات و به خود نازیدن است .

حدیث :

711 - اتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رجل فقال : یا رسول الله انا فلان بن فلان حتی عد تسعه فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : اما انک عاشرهم فی النار .

ترجمه :

711 - مردی به خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من فلان بن فلان ... هستم و تا هفت پشت خود را شمرد. رسول خدا ﷺ فرمود: آگاه باش که تو دهمین آنها هستی که در آتش خواهی بود.

حدیث :

712 - قال ابو جعفر عليه السلام : عجباً للمختال الفخور و انما خلق من نطفه ثم يعود جيفة و هو فيما بين ذلك لا يدري ما يصنع به .

ترجمه :

712 - امام باقر عليه السلام فرمود: در شگفتی از کسی که متکبر و فخر فروش است و (آیا نمی داند که) از نطفه ای آفریده شده سپس مرداری می شود و او در بین دو حالت نمی داند که چه بر سرش می آید.

حدیث :

713 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام في وصيه النبي ﷺ لعلي عليه السلام قال : يا علي آفه الحسب الافتخار ثم قال يا علي ان الله قد اذهب بالاسلام نخوة الجاهليه و تفاخرها بآبائها الا ان الناس من آدم و آدم من تراب و اكرمهم عندالله اتقاهم .

ترجمه :

713 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر ﷺ به علی عليه السلام آمده است : ای علی ! آفت بزرگی مرد، فخر فروشی است . ای علی ! راستی که خداوند به وسیله اسلام تکبر و جاهلیت و مباحات نمودن به پدرانشان را از بین برد، به هوش باشید که مردم از حضرت آدم اند و

آدم از خاک آفریده شده و گرامی ترین مردم در نزد خدا پرهیزکارترین آنان است .

حدیث :

714 - عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام قال : ثلاثة من عمل الجاهلیه الفخر بالانساب و الطعن بالاحساب و الاستسقاء بالانواء .

ترجمه :

714 - امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز است که از کارهای زمان جاهلیت است : نازیدن به نسب ها (ی پدران) و طعنه زدن به نژادها و طلب باران نمودن از ستارگان (نسبت دادن باران به ستارگان) ⁽¹⁵²⁾

حدیث :

715 - عن اسماعیل بن ذبیان یرفعه الی ابی عبدالله علیه السلام قال : افتخر رجلا ن عند امیر المؤمنین علیه السلام فقال : اتفتخران باجساد بالیه و ارواح فی النار ان یکن لک عقل فان لک خلقا و ان یکن لک تقوی فان لک کرما و الا فالحمار خیر منک و لست بخیر من احد .

ترجمه :

715 - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: دو مرد در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام به یکدیگر فخر فروشی می کردند، حضرت فرمود: آیا به جسدهای پوسیده و روحهایی که در آتش دوزخ اند فخر می کنید، اگر عقلی داری مروتی داری و اگر دارای تقوا هستی کرم و بزرگواری داری و گرنه پس الاغ از تو بهتر است و تو از هیچ کس بهتر نیستی .

حدیث :

716 - عن الحسين بن المختار رفعه الى امير المؤمنين عليه السلام قال : من وضع شيئاً للمفاخره حشره الله يوم القيامة اسود.

ترجمه :

716 - از امير المؤمنين عليه السلام روايت است كه فرمود: هر كس چيزى را براى مباحات و نازيدن قرار دهد خداوند او را در روز قيامت رو سياه محشور خواهد كرد.

حديث :

717 - عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : ما لابن آدم و الفخر؟ اوله نطفه و آخره جيفه و لا يرزق نفسه و لا يدفع حتفه .

ترجمه :

717 - امير المؤمنين عليه السلام فرمود: فرزند آدم كجا و فخر كردن كجا؟ آغازش نطفه اى است و سرانجامش مردارى خواهد بود و روزى اش به دست خودش نيست و مرگش را از خود نمى تواند دفع كند.

76 - باب تحريم قسوه القلب

76 - باب تحریم قساوت قلب حدیث :

718 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیر المؤمنین علیه السلام : لمتان لمة من الشیطان و لمة من الملک فلمه الملک الرقه و الفهم و لمة الشیطان السهو و القسوه

ترجمه :

718 - امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: دو گونه نزدیک شدن هست: یکی نزدیک شدن شیطان و دیگری نزدیک شدن فرشته، اما نزدیک شدن فرشته مایه دل نازکی و درک کردن است و نزدیک شدن شیطان باعث فراموشی و سنگدلی است.

حدیث :

719 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا خلق الله العبد فی اصل الخلق کافرا لم یمت حتی یحبب الیه الشر فیقرب منه فابتلاه بالکبر و الجبریه فقسا قلبه و ساء خلقه و غلظ وجهه و ظهر فحشه و قل حیاوه و کشف الله ستره و ركب المحارم فلم ینزع عنها (الحدیث).

ترجمه :

719 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند بنده ای را در اصل آفرینش کافر بیافریند نمی میرد مگر اینکه او را دوستدار شر می گرداند و به شر نزدیک می شود پس او را به تکبر و سرکشی دچار می کند پس سنگدل می شود و اخلاقش بد و چهره اش زننده می گردد و زشتی او آشکار می شود و حیالش کم می گردد و خداوند پرده او را می برد و او مرتکب امور ناروا می شود و از آن امور دست بر نمی دارد.

حدیث :

720 - عن علی بن عیسی رفعه قال : فیما ناجی الله به موسی : یا موسی ! لا تطول فی الدنیا املک فبقسو قلبک و القاسی القلب منی بعید .
ترجمه :

720 - علی بن عیسی از امام معصوم علیه السلام روایت کند که : در ضمن رازگویی خداوند با موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! در دنیا آرزویت را طولانی و دراز مگردان که اگر چنین کنی سنگدل می شوی و سنگدل از من دور است .

حدیث :

721 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیهم السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام یا علی : اربع خصال من الشقاء جمود العین و قساوه القلب و بعد الامل و حب البقاء .
ترجمه :

721 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار خصلت ناشی از شقاوت و تیره روزی است : خشکی چشم (یعنی که چشم نگرید) و سنگدلی و آرزوی دور و دراز و دوستی بقا و جاودانگی (در دنیا).

حدیث :

722 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام ما جفت الدموع الا لقسوه القلوب و ما قست القلوب الا لکثره الذنوب .
ترجمه :

722 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اشک چشمها خشک نمی شود مگر به خاطر سختی دلها و دلها سخت نمی شود مگر به خاطر زیادی گناهان .

حدیث :

723 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیهم السلام عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم قال : من الشقاء جمود العين و قسوه القلب و شده الحرص فی طلب الدنيا و الاصرار علی الذنب .

ترجمه :

723 - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : از (نشانه های) بدبختی و تیره روزی ، خشک شدن (اشک) چشم و سخت دلی و حرص زیاد در طلب دنیا و اصرار و پافشاری بر انجام گناه است .

77 - باب تحریم الظلم

77 - باب تحریم ظلم حدیث :

724 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مظلّمه اشد من مظلّمه لا یجد صاحبها علیها عوناً الا الله .

ترجمه :

724 - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ ظلمی بدتر و سخت تر از آن ظلمی نیست که شخص نامظلوم یار و یآوری جز خدا برای دفع آن نیابد.

حدیث :

725 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم : اتقوا الظلم فانه ظلمات یوم القیامه .

ترجمه :

725 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده است : از ظلم کردن بیرهزید زیرا ظلم ، تاریکی ها و ظلمت های روز قیامت را در پی دارد.

حدیث :

726 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من احد یظلم مظلّمه الا اخذع الله بها فی نفسه و ماله فاما الظلم الذی بینہ و بین الله فاذا تاب غفر له .

ترجمه :

726 - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچکس نیست که ستمی به دیگران روا دارد جز اینکه خداوند او را به خاطر ستمش از نظر جانی یا مالی گرفتار می سازد و اما ستمی که بین بنده و خداست اگر بنده توبه کند خداوند بر او می بخشاید.

حدیث :

727 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من ظلم مظلّمه اخذ بها فی نفسه او فی ماله او فی ولده .

ترجمه :

727 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ستمی کند به سبب آن ستم ، در جانش یا مالش یا فرزندانش به گرفتاری می افتد.

حدیث :

728 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل ان ربک لبالمرصاد قال : قنطره علی الصراط لایجوزها عبد بمظلّمه .

ترجمه :

728 - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (همانا پروردگار تو در کمینگاه است) ⁽¹⁵³⁾ فرمود: پلی بر صراط وجود دارد که هر بنده ای که ستمی نموده است از آن نمی تواند گذر کند.

حدیث :

729 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما حضر علی بن الحسین علیه السلام الوفاه ضمنی الی صدره ثم قال یا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حنین حضرته الوفاه و بما ذکر ان اباه اوصاه به قال یا بنی ایاک و ظلم من لایجد علیک ناصر الا الله .

ترجمه :

729 - امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند، سپس فرمود: ای پسر دلبندم! تو را وصیت می کنم به وصیتی که پدرم ابا عبدالله الحسین علیه السلام در هنگام حضور وفاتش به من وصیت نمود و فرمود که پدرش

علی علیه السلام این وصیت را به او فرموده است : ای پسر عزیزم ! بر حذر باش از ظلم کردن به کسی که در برابر تو هیچ یار و یآوری جز خدا نمی یابد.
حدیث :

730 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من خاف القصاص کف عن ظلم الناس .

ترجمه :

730 - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : کسی که از قصاص بترسد از ظلم کردن به مردم خودداری می کند.
حدیث :

731 - عن ابو عبدالله علیه السلام : من اصبح لاینوی ظلم احد غفرالله له ما اذنب ذلک الیوم ما لم یسفک دما او یاکل مال یتیم حراما .
ترجمه :

731 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که صبح کند و ظلم کردن به هیچ کس را در نیت نداشته باشد خداوند گناهان آن روز او را می بخشد مادامی که خونی نریزد یا مال یتیمی را به حرام نخورد.
حدیث :

732 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : اما انه ما ظفر بخیر من ظفر بالظلم اما ان المظلوم یاخذ من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من مال المظلوم ثم قال : من یفعل الشر بالناس فلا ینکر الشر اذا فعل به . (الحدیث)
ترجمه :

732 - امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: آگاه باشید: آنکس که با ستم به پیروزی ظاهری رسیده به خیر دست نیافته ، به هوش باشید که همانا

آنچه که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ستمگر از دارایی ستمدیده بر می گیرد سپس فرمود: کسی که به مردم بدی می کند هرگاه به او بدی شد نباید آن بدی را ناپسند بشمرد. (زیرا این بدی نتیجه عمل اوست).

حدیث :

733 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم فی الدنیا هو الظلمات فی الاخره .

ترجمه :

733 - امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم در دنیا همان ظلمتها و تاریکی های آخرت است .

حدیث :

734 - عن علی بن سالم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان الله عزوجل یقول : و عزتی و جلالی لاجیب دعوه مظلوم دعانی فی مظلمه ظلمها و لاحد عنده مثل تلك المظلمه .

ترجمه :

734 - علی بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا خدای عزوجل می فرماید: به عزت و بزرگی ام سوگند، دعای مظلومی را که مرا در ظلمی که به او شده است بخواند اجابت نمی کنم اگر او شبیه آن ظلم را در حق دیگری روا داشته باشد.

حدیث :

735 - عن زید بن علی بن الحسین عن آباءه علیهم السلام قال : یاخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من دنیا المظلوم .

ترجمه :

735 - زید بن علی بن الحسین از پدران بزرگوارش : روایت کرد که : آنچه که مظلوم از دین ظالم می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ظالم از دنیای مظلوم می ستاند.

حدیث :

736 - عن جعفر بن محمد عليه السلام قال : من ارتكب احدا بظلم بعث الله من ظلمه مثله او علی ولده او علی عقبه من بعده .

ترجمه :

736 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که بر احدی ستمی کند خداوند کسی را بر می انگیزد که همانند همان ستم را بر او یا فرزندان او یا نسل بعد از او روا دارد.

حدیث :

737 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن ابيه عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال : قال اميرالمؤمنين عليه السلام : اعظم الخطايا اقتطاع مال امری مسلم بغير حق .

ترجمه :

737 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: بزرگترین گناهان گرفتن قسمتی از مال مسلمانی به ناحق است .

حدیث :

738 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان الله عزوجل يبغض الغنى الظلوم .

ترجمه :

738 - امام صادق عليه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل ثروتمند ستمگر را دشمن می دارد.

حدیث :

739 - عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يقول الله عزوجل اشتد غضبی علی من ظلم من لا یجد ناصرا غیری .
ترجمه :

739 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خدای عزوجل می فرماید: خشم و غضب من بر کسی بسیار شدید است که بر بنده ای ظلم می کند که یآوری جز من برای خود نمی یابد.
حدیث :

740 - عن ابی عبدالله قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : انی لعنت سبعا لعنهم الله و کل نبی مجاب قیل : و من هم یا رسول الله ؟ قال : الزائد فی کتاب الله و المکذب بقدر الله و المخالف لسننی و المستحل من عترتی ما حرم الله و المسلط بالجیروت لیعز من اذل الله و یذل من اعز الله و المستاثر علی المسلمین بفیئهم منتحلا له و المحرم ما احل الله عزوجل .
ترجمه :

740 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که من هفت گروه را لعنت می فرستم که آنان را خداوند و هر پیامبری که دعایش را مورد اجابت است لعنت نموده اند. عرض شد: آنان چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ فرمود: آنکه بر کتاب خدا چیزی بیفزاید و آنکه قضا و قدر الهی را تکذیب کند و آنکه با سنت من مخالفت ورزد و آنکه درباره عترت من آنچه را که خداوند حرام ساخته برای خود حلال بشمرد (حق عترت مرا نادیده گیرد و به آنان ستم کند) و کسی که با سرکشی قدرت یافته تا کسانی را که خداوند آنان را خوار نموده به عزت برساند و کسانی را که خداوند آنان را

عزیز دانسته به ذلت بکشاند و کسی که غنائم مسلمین را برای خود برگزیند و مالک آنها شده و آنها را به خود نسبت دهد و کسی که حلال خدای عزوجل را حرام سازد.

78 - باب وجوب رد المظالم الی اهلها و اشتراط ذلک فی التوبه منها فان

عجز الستغفر الله للمظلوم

78 - باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند

حدیث :

741 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم ثلاثه ظلم یغفره الله و ظلم لا یغفر الله و ظلم لا یدعه الله فاما الظلم الذی لا یغفره فالشک و اما الظلم الذی یغفره فظلم الرجل نفسه فیما بینہ و بین الله و اما الظلم الذی لا یدعه فالمداینه بین العباد.

ترجمه :

741 - امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه گونه است : ظلمی که خداوند آن را می بخشد و ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد و ظلمی که خداوند آن را رها نمی کند (و پیگیری می کند) اما ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد شرک است و اما ظلمی که آن را می بخشد ظلمی است که شخص بین خود و خدایش به خویشتن می کند و اما ظلمی که خداوند آن را وا نمی گذارد و پی گیری میکند ظلمی است که بندگان در وام دادن و وام خواستن (و معاملات) به یکدیگر روا می دارند.

حدیث :

742 - و رواه الصدوق مثله و زاد و قال علیه السلام : ما یاخذ المظلوم من دین الظالم اکثر مما یاخذ الظالم من دنیا المظلوم .

ترجمه :

742 - روایت گذشته را مرحوم شیخ صدوق رحمته الله روایت فرموده با این تفاوت که در آن جمله زیر را اضافه دارد که حضرت فرمود: آنچه را که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر از چیزی است که ستمگر از دنیای ستمدیده می ستاند.

حدیث :

743 - عن شیخ من النخع قال : قلت لابی جعفر علیه السلام : انی لم ازل والیا منذ زمن الحجاج الی یومی هذا فهل لی من توبه ؟ قال : فسکت ثم اعدت علیه فقال : لاحتی تودی الی کل ذی حق حقه .

ترجمه :

743 - پیرمردی از نخع گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : من پیوسته از زمان حجاج تاکنون والی و کارگزار بوده ام آیا برای من نیز توبه ای هست ؟ (آیا توبه ام پذیرفته می شود؟) حضرت سکوت نمود و من دوباره پرسشم را تکرار کردم . حضرت فرمود: خیر مگر اینکه حق هر صاحب حقی را به او باز گردانی .

حدیث :

744 - عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : من اکل من مال اخیه ظلما و لم یرده الیه اکل جذوه من النار یوم القیامه .

ترجمه :

744 - ابی بصیر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که با ظلم و ستم از مال برادر خود بخورد و آن را به او بازنگرداند در روز قیامت پاره ای آتش را می خورد.

حدیث :

745 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من ظلم احدا و فاته فليستغفر الله له فانه كفاره له .

ترجمه :

745 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : هر کس به کسی ستمی کند و او را از دست بدهد (دیگر به او دسترسی نداشته باشد) پس باید برای آن مظلوم از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کند و همین مطلب مغفرت کفاره ستمی که بر او نموده می گردد.

حدیث :

746 - قال ابو جعفر عليه السلام قال : رسول الله صلى الله عليه وآله : من اقتطع مال مومن غصبا بغير حقه لم يزل الله معرضا عنه ماقتا لاعماله التي يعملها من البر و الخير لا يثبتها في حسناته حتى يتوب و يرد المال الذي اخذه الي صاحبه .

ترجمه :

746 - امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : کسی که با قسمتی از مال مومنی را به ناحق غصب کند و برای خود بگیرد پیوسته خداوند از او روی گردان است و اعمالی را که او انجام میدهد (حتی) اعمال نیک و خیر او را بد می داند و آنها را در حسنات و نیکی های او ثبت نمی کند تا زمانی که توبه کند و مالی را که به ناحق گرفته به صاحبش برگرداند.

79 - باب اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الى الحق

79 - باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به

اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند

حدیث :

747 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان رجل فی الزمن الاول طلب الدنيا من حلال فلم يقدر علیها و طلبها من حرام فلم يقدر علیها فاته الشيطان فقله له : الا ادلك علی شیء تكثر به دنیاك و تكثر به تبعك ؟ فقال : بلی قال : تبتدع دنیا و تدعو الناس الیه ففعل فاستجاب له الناس و اطاعوه فاصاب من الدنيا ثم انه فكر فقال : ما صنعت ابتدعت دنیا و دعوت الناس الیه ما اری لی من توبه الا ان اتی من دعوته الیه فارده عنه فجعل یاتی اصحابه الذین اجابوه فيقول ان الذی دعوتكم الیه باطل و انما ابتدعته فجعلوا يقولون كذبت هو الحق و لكنك شككت فی دینك فرجعت عنه فلما رای ذلك عمد الی سلسله فوتدلها و تدا ثم جعلها فی عنقه و قال : لا احلها حتی يتوب الله عزوجل علی فاوحى الله عزوجل الی نبی من النبیا قل لفلان و عزتی لو دعوتنی حتی تنقطع اوصالك ما استجبت لك حتى ترد من مات علی ما دعوته الیه فيرجع عنه .

ترجمه :

747 - امام صادق علیه السلام فرمود: در زمانهای نخستین مردی بود که دنیا را از راه حلال طلب کرد و به آن نرسید و از راه حرام آن را جست اما باز هم به آن نرسید، پس شیطان به نزد او آمد و گفت : آیا تو را به چیزی رهنمون سازم که به سبب آن هم دنیایت زیاد شود و هم پیروانت ؟ مرد گفت : آری . شیطان گفت : دین تازه ای به وجود بیاور و مردم را به سوی آن فراخوان . آن مرد چنین کرد و مردم نیز به وی پاسخ مثبت دادند و از او فرمانبرداری نمودند و او به دنیا

رسید پس از چندی به فکر فرو رفت و با خود گفت: ای چه کاری بود که دین نو به وجود آوردم و مردم را به سوی آن خواندم؟! گمان نمی‌کنم توبه‌ام پذیرفته شود مگر اینکه آنانی را که به این دین ساختگی دعوت کرده‌ام بیاورم و از این دین برگردانم، پس اصحاب خود را که دعوت او را اجابت نموده بودند فرا خواند و به آنان گفت: دینی که شما را به سوی آن خواندم دین باطلی بود و آن را من خود به خود به وجود آوردم. آنان گفتند: تو دروغ می‌گویی، این دین حق است ولی تو در دین خود به شک افتاده‌ای، و از پیش وی بیرون رفتند. پس چون چنین دید به زنجیری پناه برد و بر آن میخی کوفت سپس آن را به گردن انداخت و گفت: این زنجیر را نمی‌گشایم مگر اینکه خدای عزوجل توبه‌ام را بپذیرد. خداوند عزوجل نیز به پیامبری از پیامبرانش وحی فرستاد که: به وی بگو: به عزتم سوگند اگر به قدری مرا بخوانی که مفصله‌ایت از هم جدا شوند دعایت را اجابت نمی‌کنم مگر اینکه آن کسانی را که به دعوت تو گمراه شدند و در گمراهی مردند برگردانی و از عقیده باطل خود باز گردند.

حدیث:

748 - عن الرضا عليه السلام عن آباءه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ان الله

غافر كل ذنب الا من احدث دينا و من اغتصب اجيرا اجره او رجل باع حرا.

ترجمه:

748 - امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله

فرموده است: راستی که خداوند همه گناهان را می‌بخشد به جز گناه کسی که دین جدیدی به وجود آورده و کسی که مزد کارگری را به زور و ستم برای خود گرفته است و کسی که آزاده‌ای را فروخته است (انسانی آزاد و غیر اسیر را به

فروش رسانده است). 80 - باب تحريم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه

عذره

80 - باب تحریم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذر آوردن و توجیه کردن ظلم او

حدیث :

749 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من عذر ظالما بظلمه سلط الله علیه من یظلمه فان دعالم یتستجب له و لم یاجرہ الله علی ظلامته .

ترجمه :

749 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که برای ظلم ظالمی بهانه آورد (او را در ظلم کردنش معذور دارد) خداوند کسی را بر او مسلط می سازد که به وی ظلم کند پس چنین کسی اگر دعا کند خداوند دعایش را بر آورده نمی سازد و بر ستمی که می بیند به او اجر و پاداشی نمی دهد.

حدیث :

750 - عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان تعینوا علی مسلم مظلوم فیدعو علیکم فیستجاب له فیکم فان ابانا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یقول : ان دعوه المسلم المظلوم مستجابہ و لعین بعضکم بعضا فان ابانا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یقول : ان معونه المسلم خیر و اعظم اجرا من صیام شهر و اعتکافه فی المسجد الحرام .

ترجمه :

750 - امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه ستمکاری را بر علیه مسلمان مظلومی یاری کنید اگر چنین کنید آن مظلوم شما را نفرین می کند و دعایش درباره شما اجابت می شود، همانا پدر و ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: به راستی که دعای مسلمان مظلوم بر آورده می

شود، و باید برخی از شما برخی دیگر را یاری کند زیرا پدر ما رسول خدا ﷺ می فرمود: یاری کردن مسلمانی ، پاداشش بهتر و بزرگتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام است .

حدیث :

751 - عن جعفر به محمد ﷺ عن آبائه ﷺ فی وصیه النبی ﷺ لعلی ﷺ قال : یا علی شر الناس من باع آخرته بدنیا و شر منه من باع آخرته بدنیا غیره .

ترجمه :

751 - امام صادق ﷺ از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم ﷺ به علی ﷺ آمده است : ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگری بفروشد.

حدیث :

752 - عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله ﷺ يقول : من اعان ظلما علی مظلوم لم یزل الله علیه ساخطا حتی ینزع عن معونته .

ترجمه :

752 - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که فرمود: کسی که ظالمی را بر علیه مظلومی یاری کند پیوسته خداوند از او خشمگین است تا اینکه دست از یاری او بردارد.

حدیث :

753 - عن امیرالمؤمنین ﷺ انه قال : للظالم من الرجال ثلاث علامات یظلم من فوقه بالمعصیه و من دونه بالغلبه و یظاهر القوم الظلمه .

ترجمه :

753 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای مردمان ستمگر سه نشانه وجود دارد: با نافرمانی کردن بر مافوق خود ستم می کند و با غلبه و چیره شدن بر زیر دست خود ستم روا می دارد و ستمکاران را یاری و پشتیبانی می کند.

81 - باب تحریم اتباع الهوی الذی یخالف الشرع

81 - باب تحریم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف

شرع است

حدیث :

754 - عن ابی محمد الواشی قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : احذروا اهواءکم كما تحذرون اعداءکم فلیس بشیء اعدی للرجال من اتباع اهوائهم و حصائد السننهم .

ترجمه :

754 - ابی محمد و ابشی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانگونه که از دشمنانتان حذر می کنید از خواهشهای نفسانی خود حذر کنید زیرا هیچ چیزی برای مردمان دشمن تر از پیروی خواهشهای نفسانی و درو شده های زیانها نیست .

حدیث :

755 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : انما اخاف علیکم اثنتین اتباع الهوی و طول الامل اما اتباع الهوی فانه یصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الاخره .

ترجمه :

755 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من از دو چیز بر شما ترسانم: یکی پیروی از خواهشهای نفس و دیگری درازی آرزو، اما پیروی خواهشهای نفس؛ زیرا آدمی را از راه حق باز می دارد و اما درازی آرزو؛ زیرا آخرت را فراموش انسان می سازد.

حدیث:

756 - عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: قال لی ابوالحسن علیه السلام: اتق المرتقی السهل اذا كان منحدره و عرا قال: و كان علیه السلام يقول: لاتدع النفس و هواها فان هواها فی رداها و ترک النفس و ما تهوی اذها و كف النفس عما تهوی دواوها.

ترجمه:

756 - عبدالرحمن بن حجاج گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: از اوج گرفتن و بالا رفتنی که آسان است بپرهیزید آنگاه که سراشیبی آن دشوار باشد و فرمود: نفس و خواهش نفس را به حال خود وامگذار زیرا خواسته نفس در هلاکت آن است و به حال خود گذاردن نفس یا آنچه که دوست دارد مایه آزار نفس است و باز داشتن نفس از پرداختن به آنچه که دوست می دارد دوی نفس است.

82 - باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب

82 - باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در

پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه مستحق کیفر است

حدیث :

757 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : و الله ما ینجو من الذنب الا من اقر به و قال

ابوجعفر علیه السلام : کفی بالندم توبه .

ترجمه :

757 - امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که رهایی و خلاصی از (عقوبت

) گناه برای کسی حاصل نمی شود مگر کسی که (در پیشگاه خداوند) به آن اقرار و اعتراف کند و فرمود: پشیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند.

حدیث :

758 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا و الله ما اراد الله من الناس الا خصلتین

ان یقروا له بالنعمة فیزیدهم و بالذنب فیغفرها لهم .

ترجمه :

758 - امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که خداوند از مردمان جز دو

خصلت را نخواست است : یکی اینکه به نعمتهایی که به آنان بخشیده است اعتراف کنند تا او نیز بر نعمتهایشان بیفزاید و دیگر اینکه به گناهان خویش (در پیشگاه او) اقرار و اعتراف کنند تا او نیز از گناهانشان درگذرد.

حدیث :

759 - عن معاویه بن عمار قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : انه و الله ما

خرج عبد من ذنب باصرار و ما خرج عبد من ذنب الا باقرار.

ترجمه :

759 - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا سوگند به خدا که هیچ بنده ای با اصرار و پافشاری بر گناه از گناه بیرون نرفته است و هیچ بنده ای جز با اقرار و اعتراف بر گناهش از گناه خارج نگشته است.

حدیث :

760 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اذنب ذنبا فعلم ان الله مطلع علیه ان شاء عذبه و ان شاء غفرله غفرله و ان لم یستغفر.

ترجمه :

760 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مرتکب گناهی شده باشد پس از آن بداند که خداوند بر گناه او واقف است اگر بخواهد می تواند او را کیفر دهد و اگر بخواهد می تواند او را ببخشد، چنین کسی اگر چه طلب مغفرت هم نکند خداوند از گناهش در می گذرد.

حدیث :

761 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله یحب العبد ان یطلب الیه فی الجرم العظیم و یتخف بالجرم الیسیر.

ترجمه :

761 - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بنده ای را که پس از ارتکاب گناهی بزرگ دست خواهش بخشایش به سوی او دراز کند دوست می دارد و بنده ای را که انجام گناهی کوچک را سبک می شمارد دشمن می دارد.

حدیث :

762 - عن الصادق جعفر به محمد علیه السلام عن ابيه عن آباءه علیهم السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله عن جبرئیل علیه السلام قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا صغیرا کان او

كبيراً و هو لا يعلم ان لى ان اعذبه او اعفو عنه لا غفرت له ذلك الذنب ابداً و من
اذنب ذنباً صغيراً كان او كبيراً و هو يعلم ان لى ان اعذبه او اعفو عنه عفوت عنه .

ترجمه :

762 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام و ایشان از پدران خود: و
آنان از رسول خدا صلى الله عليه وآله و ایشان از جبرئیل عليه السلام روایت فرمود که : خدای
عزوجل فرموده است : کسی که مرتکب گناهی خواه کوچک یا بزرگ گردد در
حالی که نداند که می تواند او را عذاب کنم یا ببخشایم هرگز آن گناه را بر او
نمی بخشم و کسی که گناهی کوچک یا بزرگ مرتکب شود و بداند که عذاب
نمودن یا چشم پوشی از او در دست من است از گنااهش در می گذرم و او را
می بخشایم .

حدیث :

763 - عن ابی جعفر الباقر عليه السلام انه قال : لقد غفر الله لرجل من اهل البادية
بکلمتین دعا بهما قال : اللهم ان تعذبنی فاهل ذلک انا و ان تغفرلی فاهل ذلک
انت فغفر الله له .

ترجمه :

763 - امام باقر عليه السلام فرمود: همانا خداوند مردی صحرائین را به خاطر دو
جمله که در دعایش به خداوند عرض کرد، آمرزید آن دو جمله این بود:
(خداوندا اگر مرا عذاب کنی من سزاوار عذابم و اگر بر من ببخشایی تو اهل
بخششی) خداوند نیز بر او بخشید.

حدیث :

764 - عن ابی عبدالله عليه السلام یرفعه الی النبی صلى الله عليه وآله قال : قال الله عزوجل :
من اذنب ذنباً فعلم ان لى ان اعذبه و ان لى ان اعفو عنه عفوت عنه .

ترجمه :

764 - امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : خداوند عزوجل فرمود: کسی که مرتکب گناهی شود پس بداند که عذاب کردن و عفو کردنش تنها به دست من است ، او را مشمول عفو خود قرار می دهم .

83 - باب وجوب الندم علی الذنوب

83 - باب وجوب پشیمانی بر گناهان حدیث :

765 - قال ابو عبدالله عليه السلام من سرته حسنته و ساءته سيئته فهو مومن .

ترجمه :

765 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که نیکوکاری اش او را شادمان کند و

بدی اش وی را بدحال گرداند چنین کسی مومن است .

حدیث :

766 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ان الرجل ليذنب الذنب فيدخله الله به الجنة

قلت ، يدخله الله بالذنب الجنة ؟ قال : نعم ، انه يذنب فلا يزال خائفا ماقتا لنفسه
فيرحمه الله فيدخله الجنة .

ترجمه :

766 - امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد که) مردی مرتکب

گناهی می شود پس خداوند او را به سبب گناهش وارد بهشت می کند راوی
گوید: عرض کردم : خداوند او را به سبب گناه وارد بهشت می کند؟! فرمود:
آری ، او کسی است که گناه می کند ولی پیوسته از گناهش ترسان است و از
خود (به خاطر گناهکاری اش) نفرت دارد، پس خداوند به او رحم می آورد و
او را وارد بهشت می سازد.

حدیث :

767 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قال امير المؤمنين عليه السلام : ان الندم على الشر

يدعو الى تركه .

ترجمه :

767 - امام صادق عليه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است : همانا پشیمانی از

بدی ، آدمی را به سوی ترک بدی فرا می خواند.

حدیث :

768 - عن ابان بن تغلب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما من عبد اذنب ذنبا فندم عليه الا غفر الله له قبل ان يستغفر و ما من عبد انعم الله عليه نعمه فعرف انها من عند الله الا غفر الله له قبل ان يحمده .

ترجمه :

768 - ابان بن تغلب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود پس از آن پشیمان گردد جز اینکه خداوند او را می بخشد پیش از اینکه طلب آمرزش کند و هیچ بنده ای نیست که خداوند نعمتی به او ببخشد پس بشناسد که این نعمت از جانب خداست جز اینکه خداوند پیش از اینکه او شکر خدای را به جا آورد او را مشمول آمرزش خویش قرار می دهد.

حدیث :

769 - محمد بن علی بن الحسين عليه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : الندامة توبه .

ترجمه :

769 - امام باقر عليه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم است که فرمود: پشیمانی توبه است .

حدیث :

770 - عن ابي جعفر عليه السلام قال : كفى بالندم توبه .

ترجمه :

770 - امام باقر عليه السلام فرمود: پشیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند.

حدیث :

771 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال علی بن الحسین علیه السلام : اربع من کن فیه کمل ایمانه و محصت عنه ذنوبه من وفی الله بما جعل علی نفسه للناس و صدق لسانه مع الناس و استحیا من کل قبیح عند الله و عند الناس و یحسن خلقه مع اهله .

ترجمه :

771 - امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام فرموده است : چهار چیز است که در هر کسی باشد ایمانش کامل و گناهانش پاک و آمرزیده می گردد: کسی که به خاطر خدا به آنچه که (به آن عهد و پیمانی که) برای مردم بر خود قرار داده است وفا کند، و زبانش با مردم راست بگوید، و از هر زشتی در نزد خدا و مردم شرم کند، و با اهل و خانواده خود خوش اخلاق باشد.

حدیث :

772 - عن الحسین بن سلیمان الزاهدی قال : سمعت ابا جعفر الطائی الواعظ یقول سمعت و هب بن منبه یقول : قرأت فی زبور داود اسطرا منها ما حفظت و منها ما نسیت فمما حفظت قوله : یا داود اسمع منی ما اقول و الحق اقول من اتانی و هو مستحی من المعاصی التی عصانی بها غفرتها له و انسيتها حافظیه .
(الحدیث)

ترجمه :

772 - حسین بن سلیمان زاهدی گوید: از ابا جعفر طایی واعظ شنیدم که می گفت : از وهب بن منبه شنیدم که می گفت : در زبور حضرت داود علیه السلام چند سطر خواندم که برخی از آنها را حفظ نموده و برخی را فراموش کرده ام ، از جمله از آنچه حفظ کرده ام گفتار خدای تعالی است که فرمود: ای داود! آنچه می گویم از من بشنو و حق را می گویم : هر کسی به نزد من آید در حالی که از

گناهانی که به وسیله آنها نافرمانی ام نموده شرمگین باشد آن گناهان را بر او می بخشایم و آن گناهان را از خاطر دو فرشته نگهبان او فراموش می سازم .

84 - باب وجوب ستر الذنوب و تحریم التظاهر بها

84 - باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحریم آشکارا گناه کردن

حدیث :

773 - عن العباس مولى الرضا عليه السلام قال : سمعته يقول : المستتر بالحسنة

يعدل سبعين حسنه و المذيع بالسيئه مخذول و المستتر بالسيئه مغفور له .

ترجمه :

773 - عباس بنده امام رضا عليه السلام گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که فرمود:

آن کس که پوشاننده نیکی خود باشد آن نیکی با هفتاد نیکی برابری می کند و آن کس که آشکارا بدی می کند به خود واگذارده شده است و آن کس که پوشاننده بدی است مورد غفران و بخشش الهی است .

حدیث :

774 - عن فضيل بن عثمان المزادى قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : قال

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : اربع من كن فيه لم يهلك على الله بعدهن الا هالك يهم العبد بالحسنة فيعملها فان هو لم يعملها كتب الله له حسنه بحسن نيته و ان هو عملها كتب الله له عشرا و يهم السيئه ان يعملها فان لم يعملها لم يكتب عليه شىء و ان هو عملها اجل سبع ساعات و قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات و هو صاحب الشمال لا تعجل عسى ان يتبعها بحسنه تمحوها فان الله قال استغفر الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب و الشهاده العزيز الحكيم الغفور الرحيم ذا الجلال و الاكرام و اتوب اليه لم يكتب عليه شىء و ان مضت سبع ساعات و لم يتبعها

بحسنه و استغفار قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات اكتب على الشقي
المحروم .

ترجمه :

774 - فضیل بن عثمان مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است : (در مواجهه با عمل) چهار
حالت وجود دارد که پس از رفتار به آن چهار حالت تنها کسی که تیره روز و
شقاوتمند است به فرمان خدای تعالی به هلاکت می رسد: بنده ای قصد می کند
که کار خیری انجام دهد پس آن را انجام می دهد پس اگر آن را انجام نداد
خداوند به خاطر نیت نیکویش برای او یک نیکی ثبت می کند و اگر آن را انجام
داد برایش ده نیکی می نویسد و بنده ای قصد می کند که بدی کند پس اگر بدی
را به جا نیاورد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر آن بدی را انجام داد تا
هفت ساعت مهلت داده می شود و فرشته ای که نیکی ها را می نگارد به فرشته
دیگر که نگارنده بدیها و همان فرشته سمت چپ است می گوید: شتاب مکن
امید است که این بنده در پی بدی اش نیکی ای انجام دهد و با نیکوکاری اش
بدی را محو و نابود کند زیرا خدای عزوجل می فرماید: (همانا نیکی ها بدیها را
از بین می برد) ⁽¹⁵⁴⁾ یا شاید استغفار کند زیرا اگر بگوید: (استغفر الله الذی لا اله
الا هو عالم الغیب و الشهاده العزیز الحکیم الغفور الرحیم ذالجلال و الاکرام و
اتوب الیه) بر علیه او چیزی نوشته نمی شود، و اگر هفت ساعت بگذرد و در
پی بدی اش نه کار نیکی انجام دهد و نه استغفار کند فرشته ای که نگارنده نیکی
هاست به نویسنده بدیها می گوید: بر علیه این تیره روز محروم از رحمت
بنویس .

حدیث :

775 - عن ابى عبدالله عليه السلام قال : من عمل سيئه اجل فيها سبع ساعات من النهار فان قال : استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه ثلاث مرات لم تكتب عليه .

ترجمه :

775 - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که کار بدی انجام دهد هفت ساعت از روز به او مهلت داده می شود پس اگر سه مرتبه بگوید: (استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه) آن بدی بر او نوشته نمی شود.

حدیث :

776 - عن احمد بن محمد بن خالد عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال عليه السلام : لكل شىء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه :

776 - احمد بن محمد بن خالد از عده ای از شیعیان روایت کند و آنان این حدیث را به معصوم عليه السلام رسانده اند، گفته اند: معصوم عليه السلام فرمود: برای هر چیزی (دردی) دوايي هست و دواي گناهان استغفار نمودن است .

حدیث :

777 - عن زراره قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العبد اذا اذنب ذنبا اجل من عدوه الى الليل فان استغفر الله لم تكتب عليه .

ترجمه :

777 - زراره گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: به راستی که هرگاه بنده مرتکب گناهی شود از صبحگاهان تا شامگاه به او فرصت داده می شود پس از خداوند طلب مغفرت نمود چیزی بر علیه او نوشته نمی شود.

حدیث :

778 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العبد المومن اذا اذنب اجله الله سبع ساعات فان استغفر الله لم تكتب علیه شیء و ان مضت الساعات و لم يستغفر كتب سیئه . (الحديث)

ترجمه :

778 - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بنده مومن مرتکب گناهی گردد خداوند به او هفت ساعت مهلت می دهد پس اگر از خداوند طلب بخشش نمود چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر هفت ساعت گذشت و او استغفار نکرد یک گناه بر او نوشته می شود.

حدیث :

779 - عن حفص قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ما من مومن یذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فان هو تاب لم یكتب علیه شیء و ان هو لم یفعل كتب علیه سیئه فاتاه عباد البصری فقال له : بلغنا انک قلت : ما من عبد یذنب ذنبا الا اجله الله سبع ساعات من النهار فقال : لیس هكذا قلت و لکنی قلت : ما من مومن و کذلک کان قولی .

ترجمه :

779 - حفص گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مومنی نیست که مرتکب گناهی شود جز اینکه خداوند هفت ساعت از روز را به او فرصت می دهد پس اگر توبه کرد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر توبه نکرد یک گناه برایش نوشته می شود، پس از این عباد بصری به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به ما خبر رسیده است که شما فرموده اید: هیچ بنده ای نیست که ... حضرت فرمود: خیر من چنین نگفته ام بلکه گفته ام : هیچ مومنی نیست که .

حدیث :

780 - عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : لما نزلت هذه الايه (و الذين اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم) سعد ابليس جبلا بمكه يقال له ثور فصرخ باعلى صوته بعفاريته فاجتمعوا اليه فقال : نزلت هذه الايه فمن لها؟ فقام عفريت من الشياطين فقال : انا لها بكذا وكذا فقال : لست لها ثم قام آخر فقال مثل ذلك فقال : لست لها فقال الواسواس الخناس : انا لها قال : بماذا؟ قال : اعدهم و امنيهم حتى يواقعوا الخطيئه فاذا واقعوا الخطيئه انسيتهم الاستغفار فقال : انت لها فو كله بها الى يوم القيامه .

ترجمه :

780 - امام صادق عليه السلام فرمود: وقتی که این آیه نازل شد که می فرماید: آن کسانی که هرگاه کار زشتی انجام می دهند یا هرگاه به خود ستمی می کنند خدای را به یاد می آورند و از او طلب بخشش گناهانشان را می نمایند⁽¹⁵⁵⁾ ابلیس به بالای کوه ثور واقع در مکه رفت و با بلندترین صدایش شیطانهایش را فریاد زد پس همگی گرد آمدند، پس گفت : چه کسی برای این آیه چاره ای می اندیشد؟ پس هر یک از شیاطین درخواستی و سخنی گفتند و ابلیس راه حل آنها را نپذیرفت تا اینکه وسوسه گر خناس درخواستی و گفت : من چاره ساز این آیه ام . گفت : به وسیله چه چیزی ؟ گفت : به مردمان وعده می دهم و در دل آنان آرزو می افکنم (آرزومندشان می کنم) تا در گناه بیافتند پس هنگامی که در گناه افتادند استغفار را از یادشان می برم پس ابلیس رای او را پسندید و تا روز قیامت کار این آیه را به او سپرد.

حدیث :

781 - عن ابی جعفر محمد بن عبی الباقر علیه السلام قال : سئل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن خیار العباد فقال : الذین اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا ابتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.
ترجمه :

781 - امام محمد باقر علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره بهترین بندگان پرسیده شد، حضرت فرمود: بهترین بندگان کسانی هستند که هنگامی که نیکی می کنند شادمان می شوند و هنگامی که بدی می کنند استغفار می کنند و هنگامی که به آنان عطا می شود شکر آن را به جای می آورند و هنگامی که گرفتار می شوند صبر پیشه می کنند و هنگامی که خشمگین می شوند می بخشایند.
حدیث :

782 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من مومن یقترف فی یوم و لیله اربعین کبیره فیقول و هو نادم : (استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یتوب علی) الا غفرها الله له . ثم قال : و لآخر فیمن یقارف کل یوم و لیله اربعین کبیره .
ترجمه :

782 - امام صادق علیه السلام : هیچ مومنی نیست که شبانه روز مرتکب چهل گناه کبیره شود و پس از آن با حالت پشیمانی بگوید: (استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یتوب علی) جز اینکه خداوند بر او می بخشاید سپس فرمود: در کسی که هر شبانه روزی مرتکب چهل گناه کبیره شود خیری نیست .
حدیث :

783 - قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا اراد الله عزوجل بعد خيرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه و يذكره الاستغفار و اذا اراد الله عزوجل بعد شرا فاذنب ذنبا اتبعه بنعمه فينسيه الاستغفار و يتمادي به و هو قول الله عزوجل (سنستدرجهم من حيث لا يعلمون) بالنعمة عند المعاصي .

ترجمه :

783 - امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه خداوند عزوجل خیره بنده گنه کاری را بخواهد پس از گناهانش از او انتقام می کشد بد بخواهد پس از گناهش به او نعمتی می بخشد و استغفار را فراموش وی سازد و این حالت را طولانی می کند و معنای گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید: (اندک اندک آنان را از جایی که نمی دانند به شقاوت می رسانیم) ⁽¹⁵⁶⁾ یعنی به وسیله نعمتهایی که در هنگام گناهانشان به آنان می دهیم .

حدیث :

784 - عن جعفر عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار .

ترجمه :

784 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرماید که : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است : هر دردی دوايي دارد و دواي گناهان استغفار کردن است .

حدیث :

785 - عن عبدالله بن محمد الجعفی عن ابي جعفر عليه السلام قال سمعته يقول : كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و الاستغفار لكم حصنين حصينين من العذاب فمضى اكبر الحصين و بقى الاستغفار فاكثروا منه فانه ممحاه للذنوب قال الله عزوجل : (و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون) .

ترجمه :

785 - عبدالله بن محمد جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و استغفار برای شما به منزله دو قلعه و حصار محکم در برابر عذاب الهی بودند، بزرگترین این دو حصار (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) درگذشت و استغفار باقی مانده است پس زیاد استغفار کنید زیرا استغفار پاک کننده گناهان است ، خدای عزوجل فرموده است : (ای پیامبر تا زمانی که تو در میان آنان هستی خداوند ایشان را عذاب نخواهد کرد و تا زمانی که آنان از خداوند طلب مغفرت می کنند خداوند عذاب کننده آنان نخواهد بود) ⁽¹⁵⁷⁾

حدیث :

786 - عن اسماعیل بن سهل قال : کتبت الی ابی جعفر الثانی علیه السلام علمنی شیئا اذا انا قلتہ کنت معکم فی الدنیا و الاخره فقال : فکتب بخطه اعرفه : اکثر من تلاوه انا انزلناه و رطب شفیتک بالاستغفار.

ترجمه :

786 - اسماعیل بن سهل گوید: به خدمت امام جواد علیه السلام نوشتم که : به من چیزی بیاموز که هرگاه آن را بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم . حضرت با خط شریف خود که آن را می شناختم نوشت : سوره مبارکه (**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ**) را زیاد تلاوت کن و دو لب خود را با گفتن استغفار تر کن (نیروی تازه بخش).

حدیث :

787 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن وجد فی صحیفه عمله یوم القیامه تحت کل ذنب استغفر الله .

ترجمه :

787 - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : خوشا به حال کسی که در روز قیامت در نامه عملش زیر هر گناهی (استغفر الله) بیاید.

حدیث :

788 - عن الشعبي قال : سمعت علي بن ابي طالب عليه السلام يقول : العجب ممن يقنط و معه الممحاء قيل و ما الممحاء ؟ قال الاستغفار.

ترجمه :

788 - شعبي گوید از امام علی عليه السلام شنیدم که فرمود: شگفت آور است کسی که در حالی که (پاک کننده) همراه او هست باز هم ناامید می شود. پرسیده شد: پاک کننده چیست؟ فرمود: استغفار.

حدیث :

789 - عن جعفر بن محمد عن ابيه عن جده قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : صاحب اليمين امير على صاحب الشمال فاذا عمل العبد سيئه قال صاحب اليمين لصاحب الشمال : لاتعجل و انظره سبع ساعات فان مضت سبع ساعات و لم يستغفر قال : اكتب فما اقل حياء هذا العبد.

ترجمه :

789 - امام صادق عليه السلام از پدر و جد بزرگوارش روایت فرموده که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : فرشته سمت راست بر فرشته سمت چپ امیر است پس هرگاه بنده ای گناهی کند فرشته سمت راست به سمت چپی گوید: شتاب مکن و او را هفت ساعت مهلت ده . پس اگر هفت ساعت بگذرد و او استغفار نکند به فرشته سمت چپ گوید: بنویس ، چقدر بنده کم حیایی است !

حدیث :

790 - عن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : تعطروا بالاستغفار لاتفضحنكم روائح الذنوب .

ترجمه :

790 - امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش : روايت فرمود كه : اميرالمؤمنين عليه السلام فرموده است : به وسيله استغفار خود را خوش بو كنيد، مبدا بوى بد گناهان شما را رسوا كند.

حديث :

791 - عن ابى عبدالله عن ابيه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : اربع من كن فيه كان فى نور الله الاعظم من كان عصمه امره شهاده ان لا اله الا الله و انى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و من اذا اصابته مصيبه قال : انا لله و انا اليه راجعون و من اذا اصاب خيرا قال : الحمد لله رب العالمين و من اذا اصاب خطيئه قال : استغفر الله و اتوب اليه .

ترجمه :

791 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روايت فرمود كه : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است : چهار چيز هست كه هر كس آنها را دارا باشد او در نور پر عظمت الهى قرار دارد: كسى كه حافظ و نگهدار كار او شهادت به وحدانيت خداوند و رسالت من باشد، و كسى كه هرگاه مصيبتى به او برسد بگويد: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) و كسى كه هرگاه خيبرى به او برسد بگويد: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)، و كسى كه هرگاه مرتكب خطا و گناهى شود بگويد: (استغفر الله و اتوب اليه). 86 - باب وجوب التوبه من جميع الذنوب و العزم على ترك العود ابدا

86 - باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه

هرگز به گناه باز نگردد

حدیث :

792 - عن معاویه بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اذا تاب العبد توبه نصوحا احبه الله فستر عليه في الدنيا و الاخره قلت و كيف يستر عليه ؟ قال : ينسى ملكيه ما كتب عليه من الذنوب و يوحى الى جوارحه اکتمی عليه ذنوبه و يوحى الى بقاع الارض اکتمی ما كان يعمل عليك من الذنوب فيلقى الله حين يلقاه و ليس شیء یشهد علیه بشیء من الذنوب .

ترجمه :

792 - معاویه بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه بنده توبه ای خالص و پاک کند خداوند او را دوست می دارد و در دنیا و آخرت (گناهان وی را) بر او می پوشاند، راوی گوید: عرض کردم : چگونه بر او می پوشاند؟ فرمود: گناهانی را که دو فرشته بر علیه او نوشته اند

فراموششان می سازد و به اعضای بدنش وحی می فرستد که گناهان او را پوشیده کنید و به مکانهایی از زمین که در آنجا مرتکب گناه شده است وحی می کند که گناهانی را که بر روی تو انجام داده است پنهان دارید، پس او زمانی که خدای را ملاقات می کند شاهی بر علیه او نیست که بر گناهانش گواهی دهد.

حدیث :

793 - عن محمد بن مسلم عن احدهما عليهما السلام فی قول الله عزوجل (فمن

جاءه موعظه من ربه فانتهى فله ما سلف) قال : الموعظه التوبه .

ترجمه :

793 - محمد بن مسلم از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام روایت نمود که حضرت درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (یس کسی که او را موعظه ای از جانب پروردگارش آمد و او باز ایستاد پس آنچه که گذشته است برای اوست ، به نفع اوست)⁽¹⁵⁸⁾ فرمود: مراد از موعظه ، توبه است .
حدیث :

794 - عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذی لا یعود فیہ ابدًا قلت : واینالم یعد فقال : یا ابا محمد ان الله یحب من عباده المفتن التواب .
ترجمه :

794 - ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : مراد در آیه چیست که می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص)⁽¹⁵⁹⁾ فرمود: مراد آن گناهی است که شخص هرگز به آن بازگشت نمی کند و تا ابد مرتکب آن نمی شود، عرض کردم : کدامیک از ماست که به انجام گناه باز نگردد؟ فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگانش آن بنده ای را که آزموده شده و بسیار توبه کننده است را دوست دارد.
حدیث :

795 - عن ابی الصباح الکنانی قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : یتوب العبد من الذنب ثم لا یعود فیہ . قال محمد بن الفضیل : سالت عنها ابا الحسن علیه السلام فقال : یتوب من الذنب ثم لا یعود فیہ و احب العباد الی الله المفتنون التوابون .
ترجمه :

795 - ابی الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند پرسیدم که می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص) ⁽¹⁶⁰⁾ فرمود: توبه خالص این است که بنده از گناه خویش توبه کند سپس دیگر آن گناه را مرتکب نشود. محمد بن فضیل گوید: از امام رضا علیه السلام همین پرسش را نمودم حضرت فرمود: بنده از گناه توبه کند سپس دیگر به آن گناه باز نگردد و دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خداوند بندگانی هستند که بسیار آزموده شده و توبه کننده اند.

حدیث :

796 - عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا رفعه قال : ان الله اعطى التائبين ثلاث خصال لو اعطى خصله منها جميع اهل السماوات و الارض لنجوا بها قوله عزوجل : (ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين) فمن احبه الله لم يعذبه و قوله (فاغفر للذين تابوا و اتبعوا سبيلك و فهم عذاب الجحيم) و ذكر الايات و قوله (الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاوئلك يبدل الله سيئاتهم حسنات) الايه .

ترجمه :

796 - ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب ما روایت کند که امام معصوم علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند به توبه کنندگان سه خصلت عطا کرده است که اگر یکی از آنها را به همه اهل آسمانها و زمین عطا کند به وسیله آن نجات می یابند: یکی گفتار خدای عزوجل: (همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد) ⁽¹⁶¹⁾ پس کسی که خداوند دوستش می دارد به عذاب الهی گرفتار نمی شود. و دیگری گفتار خداوند: (پس ببخش بر کسانی که توبه می کردند و راه تو را پیروی نمودند و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار) ⁽¹⁶²⁾ و آیات

بعد از این آیه ، و دیگری گفتار خداوند: (مگر آن کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کردار شایسته نمود پس آنان کسانی هستند که خداوند بدیهایشان را به نیکی بدل می کند.)⁽¹⁶³⁾

حدیث :

797 - عن ابی عبیده قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول : ان الله تبارک و تعالی اشد فرحا بتوبه عبده من رجل اضل راحلته و زاده فی ليله ظلما فوجده ها فالله اشد فرحا بتوبه عبده من ذلک الرجل براحلته حين وجدها.

ترجمه :

797 - ابی عبیده گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا شادمانی خداوند تبارک و تعالی به سبب توبه بنده اش بسیار بیشتر از شادمانی کسی است که مرکب و توشه خود را در شبی تاریک گم کرده و سپس آن را یافته است پس خداوند به خاطر توبه بنده اش شادمانی اش از شادمانی چنین کسی در هنگام یافتن مرکب خود بیشتر است .

حدیث :

798 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل یفرح بتوبه عبده المومن اذا تاب کما یفرح احدکم بضالته اذا وجدها.

ترجمه :

798 - امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل به خاطر توبه بنده مومنش شادمان می شود همانند شادمانی یکی از شما زماين که گمشده خود را می یابد.

حدیث :

799 - عن جابر عن ابي جعفر عليه السلام قال : سمعته يقول : التائب من الذنب

كمن لا ذنب له و المقيم على الذنب و هو مستغفر منه كالمستهزى .

ترجمه :

799 - جابر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که از گناه

توبه کند مانند کسی است که گناهی ندارد و آن کس که استغفار می کند ولی بر

گناه خویش را پا برجاست مانند کسی که مسخره کننده است (خویش را به

مسخره و ریشخند گرفته است).

حدیث :

800 - عن ابي بصير عن ابي عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : اوحى الله الى

داود النبي عليه السلام يا داود! ان عبدى المومن اذا اذنب ذنبا ثم رجع و تاب من ذلك

الذنب و استحيا منى عند ذكره غفرت له و انسيته الحفظه و ابدلته الحسنه و لا

ابالى و انا ارحم الراحمين .

ترجمه :

800 - ابي بصير گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: خداوند به داود

پیامبر عليه السلام وحی فرستاد که : ای داود! همانا بنده مومن من هرگاه مرتکب

گناهی شود سپس باز گردد و از آن گناه توبه کند و هر وقت به یاد آن گناه می

افتد از من شرم کند، او را می بخشایم و فرشتگان نگاهبان او را به فراموشی می

اندازم و آن گناهش را به حسنه و نیکی بدل می کند و (از این کار) باکی ندارم و

من مهربان ترین مهربانانم .

حدیث :

801 - قال امير المؤمنين عليه السلام : من تاب تاب الله عليه و امرت جوارحه ان

تستر عليه و بقاع الارض ان تكتم عليه و نسيت الحفظه ما كانت كتبت عليه .

ترجمه :

801 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد و به اعضای بدنش دستور داده می شود که بر گناه او پرده ای بکشید و به جای جای زمین فرمان داده می شود که بر گناه او سرپوش بگذارید و فرشتگان نگاهبان او آنچه را که بر علیه او نوشته اند فراموش می کنند.

حدیث :

802 - عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابيه عن آباءه علیهم السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان لله فضولا من رزقه ينحله من شاء من خلقه و الله باسط يده عند كل فجر لمذنب لليل هل يتوب فيغفرله ؟ و يبسط يده عند مغيب الشمس لمذنب النهار هل يتوب فيغفرله ؟

ترجمه :

802 - امام صادق علیه السلام از پدران خویش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : به راستی که برای خداوند از روزی اش (که به مردمان می بخشد) زیادتی و فزونی وجود دارد که آن زیادتی را به هر کس از مخلوقش که بخواهد عطا می کند و خداوند هر سپیده دم دست خود را برای کسی که در شبانگاه مرتکب گناهی شده می گشاید (که ببیند) آیا توبه کرده است تا او را ببخشاید؟ و هنگام غروب آفتاب نیز برای کسی که در روز گناهی انجام داده است دست خود را می گشاید (که ببیند) آیا توبه نموده است تا او را ببخشاید؟

حدیث :

803 - عن ابي عبدالله علیه السلام في قول الله عزوجل : (ثم تاب عليهم) قال : هي

الاقاله .

ترجمه :

803 - امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند که می فرماید: (سپس توبه آنان را پذیرفت) ⁽¹⁶⁴⁾ فرمود: این توبه (از جانب خداوند به معنای) پذیرفتن توبه است .

حدیث :

804 - عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : مثل المؤمن عند الله تعالى كمثل ملك مقرب و ان المؤمن عند الله لا عظم من ذلك و ليس شيء احب الى الله تعالى من مؤمن تائب و مؤمنة تائبة .

ترجمه :

804 - امام رضا عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : مثل مؤمن در نزد خداوند تعالی همانند فرشته مقرب است و مؤمن در پیشگاه خداوند از فرشته مقرب نیز بزرگتر و برتر است و هیچ چیز در نزد خداوند تعالی از مرد و زن با ایمانی که توبه کننده باشند محبوبتر نیست .

حدیث :

805 - عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : التائب من الذنب كمن لا ذنب له .

ترجمه :

805 - امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است : آن کس که از گناه توبه کند همانند کسی است که گناهی نکرده است .

حدیث :

806 - قال ابو عبدالله عليه السلام : لاخير في الذنبا الا لرجلين رجل يزداد في كل يوم احسانا و رجل يتدارك ذنبه بالتوبه و انى له بالتوبه ؟ و الله لو سجد حتى ينقطع عنقه ما قبل الله منه الا بولايتنا اهل البيت .
ترجمه :

806 - امام صادق عليه السلام فرمود: هيچ خيري در دنيا نيست مگر براي دو مرد: يكي مردى كه هر روز بر نيكوكارى اش بيفزايد و ديگرى مردى كه گناه خویش را با توبه نمودن جبران كند، و او كجا و توبه كجا؟ به خدا سوگند اگر به قدرى سجده كند كه گردنش قطع شود خداوند از او نمى پذيرد مگر به سبب ولايت ما اهل بيت .
حدیث :

807 - عن الرضا عليه السلام عن آباءه عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : اعترفوا بنعم الله ربكم و توبوا الى الله من جميع ذنوبكم فان الله يحب الشاكرين من عباده .
ترجمه :

807 - امام رضا عليه السلام از پدران عليهم السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است : به نعمتهای خداوند که پروردگار شماست اعتراف و اقرار کنید و از همه گناهانتان به درگاه خداوند توبه آورید زیرا خداوند بندگان شکر گزار خود را دوست می دارد.

87 - باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها

87 - باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن

حدیث :

808 - عن محمد بن احمد بن هلال قال : سألت ابا الحسن الاخير عليه السلام عن التوبه النصوح ما هي ؟ فكتب عليه السلام : ان يكون الباطن كالظاهر و افضل من ذلك .

ترجمه :

808 - محمد بن احمد بن هلال گوید: از امام هادی عليه السلام پرسیدم که : توبه نصوح (خالص) چیست ؟ حضرت در پاسخ من نوشت : اینکه باطن و دورن (در مقام توبه) همانند ظاهر باشد و بلکه باطن از ظاهر برتر باشد.

حدیث :

809 - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : التوبه النصوح ان يكون باطن الرجل كظاهرة و افضل .

ترجمه :

809 - امام صادق عليه السلام فرمود: توبه پاک و خالص آن است که باطن مرد (در مقام توبه) همانند ظاهرش و برتر از ظاهرش باشد.

حدیث :

810 - قال الصدوق : و قد روی ان التوبه النصوح هو ان يتوب الرجل من ذنب و ينوی ان لا يعود اليه ابدًا.

ترجمه :

810 - شیخ صدوق رحمته الله گوید: روایت شده است که : توبه خالص آن است که مرد از گناهی توبه کند و قصد کند که دیگر هرگز به سوی آن گناه باز نگردد.

حدیث :

811 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام : ان قائلا قال بحضرته : استغفرالله فقال :
ثكلتك امك اتدرى ما الاستغفار؟ الاستغفار درجه العليين و هو اسم واقع على
سته معان اولها الندم على ما مضى و الثانى العزم على ترك العود اليه ابدا و
الثالث ان تودى الى المخلوقين حقوقهم حتى تلقى الله عزوجل املس ليس عليك
تبعه و الرابع ات تعمد الى كل فريضه عليك ضيعها فتودى حقها و الخامس ان
تعمد الى اللحم الذى نبت على السحت فتذيبه بالاحزان حتى يلصق الجلد بالعظم
و ينشا بينهما لحم جديد و السادس ان تذيب الجسم الم الطاعه كما اذقته حلاوه
المعصيه فعند ذلك تقول : استغفر الله .

ترجمه :

811 - از اميرالمؤمنين عليه السلام روايت شده است كه كسى در حضور ايشان
گفت : استغفر الله . حضرت فرمود: مادرت به عزايت بنشيند آيا مى داني استغفار
چيست ؟ استغفار مرتبه برتران است و آن اسمى است كه بر شش معنا ثابت
گردیده است :

اول : پشيمانى بر آنچه كه گذشته است

دوم : عزم و قصد جزمى نمودن بر اينكه هرگز به سوى گناه باز نگرود
سوم : اينكه حقوق مردم را (كه در اثر گناه تو ضايع گردیده است) به آنان
باز گردانى تا اينكه خداوند عزوجل را (با رويى) تابناك ديدار كنى و بر گردن
تو گناهی نباشد.

چهارم : اينكه به سوى هر امر واجبي كه بر گردن تو بوده و آن را ضايع
ساخته اى مصمم شوى و حق آن را به جا آورى

پنجم : اینکه تصمیم جدی بگیری که آن گوشتی را که بر اساس حرام بر بدن تو روییده است با حزن و اندوه بگدازی تا آنجا که پوست به استخوان بچسبد و بین آن دو، گوشتی جدید برآید.

ششم : اینکه بر بدن خود سختی طاعت و بندگی را بچشانی همانگونه که شیرینی معصیت را به او چشانده بودی ، پس در این هنگام است که می توانی بگویی : استغفر الله (مرتبه برتر استغفار پس از طی این مراحل است).

حدیث :

812 - عن كميل بن زياد انه قال لاميرالمومنين عليه السلام : العبد يصيب الذنب فيستغفر الله فقال : يا ابن زياد التوبه قلت : ليس قال : لا قلت : كيف ؟ قال : ان العبد اذا اصاب ذنبا قال : استغفر الله بالتحريك قلت : و ما التحريك ؟ قال : الشفتان و اللسان يريد ان تتبع ذلك بالحقيقه قلت : و ما الحقيقه ؟ قال : تصديق القلب و اضمار ان لا يعود الى الذنب الذي استغفر منه قلت ، فاذا فعلت ذلك فانا من المستغفرين ؟ قال : لا لانك لم تبلغ الى الاصل بعد قلت : فاصل الاستغفار ما هو؟ قال : الرجوع الى التوبه عن الذنب الذي استغفرت منه و هي اول درجه العابدين و ترك الذنب و الاستغفار اسم واقع لسته معان ثم ذكر الحديث نحوه .

ترجمه :

812 - كميل بن زياد گوید به اميرالمؤمنين عليه السلام عرض کردم : بنده مرتكب گناه می شود پس استغفار نموده و از خداوند طلب بخشایش می کند. حضرت فرمود: ای ابن زياد! آیا مراد تو، توبه است ؟ عرض کردم : آيا همين استغفار توبه نيست ؟ حضرت فرمود: خير، عرض کردم : چگونه ؟ فرمود: همانا بنده هرگاه مرتكب گناهی بشود با تحريك بگويد: استغفر الله .

عرض کردم ، تحریک چیست ؟ فرمود: یعنی دو لب و زبان حقیقتاً اراده پیروی از استغفار را داشته باشند. عرض کردم : حقیقتاً یعنی چه ؟ فرمود: یعنی قلب استغفار را تصدیق کند و در نهان خود بازنگشتن به آن گناهی را که از آن استغفار نموده است را داشته باشد. عرض کردم : آیا اگر من چنین که فرمودید کنم از مستغفرین خواهم بود؟ فرمود: خیر، زیرا هنوز به اصل و ریشه استغفار نرسیده ای . عرض کردم : اصل استغفار چیست ؟ فرمود: یکی مراجعه کردن به سوی توبه نمودن از گناهی که از آن استغفار نموده ای و این اولین درجه و رتبه (عبادت کنندگان) است ، و دیگری ترک نمودن گناه ، و استغفار اسمی است که برای شش معنا ثابت گردیده است سپس حضرت حدیث گذشته را فرمود.

88 - باب استحباب صوم الاربعاء و الخميس و الجمعة للتوبه و استحباب

الغسل و الصلاه لها

88 - باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و

جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه

حدیث :

813 - عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قول الله عزوجل : (توبوا الی الله توبه

نصوحا) قال : هو صوم یوم الاربعاء و الخمیس و الجمعة .

ترجمه :

813 - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند عزوجل می فرماید: (به سوی

خداوند توبه آورید (باز گردید) توبه ای (بازگشتنی) خالص) (165)

حدیث :

814 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ما اهمنی ذنب امهلت بعده حتی اصلی

رکعتین .

ترجمه :

814 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گناهی که پس از آن ، مهلت به جا آوردن

دو رکعت نماز به من داده شود مرا اندوهگین و بی آرام نمی سازد.

حدیث :

815 - و قال علیه السلام : ما من عبد اذنب ذنبا فقام فتطهر و صلی رکعتین و

استغفر الله الا غفر له و كان حقا علی الله ان یقبله لانه سبحانه قال : (و من یعمل

سوءا او یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یجد الله غفورا رحیما).

ترجمه :

815 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتکب گناهی شود

پس برخیزد و طهارت گیرد و دو رکعت نماز به جای آورد و از خداوند طلب

مغفرت کند جز اینکه مغفرت الهی شامل حالش می شود و بر خداوند سزاوار است که استغفار او را بپذیرد زیرا خدای سبحان فرموده است: (و هر کس کار بدی به جای آورد یا به خویشتن ستم کند سپس از خداوند طلب مغفرت کند خداوند را آمرزنده و مهربان می یابد) ⁽¹⁶⁶⁾

89 - باب جواز تجدید التوبه و صحتها مع الاتیان بشرائطها و ان تکرر نقضها

89 - باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی

که شرایط آن را به جای آورد اگر چه شکستن آن توبه تکرار گردد

حدیث :

816 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : یا محمد بن مسلم ذنوب المومن اذا تاب منها مغفوره له فلیعمل المومن لما یستأنف بعد التوبه و المغفره اما و الله انها لیست الا لاهل الایمان قلت : فان عاد بعد التوبه و الاستغفار من الذنوب و عاد فی التوبه قال یا محمد بن مسلم اتری العبد المومن یندم علی ذنبه و یتستغفر منه و یتوب ثم لایقبل الله توبته ؟ قلت : فانه فعل ذلك مرارا یدنب ثم یتوب و یتستغفر فقال : كلما عاد المومن بالاستغفار و التوبه عاد الله علیه بالمغفره و ان الله غفور رحیم یقبل التوبه و یعفو عن السيئات فایاک ان تقنط المومنین من رحمه الله .

ترجمه :

816 - امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد بن مسلم! گناهان مومن هرگاه از آنها توبه کند آمرزیده می شود، پس مومن باید برای آنچه که بعد از توبه و مغفرت آغاز می کند عمل کند. هان ، به خدا سوگند که توبه جز برای اهل ایمان نیست . محمد بن مسلم گوید: عرض کردم : پس اگر بعد از توبه و استغفار از گناهان ، دوباره به گناه باز گردد و دوباره توبه کند چگونه است ؟ فرمود: ای محمد بن مسلم! آیا تو می پنداری بنده مومنی که بر گناهش پشیمان می گردد و از آن استغفار و توبه می کند خداوند توبه اش را نمی پذیرد؟ عرض کردم : آخر او این کار را بارها انجام داده است گناه می کند سپس توبه و استغفار می کند. حضرت فرمود: تا زمانی که مومن با استغفار و توبه به سوی خداوند باز می گردد خداوند نیز با مغفرتش به سوی او می آید و راستی که

خداوند آمرزنده مهربان است ، توبه را می پذیرد و از گناهان در می گذرد پس بر حذر باش از اینکه مومنین را از رحمت خداوند مایوس کنی .

حدیث :

817 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ان الله يحب العبد المفتح التواب و من لا يكون

ذلك منه كان افضل .

ترجمه :

817 - امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که خداوند بنده ای که بوسیله گناه

آزموده و آزمایش شده سپس توبه نموده است را دوست می دارد و بنده ای که اصلا به گرد گناه نگشته از بنده ای که گناه کرده و توبه نموده برتر است .

حدیث :

818 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ما من مومن الا وله ذنب يهجره زمانا ثم يلم به

و ذلك قول الله عزوجل (الا اللهم) و سألته عن قول الله عزوجل : (الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللثم) قال : الفواحش الزنا و السرقة و اللثم الرجل يلم بالذنب فيستغفر الله منه .

ترجمه :

818 - امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست جز اینکه برای وی گناهی

است که مدتی از آن گناه بریده و از آن دوری نموده سپس آن را دوباره انجام می دهد و این همان است که در گفتار خدای عزوجل از آن به (لمم) (گناه

کوچک نسبت به گناه بزرگ) تعبیر شده است . روای گوید: از امام صادق عليه السلام

درباره این آیه شریفه پرسیدم که می فرماید: (آنان که از گناهان بزرگ و زشتی

ها دوری می کنند مگر از لمم گناهان کوچکی که پیش می آید)⁽¹⁶⁷⁾ حضرت

فرمود: مراد از فواحش و زشتی ها، زنا نمودن و دزدی است و لمم آن است که

کسی مرتکب گناهی (که در مسیر او قرار گرفته) شود پس از آن از خداوند طلب بخشایش کند.

حدیث :

819 - عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قوله تعالی (توبوا الی الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذی لا یعود فیہ ابدًا قلت : و اینا لم یتب و یعد؟ فقال : یا ابا محمد ان الله یحب من عباده المفتن التواب .

ترجمه :

819 - ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: (به سوی خداوند توبه کنید توبه ای خالصانه) ⁽¹⁶⁸⁾ فرمود: توبه نصوح و خالصانه آن است که شخص هرگز دوباره به گناهی که مرتکب شده است باز نگردد. عرض کردم: کدامیک از ما توبه نمی کند و (به گناه) باز نمی گردد؟ حضرت فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگانش آن کسی که به گناه دچار شده و توبه نموده است را دوست می دارد.

حدیث :

820 - الحسن بن محمد الدیلمی فی (الارشاد) قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یستغفر الله فی کل یوم سبعین مره یقول استغفر الله ربی و اتوب الیه و كذلك اهل بیته علیهم السلام و صالح اصحابه یقول الله تعالی (و استغفوا ربکم ثم توبوا الیه) قال : و قال رجل : یا رسول الله انی اذنب فما اقول اذا تبت ؟ قال : استغفر الله فقال : انی اتوب ثم اعود فقال : کلما اذنبت استغفر الله فقال : اذن تكثر ذنوبی فقال : عفو الله اکثر فلا تزال تتوب حتی یکون الشیطان هو المدحور.

ترجمه :

820 - حسن بن محمد دیلمی در کتاب (الارشاد) گوید: رسول خدا ﷺ در هر روز هفتاد مرتبه به درگاه خداوند استغفار می نمود و می گفت : (استغفر الله ربی و اتوب الیه) همچنین اهل بیت او علیهم السلام و اصحاب شایسته اش چنین سیره ای داشتند، خداوند تعالی می فرماید: (از پروردگارتان طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه آورید) ⁽¹⁶⁹⁾ راوی گوید: مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! من مرتکب گناه می شوم هنگامی که توبه می کنم چه بگویم؟ حضرت فرمود: به درگاه خداوند استغفار کن . عرض کرد: توبه می کنم و سپس دوباره به گناه باز می گردم (در این حال چه بگویم؟) فرمود: هر زمان مرتکب گناه شدی از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کن . عرض کرد: بنابراین گناهان من زیاد می شود. حضرت فرمود: عفو و بخشایش خداوند زیادتر و بیشتر است پس پیوسته توبه می کنی تا اینکه شیطان تار و مار و رانده می گردد.

90 - باب استحباب تذکر الذنب و الاستغفار منه کما ذکره

90 - باب استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه

آن را به یاد آورد

حدیث :

821 - عن ابی عبدالله فی حدیث قال : ان المومن لیذکر ذنبه بعد عشرین

سنه حتی یتستغفر ربه فیغفر له و ان الکافر لینساه من ساعته .

ترجمه :

821 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که شخص مومن گناه

خود را پس از بیست سال به یاد می آورد تا به درگاه پروردگارش استغفار کند

پس پروردگار او را مشمول غفران خود قرار می دهد ولی شخص کافر گنااهش

در همان دم که مرتکب آن می شود فراموشش می گردد.

حدیث :

822 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان المومن لیذنب الذنب فیذکر بعد عشرین

سنه فیستغفر منه فیغفر له و انما یذکره لیغفر له و ان الکافر لیذنب الذنب فینساه

من ساعته .

ترجمه :

822 - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مومن گناهی می کند پس بعد

از بیست سال آن را به یاد می آورد و از آن استغفار می کند و مورد آمرزش و

بخشایش قرار می گیرد و این یادآوری اش برای این است که مشمول غفران

واقع شود و کافر در همان ساعتی که گناه می کند آن را به فراموشی می سپارد.

حدیث :

823 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ان الله اذا اراد بعبد خيرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه
و يذكره الاستغفار. (الحديث).

ترجمه :

823 - امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی هرگاه که خداوند خیر بنده ای را
اراده کند و آن بنده مرتکب گناهی گردد پیرو آن گناه خداوند او را عقوبتی می
کند و انتقامی از او می کشد و استغفار را به یاد او می آورد.

حدیث :

824 - قال ابو عبدالله عليه السلام عن الاستدراج فقال : هو العبد يذنب الذنب فيملي
له و يجدد له عندها النعم فيلهيه عن الاستغفار فهو مستدرج من حيث لا يعلم .

ترجمه :

824 - از امام صادق عليه السلام درباره (استدراج) ⁽¹⁷⁰⁾ پرسیده شد (که چیست؟)
حضرت فرمود: استدراج آن است که بنده گناهی کند پس به او مهلت داده شود
و همزمان با ارتکاب گناه به او نعمت های جدیدی عطا شود و از استغفار باز
ماند و سرگرم شود چنین کسی از جایی که نمی داند اندک اندک به شقاوت
نزدیک گشته است .

91 - باب استحباب انتهاز فرص الخير و المبادره به عند الامكان

91 - باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در

صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود

حدیث :

825 - عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليهم السلام في وصيه النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام قال : يا علي بادر بربع قبل اربع : شبابك قبل هرمك و صحتك قبل سقمك و غناك قبل فقرك و حياتك قبل موتك .

ترجمه :

825 - امام صادق عليه السلام از پدرانش : روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام آمده است : ای علی ! پیش از چهار چیز به چهار چیز مبادرت کن : جوانیت را پیش از پیر شدن دریاب و سلامتت را پیش از بیماریت غنیمت شمر و از ثروتمندیت قبل از اینکه فقیر شوی استفاده خیر کن و پیش از مردنت زندگی ات را غنیمت دان .

حدیث :

826 - عن موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عليه السلام عن آبائه عليهم السلام عن علي عليه السلام في قول الله عزوجل و لاتنس نصيبك من الدنيا قال : لاتنس صحتك و قوتك و فراغك و شبابك و نشاطك ان تطلب بها الاخره .

ترجمه :

826 - موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عليه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : علی عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (و نصيب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن) ⁽¹⁷¹⁾ فرمود: فراموش مکن که از

سلامتی و توانایی و بیکاری و جوانی و نشاطی که داری برای طلب آخرت بهره
ببری .

حدیث :

827 - عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قرنت الهیبه لاختیه و الحیاء بالحرمان و
الفرصه تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الخیر .

ترجمه :

827 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترس با نامرادی و به مقصود نرسیدن
مقرون است و حیا با محرومیت همراه است و فرصت مانند ابر گذرنده می گذرد
پس فرصتهای نیکو را غنیمت شمیرید .

حدیث :

828 - و قال علیه السلام : اضاعه الفرصه غصه .

ترجمه :

828 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر باد دادن و تلف کردن فرصت (موجب)
غصه و اندوه است .

حدیث :

829 - و قال علیه السلام : من الخرق المعاجله قبل الامکان و الاناه بعد الفرصه .

ترجمه :

829 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شتاب کردن (در کاری) پیش از (به دست
آوردن) توانایی ، و بردباری (سستی کردن) بعد از (به دست آوردن) فرصت
(این هر دو) از نادانی است .

92 - باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و ليله من غیر ذنب و

وجوبه مع الذنب

92 - باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد

حدیث :

830 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : یتوب الی الله عزوجل فی کل یوم سبعین مره قلت : اکان یقول : استغفر الله و اتوب الیه ؟ قال لا و لکن کان یقول : اتوب الی الله قلت : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یتوب و لایعود و نحن نتوب و نعود . فقال : الله المستعان .

ترجمه :

830 - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین بود که در هر روز به درگاه خدای عزوجل هفتاد مرتبه توبه می نمود راوی گوید: عرض کردم : آیا رسول خدا می گفت : (استغفر الله و اتوب الیه)؟ فرمود: خیر، بلکه می گفت : (توب الی الله) عرض کردم : همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توبه می نمود و بازگشت نمی کرد (همواره در حال تکامل و تعالی بود) ولی ما توبه می کنیم و (دوباره به حالت گذشته) باز می گردیم . حضرت فرمود: خداوند یاری کننده است (و در این راه باید از او یاری جست).

حدیث :

831 - و عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال : لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار .

ترجمه :

831 - عده ای از اصحاب ما این سخن را به معصوم علیه السلام نسبت داده اند که فرمود: برای هر دردی دواایی است و دواى گناهان استغفار کردن است .
حدیث :

832 - قال ابو عبدالله علیه السلام : من قال : استغفر الله مائه مره فى يوم غفر الله له سبعمائى ذنب و لآخر فى عبد يذنب فى يوم سبعمائى ذنب .
ترجمه :

832 - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که در هر روز صد مرتبه (استغفر الله) بگوید خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد و بنده ای که در روز مرتکب هفتصد گناه شود خیری در او نیست .
حدیث :

833 - عن ابى عبدالله علیه السلام فى حدیث قال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم كان يتوب الى الله كل يوم سبعین مره من غير ذنب .
ترجمه :

833 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هر روز بدون اینکه گناهی داشته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می آورد.
حدیث :

834 - عن ابى عبدالله علیه السلام فى حدیث قال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم كان يتوب الى الله و يستغفره فى كل يوم و ليله مائه مره من غير ذنب ان الله يحص اولیاء بالمصائب لیوجرهم علیها من غير ذنب .
ترجمه :

834 - امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: همانا روش رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم

چنین بود که هر شبانه روز بدون اینکه گناهی داشته باشد به سوی خداوند توبه و استغفار می کرد؛ به راستی که خداوند مصائب و سختی ها را به اولیاء و دوستان خویش اختصاص دهد بدون اینکه گناهی نموده باشند تا به آنها به خاطر شکیبایی نمودشان بر دشواری ها پاداش دهد.

حدیث :

835 - عن ابی عبدالله عليه السلام فی حدیث قال : رسول الله

صلى الله عليه وآله وسلم كان يتوب الى الله في كل يوم سبعين مره من غير ذنب .

ترجمه :

835 - امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم را سیره

چنین بود که هر روز بدون اینکه گناهی از آن حضرت صورت گرفته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می نمود.

حدیث :

836 - قال ابو جعفر عليه السلام : انه كان يقال : من احب عباد الله الى الله المحسن

التواب .

ترجمه :

836 - امام باقر عليه السلام فرمود: یکی از محبوبترین بندگان خدا در نزد خداوند

کسی است که نیکوکار و بسیار توبه کننده باشد.

حدیث :

837 - و عن ابراهيم بن ابی البلاد قال : قال لی ابوالحسن عليه السلام : انی استغفر

الله فی كل يوم خمسه الاف مره ثم قال لی : خمسه الاف كثير .

ترجمه :

837 - ابراهيم بن ابى البلاد گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: همانا من در هر روز پنج هزار مرتبه از خداوند طلب مغفرت می کنم سپس به من فرمودند: پنج هزار زیاد است .

93 - باب صحه التوبه فى آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعاینه و كذا الاسلام

93 - باب صحیح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که
جان به گلو رسیده باشد پیش از اینکه مرگ را به چشم ببیند و
همچنین است اسلام آوردن

حدیث :

838 - عن ابی عبدالله علیه السلام او عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث : ان الله عزوجل قال لادم علیه السلام : جعلت لك ان من عمل من ذریتك سیئه ثم استغفر غفرت له قال : یا رب زدنی قال : جعلت لهم التوبه او بسطت لهم التوبه حتی تبلغ النفس هذه قال : یا رب حسبی .

ترجمه :

838 - از امام صادق علیه السلام یا از امام باقر علیه السلام در حدیثی آمده است : همانا خداوند عزوجل به حضرت آدم علیه السلام فرمود: این مزیت را برای تو قرار دادم که هر کس از فرزندان مرتکب گناهی شود سپس استغفار کند او را می بخشایم . حضرت آدم علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من مرا بیش از این ده . خداوند فرمود: برای فرزندان توبه را قرار دادم یا برای آنان باب توبه را گشودم و گستراندم تا آن هنگام که جان به گلویشان رسد. حضرت عرض کرد: ای پروردگار من مرا بس است .

حدیث :

839 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : اذا بلغت النفس هذه و اهوی بیده الی حلقه لم یکن للعالم توبه و کانت للجاهل توبه .

ترجمه :

839 - امام باقر عليه السلام فرمود: آنگاه که جان به اینجا برسد و دست مبارکش را به سوی حلق خود کشید توبه شخص عالم پذیرفته نیست ولی توبه جاهل پذیرفته می شود.

حدیث :

840 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من تاب قبل موته بسنه قبل الله توبته ثم قال : ان السنه لكثير من تاب قبل موته بشهر قبل الله توبته ثم قال : ان الشهر لكثير ثم قال : من تاب قبل موته بجمعه قبل الله توبته ثم قال : و ان الجمعه لكثير من تاب قبل موته بيوم قبل الله توبته ثم قال : ان يوما لكثير من تاب قبل ان يعاين قبل الله توبته .

ترجمه :

840 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که یک سال به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک سال زیاد است ؛ هر کس یک ماه به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک ماه زیاد است ؛ کسی که یک جمعه به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک جمعه زیاد است ؛ کسی که یک روز پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: به راستی که یک روز هم زیاد است ؛ کسی که پیش از آنکه مرگ را به چشم خود ببیند توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد.

حدیث :

841 - عن معاوية بن وهب في حديث ان رجلا شيخا كان من المخالفين عرض عليه ابن اخيه الولاية عند موته فاقربها و شق و مات قال : فدخلنا على

ابی عبدالله علیه السلام فعرض علی بن السری هذا الکلام علی ابی عبدالله علیه السلام فقال :
هو رجل من اهل الجنة قال له علی بن السری : انه لم يعرف شیئا من هذا غیر
ساعته تلک قال : فتریدون منه ماذا؟ قد و الله دخل الجنة .

ترجمه :

841 - معاویه بن وهب در حدیثی روایت کند که : بر پیرمردی از مخالفین
در هنگام مرگش توسط پسر برادرش ولایت ائمه علیهم السلام عرض شد و آن پیرمرد
به ولایت معصومین علیهم السلام اقرار نموده و نعره ای بر کشید و جان داد راوی گوید:
پس از آن ما بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم و علی بن سری این قضیه را به
حضرت عرضه داشت . حضرت فرمود: آن پیرمرد مردی از اهل بهشت است .
علی بن سری عرض کرد: او که چیزی از ولایت شما را جز همان ساعت
مردنش در نیافته بود (چگونه او از اهل بهشت است؟) حضرت فرمود: شما از
او چه می خواهید؟ به خدا سوگند که او وارد بهشت شد.

حدیث :

842 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لما اعطی الله ابلیس ما اعطاه من القوه قال
آدم : یا رب سلطت ابلیس علی ولدی و اجریته منهم مجری الدم فی العروق و
اعطیته ما اعطیته فما لی و لولدی ؟ قال : لک و لولدک السئیه بواحدہ و الحسنه
بعشر امثالها قال : یا رب زدنی قال : التوبه مبسوطه الی ان تبلغ النفس الحلقوم
قال : یا رب زدنی قال : اغفر و لا ابالی قال : حسبی .

ترجمه :

842 - امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند به ابلیس آن قدرت را
(قدرت اغواگری و فریب مردم را) بخشید حضرت آدم علیه السلام عرض کرد: ای
پروردگار من! ابلیس را بر فرزندان من مسلط نمودی و همانند خون که در

رگها جریان دارد او را با آنان همراه ساختی و به او آن نیروی آنچنانی را بخشیدی پس برای من و فرزندانم چه گذارده ای ؟ خداوند فرمود: برای تو و فرزندانم مقرر ساخته ام که یک گناهاتان یک عقوبت داشته باشد ولی یک نیکی شما ده برابر پاداش داده شود. عرض کرد: ای پروردگار من ! مرا بیش از این ده . فرمود: (باب) توبه را برای شما تا زمانی که جان به گلویتان برسد گسترانده و گشوده ام . عرض کرد: ای پروردگار! مرا بیش از این ده . فرمود: می بخشم و مرا باکی نیست . عرض کرد: مرا بس است .

حدیث :

843 - محمد بن علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ قال : قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : من تاب قبل موته بسنه تاب الله عليه ثم قال : و ان شهرا لكثير من تاب قبل موته بساعه تاب الله عليه ثم قال : و ان ساعه لكثير من تاب و قد بلغت نفسه هاهنا و اشار بيده الى حلقه تاب الله عليه .

ترجمه :

843 - امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است : کسی که یک سال پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: همانا یک سال زیاد است ؛ کسی که یک ماه به مرگش مانده توبه کند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک ماه هم زیاد است ؛ کسی که یک روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک روز هم زیاد است ؛ کسی که ساعتی پیش از مرگش توبه کند توبه اش پذیرفته می گردد، سپس فرمود: یک ساعت هم زیاد است ؛ کسی که توبه کند در حالی که جانش به اینجا رسیده باشد و با دست مبارکش به گلویش اشاره فرمود: خداوند توبه اش را می پذیرد.

حدیث :

844 - و سئل الصادق عليه السلام عن قول الله عزوجل (و ليست التوبه للذين يعلمون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال انى تبت الان) قال عليه السلام : ذاك اذا عاين امر الاخره .

ترجمه :

844 - از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (برای آن کسانی که گناهان را مرتکب می شوند تا آنجا که هنگامی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد می گوید: اکنون توبه نمودم ، توبه ای در کار نیست توبه آنان پذیرفته نیست -).⁽¹⁷²⁾ پرسیده شد. حضرت فرمود: این پذیرفته نشدن توبه مربوط به آن هنگامی است که شخص امر آخرت را به چشم خود می بیند.

حدیث :

845 - عن ابی جعفر عليه السلام فی حدیث ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم دعا رجلا من اليهود و هو فی السياق الی الاقرار بالشهادتين فاقربهما و مات فامر الصحابه ان يغسلوه و يكفنوه ثم صلى عليه و قال : الحمد لله الذى انجى بى الويم نسمة من النار.

ترجمه :

845 - امام باقر عليه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مردی از یهود را که در حال جان کندن و احتضار بود به سوی اقرار به شهادتین (وحدانیت خدا و رسالت پیامبر) فرا خواند او نیز اقرار نمود و از دنیا رفت پس رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم صحابه اش را دستور داد او را غسل داده و کفن کنند سپس خود بر او نماز خوانده و فرمود: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که امروز به وسیله من موجودی را از آتش دوزخ رهایی بخشید.

حدیث :

846 - عن ابراهیم بن محمد الهمدانی قال قلت لابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام : لای علیه اغرق الله عزوجل فرعون و قد آمن به و اقر بتوحیده ؟ قال : لانه آمن عند رویه الباس و الایمان عند رویه الباس غیر مقبول و ذلك حکم الله تعالی ذکره فی السلف و الخلف قال الله تعالی : (فلما راوا باسنا قالوا آمنا بالله وحده و کفرنا بما کنا به مشرکین فلم یک ینفعهم ایمانهم لما راوا باسنا) و قال عزوجل : (یوم یاتی بعض آیات ربک لاینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا) (الحدیث)

ترجمه :

846 - ابراهیم بن محمد همدانی گوید: به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم : به چه علتی خداوند عزوجل فرعون را در دریا غرق کرد در حالی که او به خداوند ایمان آورد و به یگانگی او اقرار نمود؟ حضرت فرمود: زیرا او در هنگام دیدن عذاب الهی ایمان آورد و ایمان آوردن در وقت دیدن عذاب ، پذیرفته نمی شود و این حکم خداوندی است که ذکر او در میان گذشتگان و آیندگان بلند مرتبه است . خدای تعالی می فرماید: (پس آنگاه که عذاب ما را دیدند گفتند: ما به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به آنچه پیش از این شرک می ورزیدیم کافر گشتیم ، پس ایمان آنان به حالشان سودمند نبود چرا که آنان عذاب ما را به چشم دیدند) ⁽¹⁷³⁾ و خدای عزوجل می فرماید: (روزی که بعضی از نشانه های پروردگارت می آید در آن روز ایمان کسی که پیش از آن ایمان نداشته یا در ایمان خود خیری را کسب نکرده ، به او سودی نمی بخشد.) ⁽¹⁷⁴⁾

حدیث :

847 - عن محمد بن ابی عمیر قال : قلت لابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام : اخبرنی عن قول الله عزوجل لموسی علیه السلام (اذهب الی فرعون انه طغی) فقال علیه السلام اما قوله (فقولا له قولنا لينا) الی ان قال : و قد علم الله ان فرعون لا يتذكر و لا يخشى الا عند رويه الباس الا تسمع الله يقول : (حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائیل و انا من المسلمین) فلم يقبل الله ايمانه و قال : (الآن و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين).

ترجمه :

847 - محمد بن ابی عمیر گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: مرا درباره گفتار خدای عزوجل آگاه ساز که خطاب به موسی علیه السلام می فرماید: (ای موسی و ای هارون! بروید به سوی فرعون که او طغیان و سرکشی نموده است) (175)

(چرا با اینکه خداوند در آیه بعد توصیه می فرماید که با فرعون به نرمی سخن گوئید اما سرانجام وی را در دریا غرق می سازد؟) حضرت پس از بیان و تفسیر آیه بعد فرمود: زیرا خداوند دانست که فرعون پند نمی پذیرد و خدا ترس نمی گردد مگر زمانی که عذاب الهی را به چشم خود ببیند آیا نشنیده ای که خداوند فرموده است: (تا هنگامی که غرقه شدن او را فرا گرفت گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند نیست و من تسلیم اویم) (176) پس خداوند ایمانش را نپذیرفت و فرمود: (آیا اکنون ایمان می آوری در حالی که پیش از این عصیانگر و از فساد کنندگان بودی) (177)

حدیث :

848 - عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی حدیث قال : انی نزلت رب فی امتی فقال لی ان باب التوبه مفتوح حتی ینفخ فی الصور ثم اقبل علینا رسول الله

صلی الله علیه و آله وسلم فقال : انه من تاب قبل موته بسنه تاب الله عليه ثم قال :
و ان السنه لكثير من تاب قبل موته بشهر تاب الله عليه ثم قال : و شهر كثير من
تاب قبل موته بجمعه تاب الله عليه ثم قال : و جمعه كثير من تاب قبل ان يموت
بيوم تاب الله عليه ثم قال : و يوم كثير من تاب قبل ان يموت بساعه تاب الله
عليه ثم قال : و ساعه كثيره من تاب و قد بلغت نفسه هذه و اوما بيده الى حلقه
تاب الله عليه .

ترجمه :

848 - رسول خدا ﷺ فرمود: من درباره امت خود با پروردگرم رویا رو
شدم ، پروردگار به من فرمود: همانا باب توبه تا زمانی که در صور دمیده شود
باز گذاشته می شود سپس بعد از سخن رسول خدا ﷺ بر ما رو آورد و
فرمود: به راستی که کسی که یک سال پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه
اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک سال زیاد است ، کسی که یک ماه قبل از
مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود، یک ماه هم زیاد
است ، هر کسی که یک جمعه از مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می
پذیرد، سپس فرمود: جمعه هم زیاد است ، کسی که سه روز پیش از مرگش
توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک روز هم زیاد است ،
کسی که ساعتی به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس
فرمود: ساعت هم زیاد است ، کسی که توبه کند در حالی جان به گلویش رسیده
باشد خداوند توبه اش را قبول می کند.

94 - باب استحباب الاستغفار فی السحر

94 - باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر حدیث :

849 - عن موسى بن جعفر عليه السلام عن ابيه عليه السلام عن علي عليه السلام قال : ان الله عزوجل اذا اراد ان يصيب اهل الارض بعذاب قال : لو لا الذين يتحابون بجلالی و يعمرون مساجدی و يستغفرون بالاسحار لانزلت عذابی .
ترجمه :

849 - امام موسى بن جعفر عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از علی عليه السلام روایت فرمود که : به راستی که هرگاه خداوند عزوجل اراده می کند که به اهل زمین عذابی برساند می گوید: اگر آن کسانی که به خاطر جلالت و بزرگی من یکدیگر را دوست دارند و مساجد مرا آباد می کنند و در سحرگاهان به استغفار می پردازند نبودند عذاب خود را بر زمینیان فرو فرستادیم .
حدیث :

850 - عن جعفر بن محمد عليه السلام قال : قال ابي عليه السلام قال اميرالمؤمنين عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : ان الله جل جلاله اذا رای اهل قرية قد اسرفوا فی المعاصی و فیها ثلاثه نفر من المومنین ناداهم جل جلاله یا اهل معصیتی لو لا من فیکم من المومنین المتحابین بجلالی العامرین بصلاتهم ارضی و مساجدی و المستغفرین بالاسحار خوفا منی لانزلت بکم عذابی ثم لا ابالی .
ترجمه :

850 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از علی عليه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: همانا خداوند جل جلاله هرگاه ببیند که اهل قریه ای در انجام گناهان زیاده روی می کنند در حالی که در آن قریه سه نفر از مومنین وجود دارند به آن اهل زمین قریه خطاب می کند که : ای اهل نافرمانی من ! اگر در بین شما مومنین نبودند همان مومنینی که به خاطر جلال و

بزرگی من یکدیگر را دوست دارند و به وسیله نمازشان زمین من و مساجد مرا آباد می کنند و از خوف من سحرگاهان به استغفار می پردازند، عذاب خود را بر شما نازل می ساختم سپس باکی ندارم (که چه می شود).

حدیث :

851 - و عن عبدالله بن جعفر عن ابيه مثله و زاد قال : و قال رسول الله

ﷺ : من ساءته سيئته و سرته حسنته فهو مومن .

ترجمه :

851 - روایتی دیگر شبیه به روایت گذشته از عبدالله بن جعفر روایت شده

است با این اضافه که فرموده است : رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که زشتکاری اش او را بد حال کند و نیکو کاری اش او را شادمان سازد چنین کسی مومن است .

95 - باب انه يجب على الانسان ان يتلافى في يومه ما فرط في امسه و

لايوخر ذلك الى غده

95 - باب اینکه بر انسان واجب است که در روز آنچه را که در روز گذشته درباره آن کوتاهی کرده است تلافی کند و این کار را به فردا موکول نکند

حدیث :

852 - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : کان امیر المؤمنین علیه السلام یقول : انما الذهر ثلاثه ایام انت فیما بینهن مضی امس بما فیه فلا یرجع ابدا فان کنت عملت فیه خیرا لم تحزن لذهابه و فرحت بما استقبلته منه و ان کنت فرطت فیه فحسرتک شدیدة لذهابه و تفریطک فیه و انت من غد فی غره لاتدری لعلک لاتبلغه و ان بلغته لعل حظک فیه التفریط مثل حظک فی المس الی ان قال : و انما هو یومک الذی اصیحت فیه و قد ینبغی لک ان عقلت و فکرت فیما فرطت فی الامس الماضی مما فاتک فیه من حسنات ان لاتکون اکتسبتها و من سئیات ان لاتکون اقصرت عنها الی ان قال : فاعمل عمل رجل لیس یامل من الایام الا یومه الذی اصبح فیه و لیلته فاعمل او دع و الله المعین علی ذلک .

ترجمه :

852 - امام علی بن حسین زین العابدین علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرمود: همانا روزگار سه روز است که تو (ای انسان خواه ناخواه) در میان این سه روز خواهی بود، دیروز با هر آنچه در آن بود گذشت پس هرگز باز نمی گردد، پس اگر تو کار خیری در آن انجام داده ای از رفتنش اندوهگین نیستی و از روی آوردن آن روز بر خودت شادمانی، و اگر در آن روز (در انجام وظایف خود) کوتاهی کرده ای به خاطر رفتن آن روز کوتاهی خودت حسرت زیادی خواهی داشت، و تو از فردای خودت در امیدی بیهوده به سر میبری، نمی

دانی شاید به فردا نرسی و اگر هم بررسی شاید همانند دیروزت بهره ای در آن جز تفریط و کوتاهی کردن (در انجام وظایف) نداشته باشی تا آنجا که فرمود: همانا امروزت را دریاب همین روزی که در آن صبح کرده ای و حقیقتاً بر تو سزاوار است که اندیشه کنی و در کوتاهی های دیروز گذشته ات تفکر کنی که چه نیکی هایی از دست تو رفت و آنها را برای خود کسب نکردی و از چه بدیهایی باز نایستادی تا آنجا که فرمود: پس عمل کن یا (از بدیها) باز ایست و خداوند در این راه یاور توست .

حدیث :

853 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان النهار اذا جاء قال : یا ابن آدم اعمل فی یومک هذا خیرا اشهد لک به عند ربک یوم القیامه فانی لم آتیک فیما مضی و لا آتیک فیما بقی فاذا جاء اللیل قال مثل ذلک .

ترجمه :

853 - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز فرا می رسد (خطاب به انسان) می گوید: ای فرزند آدم! تو در این روزت کار خیر کن تا من در روز قیامت نزد پروردگارت به نفع تو گواهی دهم زیرا من در گذشته بر تو نیامده ام و در باقی مانده عمرت نیز دیگر نخواهم آمد. و هنگامی که شب فرا می رسد شب نیز همین سخنان را می گوید.

حدیث :

854 - عن حفص بن غیاث قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : ان قدرت ان لاتعرف فافعل و ما علیک ان تکون مذموما عند الناس اذا کنت محمودا عند الله ثم قال : قال ابی علی بن ابی طالب .

ترجمه :

854 - حفص بن غیاث گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: اگر بتوانی (به گونه ای رفتار کنی) که شناخته نشوی این کار را انجام ده و اگر در نزد خداوند نیکنام باشی بر تو عیبی نیست که در نزد مردم از تو به خوبی یاد نشود سپس فرمود: پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خیری در زندگانی نیست مگر برای دو نفر: یکی کسی که در هر روز خیری را (بر خیرهای خود) بیفزاید و دیگری کسی که به وسیله توبه مرگ خود را اصلاح کند.

حدیث :

855 - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : المغبون من غبن عمره ساعه بعد ساعه ترجمه :

855 - امام صادق علیه السلام فرمود: فریب خورده (حقیقی) کسی است که درباره ساعت به ساعت عمرش فریب خورده باشد.

حدیث :

856 - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : من استوی یوماه فهو مغبون و من کان آخر یومیه خیرهما فهو مغبوط و من کان آخر یومیه شرهما فهو ملعون و من لم یر الزیاده فی نفسه فهو الی النقصان و من کان الی النقصان فالموت خیر له من الحیاه .

ترجمه :

856 - امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دو روزش با هم مساوی باشد (و در روز دوم پیشرفتی معنوی ننموده باشد) چنین کسی فریب خورده است و کسی که پایان دو روزش (برای او) بهترین ساعات و حالات آن دو روز باشد سعادتمند است و کسی که پایان دو روزش بدترین حالات آن دو روز باشد ملعون است (و از رحمت الهی دور است) و کسی که در نفس خود (نسبت به

گذشته) زیادتی مشاهده نکند چنین کسی به سوی کمبود و نقصان پیش می رود و کسی که همواره در حال نقصان است مرگ برایش از زندگانی بهتر است . 96 - باب وجوب محاسبه النفس کل یوم و ملاحظتها و حمد الله علی الحسنات و تدارک السيئات

96 - باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد

نمودن خداوند بر نیکی ها و جبران نمودن بدیها

حدیث :

857 - عن ابی الحسن الماضي عليه السلام قال : ليس منا من لم يحاسب نفسه في

كل يوم فان عمل حسنا استزاد الله و ان عمل سيئا استغفر الله منه و تاب اليه .

ترجمه :

857 - امام موسی کاظم عليه السلام فرمود: کسی که در هر روز از نفس خود

حساب نکشد از ما نیست (کسی که محاسبه نفس می کند) اگر عمل نیکی به

جای آورده است از خداوند طلب زیادتی آن را کند و اگر کردار بدی از او سر

زده است از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آورد.

حدیث :

858 - قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا اراد احدكم ان لا يسأل الله شيئا الا اعطاه

فليياس من الناس كلهم و لا يكون له رجاء الا من عند الله جل ذكره فاذا علم الله

جل و عز ذلك من قلبه لم يسأل الله شيئا الا اعطاه فحاسبوا انفسكم قبل ان

تحاسبوا عليها فان للقيامة خمسين موقفا كل موقف مقدار الف سنه - ثم تلا

قوله تعالى - (في يوم كان مقداره الف سنه مما تعدون).

ترجمه :

858 - امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه کسی از شما اراده کرد که از خداوند

چیزی را درخواست نکند مگر اینکه خداوند آن چیز را به او عطا کند پس باید

از تمامی مردم نومید گردد و امید او جز به خداوند جل ذکره نباشد پس هرگاه

خداوند بزرگ و عزتمند دانست که او از ته قلبش چنین اراده ای را نموده هیچ

چیزی را آن بنده از خدا نمی خواهد مگر اینکه خداوند به وی عطا می کند پس شما بیش از اینکه مورد حسابرسی واقع شوید از نفسهایتان حساب بکشید زیرا قیامت پنجاه توقفگاه دارد که مقدار هر کی از آنها هزار سال است سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: (در روزی که مقدار آن برابر با هزار سال از سالهایی است که شما در این دنیا می شمارید) (178)

حدیث :

859 - عن ابی حمزه الثمالی قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : ابن آدم انک لا تزال بخیر ما کان لک واعظ من نفسک و ما کانت المحاسبه من همک و ما کان الخوف لک شعارا و الحزن لک دثارا ابن آدم انک میت و مبعوث و موقوف بین یدی الله فاعد جوابا.

ترجمه :

859 - ابوحمزه ثمالی گوید: امام سجاد علیه السلام می فرمود: ای فرزند آدم! راستی که تو پیوسته در خیر و خوبی خواهی بود تا زمانی که :

- 1 - واعظ و پند دهنده ای از درون خود داشته باشی
- 2 - سعی و کوشش در محاسبه نفس خود کنی
- 3 - خوف و ترسی از خداوند را زیر پوش خود قرار دهی
- 4 - حزن و اندوه را روپوش خود کنی .

ای فرزند آدم! تو خواهی مرد و برانگیخته خواهی شد و در پیشگاه خداوند خواهی ایستاد پس جوابی را (برای خداوند) آماده ساز.

حدیث :

860 - عن ابی ذر فی حدیث قال : قلت : یا رسول الله فما کانت صحف ابراهیم ؟ قال : کانت امثالا کلها. ایها الملک المبتلی المغرور انی لم ابعثک لتجمع

الدنيا بعضها على بعض و لكن بعثتك لترد عني دعوه المظلوم فاني لا اردها و ان كانت من كافر. و على العاقل ما لم يكن مغلوبا ان تكون له ساعات ساعه ينجي فيها ربه و ساعه يحاسب فيها نفسه و ساعه يتفكر فيها صنع الله اليه و ساعه يخلو فيها يحظ نفسه من الخلال فان هذه الساعه عون لتلك الساعات و استجمام للقلوب و تفرغ لها. (الحديث)

ترجمه :

860 - ابوذر روايت كند كه : به رسول خدا ﷺ عرض كردم : اي رسول خدا! صحف ابراهيم چه بود؟ فرمود: همه آن مثلهايي بود (از جمله :) اي پادشاهي كه گرفتار گشته و فريب خورده اي من تو را براي اينكه دنيا را بخش بخش گرد آوري كني برنيانگيختم بلكه تو را بر انگيختم تا دعاي ستمديده را از من بازگرداني (ستمديده اي نباشد تا از درگاه من فرياد رسي خواهد) زيرا من دعاي ستمديده را اگر چه كافر باشد باز نمي گردانم (دعايش را اجابت مي كنم). (مثلي ديگر اينكه :) بر شخص خردمندی كه مغلوب و مقهور نگشته است (و سرگرم دنياطلبي نشده) سزاوار است كه ساعات خود را تقسيم كند: ساعتی را به مناجات با پروردگارش بگذراند و در ساعتی از نفس خود حساب كشد و در ساعتی به نيكویی هايی كه خداوند با او نموده است اندیشه كند و ساعتی را به بهره بردن نفسش از حلال خلوت كند زيرا اين ساعت ياری گر بقيه ساعات است و دلها را نيرویی تازه مي بخشد و جدیت در كار را در پی دارد (دلها را فارغ و آسوده می سازد).

حدیث :

861 - قال رسول الله ﷺ : لذكر الله بالغدو و الاصال خير من حطم السيف في سبيل الله عزوجل يعني من ذكر الله بالغدو و تدكر ما كان منه في ليله

من سوء عمله و استغفر الله و تاب اليه انشتر و قد حطت سيئاته و غفرت ذنوبه و من ذكر الله بالاصال و هي العشيات و راجع نفسه فيما كان منه يومه ذلك من سرفه على نفسه و اضاعته لامر ربه فذكر الله و استغفر الله تعالى و اناب راح الى اهله و قد غفرت له ذنوبه .

ترجمه :

861 - رسول خدا ﷺ فرمود: همانا یاد کردن خداوند در صبحگاهان و شامگاهان از شکستن شمشیرها در راه خدای عزوجل بهتر است یعنی کسی که خداوند را در هنگام بامداد یاد کند و کردار بد شبانگاهانش را به یاد آورد و از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آرد آن روز در حالتی بر روز زمین سیر می کند که بدی هایش پاک شده و گناهانش بخشیده گردیده است و کسی که شبانگاه خدای را یاد کند و درباره غفلتی که از نفس خویش در طول روز داشته و ضایع نمودن فرمان پروردگارش به نفس خود مراجعه کند پس خدای را به یاد آورد و از او طلب مغفرت کند و به سوی خدا باز گردد آن شب در حالتی به سوی خانواده اش می رود که گناهانش بخشیده شده است .

حدیث :

862 - عن امیر المؤمنین علیه السلام قال : من حاسب نفسه ریح و من غفل عنها خسر و من خاف امن و من اعتبر ابصر و من ابصر فهم و من فهم علم .

ترجمه :

862 - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که از نفس خود مواظبت کند و از او حساب کشد سود می برد و کسی که از او غافل شود زیان می بیند و کسی که (از نفس خود) بیمناک باشد در سلامت و امان قرار می گیرد و کسی که عبرت

گیرد بینا شود و کسی که بینا باشد هوشیار و زیرک است و کسی که زیرکی دارد آگاهی می یابد.

حدیث :

863 - عن ابی ذر فی وصییه النبی ﷺ انه قال : یا ابا ذر حاسب نفسک قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابک غذا و زن نفسک قبل ان توزن و تجهز للعرض الاکبر یوم تعرض لاتخفی علی الله خافیه - الی ان قال : - یا ابا ذر لایکون الرجل من المتقین حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشریک شریکه فیعلم من این مطعمه و من این مشربه و من این ملبسه امن حلال او من حرام ؟ یا ابا ذر من لم یبال من این اکتسب المال لم یبال الله من این ادخله النار.

ترجمه :

863 - پیامبر ﷺ در وصیتش به ابوذر فرمود: ای ابوذر! از نفس خود حساب بکش پیش از اینکه از تو حساب کشیده شود زیرا حساب رسی امروزت بسی آسانتر از حسابی است که فردا از تو کشند و به نفس خود رسیدگی کن پیش از آنکه در ترازوی سنجش نهاده شوی و برای آن روز بزرگی که کردارها نمایان می شود خود را مهیا و آماده ساز همان روزی که اعمال هویدا می شود و هیچ چیز بر خداوند پوشیده نیست ، ای ابوذر! کسی از گروه پرهیزکاران شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد حسابرسی و دقتی شدید، شدیدتر از حسابی که شریکی از شریک خود می کشد، پس باید بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشاکش از کجاست ؟ آیا از حلال است یا از حرام ؟ ای ابوذر! کسی که باکی ندارد که از کجا و چه راهی مال به دست می آورد خداوند نیز درباره او باکی ندارد که وی را از چه راهی وارد آتش سازد.

حدیث :

864 - الحسن بن علی العسکری علیه السلام فی تفسیره عن آباءه علیهم السلام عن علی علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله قال : اکیس الکیسین من حاسب نفسه و عمل لما بعد الموت فقال رجل : یا امیر المؤمنین کیف یحاسب نفسه ؟ قال : اذا اصبح ثم امسی رجع الی نفسه و قال : یا نفسی ان هذا یوم مضی علیک لایعود الیک ابدا و الله یسألک عنه بما افیتته فما الذی عملت فیہ اذکرت الله ام حمدته اقضیت حوائج مومن فیہ انفتت عنه کربه احفظتیه بظهر الغیب فی اهلہ و ولده احفظتیه بعد الموت فی مخلفیه اکففت عن غیبہ اخ مومن اعنت مسلما ما الذی صنعت فیہ ؟ فیذکر ما کان منه فان ذکر انه جرى منه خیر حمدالله و کبره علی توفیقه و ان ذکر معصیه او تقصیرا استغفر الله و عزم علی ترک معاودته .

ترجمه :

864 - امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر خود از پدران بزرگوارش علیهم السلام و آنان از علی علیه السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت فرمود که : زیرک ترین زیرکان کسی است که نفس خود را به پای حساب کشد و برای بعد از مرگ خویش کار کند، مردی عرض کرد: ای امیر المؤمنین ! چگونه از نفس خود حساب کشد؟ فرمود: هرگاه صبح می کند سپس وارد شب می شود به نفس خود مراجعه کند و بگوید: ای نفس من ! این روزی بود که بر تو گذشت و دیگر هرگز باز نمی گردد و خداوند از تو درباره این روز می پرسد که چگونه آن را گذراندی و چه کاری در آن انجام دادی ؟ آیا خداوند را یاد کردی یا ستایش نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی ؟ آیا در نبود مومنی در میان خانواده

و فرزندانش او را محافظت کردی؟ آیا بعد از مرگ مومنی در میان بازماندگانش (حق) او را محفوظ داشتی؟ آیا از غیبت نمودن برادر دینی ات دست برداشتی که مسلمانی را یاری کرده باشی؟ در این روز چه کردی؟ پس هر آنچه از خود می داند به یاد آورد پس اگر به یاد آورد که خیری از او صادر شده خداوند را سپاس گوید و او را بر توفیقی که به وی بخشیده تعظیم کند و اگر به یاد آورد که گناهی یا کوتاهی کردنی از او سر زده از خداوند طلب مغفرت کند و تصمیم بگیرد که دیگر به آن گناه باز نگردد.

حدیث :

865 - علی بن موسی بن طاوس فی کتاب محاسبه النفس قال : روينا فی الحدیث النبوی المشهور: حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الاکبر.

ترجمه :

865 - علی به موسی بن طاوس در کتاب (محاسبه النفس) گوید: در حدیث نبوی مشهور برای ما نقل شده است که فرمود: از نفسهایتان حساب بکشید پیش از آنکه شما را به پای حساب بکشند و آنها را با دقت بسنجید پیش از اینکه با دقت بازرسی شوید و برای روز بزرگ قیامت خود را مهیا سازید.

حدیث :

866 - قال رسول الله ﷺ : لا یكون العبد مومنا حتی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشریک شریکه و السید عبده . (الحدیث)

ترجمه :

866 - رسول خدا ﷺ فرمود: بنده ای مومن (حقیقی) شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد آن هم حساب کشیدنی که به مراتب سخت تر و دقیقتر از حسابی باشد که شریک از شریک خود و آقا از بنده خود می کشد.

حدیث :

867 - و عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن ابيه عن آبائه عليهم السلام قال : ما من يوم ياتي على ابن آدم الا قال له ذلك اليوم : يا ابن آدم انا يوم جديد و انا عليك شهيد فافعل في خيرا و اعمل في خيرا اشهد لك يوم القيامة فانك لن تراني بعدها ابدا.

ترجمه :

867 - امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی اش : روایت فرمود: هیچ روزی بر فرزند آدم نمی آید جز اینکه خطاب به آدمی می گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و من بر تو گواه و شاهدم پس در من کردار نیکو انجام ده تا من در روز قیامت به نفع تو گواهی دهم زیرا تو پس از این هرگز مرا نخواهی دید.

حدیث :

868 - عن الصادق عن ابيه عليه السلام قال : الليل اذا اقبل نادى مناد بصوت يسمعه الخلائق الا الثقلين يا ابن آدم انى خلق جديد انى على ما فى شهيد فخذ منى فانى لو طلعت الشمس لم ارجع الى الدنيا و لم تزد فى من حسنه و لم تستعتب فى من سيئه و كذلك يقول النهار اذا ادبر الليل .

ترجمه :

868 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت فرمودند هرگاه شب روی می آورد ندا دهنده ای با صدایی که همه مخلوقات به جز جن و انس آن را می شنوند ندا در می دهد که : ای فرزند آدم ! من مخلوق جدیدی هستم ، به راستی که من بر آنچه در من انجام می شود گواهم پس . (فرصتهایم را) از من بستن زیرا اگر خورشید طلوع کند دیگر من به سوی دنیا باز نمی گردم و تو نمی دانی در من بر نیکی ات نیکی ای بیفزایی و نمی توانی از بدی ای باز گردی (پس مرا غنیمت شمار) و همچنین هرگاه شب پشت می کند و روز می آید روز نیز این سخنان را می گوید.

حدیث :

869 - عن علی بن الحسین علیه السلام قال : ان الملك الحافظ علی العبد یکتب فی صحیفه اعماله فاملوا فی اولها خیرا و فی آخرها خیرا یغفر لکم ما بین ذلک .
ترجمه :

869 - امام سجاد علیه السلام فرمود: به راستی که فرشته ای که نگاهبان بنده است در نامه اعمال او (کارهایش را) می نویسد پس شما در اول و آخر آن نامه ، نیکی را بر او دیکته کنید (که بنویسد) تا آنچه که در بین اول و آخر است بر شما بخشیده شود. 97 - باب وجوب زیاده التحفظ عند زیاده العمر خصوصا ابنا، الاربعین فصاعدا

97 - باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن

خصوصا کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند

حدیث :

870 - قال ابو عبدالله عليه السلام : ان العبد لفي فسحة من امره ما بينه و بين اربعين

سنه فاذا بلغ اربعين سنه اوحى الله عزوجل الى ملكيه قد عمرت عبدى هذا عمرا
فغلظا و شددا و تحفظا و اکتبا عليه قليل عمله و کثيره و صغیره و کبیره .

ترجمه :

870 - امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که بنده (از آغاز تکلیف) تا چهل

سالگی در فراخی و وسعت است (و جبران لغزشها و خطاهایش آسانتر است) پس زمانی که به چهل سالگی رسید خداوند عزوجل به دو فرشته نگاهبان او وحی می فرستد که به این بنده ام چنین عمری دادم پس از این بر او سخت بگیرد و با دقت او را زیر نظر داشته باشید و عمل کم و زیاد و کوچک و بزرگ وی را بنویسد.

حدیث :

871 - عن ابی جعفر عليه السلام قال : اذا اتت علی الرجل اربعون سنه قيل له خذ

حذرک فانک غیر معذور و لیس ابن الاربعین احق بالحذر من ابن العشرين فان
الذی یطلبها واحد و لیس براقدا فاعمل لما امامک من الهول و دع عنک فضول
القول .

ترجمه :

871 - امام باقر عليه السلام فرمود: هرگاه مرد به چهل سالگی برسد به او گفته می

شود که احتیاط پیشه کن که دیگر عذری نخواهی داشت و شخص چهل ساله

از شخص بیست ساله به احتیاط کردن سزاوارتر نیست زیرا آن خدایی که از هر دو طالب عمل است یکی است و خواب نیست پس برای آن هراسی که در قیامت در پیش روی توست کار کن و سخن زیادی را واگذار.

حدیث :

872 - قال ابو عبدالله عليه السلام : خذ لنفسك خذ منها في الصحه قبل السقم و في القوه قبل الضعف و في الحياه قبل الممات .

ترجمه :

872 - امام صادق عليه السلام فرمود: برای نفس خودت (توشه) بگیر، در زمان سلامتی پیش از بیماری و در زمان توانایی پیش از ناتوانی و در زندگانی پیش از مردن .

حدیث :

873 - عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : العمر الذي اعذر الله فيه الي ابن آدم ستون سنه .

ترجمه :

873 - اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: آن مدت عمری که خداوند برای فرزندان آدم جای عذر و بهانه را باقی گذارده است شصت سال است .

حدیث :

874 - محمد بن علی بن الحسین قال : سئل الصادق عن قول الله عزوجل : (ولم نمرکم ما يتذکر فيه من تذکر) فقال : توبیخ لابن ثمانیه عشر سنه .

ترجمه :

874 - محمد بن علی بن حسین گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: (آیا به شما آن مقدار عمر ندادیم که

در آن پند می گیرد کسی که پندپذیر است؟) (179) حضرت فرمود: این آیه در بردارنده سرزنش و توبیخ کسی است که به هجده سالگی رسیده است .

حدیث :

875 - عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال : ثلاث من لم تكن فيه فلا يرجى خيره ابدأ من لم يخش الله في الغيب و لم يرع في الشيب و لم يستح من العيب .

ترجمه :

875 - امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه در او نباشد درباره او هرگز امید خیر و خوبی برده نمی شود: کسی که در نهان از خدا نترسد و در پیری ورع و پارسایی نداشته باشد و از عیب و نقص شرمگین نباشد.

حدیث :

876 - قال ابو عبدالله عليه السلام : اذا بلغ العبد ثلاثا و ثلاثين سنة فقد بلغ اشد و اذا بلغ اربعين سنة فقد بلغ منتهاه فاذا طعن في واحد و اربعين فهو في النقصان و ينبغي لصاحب الخمسين ان يكون كمن كان في النزاع .

ترجمه :

876 - امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که بنده به سی و پنج سالگی رسید به دوران قوت و توانایی خود رسیده است و آنگاه که به چهل سالگی برسد (گوئیا) به انتهای عمر خود رسیده است پس هنگامی که وارد چهل و یک سالگی شود چنین کسی در (سراشویی) نقصان است و کسی که عمرش به پنجاه رسیده سزاوار است همانند کسی باشد که در حال نزاع و جان کندن است 98 -

باب وجوب عمل الحسنه بعد السینه

98 - باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه حدیث :

877 - قال ابو عبدالله عليه السلام في حدیث : من احب ان يعلم ما له عند الله فلينظر ما لله عنده و من خلا بعمل فلينظر فيه فان كان حسنا جميلا فليمض عليه و ان كان سيئا فبيحا فليجتنبه فان الله اولى بالوفاء و الزيادة و من عمل سيئه في السر فليعمل حسنه في السر و من عمل سيئه في العلانيه فليعمل حسنه في العلانيه .

ترجمه :

877 - امام صادق عليه السلام در ضمن حدیثی فرمود: هر کس دوست دارد که بداند چه (منزلی) در نزد خدا دارد پس باید بنگرد که خداوند چه منزلتی در نزد او دارد و کسی که با عمل خود خلوت کرد (در پنهانی عملی انجام داد) پس در آن نظر کند اگر آن عمل نیکو و زیبا بود به آن ادامه دهد و اگر بد و زشت بود از آن اجتناب و دوری کند زیرا خداوند از هر کس دیگری سزاوارتر است به اینکه (به وعده ای که درباره نیکوکاران داده) وفا کند و به آنان زیادتى بخشد، و کسی که در پنهانی عمل بدی انجام دهد باید عمل نیکی نیز در پنهانی انجام دهد و کسی که عمل زشتی آشکارا به جای آورد باید کار نیکی نیز آشکارا انجام دهد.

حدیث :

878 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال : كان علی بن الحسین عليه السلام يقول : و یل لمن غلبت آحاده اعشاره فقلت له و کیف هذا؟ قال : اما سمعت الله عزوجل یقول (من جاء بالحسنه فله عشر امثالها و من جاء بالسيئه فلا یجری الا مثلها) فالحسنه الواحده اذا عملها کتبت له عشرا و السيئه الواحده اذا عملها کتبت له

واحدہ فتعود باللہ ممن یرتکب فی یوم واحد عشر سیئات و لایکون له حسنہ
واحدہ فتغلب حسناته سیئاته .

ترجمہ :

878 - امام صادق علیہ السلام فرمود: امام سجاد علیہ السلام می فرمود: وای بر کسی که
یکی یکی های او بر ده تایی های او غالب شود راوی گوید: عرض کردم: این
چگونه باشد؟ فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند عزوجل می فرماید: (کسی که
کار نیکی انجام دهد پاداش او ده برابر آن است و کسی که مرتکب کار بدی شود
تنها به همان اندازه جزایش را خواهد دید) ⁽¹⁸⁰⁾ پس هرگاه یک نیکی انجام دهد
برای او ده نیکی نوشته می شود و هرگاه یک بدی به جای آورد برایش یک
بدی ثبت می شود پس به خدا پناه می بریم از کسی که در یک روز مرتکب ده
گناه می شود ولی یک کار نیک انجام نمی دهد تا در نتیجه بدیهایش بر نیکی
هایش غالب می شود.

حدیث :

879 - عن ابی عبدالله علیہ السلام قال : ان الله عزوجل اوحی الی عیسی علیہ السلام ما
اکرمت خلیقه بمثل دینی و لالانعمت علیها بمثل رحمتی اغسل بالماء منک ما
ظهر و داو بالحسنات ما بطن فانک الی راجع شمر فکل ما هو آت قریب و
اسمعنی منک صوتا حزینا.

ترجمہ :

879 - امام صادق علیہ السلام فرمود: خدای عزوجل به عیسی علیہ السلام وحی فرستاد
که: هیچ مردمی را به چیزی همانند دین خود گرامی نداشته ام و بر هیچ مردمی
به چیزی همانند رحمت خود نعمت نبخشیده ام، به وسیله آب ظاهر خود را
بشوی (و پاکیزه کن) و به کمک نیکوکاری ها (بیماری های) درون خود ار

درمان کن زیرا تو با شتاب به سوی من باز می گردی ، پس آینده نزدیک است ، و از خودت صدایی غمناک به من بشنوان (راز و نیازی با صوتی حزین با من داشته باش تا از تو چنین صدایی بشنوم).

حدیث :

880 - عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر الباقر عليه السلام قال سمعته يقول : ما احسن الحسنات بعد السيئات و ما اقبح السيئات بعد الحسنات .

ترجمه :

880 - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: چه نیکوست نیکی ها بعد از بدیها و چه زشت است بدیها پس از نیکی ها.

حدیث :

881 - عن ابي ذر قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اتق الله حيثما كنت و خالق الناس بخلق حسن و اذا عملت سيئه فاعمل حسنه تمحوها.

ترجمه : 881 - ابوذر گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: در هر جا و هر حالی از خدا بترس و با مردمان با اخلاق نیکو معاشرت کن و هرگاه مرتکب گناهی شدی پس از آن کار نیکی انجام ده تا آن گناه را از بین ببرد.

99 - باب صحه التوبه من المرتد

99 - باب صحیح بودن توبه شخص مرتد حدیث :

882 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : من کان مومناً فعلم خیراً فی ایمانه ثم اصابته فتنه فکفر ثم تاب بعد کفره کتب له و حسب له کل شیء کان عمله فی ایمانه و لا یبطله الکفر اذا تاب بعد کفره .

ترجمه :

882 - امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که با ایمان باشد و در زمان ایمانش کار خیری انجام دهد سپس فتنه ای به او برسد و کافر شود پس از آن از کفر خویش توبه کند و مومن گردد آن عمل خیر و هر کاری که در وقت ایمانش انجام داده برای او نوشته شده و حساب می گردد و هرگاه پس از کفر توبه کند کفر او کار خیر او را (که در زمان مومن بودنش به جای آورده) باطل نمی کند.

17 جهاد با نفس 100 - باب وجوب الاستغال بصالح الاعمال عنالاهل و

المال

100 - باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه

همواره به زن و فرزند و مال پردازد

حدیث :

883 - قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان ابن آدم اذا كان في آخر يوم من ايام الدنيا و اول يوم من ايام الاخره مثل له ماله و ولده و عمله فیلتفت الی ماله فیقول : و الله این كنت علیک حریصا شحیحا فما لی عندک ؟ فیقول : خذ منی کفک قال : فیلتفت الی ولده فیقول : و الله انی كنت لکم محبا و انی كنت علیکم محامیا فما ذا عندکم ؟ فیقولون : نودیک الی حفرتک نواریک فیها قال : فیلتفت الی عمله فیقول : و الله انی كنت فیک لزاهدا و ان كنت لتقیلا فیقول : انا قرینک فی قبرک و یوم نشرک حتی اعرض انا و انت علی ربک .

ترجمه :

883 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که فرزند آدم آنگاه که در آخرین روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت قرار می گیرد مال و فرزندان و عملش در مقابل او به نمایش گذاشته می شود پس به سوی مال و دارایی خود رو می کند و می گوید: سوگند به خدا که من بر تو حریص و بخیل بودم پس چه چیزی برای من در نزد توست ؟ مال خطاب به او می گوید: از من تنها کفن خود را بگیر، پس به فرزندان خود رو می کند و می گوید: به خدا سوگند که دوستدار شما بودم و همواره حمایت و پشتیبانی شما را می نمودم پس حال چه چیزی در نزد شما برای من هست ؟ فرزندان گویند: (پس از مرگت) تو را به (کنار) قبرت می رسانیم و در آن پوشیده و پنهان می سازیم ، پس رو به سوی عملش می کند و می گوید: به خدا سوگند که من به تو اعتنایی

نداشتم اگر چه تو سنگین (و ارزشمند) بودی ، عمل خطاب به او گوید: من در
قبرت با تو همدم خواهم بود و تا روز برانگیخته شدن با تو همراهم تا اینکه من
و تو بر پروردگارت عرض شویم .

حدیث :

884 - عن الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال : قال علي عليه السلام : ان للمرء
المسلم ثلاثة اخلاء فخليل يقول له : انا معك حيا و ميتا و هو عمله و خليل
يقول له : انا معك حتى تموت و هو ماله فاذا مات صار للوارث و خليل يقول له
: انا معك الي باب قبرك ثم اخليك و هو ولده .

ترجمه :

884 - امام صادق عليه السلام از پدرانش که درود و سلام بر آنان باد روایت
فرمود که : علی عليه السلام فرمود: همانا شخص مسلمان سه دوست دارد یکی دوستی
که به وی می گوید: من در زندگی و مرگ با تو هستم ، و آن دوست عمل
اوست . و دیگری دوستی که به وی می گوید: من تا زمان مرگ با تو هستم ، و
آن مال و دارایی اوست که زمانی که مرد به وارث منتقل می شود. و سوم
دوستی که به وی می گوید: من تا در قبرت با تو هستم سپس تو را تنها می
گذارم ، و او فرزند وی است .

101 - باب وجوب الحذر من عرض العمل على الله و رسوله و الائمه عليهم السلام

101 - باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر

خدا و رسول و ائمه علیهم السلام

حدیث :

885 - عن ابی عبدالله علیه السلام قال : تعرض الاعمال علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اعمال العباد کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروها و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و المومنون) و سکت .

ترجمه :

885 - امام صادق علیه السلام فرمود: اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه نابکاران در هر صبحگاه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود پس ، از اعمال خود بیمناک باشید و گفتار خدای عزوجل که می فرماید: (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش عمل شما را می بینند)⁽¹⁸¹⁾ همین است ، و حضرت با خواندن این آیه تا اینجا سکوت فرمود.

حدیث :

886 - عن الوشاء قال سمعت الرضا علیه السلام يقول : ان الاعمال تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ابرارها و فجارها .

ترجمه :

886 - و شاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا اعمال بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود چه اعمال نیکوکاران و چه اعمال نابکاران .

حدیث :

887 - عن يعقوب بن شعيب قال : سألت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل (اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله و المومنون) قال : هم الائمة عليها السلام .

ترجمه :

887 - يعقوب بن شعيب گوید: از امام صادق عليه السلام درباره این آیه که می فرماید: (عمل کنید به زودی خداوند و رسولش و مومنان عمل شما را خواهند دید) ⁽¹⁸²⁾ پرسیدم که مراد از مومنان کیانند؟ فرمود: آنان ائمه عليها السلام هستند.

حدیث :

888 - عن سماعة عن ابي عبدالله عليه السلام قال : سمعته يقول : ما لكم تسوءون رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ؟ فقال له رجل : كيف نسووه ؟ فقال : اما تعلمون ان اعمالكم تعرض عليه فاذا رای فيها معصيه ساءه ذلك فلا تسوءوا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و سروه .

ترجمه :

888 - سماعة گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: شما را چه شده است که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم را اندوهگین می سازید؟ مردی به حضرت عرض کرد: چگونه رسول الله را اندوهگین می کنیم؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانید که اعمال شما بر او عرضه می شود؟ پس هرگاه در اعمال شما گناهی مشاهده کند اندوهگینش می سازد، پس رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم را غمگین نسازید و او را (با اعمال خوب خود) خوشحال بگردانید.

حدیث :

889 - عن عبدالله بن ابان الزيات و كان مكينا عند الرضا عليه السلام قال : قلت للرضا عليه السلام : ادع الله لي و لاهل بيتي فقال : او لست افعل ؟ ان اعمالكم لتعرض

علی فی کل یوم و لیلہ قال : فاستعظمت ذلک فقال لی : اما تقرأ کتاب اللہ عزوجل (و قل اعملوا فسیری اللہ عملکم و رسوله و المومنون) قال هو و اللہ علی بن ابی طالب علیه السلام .

ترجمہ :

889 - عبدالله بن ابان روغن فروش که در نزد امام رضا علیه السلام صاحب مقام و منزلتی بود گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خدای را برای من و خانواده ام بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: آیا چنین کاری نمی کنم؟! همانا اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود. عبدالله گوید: این سخن امام را بزرگ شمردم (و در نزد من امری عظیم جلوه کرد) پس حضرت فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: (و بگو عمل کنید که زود باشد که خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را ببینند) ⁽¹⁸³⁾ به خدا سوگند که مراد از مومنان در این آیه علی بن ابی طالب علیه السلام و (ائمہ طاهرین) هستند.

حدیث :

890 - عن ابی جعفر علیه السلام انه ذکر هذه الایه فسیری اللہ عملکم و رسوله و المومنون قال : هو و اللہ علی بن ابن ابی طالب علیه السلام .

ترجمہ :

890 - امام باقر علیه السلام این آیه را ذکر نمود و فرمود: سوگند به خدا که مراد از (مومنون) علی بن ابی طالب علیه السلام (و امامان پس از ایشان) است .

حدیث :

891 - محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله و سلم : حیاتی خیر لکم و مماتی خیر لکم الی ان قال و اما مفارقتی ایاکم فان اعمالکم تعرض

علی کل یوم فما کان من حسن استزدت الله لکم و ما کان من قبیح استغفرت الله لکم . (الحديث)

ترجمه :

891 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: زندگانی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است تا آنجا که فرمود: اما اینکه جدایی من از شما برایتان مایه خیر است زیرا اعمال شما هر روز بر من عرضه می شود پس آن اعمالتان که نیکوست از خداوند برای شما طلب زیادتی آنها را می نمایم و برای آن اعمالی از شما که زشت است از خداوند طلب آمرزش می کنم .

حدیث :

892 - و روی ان اعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی الائمہ علیهم السلام کل یوم ابرارها و فجارها فاحذروا و ذلک قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون).

ترجمه :

892 - و روایت شده است که : اعمال بندگان در هر روز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام عرضه می شود اعمال نیکو کاران و نابکاران ، پس بترسید و این روایت معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید: (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را خواهند دید.)⁽¹⁸⁴⁾

حدیث :

893 - عن ابی بصیر قال قلت لابی عبدالله علیه السلام : ان ابا الخطاب کان یقول : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تعرض علیه اعمال امته کل خمیس فقال ابو عبدالله علیه السلام : لیس هکذا و لکن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تعرض علیه اعمال امته کل صباح ابرارها و

فجارها فاحذروا و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسولہ و المومنون) و سکت قال ابوبصیر: انما عنی الائمہ علیہ السلام .

ترجمه :

893 - ابی بصیر گوید: به امام صادق علیہ السلام عرض کردم: همانا ابا الخطاب می گوید که: بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعمال امتش در هر روز پنج شنبه عرضه می شود، امام صادق علیہ السلام فرمود: چنین نیست بلکه اعمال امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه نیکوکاران و چه بدکاران در هر صبحگاه بر ایشان عرضه می گردد و معنای گفتار خدای عزوجل نیز همین است که می فرماید: (و بگو عمل کنید که زود باشد عمل شما را خدا و رسول او و مومنان ببینند)⁽¹⁸⁵⁾ و حضرت صادق علیہ السلام سکوت فرمود. ابوبصیر گوید: همانا از (مومنون) ائمہ علیہم السلام را قصد کرده است .

حدیث :

894 - قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: حیاتی خیر لکم و مماتی خیر لکم اما حیاتی فتحدثنی و احدثکم و اما موتی فتعرض علی اعمالکم عشیه الاثین و الخمیس فما کان من عمل صالح حمدت الله علیه و ما کان من عمل سیی استغفرت الله لکم .

ترجمه :

894 - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زندگی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است ، اما خیر زندگی ام برای شما این است که با من سخن می گوئید و من نیز با شما سخن می گویم (و دینتان را از من می آموزید) و اما خیری که در مرگ من برای شماست این است که اعمال شما غروب دوشنبه و پنج شنبه بر

من عرضه می شود پس بر عمل شایسته شما خدای را سپاس می گویم و از عمل ناشایست شما برایتان از خداوند طلب مغفرت می نمایم .

حدیث :

895 - و قال رسول الله ﷺ : من ضمن لی ما بین لحييه و ما بین رجلیه
ضمنت له الجنة .

ترجمه :

895 - رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس برای من ضمانت ما بین دو فک
خود (یعنی دهان) خود و ما بین دو پای خود (یعنی فرج خود) را کند من نیز
ضامن بهشت او خواهم بود.

حدیث :

896 - و عن الرضا عليه السلام عن آباءه عليه السلام عن علي بن الحسين عليه السلام قال : ان
اعمال هذه الامه ما من صباح الا و تعرض علي الله تعالى .

ترجمه :

896 - امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : امام سجاد
عليه السلام فرمود: به راستی که هیچ صبحی نیست جز اینکه اعمال این امت بر
خداوند تعالی عرضه می شود.

حدیث :

897 - عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله ﷺ و هو في نفر من
الصحابه : ان مقامي بين اظهركم خير لكم و ان مفارقتي اياكم خير لكم الى ان
قال : اما مقامي بين اظهركم خير لكم فان الله يقول (و ما كان الله ليعذبهم و انت
فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون) یعنی يعذبهم بالسيف و اما مفارقتي

ایاکم خیر لکم فان اعمالکم تعرض علی کل اثین و خمیس فما کان من حسن حمدت الله علیه و ما کان من سیی استغفرت لکم .

ترجمه :

897 - امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که در میان چند تن از اصحابش بود فرمود: به راستی که اقامت من در بین شما برایتان مایه خیر است و جدا شدن من نیز از شما خیر شما را در بر دارد. اما (اینکه گفتم) اقامت من در بین شما مایه خیر شماست ، زیرا خداوند می فرماید: (خداوند آنان را تا زمانی که تو در بین آنان هستی عذاب نمی کند و خداوند تا زمانی که آنان استغفار می کنند آنان را به عذاب نمی رساند)⁽¹⁸⁶⁾ یعنی آنها را با شمشیر (جنگ و خونریزی) عذاب می کند (نه اینکه مانند اقوام گذشته بر آنان عذاب بفرستد) و اما (اینکه گفتم) جدایی من از شما موجب خیر برای شماست ، زیرا عملهای شما هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود پس هر عملی از عملهای شما نیکو باشد خدای را بر آن سپاس می گویم و هر عملی بد باشد برای شما درباره آن از خداوند طلب مغفرت می کنم .

حدیث :

898 - عن ابن اذینه قال : كنت عند ابي عبدالله عليه السلام فقلت له : قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون) قال : ايانا عنی .

ترجمه :

898 - ابن اذینه گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که به ایشان عرض کردم : (مراد از مومنون در) گفتار خدای عزوجل (چیست؟) که می فرماید: (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند)⁽¹⁸⁷⁾ حضرت فرمود: مراد از مومنون ما ایم و خداوند ما را قصد کرده است .

حدیث :

899 - عن داود بن کثیر الرقی قال : کنت جالسا عند ابی عبدالله علیه السلام اذ قال مبتدئا من قبل نفسه : یا داود لقد عرضت علی اعمالکم یوم الخمیس فرایت فیما عرض علی من عملک صلتک لابن عمک فلان فسرنی ذلک انی علمت ان صلتک له اسرع لفناء عمره و قطع اجله قال داود: و کان لی ابن عم معاندا ناصبیا خبیثا بلغنی عنه و عن عیاله سوء حال فصکت له نفقه قبل خروجی الی مکه فلما صرت فی المدینه اخبرنی ابو عبدالله علیه السلام بذلک .

ترجمه :

899 - داود بن کثیر رقی گوید: در نزد امام صادق علیه السلام نشستہ بودم کہ ناگهان ایشان بدون مقدمه و از جانب خود آغاز سخن نمود و فرمود: ای داود! در روز پنج شنبه عملهای شما بر من عرضه می شود و من در بین اعمال تو که بر من عرضه شد دیدم که صله و رابطه با پسر عمویت را به جا آوردی و این کار تو مرا خوشحال کرد و من دانستم که این عمل تو عمر او را زودتر و سریعتر فانی می سازد و مرگش را فرا می رساند.

داود گوید: من پسر عمویی داشتم که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی داشت و فرد خبیثی بود و به من خبر رسیده بود که او و خانواده اش در وضعیت بدی به سر می برند و من پیش از بیرون آمدن به سوی مکه هزینه ای برای زندگی آنان قرار دادم و زمانی که به مدینه بازگشتم امام صادق علیه السلام مرا از عمل خودم خبردار ساخت .

حدیث :

900 - علی بن موسی بن طاوس فی رساله محاسبه النفس قال : رایت و رویت فی عده روایات متفقات ان یوم الاثنين و یوم الخمیس تعرض فیهما الاعمال علی الله و علی رسوله و علی الائمه علیهم السلام .

ترجمه :

900 - ابن طاوس در رساله (محاسبه النفس) گوید: در عده ای از روایات موافق با هم دیده ام و برایم روایت شده است که در روز دوشنبه و پنج شنبه اعمال مردمان بر خداوند و رسولش و ائمه علیهم السلام عرضه می شود.

حدیث :

901 - عن احمد بن عمر عن ابی الحسن علیه السلام قال : سئل عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیرى الله عملکم و رسوله و المومنون) قال : ان اعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا.

ترجمه :

901 - احمد بن عمر روایت کند که از حضرت رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید: (عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند)⁽¹⁸⁸⁾ حضرت فرمود: به راستی که اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه بدکاران هر صبحگاه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود پس بترسید و بر حذر باشید.

حدیث :

902 - عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اعمال العباد تعرض علی نبیکم کل عشیه خمیس فلیستحی احدکم ان یرض علی نبیه العمل القبیح .

ترجمه :

902 - امام باقر عليه السلام فرمود: به راستی که اعمال بندگان هر شامگاه پنج شنبه بر پیامبر شما عرضه می شود پس هر کس از شما از اینکه بر پیامبرش عمل زشتی از او عرضه شود باید شرم داشته باشد.
حدیث :

903 - عن حفص بن البختری و غیر واحد قال : تعرض الاعمال یوم الخمیس علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الائمة عليهم السلام .
ترجمه :

903 - از حفص بن بختری و عده ای دیگر از راویان روایت است که : اعمال در روز پنج شنبه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه عليهم السلام عرضه می شود.
حدیث :

904 - عن برید العجلی قال : كنت عند ابی عبدالله عليه السلام فسالته عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون) قال : ایانا عنی .
ترجمه :

904 - برید عجلی گوید: نزد امام صادق عليه السلام بودم که از ایشان درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید: (عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را می بینند)⁽¹⁸⁹⁾ حضرت فرمود: خداوند در این آیه از (مومنون) ما را اراده کرده است .
حدیث :

905 - عن ابی عبدالله عليه السلام قال فی قوله تعالی اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون قال : هم الائمة عليهم السلام .
ترجمه :

905 - امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: (عمل کنید که زود باشد خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را ببینند)⁽¹⁹⁰⁾ فرمود: مراد از (مومنون) ائمه علیهم السلام می باشند.

حدیث :

906 - عن برید العجلی قال : قلت لابی جعفر علیه السلام (اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و المومنون) فقال : ما من مومن یموت و لا کافر فیوضع فی قبره حتی یرض عملہ علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی علی و ہلم جرا الی آخر من فرض الله طاغته علی العباد.

ترجمه :

906 - برید عجلی گوید: برای امام باقر علیه السلام این آیه را خواندم که: (عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش و مومنین عمل شما را می بینند)⁽¹⁹¹⁾ حضرت فرمود: هیچ مومن و کافری نیست که بمیرد و در قبرش نهاده شود مگر اینکه عملش بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بر علی علیه السلام و همینطور تا آخر بر همه آنانی که خداوند طاعت آنان را بر بندگان واجب ساخته است عرضه می شود.

حدیث :

907 - عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : یقول الله عزوجل (و قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و المومنون) ما المومنون ؟ قال : من عسی ان یکون الا صاحبک ؟

ترجمه :

907 - ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: (و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و

مومنان عمل شما را می بینند)⁽¹⁹²⁾ مراد از مومنان چه کسانی است؟ حضرت فرمود: چه کسی جز همین همدم تو امید آن می رود که مقصود از (مومنون) باشد؟ (یعنی مراد از مومنون ما اهل بیت پیامبر هستیم).

حدیث :

908 - عن عبدالله بن ابان قال : قلت للرضا عليه السلام : ادع الله لي و لمواليك فقال : و الله اني لاعرض اعمالهم على الله في كل خميس .

ترجمه :

908 - عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: خداوند را برای من و دوستدارانت بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: به خدا سوگند که من اعمال شما را در هر پنج شنبه به پیشگاه خداوند عرضه می کنم .

حدیث :

909 - عن عبدالله بن ابان قال : قلت للرضا عليه السلام ان قوما من مواليك سالوني ان تدعوا لله لهم فقال و الله اني لاعرض اعمالهم على الله في كل يوم .
(ثم كتاب الجهاد بقلم مولفه محمد الحر)

ترجمه :

909 - عبدالله بن ابان گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: همانا گروهی از دوستداران شما از من درخواست نموده اند که (به شما عرض کنم) برای آنان در درگاه خداوند دعا کنی، حضرت فرمود: به خدا سوگند که من در هر روز اعمال آنها را بر خداوند عرضه می کنم .

پاورقی ها

- 1-نحل / 106.
- 2-رعد / 28.
- 3-مائده / 41.
- 4-بقره / 284.
- 5-بقره / 83.
- 6-عنكبوت / 46.
- 7-نساء / 140.
- 8-انعام / 68.
- 9-زمر / 17 و 18.
- 10-مومنون / 1 تا 4.
- 11-قصص / 55.
- 12-فرقان / 72.
- 13-نور / 30.
- 14-نور / 31.
- 15-فصلت / 22.
- 16-اسراء / 36.
- 17-مائده / 6.
- 18-محمد / 4.
- 19-اسراء / 37.
- 20-لقمان / 19.
- 21-یسس / 65.
- 22-حج / 77.
- 23-جن / 18.
- 24-اسراء / 36.
- 25-اسراء / 36.
- 26-نور / 15.

- 27- حج / 77 .
- 28- جن / 18 .
- 29- فصلت / 22 .
- 30- نساء / 140 .
- 31- انعام / 2 .
- 32- انعام / 68 .
- 33- زمر / 17 و 18 .
- 34- فرقان / 72 .
- 35- قصص / 55 .
- 36- تور / 30 .
- 37- عنكبوت / 46 .
- 38- بقره / 83 .
- 39- نحل / 106 .
- 40- مائده / 41 .
- 41- رعد / 28 .
- 42- بقره / 248 .
- 43- مائده / 6 .
- 44- محمد / 4 .
- 45- اسراء / 37 و 38 .
- 46- يس / 65 .
- 47- اسراء / 36 .
- 48- اسراء / 36 .
- 49- شوری / 41 .
- 50- در نهج البلاغه به جای (روضه الحلم) آمده است : (رساخه الحلم) یعنی رسوخ و پا بر جا شدن بردباری .
- 51- قلم / 4 .
- 52- ظاهرا حضرت سخنی در باب مقدر بودن روزی بیان فرموده است و در پی آن این پرسش مطرح شده .

53-زمر / 17 و 18.

54-الرحمن / 46.

55-دخان / 51.

56-طلاق / 3.

57-طلاق / 3.

58-ابراهیم / 7.

59-غافر / 60.

60-یوسف / 106.

61-الرحمن / 46.

62-فاطر / 28.

63-مائده / 44.

64-طلاق / 2.

65-طبق روایتی دیگر نام حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ (سکن) بوده است مرحوم صدوق گوید: (آنچه از اسامی در مورد نوح ذکر شده است در حقیقت یک نام است که جملگی بر عبودیت او اشعار دارد) البته ممکن است نام اصلی ایشان (سکن) باشد و عبدالغفار و عبدالاعلی و عبدالملک و نوح همگی القاب ایشان باشند.

66-فصلت / 23.

67-آل عمران / 102.

68-زمر / 10.

69-فرقان / 23.

70-آل عمران / 135.

71-اعراف / 201.

72-آل عمران / 200.

73-آل عمران / 200.

74-مزمّل / 10 و 11.

75-فصلت / 34 و 35.

76-حجر / 97 و 98.

77-انعام / 33 و 34.

- 78-ق / 39.
- 79-سجده / 24.
- 80-اعراف / 137.
- 81-توبه / 5.
- 82-بقره / 191.
- 83-یعنی یقین و باور به اینکه صبر و شکیبایی دارای پاداش است و مصیبتی که پیش آمده مقدر بوده و جز خیر نیست .
- 84-انشراح / 5 و 6.
- 85-شعراء / 94.
- 86-شوری / 30.
- 87-بقره / 171.
- 88-قلم / 18 و 19 و 20.
- 89-مطففین / 14.
- 90-یس / 12.
- 91-یس / 12.
- 92-لقمان / 16.
- 93-سبا / 19.
- 94-رعد / 13.
- 95-سبا / 17.
- 96-بقره / 273.
- 97-نساء / 36.
- 98-نساء / 36.
- 99-نساء / 36.
- 100-یوسف / 87.
- 101-اعراف / 99.
- 102-نساء / 96.
- 103-نور / 24.
- 104-نساء / 10.

- 105- انفال / 17
- 106- بقره / 277
- 107- بقره / 97
- 108- فرقان / 69 و 70
- 109- آل عمران / 72.
- 110- آل عمران / 156.
- 111- توبه / 36.
- 112- بقره / 284.
- 113- رعد / 26.
- 114- نجم / 34.
- 115- بقره / 266.
- 116- مجادله / 22.
- 117- مجادله / 22.
- 118- این حدیث در خصال مرحوم صدوق (ره) به صورت کامل ذکر شده است و در ادامه حدیث تمامی مواردی را که مردم درباره اهل بیت علیهم السلام رعایت ننموده اند و انجام آنها را در حق ایشان روا داشته اند بر شمرده است. (رجوع شود به خصال، باب السبعه، حدیث 56).
- 119- نساء / 48 و 116.
- 120- نساء / 12.
- 121- انفال / 15.
- 122- بقره / 278.
- 123- نساء / 93.
- 124- نور / 24.
- 125- نساء / 36.
- 126- جا افتاده است.
- 127- در کتاب جا افتاده است.
- 128- در کتاب جا افتاده است.
- 129- در کتاب جا افتاده است.
- 130- نساء / 36.

- 131- انبیاء / 29 و 30.
- 132- رعد / 8.
- 133- نساء / 52.
- 134- آل عمران / 130.
- 135- انفال / 61.
- 136- نور / 8.
- 137- مریم / 56.
- 138- مریم / 61.
- 139- جعفری : در لغت به چند معنای دیگر نیز آمده است : متکبر درشت خلق ، پرخوار درشت خوی ، کوتاه ضخیم لاف زن .
- 140- فیء : آنچه که از دشمن بدون جنگ و از طریق تسلیم یا مصالحه و عقد و پیمان گرفته شود اعم از زمین یا اموال .
- 141- عریف : کارگزار قوم یا رئیس قوم ، شناسنده ، مامور شناسایی .
- 142- غبطه : آرزو بردن به نیکویی حال و نعمت و سعادت که دیگران دارند بدون آرزوی زوال آن نعمت از آنان .
- 143- بقره / 286.
- 144- نحل / 108.
- 145- شاید شتر رسول خدا ﷺ خود را به خاطر تندرو بودن یا به خاطر شتر پیامبر بودن از دیگر شتران برتر می دانسته .
- 146- حدید / 24.
- 147- طه / 132.
- 148- توبه / 55.
- 149- حدید / 24.
- 150- اسراء / 66.
- 151- بر فرض صحت سند این حدیث ، توضیح این حدیث این است که : در جنگهایی که بین مسلمین و غیر مسلمین در می گرفت غنائمی به دست مسلمین می افتاد که از جمله آن غنائم اسیران و کنیزان بودند که باید خمس آنان به ائمه علیهم السلام پرداخت می گردید ولی بسیاری از

مسلمین بدون پرداخت خمس ، آنان را مورد تملک و تصرف قرار می دادند و از آنان کودکانی متولد می گردید و این حدیث نظر به چنین کودکانی دارد بنابراین (ال) در الناس ال عهد می باشد.

152- در زمان جاهلیت ، اعراب را اعتقاد بر این بود که آمدن باران یا بادهای زمانی است که یکی از بیست و هشت ستاره مشخص (که هر یک به نامی نامگذاری شده بود) در مغرب فرود آید و ستاره ای دیگر از آنها طلوع کند مثلا بارانی را به ثریا نسبت می دادند و می گفتند: مطرنا بنسوء الثریا.

153- فجر / 14.

154- هود / 16.

155- آل عمران / 129.

156- اعراف / 181.

157- انفال / 33.

158- بقره / 277.

159- تحریم / 9.

160- تحریم / 9.

161- بقره / 223.

162- مومن / 8.

163- فرقان / 71.

164- توبه / 118. (توبه در اصل به معنای بازگشت و رجوع است . بازگشت بنده به سوی خداوند به اظهار پشیمانی و ندامت و توبه کردن است و بازگشت خداوند به سوی بنده به پذیرفتن توبه اوست).

165- تحریم / 9.

166- نساء / 111.

167- نجم / 33.

168- تحریم / 9.

169- هود / 92.

170- استدراج : در لغت کسی را پله پله به بالا بردن یا به زیر کشیدن و اندک اندک به سویی و به جایی بردن و در اصطلاح عبارت است از تجدد نعمتی بعد از نعمت دیگر به گونه ای که التذاذ به

آن نعمت ها شخص را از توجه به عقوبت کارهایش غافل سازد و اندک اندک به هلاکت نزدیک گردد.

171-قصص / 77.

172-نساء / 22.

173-مومن / 84 و 85.

174-انعام / 158.

175-طه / 43.

176-یونس / 90 و 91.

177-یونس / 90 و 91.

178-سجده / 4.

179-فاطر / 35.

180-انعام / 162.

181-توبه / 107.

182-توبه / 107.

183-توبه / 107.

184-توبه / 107.

185-توبه / 107.

186-انفال / 33.

187-توبه / 107.

188-توبه / 107.

189-توبه / 107.

190-توبه / 107.

191-توبه / 107.

192-توبه / 107.

فهرست مطالب

مقدمه	3
1 - باب وجوبه	5
3 - باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است	24
4 - باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها	39
6 - باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو	64
7 - باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر	69
8 - باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن باجهل و نادانی	75
9 - باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل	82
10 - باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی حدیث :	86
11 - باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او حدیث :	88
12 - باب عدم جواز امید و آرزو داشتن به غیر خدا حدیث :	91
13 - باب وجوب جمع بین خوف و رجا و عمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد	95
14 - باب وجوب ترس از خدا حدیث :	99
15 - باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا حدیث :	106
16 - باب وجوب حسن ظن به خداوند و ترحیم بدگمانی نسبت به خدا	114
17 - باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس	120

- 18 - باب وجوب فرمانبرداری از خداوند حدیث : 122
- 19 - باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت
خداوند 126
- 20 - باب وجوب رعایت تقوای الهی حدیث : 133
- 22 - باب وجوب پاکدامنی حدیث : 146
- 23 - باب وجوب خودداری از حرامها حدیث : 151
24. - باب وجوب ادای واجبات حدیث : 160
- 25 - باب استحباب صبر در تمامی کارها حدیث : 164
- 26 - باب استحباب بردباری حدیث : 171
- 27 - باب استحباب مدارا نمودن در کارها حدیث : 177
- 28 - باب استحباب فروتنی نمودن حدیث : 182
- 29 - باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل می
شود 187
- 30 - باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز 188
- 31 - باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها حدیث : 190
- 32 - باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحریم پیروی
از هوای نفس 192
- 33 - باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل 196
- 34 - باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد
..... 200
- 35 - باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای
مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد ... 206

- 36 - باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران پردازد به عیب خود مشغول باشد.....208
- 37 - باب وجوب عدالت حدیث :.....216
- 38 - باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل کند.....219
- 39 - باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند.....221
- 40 - باب وجوب دوری نمودن از لغزشها و گناهان حدیث :.....224
- 41 - باب وجوب خودداری نمودن از گناهان حدیث :.....234
- 42 - باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهای حرام حدیث :.....240
- 43 - باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند.....241
- 44 - باب تحریم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند حدیث :.....248
- 45 - باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره حدیث :.....250
- 46 - باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است حدیث :.....254
- 47 - باب صحیح بودن توبه از گناهان کبیره حدیث :.....277
- 48 - باب تحریم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار.....284
- 49 - باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترک شوند.....286
- 50 - باب تحریم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی.....306

- 51 - باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالباً در خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند.....312
- 52 - باب حرام بودن فریفتن (مردمان) دنیا به وسیله دین حدیث :315
- 53 - باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند317
- 54 - باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم حدیث :325
- 55 - باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطه..327
- 56 - باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند332
- 57 - باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق حدیث :334
- 58 - باب تحریم خود بزرگ بینی حدیث :337
- 59 - باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی344
- 60 - باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام حدیث :351
- 61 - باب تحریم دوستی دنیا و وجوب دشمن داشتن دنیا حدیث :355
- 62 - باب استحباب زاهدانه زندگی کردن در دنیا و حد زهد حدیث :358
- 63 - باب استحباب ترک نمودن آنچه از دنیا که بیش از اندازه ضرورت است368
- 65 - باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی حدیث :374
- 66 - باب کراهت بی قراری نمودن و سستی کردن حدیث :376
- 67 - باب کراهت طمع ورزیدن حدیث :378
- 68 - باب کراهت درشتی کردن (ناسازگاری) حدیث :382
- 69 - باب تحریم بد اخلاقی حدیث :383

- 70 - باب تحریم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می شود..... 386
- 71 - باب تحریم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان حدیث :..... 389
- 72 - باب تحریم هرزه گویی و بدون مبالات سخن گفتن 394
- 73 - باب تحریم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرک حدیث : 397
- 74 - باب تحریم تعدی و تجاوز حدیث :..... 400
- 75 - باب کراهت به خود بالیدن و مباحات کردن حدیث : 406
- 76 - باب تحریم قساوت قلب حدیث : 410
- 77 - باب تحریم ظلم حدیث :..... 413
- 78 - باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند..... 420
- 79 - باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند..... 423
- 80 - باب تحریم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او 426
- 81 - باب تحریم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است 428
- 82 - باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه مستحق کیفر است 430
- 83 - باب وجوب پشیمانی بر گناهان حدیث :..... 434
- 84 - باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحریم آشکارا گناه کردن..... 437

- 86 - باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد.....447
- 87 - باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن455
- 88 - باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه.....459
- 89 - باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر چه شکستن آن توبه تکرار گردد461
- 90 - باب استحباب یادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به یاد آورد.....465
- 91 - باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود.....467
- 92 - باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد469
- 93 - باب صحیح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که جان به گلو رسیده باشد پیش از اینکه مرگ را به چشم ببیند و همچنین است اسلام آوردن473
- 94 - باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر حدیث :.....481
- 95 - باب اینکه بر انسان واجب است که در روز آنچه را که در روز گذشته درباره آن کوتاهی کرده است تلافی کند و این کار را به فردا موکول نکند483

- 96 - باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکی ها و جبران نمودن بدیها 487
- 97 - باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصا کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند 496
- 98 - باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه حدیث : 499
- 99 - باب صحیح بودن توبه شخص مرتد حدیث : 502
- 100 - باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال پردازد 503
- 101 - باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام 505
- پاورقی ها 517
- فهرست مطالب 525